

محمد

مہد اس (عج)

مختصرہ جاوداران

محمد حسین طسوجی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مہدی «عج»

معجزہ جاودان

محمد حسین طسوجی

طسوجی، محمد حسین، ۱۳۵۱ -

مهدی (عج) معجزه جاودان / محمد حسین طسوجی -

قم: لاهیجی، ۱۳۸۲.

۲۳۲ ص.

ISBN 964-7048-35-1 ریال ۱۵۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۲۳۱ - ۲۳۲؛ همچنین به صورت

زیرنویس.

۱ - محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

۲ - مهدویت. ۳. مهدویت - انتظار - احادیث.

الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

۹ م ۵ ط / ۵۱ BP

۱۶۷۶۳-۸۲ م

کتابخانه ملی ایران

## انتشارات لاهیجی

قم: صندوق پستی: ۷۷۴-۳۷۱۸۵

تلفن: ۷۷۳۷۴۹۷-۲۱۸-۷۷۴۰ همراه: ۰۹۱۱۲۵۳۰۸۳۳

نام کتاب: مهدی معجزه جاودان

نویسنده: محمد حسین طسوجی

ناشر: انتشارات لاهیجی

چاپ: ولی عصر

سال انتشار: ۱۳۸۲

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۵۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰

شابک: ۹۶۴-۷۰۴۸-۳۵-۱

قم: پاساژ قدس طبقه آخر پلاک ۱۷۱

این کتاب دارای مجوز اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به وجود بی‌مثال و مقدس بقية الله الاعظم حجة ابن

الحسن العسكري «روحي فداء»

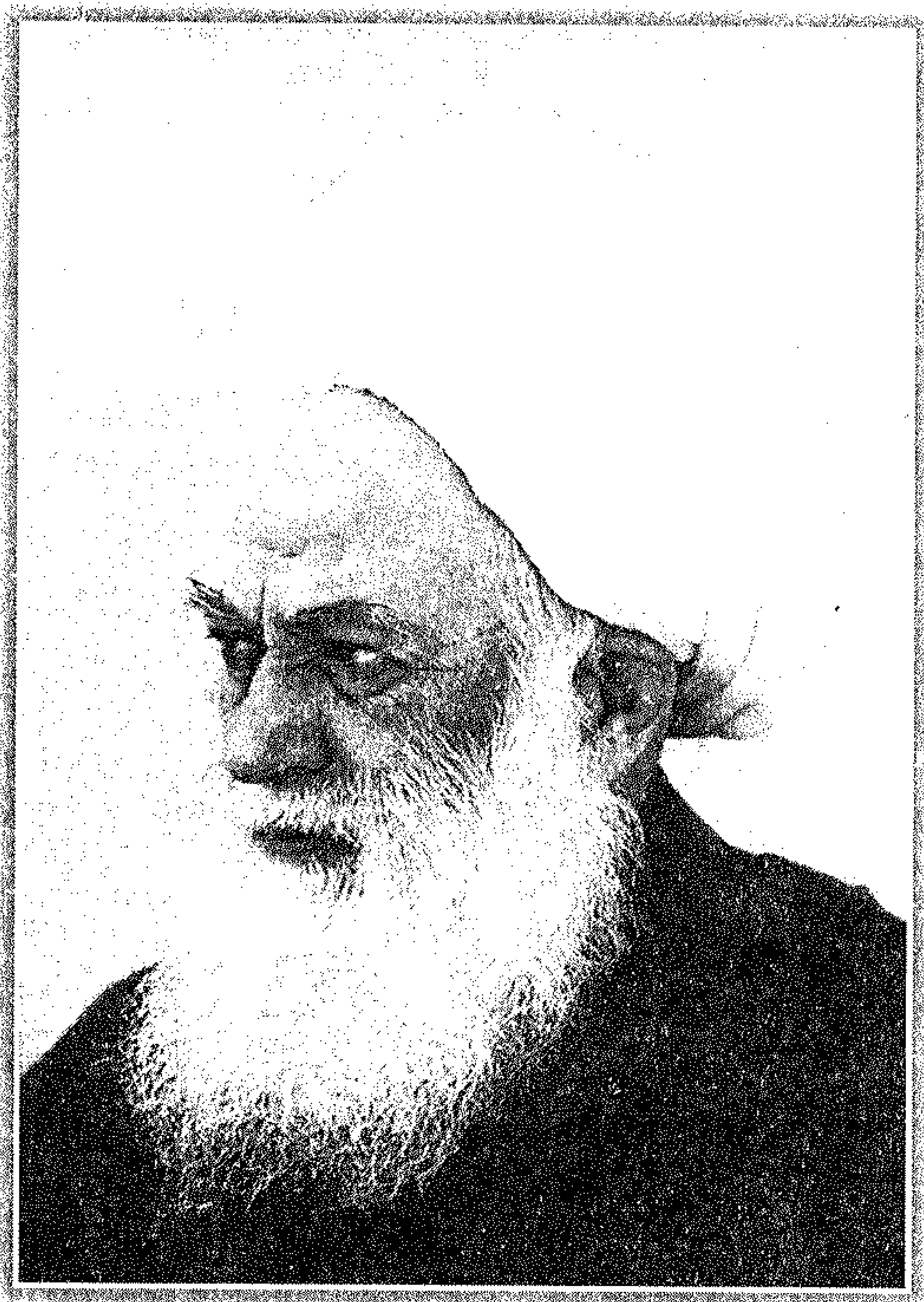
«هذا كتابٌ لو يُباعُ بوزنه ذهباً لكانَ البايعُ مغبوناً»<sup>(۱)</sup>

این کتاب شریف را که، با استفاده از نخبه‌ترین روایات و احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام و با استناد به آیات قرآن کریم، تهیه و تنظیم نموده‌ایم، تقدیم به روح پاک شهداء، صلحا، و پدر بزرگوارم آیه الله العظمی حاج شیخ عباس طسوجی رحمته‌الله که سالها عمر گرانبهای خود را عاشقانه وقف مولایش قطب عالم هستی بقية الله الاعظم حجة بن الحسن العسكري (روحي و ارواحُ العالمینِ لِثَرَابِ مَقْدَمِ الْفِدَاءِ) و صرف تربیت طلاب و تدریس علوم دینی نمود، می‌نمایم. و من الله توفیق

محمد حسین بن عباس الطسوجی

قم مطابق ۲۰ جمادی الثانی  
۱۴۲۳

۱- این کتابی است که اگر فروشنده هم وزنش طلا بگیرد فروشنده ضرر خواهد کرد



عاشق و عارف به وجود مقدس

حضرت بقیة اللہ الاعظم حجۃ بن الحسن العسکری (روحی و ارواح العالمین تراب مقدم الفداه)

فقید سعید آیت اللہ العظمیٰ حاج شیخ عباس طوسی (ره) <sup>(۱)</sup>

---

۱- این مرد شریف و عارف به وجود مقدس صاحب الزمان (عج) در (سوم خرداد سال هزار و سیصد و هفتاد و سه) به لقاء اللہ پیوست و در جوار گریه اہل بیت حضرت معصومہ (س) آرام گرفت.

(اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَاعِدًا وَ ناصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُشَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا).

(خداوندا پشتیبان باش بر ولیّت، امام زمان حجة بن الحسن و بر پدرانش درود فرست، در این ساعت و هر ساعتی و همواره نگهدار و نگهبان او باش تا جهان را به فرمان و خواسته حضرت درآوری و او را سالیان طولانی از آز بهره‌مند گردانی)

اما بعد، شیعیان ناامیدی و یأس را در این روزها از خود رانده و به عاقبت و سرنوشت جهان خوشبین هستند. اگر چه قوانین حاکم که اکنون در جهان حکمروایی می‌کنند، برای اصلاح و اداره جهان تدوین شده ولیکن به هیچ و جا جوابگوی آحاد بشر نبوده، و نتوانسته بشر را از گرداب جهل و شقاوت نجات دهد.

شیعه زمانی را پیش بینی می‌کند. که بشر عقلش کامل شده، و از کشتار و بی‌عدالتی و تبعیض و سرگردانی نجات یابد. و بدور از هر گونه شرک و بت پرستی و الحاد، به نهایت سعادت و خوشبختی برسد. و تنها یک پرچم از صدها پرچم را بر سر خود به احتراز در آورد. و آن پرچم بقیّة الله الأعظم (روحی و اروای العالمین لثراب مقدم الفداه) می باشد.

چراکه در قرآن آمده (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ) <sup>(۱)</sup> بقیة الله برای شما بهتر است اگر مؤمن هستید.

همان طور که جدش رسول اکرم ﷺ عرب زمان جاهلیت را از جهل و بت پرستی و الحاد، نجات داد، و عزت و شرف انسانیت را به آنها بازگردانید. فرزندش نیز این جهل و شقاوت حاکم بر جهان امروز را تبدیل به خیر و برکت و عدل و داد خواهد فرمود.

### وجود داشتن حجت خدا در روی زمین در طول تاریخ بشریت از نظر قرآن کریم

۱ - (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)؛ <sup>(۲)</sup> همانا تو بپیم دهنده‌ای و برای هر قومی هدایتگری است.

۲ - (وَ إِن مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ)؛ <sup>(۳)</sup> هیچ امتی نیست مگر اینکه در میان آنها بپیم دهنده‌ای بوده است.

۳ - (لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا)؛ <sup>(۴)</sup> اگر در زمین - به جای شما انسانها - فرشتگان سکونت داشتند از جانب آسمان ملکی - همجنس خودشان - به سوی آنها می فرستادیم.

۴ - (لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ)؛ <sup>(۵)</sup> برای هر امتی - از ناحیه ما - رسولی فرستاده شده است (و یا فرستاده می شود).

از امیرالمؤمنین ﷺ در بخشی از یک حدیث طولانی چنین نقل شده

۲- سورة رعد، آیه ۷.  
۴- سورة اسراء، آیه ۹۵.

۱- سورة هود آیه ۸۵.  
۳- سورة فاطر، آیه ۲۴.  
۵- سورة یونس، آیه ۴۷.



است: «زمین - هیچگاه - از حجتی که به اقامه امر خدا قیام کند خالی نیست یا آشکار است و مردم او را می شناسند و یا در شدت و سختی و مخفی از دیدگاه مردم نگران اداره اهل زمین است؛ تا حجت‌های الهی و آیات پروردگار در مسیر حق دوام یابد - و نتیجه زحمات ایشان هدر نرود»<sup>(۱)</sup>

از امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علی علیه السلام در خطبه‌ای که بر منبر کوفه ایراد فرموده، نقل شده است: «پروردگارا - تو خود گواهی - که اهل زمین را از داشتن حجتی از ناحیه تو که آنان را به دین تو هدایت کند و علم الهی را به ایشان بیاموزد، و حجتت از تمامیت نیفتد و پیروان دین حق را بعد از اینکه - به وسیله پیامبران - هدایتشان کردی گمراه نشوند، گریزی نیست این حجت تو یا در میان مردم ظاهر و برای آنان آشناست اما مردم از او اطاعت نمی کنند؛ یا از دید مردم پنهان و منتظر زمان ظهور می باشد. زمانی که مردم در صلح و آرامش هستند اگر وجود حجت از نظر آنان غایب باشد دانش و منش او به دل‌های مؤمنین می رسد و مؤمنین به آن عمل می کنند.»<sup>(۲)</sup>

از امام حسن عسگری علیه السلام در مورد - صحت یا کیفیت - این خبر که به نقل از پدران بزرگوارش رسیده است که: «زمین هیچگاه از حجت خدا بر خلقش خالی نیست، هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.» سؤال شد، پس امام علیه السلام فرمود: «این مطلب حق است همانطور که وجود آتش - و جهنم - حق است.» پس از آن دوباره از حضرت امام حسن عسگری علیه السلام سؤال شد که: «یابن رسول الله، حجت و امام بعد از شما

کیست؟ فرمود: «فرزندم (م ح م د)، او امام و حجت بعد از من است، هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»<sup>(۱)</sup>...

امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می فرماید که فرمود: «بدانید که زمین از حجت خدای عزوجل خالی نیست، اما به واسطه ستمگریها و جهالتهای مردم، خداوند دیدگانشان را از مشاهده حجت خود فرو بسته است و اگر زمین لحظه ای از حجت خدا خالی باشد نظامش در هم ریخته و اهلش را در خود فرو خواهد برد، اما حجت خدا مردم را می شناسد ولی مردم او را نمی شناسند همانگونه که حضرت یوسف مردم و برادرانش را می شناخت و آنها او را شناختند.»<sup>(۲)</sup>

آیات و روایاتی که گذشت به روشنی بر چند مطلب دلالت می کنند:

اول: ضرورت وجود حجت خدا در تمام زمانها، زیرا که ائمه علیهم السلام به صراحت فرموده اند: «زمین از حجت خدای عزوجل خالی نیست.»

دوم: علت ضرورت وجود حجت خدا در تمام زمانها، چنانکه از این جمله بر می آید: «تا پیروان دین یکتاپرستی بعد از اینکه - به وسیله پیامبران و حجت های قبلی که هدایت شدند گمراه نشوند.» یعنی در نبودن حجتی هدایتگر، انسانها خود سبب گمراه شدن مؤمنین از راه راست و حقیقت می شوند.

سوم: ضرورت شناخت حجت خدا، چنانکه از این جمله آشکار می شود: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.» و علت

این امر این است که پیروی از حجت خدا - که یگانه راه هدایت است - بعد از شناخت او میسر است و کسی که او را نشناسد نمی‌تواند از او تبعیت نماید و چنین کسی بر جهل و مرام جاهلیت از عالم خواهد رفت.

چهارم: علت غایب بودن حجت خدا از دیدگان مردم و محرومیت آنها از مشاهده وجود شریفش، که از این جمله بر می‌آید که: «به واسطه ستمگری و جهالت مردم خداوند دیدگانشان را از مشاهده او فرو خواهد بست، با توجه به این جمله ظاهراً مقصود از ظلم و جهل، تمام اشکال آن است، یعنی هم ظلم مردم به یکدیگر و هم ظلم به خودشان به خاطر پیروی نکردن از حق و فطرت و حجت‌های الهی، هم جهل نسبت به حجت خدا و هم جهل نسبت به وظایف شرعی می‌باشد.

پنجم: نیاز هستی به وجود حجت خدا، که از این عبارت پیدا است. «اگر زمین لحظه‌ای از حجت خدا خالی باشد. نظامش درهم ریخته و اهلش را در خود فرو خواهد برد.» در این جمله به علت ضرورت وجود حجت و عظمت کار او اشاره شده است.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)؛<sup>(۱)</sup> من قرار دهنده خلیفه (امام) و جانشین در روی زمین هستم. و نیز می‌فرماید: (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ)؛<sup>(۲)</sup> مردم امت واحد بودند، سپس خدا پیامبران را به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده برگزید و همراه آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا در

بین مردم و برای ختم اختلافشان در چارچوب حق، حکم نمایند. از این آیات به ترتیب برمی آید که پروردگار در نظام خلقت، و نیز نظام قانونگذاری و دیانت، حجت‌های خودش را خلیفه روی زمین قرار داد و آنان را مجرای بهره‌وریها و فیض عام و خاص برای مردم ساخت و تمام اسماء الهی را به ایشان آموخت: وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا؛<sup>(۱)</sup> تا اینکه به اذن او همچون خودش در همه چیز تصرف و دخالت کنند و با جانشینی خویش و عهده‌داری امور زمین و ساکنان آنان ایشان را بر دیگران شرافت و برتری داد و ایشان و اوصیای بعد از خودشان - که درود خدا بر تمامشان باد - در تمام زمانها صاحب اختیار و کارگزار امور زمین و مردم شدند و چنین است که اگر حجت و خلیفه خدا در زمین نباشد زمین ساکنان خود را در خود خواهد کشید.

برای اینکه معنی خلافت و حجت بیشتر روشن شود باید افزود که خداوند تعالی با اسماء و صفات عالیهاش همه چیز و همه پدیده‌ها را پدید آورده است و خود عهده دار تمام امور آنهاست، هستی همه آنها وابسته به اوست و هر گونه اراده کند در آنها دخل و تصرف می‌نماید اما بنای ذات مقدسش بر این است که امور خلقت مادی را فقط از طریق اسباب مادی - و بدون دخالت مستقیم و یابی واسطه - اداره نماید، و از جمله اسباب مادی برای اصلاح امور ظاهری و باطنی مردم پیامبران و جانشینان آنها علیهم‌السلام هستند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «خداوند دوست می‌دارد که امور عالم را با اسباب و سبب اداره نماید از این رو برای هر چیزی سببی قرار داده است، و

برای هر سبب گستره و میدان قدر و نفوذی قرار داده و هر میدانی را کلیدی بخشیده و برای هر کلیدی گشایشگری و نشانه‌ای و برای هر نشانه‌ای راه ورودی قرار داده پس اگر آن بزرگواران - که درود خدا بر آنان باد - عناصری خاکی نبودند و امور عالم خلقت و از جمله زمین و ساکنان آنان را بر عهده نمی‌گرفتند امور زمین و مردمش از هم می‌پاشید، بنابراین باید واسطه‌ای بین آفریننده و پدیده‌های مادی باشد که دارای خلقت مادی و جسمانی و علاوه بر آن دارای درجه‌ای از شرافت معنوی باشد که شایستگی ارتباط بین آفریننده و مخلوقش را داشته باشد. و چنین افرادی جز خلفای پروردگار یعنی پیامران و جانشینان آنها (علیهم‌السلام) کسی نمی‌تواند باشد. اینکه خداوند می‌فرماید: (وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا: أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا؟ قُلْ: لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا)؛<sup>(۱)</sup> چیزی مانع از ایمان آوردن مردم به پیامبر و اسباب هدایت نشد مگر اینکه - به شیوه منکران - گفتند آیا خدا بشری را به سوی ما فرستاده است؟ بگو اگر در زمین - به جای شما انسانها - فرشتگان سکونت داشتند از آسمان ملکی - همجنس خودشان - به سوی آنها می‌فرستادیم. بر همین مطلب دلالت دارد، چنانکه این آیه نیز مشعر بر صحت همین ادعاست: (وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ وَقَالُوا: إِلَهِنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ؟ مَا ضَرَبُوا لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ)؛<sup>(۲)</sup> آن هنگام که به عیسی - پسر مریم مثل زده شد قوم تو با هیاهو از آن روی گرداندند و

گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او؟ این سخنان را جز از سر ستیزی و لجبازی به زبان نیاوردند که ایشان سخت پایبند دشمنی هستند. او (عیسی علیه السلام) جز بنده‌ای که مشمول نعمتهای ما قرار گرفته نیست و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم و اگر ما بخواهیم فرشتگان را جایگزین شما انسانها در زمین می‌گردانیم.

شاید با آنچه ذکر شد معنی کلام امام علیه السلام که فرمودند: «اگر زمین لحظه‌ای از وجود حجت خدا خالی باشد نظامش بهم ریخته و اهلش را در خود فرو خواهد برد» ضمن اینکه طی همین مطالب علت رجعت پیامبر و ائمه - درود خدا بر تمامی آنان باد - روشن شد زیرا که جهان مادی تا وقتی برقرار است به وجود حجت حق نیازمند است.

و در حدیث لوح از امام صادق علیه السلام آمده است: «بسم الله الرحمن الرحیم، این پیامی است از سوی خدای مقتدر شکست‌ناپذیر که در ساخته و پرداخته‌اش هیچ عیب و نقصی نیست، خطاب به محمد؛ پیامبر، نور، نماینده، و پرده دار او و راهنمای بندگانش به سوی خدا، که روح الامین - جبرئیل علیه السلام آن را از جانب پروردگار بر او نازل کرد.» آنگاه رشته کلام به بیان نام ائمه علیهم السلام کشانده شده تا به حسن بن علی علیه السلام رسیده و حدیث قدسی چنین ادامه می‌یابد: «سرانجام سلسله امامت را به فرزندش (م ح م د) که مایه رحمت برای جهان و اهل آن است کامل فرمود، او کمال موسی، درخشش عیسی و پایداری و استقامت ایوب، همه را داراست، اولیاء من در زمان - غیبت او نزد جهال و ستمگران عالم - خوار و بی‌ارزش هستند، سرشان از پیکر جدا شده ترسان و هراسان هستند زمین از خونشان رنگین می‌شود، ناله سوزناک و فریاد - وا

مظلوما در بین همسران و خانواده‌شان به آسمان می‌رود. اینان به حق و بی شک اولیاء من هستند...»<sup>(۱)</sup>

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «موسی علیه السلام در سفر<sup>(۲)</sup> اول نگاه کرد و آنچه را به قائم آل محمد (عج) داده می‌شود دید. عرض کرد: «پروردگارا مرا قائم آل محمد (عج) قرار بده»، پیام آمد: «او از نسل احمد است.» آنگاه موسی در سفر دوم نظر انداخت و درست همان چیزی را که در سفر اول دیده بود در آن نیز همان را یافت و همان درخواست را کرد و همان جواب را شنید، سپس در سفر سوم نیز همان دید، و همان گفت و جواب اول تکرار شد.<sup>(۳)</sup>

از قول پیامبر در بخشی از یک حدیث قدسی طولانی چنین نقل شده است: «خدای عزوجل به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من علی علیه السلام را وزیر و در بین اهل بیت و امت جانشین بعد از تو قرار دادم، و از نسلت، از طریق حضرت زهرا علیها السلام یازده جانشین به تو عنایت کردم که آخرین آنها حضرت مهدی (عج) است که عیسی بن مریم به امامت او نماز گزارد، او زمین را همانگونه که از ستم پر شده است از عدالت سرشار خواهد کرد، به دست او انسان‌ها را از هلاکت نجات بخشم و گمراهان را به راه راست راهنمایی کنم، و بیماران را شفا

۱- الجواهر السنیة، ص ۲۰۳-۲۰۴.

۲- سفر به معنی کتاب و سفرهای تورات بلا تشبیه نظیر جزءهای قرآن است. گفته شده است که تورات دارای پنج سفر است، سفر اول شامل آغاز آفرینش و تاریخ از آدم تا یوسف علیه السلام، سفر دوم مربوط به مصر و بنی اسرائیل و ظهور موسی علیه السلام و هلاکت فرعون و درگذشت هارون علیه السلام و نزول الواح دهگانه، سفر سوم آموزش مختصر قوانین و احکام، سفر چهارم شامل تعداد و آمار بنی اسرائیل و نحوه تقسیم زمین بین آنان و نمایندگانی که موسی علیه السلام آنها را به شام گسیل داشت و اخبار من و سلوی و غمام (ابر)، سفر پنجم شامل بعضی از احکام و وفات هارون علیه السلام (برادر حضرت موسی) و خلافت یوشع بن نون نبی علیه السلام است.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۱، روایت ۵۱۱.

دهم. (۱)

از امام صادق علیه السلام به نقل از امام باقر علیه السلام به نقل از جدش علیه السلام به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است: «امام قائم از فرزندان من است، نامش نام من، کنیه اش کنیه من، سیما و قامتش چون سیما و قامت من و سیره و روشش، سیره و روش من است، مردم را بر دین و آئین من استوار نماید و به کتاب خدای عزوجلّ فرا خواند هر که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و هر که از او سرپیچی کند مرا سرپیچی کرده است. آن کسی که درغیبتش او را منکر شود مرا منکر شده و دروغ پندارنده او مرا به دروغ نسبت داده، پذیرنده او به راستی، مرا به راستی باور داشته است. من از کسانی که سخن مرا درباره - وجود و غیبت و فرج و قیام - او تکذیب می کنند و امتم را از راه منحرف می نمایند به خدای متعال شکایت می برم، (وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) (۲)»، (۳)؛ ستمکاران به زودی خواهند فهمید که به کدام جایگاه برخوانند گشت.

از امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که به علی علیه السلام فرمود: «بدان که فرزندان مهدی (عج) از ستمکاران در حق تو و حق شیعیانت، در دنیا انتقام خواهد گرفت و در آخرت نیز خداوند آنها را عذاب خواهد کرد.» سلمان سؤال کرد: «یا رسول الله او کیست؟» پیامبر فرمود: «نهمین فرزند از نسل پسر حسین علیه السلام است که بعد از غیبتی طولانی ظاهر خواهد شد و دین و فرمان خدا را به صدای رسا به جهانیان خواهد رساند و از دشمنان خدا انتقام خواهد گرفت و زمین را همانطور که از ظلم و ستم پر شده است از عدل و داد سرشار خواهد کرد.» (۴)

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۸، روایت ۸۰۹  
 ۲- سوره شعرا، آیه ۲۲۷.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۹۰.  
 ۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۹، روایت ۶۷۹.



اصبغ بن نباته می گوید: «دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که در فکر فرو رفته است روی زمین خطوطی رسم می کند. گفتم: «چه شده است شما را می بینم که در اندیشه اید و بر زمین خط می کشید، آیا علاقه و تمایل به خاک و زمین پیدا کرده اید؟»

امام فرمود: «نه به خدا قسم، من هرگز به زمین و دنیا علاقه ای نداشته ام، اما در اندیشه کسی هستم که از نسل من متولد می شود؛ یازدهمین فرزندم که مهدی «عج» است و زمین را همانگونه که از ستم پر شده است از عدل و داد سرشار خواهد کرد، او دروان غیبتی خواهد داشت که در آن دوران گروهی نسبت به آن گمراه می شوند و عده ای هم به راه درست قدم می نهند.» - اصبغ می گوید - گفتم: «یا امیرالمؤمنین! واقعاً چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد؟» فرمود: «آری چنین است و او پایه عرصه هستی خواهد نهاد، اما ای اصبغ فکر تو از فهم این مطلب کوتاه است، آن رهیافتگان، نیکان امت پیامبر و ابرار عترت او هستند.» گفتم: «بعد از آن چه خواهد شد؟» فرمود: «خدا هر چه اراده کند به انجام خواهد رساند، او اراده و اهدافی دارد - که به آنها جامعه ظهور و تحقق خواهد پوشاند»<sup>(۱)</sup>

ابی وایل می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود: «این پسر من سید و سالار است همان طور که خداوند سید و آقای من نامیده است و از نسل او فرزندی هم نام پیامبرتان که در سیما و اندام و نیز اخلاق و رفتار شبیه اوست متولد خواهد شد و در دوران بی خبری و گمراهی مردم و نابودی حق و غلبه ستم خروج خواهد نمود، به خدا قسم خروج او حتمی است

وگرنه گردنش زده خواهد شد.<sup>(۱)</sup> اهل آسمان و ملائک از خروج او خوشحال می‌شوند و زمین را همانگونه که از ستم پر شده است از عدل و داد سرشار خواهد نمود.<sup>(۲)</sup>

ابی سعید عقیصاء می‌گوید: هنگامی که امام مجتبی علیه السلام با معاویه صلح کرد مردم به محضرش شرفیاب شده و عده‌ای از آنها به خاطر این مصالحه، آن بزرگوار را سرزنش می‌کردند. حضرت فرمود: (وای بر شما! شما نمی‌دانید من چه کاری انجام دادم. به خدا قسم آنچه من کردم برای شیعیانم از تمام عالم و آنچه خورشید بر آن می‌تابد بهتر و پر سودتر است.) تا جایی که فرمود: «آیا نمی‌دانید قائم (عج) که عیسی روح الله نمازش را به او اقتدا خواهد کرد. و خداوند عزوجل زمان ولادت او و نیز خودش را از دیده مردم پنهان می‌کند تا در زمان ظهور، در گرو بیعت با کسی نباشد، او نهمین فرزند برادرم حسین علیه السلام است، خداوند در دوره غیبت عمرش را طولانی می‌کند آنگاه به قدرت خویش در سیمای رشیدی جوانتر از چهل ساله، بر خلق، آشکارش خواهد فرمود تا مردم بدانند که خداوند بر انجام هر کاری تواناست.<sup>(۳)</sup>

### تاریخچه مسجد جمکران

پیدایش این مسجد از اوائل غیبت صغری حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌باشد که در نوشتجات قدیمی این مسجد دارای سه نام است. ۱- مسجد

۱- یعنی اگر حضرت ولی عصر (عج) در زمان مقرر خروج ننماید شرایط طوری خواهد شد که به دست ستمکاران می‌افتد و کشته می‌شود و در آن صورت، غرض از زنده ماندن حجت در دوران طولانی غیبت، نقض خواهد شد. پس بنابر این ظهور آن حضرت، حتمی خواهد بود.

۲- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۰۵، روایت ۳۰۸. ۳- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، روایت ۱.

جمکران ۲ - مسجد حسن بن مثله ۳ - مسجد صاحب الزمان (عج) و هر کدام از این سه اسم به مناسبتی گفته می شود مسجد جمکران گفته شده چون متصل است به قریه جمکران که یکی از قریه های شهر مذهبی قم است این مسجد را مسجد حسن بن مثله می گویند نظر به اینکه در زمان او و به همت او این مسجد ساخته شده و مسجد صاحب الزمان (عج) گویند چون به امر حضرت بنا شده و وجود مبارکش در این مسجد مکرر دیده شده است این مسجد شریف مورد احترام همه شیعیان از اول زمان غیبت تا امروز بوده است.»

اما قضیه تشریف حسن بن مثله جمکرانی به محضر مقدس امام عصر (عج) شب سه شنبه هفدهمین شب ماه پر برکت و پر معنویت رمضان به سال ۳۹۳ هجری قمری بود و من در روستای زادگاه خویش جمکران در خانه خود خوابیده بودم پاسی از نیمه شب گذشته بود که ناگاه گروهی به خانه من آمدند مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: حسن مثله! بیدار شو و دعوت امام عصر (عج) را اجابت کن. چرا که حضرت مهدی (عج) شما را فرا می خواند. لحظات وصف ناپذیری بود به سرعت به پا خواستم و ناباورانه آماده دیدار شدم.

گفتم اجازه دهید تا لباسم را بر تن کنم و به خدمت شرفیاب شوم و کوشیدم که لباسی را به سرعت در همان تاریکی اتاق بر تن کنم و بشتابم، گفتند: حسن آن لباس از آن تو نیست لباس خویش را بپوش آن لباس را رها کردم و لباس خود را یافتم زیر جامه ای داشتم آن را برای پوشیدن برداشتم که باز ندا از سوی آنان برخواست که آن هم از آن تو نیست زیر جامه خود را در برتن کن آن را دور افکندم و لباس دیگری را پوشیدم به سرعت به سوی کلید رفتم تا در خانه را بگشایم اما باز ندا آمد «حسن بیا نیاز به کلید نیست چرا که در خانه گشوده است

و ما منتظر تو هستیم».

شتابان به در خانه آمدم که با چهره‌های وزین و پرشکوه روبرو شدم آنان در کنار هم باوقار و ادب ایستاده و گویی در انتظار آمدن من بودند. سلام کردم و آنان نیز با لطف و محبت بسیار پاسخ مرا دادند و مرا تحسین کردند و با اشاره آنان حرکت کردیم و تا نقطه‌ای که اینک مسجد جمکران است مرا راهنمایی و همراهی نمودند.

با رسیدن به آن جایگاه مقدس هنگامی که به دقت نگاه کردم در آنجا تختی بسیار زیبا دیدم که فرش‌های جالب و تماشایی بر آن گسترده و پشتیهای زیبایی بر آن نهاده بودند و جوانی پرشکوه و پرصلابت که حدوداً سی ساله بودند و بسان خورشید نور افشانی می نمودند بر آن بساط مجلل تکیه زده و در برابرش پیرمردی وزین و بزرگوار نشسته و در حالی که کتابی در دست داشت برای او می خواند و در همان حال بیش از شصت نفر با جامه‌های سفید و سبز با شکوه و نظم خیره کننده‌ای برگرد خورشید وجود او در آن مکان مبارک به نماز و نیایش ایستاده و دست نیاز به درگاه خداوند متعال برداشته بودند. آنان را شناختم اما به گونه‌ای برایم روشن شد که آن خورشید جهان افروز که در اوج کمال و جمال و... بر آن تخت تکیه زده است محبوب دلها پاک امام عصر (عج) است و آن پیرمرد نورانی و با عظمت که در برابر او قرار دارد حضرت خضر علیه السلام می باشد. آن پیرمرد نورانی که حضرت خضر علیه السلام بود مرا دعوت به نشستن کرد و پس از اینکه ناباورانه به دیدار کعبه مقصود و قبله موعود مفتخر شدم روبه من کرد و مرا به نام نشان خواند و فرمود: حسن! مثله آمدی؟

گفتم: آری سرورم.

پس از لطف و کرامتی بسیار فرمود: اینک نزد کشاورز این زمین حسن بن مسلم برو و این پیام را از سوی ما به او برسان پرسیدم کدام پیام؟ فرمود: «بگو شما اکنون سالهاست که این زمین را کشت می‌کنی و ما آن را از بین می‌بریم شما آن را آباد می‌کنی و ما آثار غاصبانۀ تو را محو می‌کنیم اینک سالی که در پیش است باز همان تصمیم را داری اما آگاه باش که اولاً بر این کار مجاز نیستی و نباید اقدام کنی بعلاوه باید استفاده‌ای را که تاکنون از این زمین کرده‌ای برگردانی تا در این مکان شریف مسجدی بر پا گردد چرا که این زمین پر شرافت و مقدس است و خداوند آن را از دیگر زمینها امتیاز بخشیده و تو آن را به زمینهای خود افزوده‌ای و با خیره سری آن را غصب نموده‌ای تو به کیفر این کارت دو فرزند جوانت را از دست دادی اما به خود نیامدی و اگر به خود نیایی و همچنان گستاخی و خیره سری کنی کیفری که بدان نیندیشیده‌ای بر تو فرود خواهد آمد».

پس از شنیدن سخنان دلنشین و حیاتبخش آن گرامی گفتم: سرورم به دیده منت برای انجام خدمت با همه وجود آماده‌ام اما باید همراه این پیام جانبخش نشانی باشد چرا که مردم، پیام بدون نشان و دلیل آشکار را از من نمی‌پذیرند و گفتارم را باور نمی‌دارند و سخنم را تصدیق نمی‌کنند.

فرمود: درست است نشان ما صداقت و راستی توو عدالت و درستی پیام را در همین جا قرار خواهیم داد شما برو و پیام ما را برسان و در این مورد مطمئن باش و با قوت قلب کارت را انجام بده».

آن بزرگوار خطاب به من فرمود: «۱- نخست نزد سید ابوالحسن در شهر قم بشتاب و به او بگو که به همراه تو حرکت کند و کشاورز این زمین را بخواهد و

منافع سالهای گذشته را از او باز بستاند ۲ - پس از آن به کمک مردم خیرخواه و علاقمند بی درنگ طرح مسجد پرشکوهی را در این زمین بپاکنید ۳ - از منافع املاکی که در «رهق» در ناحیه «اردهال» می باشد و از آن ماست برای تکمیل ساختمان این مسجد استفاده کنید و به او بگو که ما نصف ملک رهق را وقف این مسجد نموده ایم بنابراین همه ساله استفاده آن را به ساختمان این مسجد برسانید و در راه شکوه و عظمت آن مصرف نماید. ۴ - به مردم بگو این مکان مقدس را گرمی دارند و عارفانه و با اخلاص به اینجا روی آورند و در این مکان پرمعنویت و شریف اینگونه به نیایش پروردگار پردازند».

آنگاه حضرت فرمود: «۱ - کسانی که به اینجا مشرف می شوند نخست دو رکعت نماز تحیت مسجد بخوانند و آن بدین صورت است که در هر رکعت پس از سوره مبارکه حمد هفت بار سوره اخلاص و هفت بار ذکر رکوع و سجود مقرر شده است. ۲ - پس از نماز تحیت مسجد دو رکعت نماز به نیت نماز «صاحب الامر (عج)» بخوانند که آن هم بدین گونه مقرر شده است: پس از نیت و شروع سوره فاتحه تا جمله «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بخوانند و آنگاه این جمله را یکصد بار با همه وجود و شور و اخلاص تلاوت و زمزمه کنند و بعد یک بار سوره اخلاص را بخوانند و ذکر رکوع و سجده ها را نیز هفت مرتبه بخوانند و رکعت دوم را نیز همینگونه ادامه دهند پس از نماز در برابر خدا سر تعظیم فرود آورده و او را بزرگ بدارند و ستایش کنند و تسبیحات حضرت فاطمه (س) را بگویند و آنگاه سر به سجده نهند و یکصد بار (صلوات بفرستند) بر پیامبر و خاندانش که سلام خدا بر آنان باد درود فرستند».

آنگاه فرمود: «حسن مثله! هر کس دو رکعت نماز عارفانه و خالصانه و

همراه با همه شرایط در این مکان شریف به جای آورد چنان است که گویی در کعبه این نماز را خوانده است.»

من پیام آن حضرت را به دقت و با همه وجود به گوش جان سپردم و تا آخرین واژه همه را به جان خریدم آنگاه پس از پایان پیام به خود گفتم که گوی، آن مکان مورد نظر اینجاست و این مسجد همان مسجد با شکوه است... و با نوعی تصدیق و تأیید اشاره فرمود که درنگ نکن و برای رسیدن پیام دقت کن از تماشای دل آرای او سیر نشده بودم همچنان بسان تشنه‌ای در عشقش بودم که با اشاره او بازگشتم.

با گامهای استوار می‌آمدم که دگر بار مرا خواند و فرمود حسن مثله! در گله گوسفند جعفر کاشانی چوپان بزی است ابلق و پرمو هفت علامت سیاه و سفید دارد این نشانه‌ها همانند سکه درهم هستند که سه علامت در یک طرف و چهار علامت در طرف دیگر آن حیوان است شما باید این بز را به کمک مردم با پول شخصی خریداری کنید آن را شب آینده به این مکان مقدس بیاورید و ذبح نمایید آنگاه گوشت آن را روز چهارشنبه برابر با هجدهم ماه رمضان در میان بیماران تقسیم کنید که خداوند آنان را به وسیله این گوشت شفا خواهد بخشید.... برای رساندن پیام و اجرای دستور حرکت کردم که برای سومین بار مرا فرا خواندند و آن خورشید جهان افزود فرمود: ما هفت یا هفتاد روز دیگر به اینجا خواهیم آمد تا پیشرفت کار را ملاحظه کنیم.

به سوی خانه آمدم با دمیدن طلوع بامداد نماز خویش را خواندم مأموریت خود را آغاز کردم نخست جریان را با یکی از دوستانم در میان نهادم و با او به مکان مقدسی که دیشب بدانجا دعوت شده بودم آمدم و پس از بازدید از آنجا به

برخی از نشانه‌هایی که امام عصر (عج) شب گذشته فرموده بود برخورداریم و آن عبارت بود از زنجیر و میخهایی که در آنجا نصب شده بود.

آنگاه همراه دوستم به منزل سید گرانقدری که امام دیشب دستور داده بود و من او را نمی‌شناختم شتافتیم هنگامی که به در خانه سید ابوالحسن رسیدیم برخی فرزندان و کارگزارانش گویی در انتظار ما هستند و با دیدن ما گفتند: آیا شما از جمکران آمده‌اید؟ گفتم: آری. گفتند: سید ابوالحسن از طلوع فجر تا کنون منتظر شماست و برای آمدنتان بی‌صبرانه لحظه شماری می‌کند وارد خانه شدیم و ضمن تقدیم سلام و اظهار تواضع با پاسخ گرم و احترام او روبرو شدیم او مرا در جایگاه خویش نشاند پیش از اینکه من سخن را شروع کنم گفت: حسن مثله! من شب گذشته خواب بودم که در عالم رؤیا بزرگ مردی را دیدم که به من فرمود: بامداد فردا مردی بنام حسن مثله از جمکران به خانه شما خواهد آمد آنچه او به تو گفت باور کن و به او اعتماد داشته باش چرا که سخن او پیام ما و پذیرفتن آن در حقیقت نپذیرفتن پیام است در همان لحظه بیدار شدم و تاکنون در انتظار شما لحظه شماری می‌کردم.

حسن مثله می‌گوید: جریان دیشب را بطور دقیق با او در میان نهادم و سید دستور داد اسبها را آماده نمودند و سوار بر مرکبها حرکت کردیم در راه خویش و در نزدیکی روستای جمکران بود که به گله جعفر کاشانی رسیدیم و آن بزی را که نشانه‌های صداقت و درستی پیام من بود در میان گله یافتیم و خواستم قیمت آن را پردازم که چوپان گفت: به خدا سوگند این بز در گله من نبود تنها امروز آن را دیدم هرچه کوشیدم نتوانستم بگیرم که حالا این حیوان به آسانی به طرفتان آمد و شما آن را گرفتید و به این صورت بود که حیوان را به نقطه‌ای که حضرت فرمان



داده بود آوردیم و ذبح کردیم و همانطوری که دستور داده شده بود به بیماران دادیم و هر کس که از آن گوشت مصرف نمود شفا یافت و خبرش به اطراف رسید. و طرح مسجد جمکران اجرا شد و با اموال و منافع و املاک منطقه اردهال سقف آنرا برافراشتیم.

آن میخها و زنجیرها را سید ابوالحسن به خانه خود برد که هرگاه به بیماران آنرا تماس می دادند به اذن خداوند بیماران شفا می یافتند پس از رحلت سید یکی از فرزندان بیمار شد و برای شفای خویش سر صندوقی رفت که زنجیرها و میخها در آن نگهداری می شد اما با شگفتی بسیار با صندوق خالی روبرو شد و میخها و زنجیرها را نیافت آری بدینسان مسجد پرشکوه جمکران به فرمان قبله خوبان دوازدهمین امام نور و به لطف خود آن حضرت پایه گذاری شد تا محل عبادت عارفان گردد.

اکنون این واقعه را به روایت دیگری نیز نقل می نمائیم:

شیخ حسن مثله جمکرانی می گوید:

در شب سه شنبه ۱۷ رمضان سال ۳۹۳ هـ ق یا (۳۷۳ هـ ق) در خانه خود بودم که کسی درب منزل را زد و مرا از خواب بیدار کرد و گفت برخیز و امر مولایت امام مهدی (عج) را اجابت کن.

و مرا به محلی که اکنون مسجد است برد، حضرت را دیدم که بر تختی نشسته بود و پیرمردی هم که حضرت خضر علیه السلام بود کنارش نشسته بود، حضرت مرا با نام صدا زد.

و فرمود، برو به حسن مسلم بگو این زمینی را که در آن کشاورزی می کنی، محل مقدسی است، و خداوند آنرا برگزیده برای عبادت و محل مسجد و دیگر

نباید در این مکان کشاورزی کنی و این مکان چهار رکعت نماز دارد. دو رکعت نماز تحیت مسجد، که در هر رکعت سوره (قل هو الله احد) هفت بار و ذکر رکوع و سجود هم هفت مرتبه. و دو رکعت نماز امام الزمان (عج). که در هر رکعت (ایاک نعبد و ایاک نستعین) صد مرتبه و سوره (قل هو الله احد) یک مرتبه و ذکر رکوع و سجود هفت مرتبه. در پایان نماز تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) و در سجده صد مرتبه صلوات فرستاده شود. حضرت فرمود: که این نماز ثوابی به اندازه دو رکعت نماز در کعبه دارد. و این مسجد، حج فقیران است.

عرض کردم یا مولا، حتماً باید دلیلی و نشانه‌ای داشته باشم که مردم کلام مرا قبول کنند، و الا مردم مرا تکذیب می‌کنند.

فرمود، در گله گوسفند جعفر کاشانی بزی مو بلند و سیاه و سفید وجود دارد، آنرا بگیرید و ذبح کنید و هر کس از گوشت آن بخورد اگر بیمار باشد شفا یابد.

صبح هنگام به قم برو، و سید ابوالحسن را پیدا کن، و به او بگو که حسن مسلم را احضار کند و سود و استفاده چندین ساله این زمین را از او بگیرد و با آن مسجدی در این مکان بر پا کند حسن مثله می‌گوید تا صبح نتوانستم بخوابم، صبح به اتفاق دوستم (علی المنذر) به همان مکان دیشب رفتیم. زنجیری دیدم که دور زمین کشیده شده بود، که طبق گفته حضرت حدود و اندازه مسجد را مشخص می‌کرد.

بعد به قم رفتیم تا جریان را به سید بگوییم، تا به درب منزل او رسیدیم خادمش گفت شما از جمکران آمده‌اید سید از سحر در انتظار شماست.

به خانه سید رفتیم و بسیار به ما احترام گذاشت و فرمود، در خواب دیدم شخص والا مقامی که به من گفت حسن مثله از جمکران به نزد تو می آید، او را تصدیق کن و به صحبتش گوش فراده که سخن او سخن ماست.

از خواب بیدار شدم و تا بحال بیدارم تا تو بیایی. حسن مثله می گوید، ماجرای دیشب را برای سید تعریف کردم، سید بلافاصله دستور داد تا اسبها را زین کردیم و بسوی جمکران حرکت نمودیم. در بین راه گله گوسفند جعفر کاشانی را دیدیم و همان بز مو بلند و سیاه سفید در گله بود، گفتیم این بز را چقدر به ما می فروشی.

گفت این بز چند روز است در گله من آمده و بسیار چابک است، و هیچ کس نمی تواند آنرا بگیرد اگر می توانید شما بگیرید.

حسن مثله، می گوید به طرف آن رفتم اصلاً فرار نکرد، در محل مسجد آنرا ذبح کردیم و به هر کسی که بیمار بود دادیم و بلافاصله شفا یافت و خبرش در قم و شهرهای اطراف پیچید و همه این معجزه را شنیدند و از هر سو بطرف جمکران آمدند و جمعیت زیادی در محل جمع گردید.

سید، حسن مسلم را احضار کرد و منافع زمین را از او گرفت و مسجدی در آن مکان بر پا ساخت آنگاه سید، زنجیر و میخهایی را که در اطراف زمین بود، با خود به قم آورد و در خانه خود گذاشت و هر بیماری که به آن زنجیر خود را می زد شفا می یافت.

تا زمانی که خود سید بیمار شد و خواست از آن استفاده کند زنجیر ناپدید گشت.

و دیگر کسی آن زنجیر را ندید و سید وفات نمود.

از آن زمان تا بحال این مکان مقدس محل عبادت عاشقان حضرت

مهدی (عج) گشته است.

### طریقه ملاقات با امام زمان (عج)

شیخ رجب علی خیاط با توسل به این آیه شریفه به خدمت امام زمان (عج) می‌رسید (رَبِّ ادْخُلْنِيْ مُدْخِلَ صَدَقٍ وَّ اَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صَدَقٍ وَّ اجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا) (۱)

ترجمه: خدایا مرا داخل وادی راستی و درستی کن و هنگام خروج از دنیا مرا با صدق خارج بگردان، و برای من از نیروی بی‌کران خودت فریادرسی قرار بده.

صد بار تا چهل شب خوانده شود عده‌ای هم از شاگردان او این عمل را انجام دادند هرچند در هنگام دیدن حضرت او را نشناختند.

مثلاً: یکی از شاگردان شیخ به ایشان عرض کرد من این ذکر را طبق دستور انجام دادم ولی موفق به دیدن حضرت ولی عصر (عج) نشدم.

شیخ فرمود: هنگامی که در مسجد نماز می‌خواندی سیدی به شما فرمود، انگشتر در دست چپ کراهِت دارد، و شما هم گفتید (كُلُّ مَكْرُوِهٍ جَائِزٌ) ایشان همان امام زمان (عج) بودند.

آیا امام عصر (عج) همیشه به یک صورت دیده می شود؟ باید گفت خیر؟  
 زیرا اگر حضرت ولی عصر (عج) همیشه به یک صورت دیده شوند طبعاً  
 وقتی یک شخص آن حضرت را در جایی ببیند ایشان را خواهد شناخت و به  
 خصوص اگر آن شخص حضرت را به دیگران نیز معرفی کند همه خواهند  
 شناخت و کم کم حضرت ولی عصر (عج) از غیبت بیرون می آیند لذا باید  
 حضرت مهدی (عج) در چشم آن شخص دخل و تصرف کنند یعنی امام را طور  
 دیگری ببیند که نتواند تشخیص دهد که حضرت مهدی (عج) است و یا در  
 خودشان تصرف کنند یعنی به صورت های مختلف دیده شوند و آنچه که ظاهراً  
 بیشتر بدست آمده و در احوال کسانی که خدمت حضرت مهدی (عج) شرف یاب  
 شده اند گفته شده همان تصرف در چشم افراد است و البته اگر کسی سِرّ نگهدار  
 باشد بعید نیست حضرت را به شکل همیشگی شان ببیند زیرا که مسئله اصلی  
 شناخته نشدن حضرت مهدی (عج) و خارج نشدن از صورت غیبت می باشد.

در کتاب شریف نجم الثاقب، نقل از شیخ ابراهیم کفعمی (رحمته الله علیه) در حاشیه جنة الواقیه  
 در دعائی ام داود بعد از صلوات بر محمد و آتش فرموده:

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْلَادِ السَّيَّاحِ وَالْعِبَادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَادِ وَأَهْلِ الْجِدِّ  
 وَالْإِجْتِهَادِ)<sup>(۱)</sup>

ترجمه: خداوندا درود فرست بر ابدال و اولاد و بندگان مخلصت و بر زهاد  
 و کسانی که اهل اجتهاد و کوشش هستند.

زمین هرگز خالی نشود از حجّت خدا زیرا:

۱- نجم الثاقب، ص ۳۰۵، نوشته شیخ ابراهیم کفعمی (رحمته الله علیه).

- ۱- قطب: یعنی «انبیاء و معصومین» که در هر زمانی بوده‌اند تا به امروز که حضرت مهدی (عج) می‌باشد و اینان دارای عصمت هستند و از هر گونه اشتباهی مبرا و پاکند و حکم عمود خیمه را دارند.
  - ۲- اوتاد: (چهار نفرند) این چهار نفر غفلت نکنند و از دنیا جمع نکنند مگر به مقدار قوت و نیاز روزانه شان ولی دارای عصمت نیستند و حکم میخهای چهار طرف خیمه را دارند، از جمله آنان حضرت خضر است که هم اکنون ملازم و همنشین حضرت مهدی (عج) می‌باشد.
  - ۳- ابدال: (چهل نفرند) کسانی هستند که گاهی غفلت کنند ولی هرگز از روی عمد معصیت نکنند.
  - ۴- نجبا: (هفتاد نفرند) کسانی هستند که پرهیزکارند و غفلت اینان بیشتر از ابدال است.
  - ۵- صلحا: (سیصد و شصت نفرند) کسانی هستند که در میان مردم معروف به عدالت هستند، و هرگاه گناهی کنند فوراً استغفار و توبه کنند.
- هیچ گاه تعداد اوتاد از چهار نفر کمتر نشود و هرگاه یکی از این افراد وفات کند یک نفر از ابدال جای او را پُر می‌کند (البته حضرت خضر از زمان حضرت موسی بوده و داستانی هم در این باره در سوره کهف در قرآن آمده. نهایت کلام اینست که حضرت خضر استثنی شده و وفات نخواهد کرد و تا حکومت مهدی (عج) در رکاب حضرت باقی خواهد بود.) و هرگاه یک نفر از ابدال وفات کند یک نفر از نجبا جای او را می‌گیرد. و هرگاه یک نفر از نجبا وفات کند، یک نفر از صلحا جای او را می‌گیرد. و وقتی یک نفر از صلحا وفات کند جای او را یک نفر از مردم عادی جامعه که از افراد دیگر ممتازتر باشد پُر می‌کند.

عقیده به حضرت مهدی (عج) در نیمه دوم اسلام بوجود آمد و در این باره هم سنی و هم شیعه مطالبی را بیان کرده‌اند.

عبدالله ابن مسعود: از پیامبر نقل می‌کند که دنیا تمام نخواهد شد، تا اینکه مردی از اهل بیت من که نامش هم نام من است بر مردم حکومت کند (م ح م د) که در زمان غیبت حرامست کسی او را محمد بنامد، مگر اینکه ظهور کند و حکومت تشکیل دهد.

مسجدی را که آن حضرت از طرف ناحیه مقدسه خویش شخصاً امر به ساختن آن نموده، مسجد مقدس جمکران است که در شش کیلومتری شهر قم واقع است.

حضرت فرموده که شیعیان به این مکان مقدس رغبت داشته باشند، زیرا که زمینش مقدس است و موجب بر آورده شدن حوائج مؤمنین می‌گردد.

و تأکید شده که در آن مکان برای ظهور حضرت دعا شود که گشایش کارهای مردم در دعا کردن برای فرج آن حضرت است.

ابوالحجاف یکی از صحابه پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) سه بار فرمود: بشارت باد بر شما از مهدی (عج) در هنگامی که گرفتاریها و مشکلات ظاهر شود و زمین پر از ظلم و ستم شود و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند.

روایت دیگری از رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وارد شده که فرمودند رستاخیز بر پا نشود تا قائم بر حق ما قیام کند، وقتی قیام کند که خداوند به او اذن دهد و هر کسی او را یاری کند نجات یافته و هر کسی تخلف کند، کشته خواهد شد، ای

بندگان خدا، خدا را در نظر گرفته و هنگامی که مهدی (عج) ظاهر شد بسوی ایشان بشتابید اگر چه بر روی برف حرکت کنید. زیرا که او خلیفه خدا و جانشین من است و فرمود: هر کس مهدی (عج) را منکر شود من را منکر شده.

### شبهات‌های انبیاء به حضرت مهدی (عج)

شبهات حضرت مهدی (عج) به خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن جامع در این باب فرمایش رسول اکرم (ﷺ) می باشد که فرمودند: حضرت مهدی (عج) از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه اش کنیه من از نظر خلق و خوی شبیه ترین مردم به من است... نویسنده کتاب مکیال المکارم در این باره می گوید: از این سخن مبارک مطالب بسیاری فهمیده می شود که شایسته است در آن به تفکر بیشتری نمائید.

شبهات حضرت مهدی (عج) به امام حسین (علیه السلام)

- ۱ - امام حسین (علیه السلام) در مورد حضرت مهدی (عج) فرمودند: (لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي) اگر او را درک می کردم تمام عمر خدمتگزارش می شدم.
- ۲ - امام زمان (عج): یا جدا من صبح و شب برای شما اشک می ریزم و بلکه به جای اشک بر شما خون گریه می کنم.

- ۳ - اهتمام پیامبران گذشته به گریستن برای حضرت امام حسین (علیه السلام) و برپا نمودن مجالس سوگواری... نظیر اهتمام امامان (علیهم السلام) گذشته است در دعا کردن برای فرج حضرت مهدی (عج) و طلب ظهور آن بزرگوار پیش از اینکه حضرت متولد شوند، برای این بود که مردم را آگاه به این مسئله کنند تا همه امام



آخر الزمان خود را بشناسند.

۴ - نبودن بیعت طاغوت زمان بر آن دو وجود مقدس چنانچه امام حسین علیه السلام حاضر به بیعت نشدند. و مهدی (عج) نیز با هیچ حکومتی بیعت نمی‌کند.

۵ - در مظلومیت و غربت هر دو (امام حسین علیه السلام و امام مهدی (عج)) مثل هم هستند.

۶ - امام حسین علیه السلام ترسناک از مدینه بیرون رفتند و در مکه اقامت کردند و سپس به سوی کوفه حرکت فرمودند. حضرت مهدی (عج) نیز نظیر همین بر ایشان اتفاق می‌افتد که سفیانی عده‌ای را به مدینه می‌فرست و حضرت مهدی (عج) از آنجا به سوی مکه کوچ می‌کند.

۷ - مصیبت آن دو سخت‌ترین مصیبت‌هاست مصیبت غربت و تنهایی امام حسین علیه السلام و مصیبت طولانی شدن غیبت و غربت و تنهایی و مظلومیت امام عصر (عج).

۸ - امام حسین علیه السلام ندای (هل من ناصر ینصرنی) سر دادند و طلب یاری از مردم نمودند. امام عصر (عج) نیز هنگام ظهور طلب یاری می‌کنند و در قسمتی از روایت است که می‌فرمایند: خدا را خدا را، دربارۀ ما، ما را یاری کنید، که خداوند شما را یاری کند». وهم اکنون هم اگر گوش دل‌مان را باز کنیم ندای (هل من ناصر ینصرنی) امام زمان (عج) بلند است که اهل ایمان را به یاری می‌طلبد انشاء الله که همه ما بتوانیم از یاران حقیقی حضرتش باشیم.

شبيه بودن حضرت مهدی (عج) به حضرت نوح عليه السلام

- ۱- حضرت نوح عمر بسیار طولانی نمودند (۲۵۰۰ سال) حضرت مهدی (عج) نیز عمری طولانی دارند.
- ۲- حضرت نوح زمین را با سخن خود از کافرین پاک کرد و گفت پروردگارا بر روی زمین دیگر بشری از کافران قرار نده (سوره نوح آیه ۲۶) حضرت مهدی عليه السلام نیز زمین را با شمشیر از وجود کافران پاک خواهد نمود.
- ۳- هر که از حضرت نوح تخلف جست هلاک شد از حضرت مهدی (عج) نیز همینطور.
- ۴- فرج حضرت نوح را خداوند آنقدر به تأخیر انداخت که بیشتر معتقدین به حضرت نوح از او برگشتند فرج حضرت ولی عصر (عج) نیز همینطور.
- ۵- ادریس پیامبر به ظهور نوح بشارت داد و به ظهور قائم (عج) نیز خداوند فرشتگان را بشارت داد و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان عليهم السلام همگی به آمدنش وعده داده‌اند.
- ۶- ندهای نوح بر شرق و غرب عالم می‌رسید و این یکی از معجزات آن حضرت بود قائم (عج) نیز هنگام ظهور در مکه بین رکن و مقام فریادی برمی‌آورد (أنا بقية الله) من باقی مانده پیامبران الهی هستم که تمام عالم سخنان آن حضرت را می‌شنوند.

شبيه بودن حضرت مهدی (عج) به حضرت ابراهیم عليه السلام

- ۱- حضرت ابراهیم عليه السلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود قائم (عج) نیز حمل و ولادتش مخفی بود.
- ۲- حضرت ابراهیم عليه السلام در روز مقداری رشد می‌کرد که دیگران در یک

هفته رشد می‌کنند و در یک هفته آنقدر رشد می‌کرد که دیگران در یک ماه رشد می‌کنند و در یک ماه... حضرت قائم (عج) نیز رشدشان چنین بود.

۳- حضرت ابراهیم علیه السلام از مردم عزلت گزید قائم (عج) نیز همانطور می‌باشد.

۴- حضرت ابراهیم علیه السلام خانه کعبه را بنا کرد و حجرالاسود را در جایش نصب فرمود حضرت قائم (عج) نیز مسجد الاحرام را در جای اصلی می‌سازند و حجرالاسود را به جایی که در آن بوده باز می‌گرداند.

۵- حضرت ابراهیم علیه السلام را خداوند از آتش نجات داد قائم (عج) نیز که مردم تقاضای معجزه ابراهیم علیه السلام از آن حضرت می‌کنند و حضرت همان معجزه را تکرار می‌کنند.

۶- حضرت ابراهیم علیه السلام مردم را به سوی خدا فرا خواند و (أَذَّنَ فِي النَّاسِ وَ بِالْحَقِّ) و قائم (عج) نیز مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند.

شبهه بودن حضرت مهدی (عج) به حضرت یوسف علیه السلام

۱- حضرت یوسف از زیباترین اهل زمان خود بود حضرت قائم (عج) نیز از زیباترین اهل زمان خود میباشد.

۲- حضرت یوسف مدتی طولانی غایب شد تا اینکه برادران بر او داخل شدند پس آنها را شناخت در حالی که آنها او را شناختند حضرت قائم (عج) نیز از خلق غایب شد در عین حالی که در میان آنها راه می‌رود و مردم را می‌شناسد ولی مردم حضرت مهدی (عج) را نمی‌شناسند.

۳- حضرت یوسف خداوند امرش را در یک شب اصلاح فرمود که پادشاه مصر آن خواب را دید قائم (عج) نیز خداوند امرش را در یک شب اصلاح می‌کند

پس در آن یک شب یاران آن حضرت را از بلاد دور جمع می‌کند.

- ۴- حضرت یوسف دچار زندان شد قائم (عج) نیز در زندان دنیا است چرا که این دنیا با این ظلم و ستم معاندین و مخالفان از زندان هم بدتر است.
- ۵- حضرت یوسف از خاص و عام خودش غایب شد و خود را از برادرانش مخفی ساخت با اینکه فاصله میان او و خاندانش بود ولی همیشه به فکر آنان بود. امام زمان (عج) نیز اگر چه از نظر و دید شیعیانش غایب است ولی همیشه به یاد شیعیان می‌باشد.

شبهه بودن حضرت مهدی (عج) به حضرت خضر علیه السلام

- ۱- خضر عمرش را خداوند طولانی نمود و این موضوع نزد شیعه و سنی مسلم است قائم (عج) نیز خداوند عمر با برکتشان را طولانی قرار داده است و یکی از دلائل و استدلالها بر طولانی بودن عمر قائم (عج) طولانی بودن عمر حضرت خضر علیه السلام می‌باشد.

- ۲- نام حضرت خضر (بلیا) می‌باشد بر چوب خشکی دست نزند مگر اینکه سبز شود و هر گاه نماز بگذارد اطرافش سبز می‌شود و حضرت قائم (عج) نیز به هر سرزمینی پا بگذارد سبز و پر گیاه می‌شود و آب از آنجا می‌جوشد و چون از آنجا برود آب فرو می‌رود و زمین به جای خود برمی‌گردد.

- ۳- خداوند به حضرت خضر قدرت و نیروئی عنایت فرموده که به هر شکل که بخواهد درمی‌آید قائم (عج) نیز خداوند همین قدرت را به ایشان عنایت فرموده.

- ۴- حضرت خضر علیه السلام وجه کارهایش برای حضرت موسی آشکار نشد مگر بعد از اینکه خودش بیان کرد (یعنی کشتن آن کودک و سوراخ کردن کشتی و خراب کردن دیوار) که کودک را کشت زیرا اگر کودک به سن بلوغ می‌رسید پدر و

مادر خود را کافر می نمود و کشتی را سوراخ نمود زیرا حاکمی از منطقه ای دیگر می آمد و کشتی های سالم را به ظلم از مردم آن شهر می گرفت و دیوار را خراب کرد زیرا چند کودک یتیم در کنار آن دیوار به وصیت پدرشان گنجی پنهان کرده بودند که وقت آن نشده بود که دیوار خراب شود و گنج نمایان گردد، پس دیوار را خراب کرده و دوباره ساخت که کودکان بزرگ شده خود گنج را پیدا کنند. قائم (عج) نیز وجه غیبتش آنطور که باید مکشوف نمی شود مگر بعد از ظهور.

۵- حضرت خضر هر سال در مراسم حج شرکت می کند تمام مناسک را انجام می دهد قائم (عج) نیز هر سال در مراسم حج شرکت میکند و مناسک را به بجای می آورند.

شبهت حضرت مهدی (عج) به حضرت الیاس (ع)

- ۱- حضرت الیاس خداوند عمرش را همچون خضر طولانی ساخته قائم (عج) نیز خداوند عمرشان را طولانی فرموده اند.
- ۲- حضرت الیاس نیز مانند حضرت خضر هر سال به حج می رود و در آن جا با هم ملاقات میکنند قائم (عج) نیز هر سال در مناسک حج شرکت میکنند.
- ۳- حضرت الیاس از قومش فرار کرد و از نظرشان غایب شد. هنگامی که می خواستند او را بکشند حضرت مهدی (عج) نیز همینطور.
- ۴- حضرت الیاس خداوند متعال با دعایش مردگان را زنده می کرد، حضرت مهدی (عج) نیز خداوند به برکتش و به دعایش مردگان بسیاری را زنده خواهد کرد پس از گذشت سالها از عمرشان از جمله اصحاب کهف، و دو بیست و پنجاه نفر از قوم موسی، یوشع بن نون وصی حضرت موسی و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و مالک اشتر.

۵- الیاس گفته می‌شود که به فریاد دردمندان می‌رسد و گمشدگان مضطر را در بیابانها و دشتها راهنمایی می‌کند و حضرت خضر (علیه السلام) نیز مردم را در جزایر و دریاها فریاد رسی می‌کند. حضرت مهدی (عج) نیز به دردمندان رسیدگی می‌کند و گمشدگان را در خشکی و دریا راهنمایی می‌کند و بلکه در زمین و آسمان....

۶- برای الیاس به اذن خداوند تعالی از آسمان مائده نازل می‌شود برای حضرت مهدی (عج) نیز مائده از آسمان نازل می‌شود. (۱)

۷- الیاس در کوه دشواری سکونت کرد حضرت مهدی (عج) نیز در روایت علی بن مهزیار اهوازی آمده که حضرت ولی عصر (عج) فرمودند: «پدرم به من امر فرموده که از کوهساران جز دشوار آنها و از بلاد جز جاهای پست را بر نگزینم».

شباهت حضرت مهدی (عج) به حضرت موسی (علیه السلام)

۱- در مورد حضرت موسی دوران حملش و ولادتش مخفی بود قائم (عج) نیز مدت حملشان و ولادتشان مخفی بود.

۲- در مورد حضرت موسی از قومش دو غیبت داشت که یکی از دیگری طولانی‌تر بود حضرت مهدی (عج) نیز همین‌طور است.

۳- در مورد موسی خداوند با او سخن گفت و چنین فرمود که تو را انتخاب کردم برای یاری دین و... به قائم (عج) نیز هنگامی که به آسمان به سراپرده عرش رفتند چنین جملاتی خطاب شد بلکه بیشتر.

۴- در مورد حضرت موسی از قوم خود و دیگران غائب شد از ترس دشمنانش قائم (عج) نیز همینطور.

۵- در مورد حضرت موسی وقتی غائب شد قوم در سختی قرار گرفتند به طوری که دشمنان پسران آنها را می کشتند و زنانشان رازنده می گذاشتند... و در غیبت قائم (عج) نیز بر شیعیان سختی و فشار زیادی وارد می آید.

۶- در مورد حضرت موسی بنی اسرائیل منتظر قیامش بودند چون به آنها خبر داده شده بود که فرج آنها به دست اوست، قائم (عج) نیز شیعیانش منتظر ظهورش هستند.

۷- در مورد حضرت موسی خداوند درباره اش می فرماید: ما به موسی کتاب را دادیم پس در آن اختلاف شد، قائم (عج) نیز همین طور در کتابی که نزد او است و امیر المؤمنین علیه السلام جمع کرده یعنی همان قرآنی که نزد حضرت ولی عصر (عج) است اختلاف می شود.

۸- در مورد حضرت موسی خداوند به او عصائی عنایت فرمود و آن را معجزه آن جناب قرار داد حضرت مهدی (عج) نیز همان عصا را همراه خواهد داشت.<sup>(۱)</sup>

۹- در مورد حضرت موسی خداوند دشمنش (قارون) را به زمین فرو برد حضرت مهدی (عج) نیز دشمنانش (لشکر سفیانی را به زمین فرو خواهد برد).

۱۰- در مورد حضرت موسی چون دستش را بر می آورد می درخشید و سفیدی آن بینندگان را خیره می ساخت حضرت مهدی (عج) نیز صورت

مبارکشان می درخشد.

۱۱ - در مورد حضرت موسی از سنگ برایش دوازده چشمه جوشید حضرت مهدی (عج) نیز از سنگ آب برایش خواهد جوشید.

۱۲ - فرعون برای رسیدن به موسی افراد بسیاری را کشت ولی موفق به کشتن موسی نشد و آنچه خدا خواست همان شد حضرت مهدی (عج) نیز فرعونهای زمان به منظور قتل حضرتش چه بسیار از فرزندان پیامبر (ﷺ) را کشتند ولی به حضرت دست پیدا نکردند.

۱۳ - در مورد حضرت موسی خداوند در یک شب امرش را اصلاح فرمود حضرت مهدی (عج) نیز خداوند در یک شب امر ظهورش را اصلاح می فرماید.

۱۴ - در مورد حضرت موسی خداوند به منظور امتحان قومش ظهور آن حضرت را تأخیر انداخت تا آنهایی که گوساله می پرستیدند از خداپرستان جدا شوند حضرت مهدی (عج) نیز خداوند به همین منظور ظهورشان را به تأخیر انداخته است.

شبيه بودن حضرت مهدی (عج) به حضرت داوود (ع)  $\text{عليه السلام}$

۱ - حضرت داوود را خداوند عزوجل در زمین خلیفه ساخت و فرمود:  
«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»

حضرت مهدی (عج) نیز خداوند او را خلیفه روی زمین قرا می دهد.  
(أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ... وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي الْأَرْضِ).

۲ - حضرت داوود آهن به امر خداوند برایش نرم شد و حضرت مهدی (عج) نیز خداوند آهن را برایش نرم می کند چنانکه در روایت است که مردی از عماد تقاضای معجزه داوود را از آن حضرت می کند که آن حضرت آهن



برایش نرم می شود.

۳- سنگ با حضرت داوود سخن گفت و صدا زد ای داوود مرا بگیر و جالوت را با من به قتل برسان قائم (عج) هم شمشیرش او را صدا می زند که ای ولی خدا با من دشمنان خدا را به قتل برسان همچنین در روایت آمده است که سنگ در زمان ظهور آن حضرت (علیه السلام) اگر کسانی در پناه آن پنهان شوند مؤمن را صدا می زند و به او خبر می دهد.

۴- حضرت داوود جالوت را کشت حضرت مهدی (عج) نیز شیطان را می کشد.

۵- داوود به وسیله الهام در میان مردم حکم می کرد حضرت مهدی (عج) نیز به حکم داوود قضاوت خواهد کرد و از بینه و شاهد نمی پرسد و نیازی به آن ندارد.

۶- حضرت داوود نوشته ای از آسمان بر او نازل شد که مهری زرین بر آن بود در آن سیزده مسئله بود که خداوند به داوود وحی کرده بود. حضرت مهدی (عج) نیز بر منبر کوفه که سیصد و سیزده تن از یارانشان دورشان هستند نوشته ای بیرون می آورد که با مهری زرین مَمَّهٔور شده...

شبهات حضرت مهدی (عج) به حضرت سلیمان (علیه السلام)

۱- حضرت سلیمان داوود را جانشین خود قرار داد در حالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود حضرت مهدی (عج) نیز خداوند او را خلیفه قرار داد در حالی که کودکی تقریباً پنج ساله بودند.

۲- حضرت سلیمان گفت پروردگارا به من حکومتی عنایت کن که برای هیچکس بعد از من شایسته نباشد حضرت مهدی (عج) نیز خداوند متعال حکومتی به او عنایت خواهد فرمود که برای احدی از اولین و آخرین از نظر

کیفیت و کمیت مانندش نبوده است.

۳- برای حضرت سلیمان خداوند باد را در تسخیرش قرار داده بود حضرت مهدی (عج) نیز خداوند باد را در خدمتش قرار می دهد.

۴- حضرت سلیمان مدتی از قومش غائب شد حضرت مهدی (عج) نیز غیبتش طولانی تر از سلیمان است.

۵- حضرت سلیمان حشمة الله بود حضرت مهدی (عج) نیز حشمة الله است.

شبهت حضرت مهدی (عج) به حضرت عیسی (عَلَيْهِ السَّلَام)

۱- حضرت عیسی فرزند بهترین زنان زمانش بود حضرت مهدی (عج) نیز فرزند بهترین زنان زمانش بود.

۲- حضرت عیسی در شکم مادر تکلم کرده تسبیح می گفت حضرت مهدی (عج) نیز در شکم مادر سخن گفت و سوره قدر را قرائت نمودند.

۳- حضرت عیسی در کودکی در گهواره سخن گفت حضرت مهدی (عج) نیز در کودکی سخن گفت.

۴- خداوند به حضرت عیسی حکمت و ویژگیهای نبوت را در کودکی به او عنایت فرمود حضرت مهدی (عج) نیز خداوند حکمت و ویژگیهای امامت را در کودکی به او عنایت فرمود.

۵- به حضرت عیسی خداوند متعال مقامی والا عنایت فرمود، به حضرت مهدی (عج) نیز خداوند مقامی والا عنایت فرموده.

۶- حضرت عیسی مردم دربارهاش اختلاف کردند حضرت مهدی (عج) نیز مردم دربارهاش اختلاف کردند (بعضی می گویند متولد شده بعضی می گویند متولد نشده...).

۷ - حضرت عیسی به اذن خدا مرده را زنده کرد حضرت مهدی (عج) نیز مردگان را به اذن خدای تعالی زنده می کند مانند (اصحاب کهف و سلمان فارسی و...) .

۸ - حضرت عیسی فرمود: من به شما خبر می دهم آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید حضرت مهدی (عج) نیز بر تمام احوال و کارها مطلع می باشند.

حقیقت داشتن مهدی (عج) امری حتمی است، زیرا که هم سنی و هم شیعه آنرا تأیید کرده اند، که شخصی خواهد آمد که جهان را پر از عدل و داد کند و یگانه پرستی را رواج خواهد داد و همواره میان صحابه و تابعین گفتگوهای بوده که بعد وفات پیامبر این گفتگوها بالا گرفت (ابوهریره) از اهل سنت می گوید: مابین رکن و مقام با مهدی (عج) بیعت می شود.

(ابن عباس) می گوید مهدی (عج) از قریش و از فاطمه علیها السلام است.

(زهری می گوید) مهدی (عج) از اولاد فاطمه علیها السلام است.

(عمار یاسر می گوید) هرگاه نفس زکیه کشته شود مهدی (عج) قیام کند.

(محمد بن حنفیه) پسر امیرالمؤمنین علی علیه السلام که بعثت همانا بودن و هم کینه بودن با رسول خدا او را مهدی (عج) می نامیدند و گفته اند که مختار وقتی قیام کرد، به خونخواهی شهدای کربلا، مهدویت را به (محمد بن حنفیه) نسبت داد. و خودش را نیز فرستاده او معرفی و نامه هایی به مردم نشان داد.

و گفته اند هرگاه مردم می خواستند به محمد بن حنفیه سلام کنند می گفتند: (السلام علیک یا مهدی (عج)) و خودش هم می گفت، بله من مهدی (عج) هستم و شما را به راه راست هدایت می کنم، زیرا که اسم من، اسم رسول خدا و کُنیه ام هم کُنیه رسول خدا است و می گفت هر وقت به من سلام می کنید بگویند

(السلام علیک یا محمد، السلام علیک یا ابالقاسم) و می دانیم که هیچ کس حق ندارد که هم اسم و هم لقب پیامبر باشد استثناءً این کار فقط در مورد محمد بن خنویه انجام شد، به درخواست حضرت علی علیه السلام که پیامبر اجازه فرمود، زیرا حضرت روزی را پیش بینی می کردند که لازم بود کسی از خاندان علی علیه السلام بماند تا در همین دنیا قاتلین کربلا را قصاص کند.

پس مختار با کمک محمد بن خنویه توانست قاتلین عاشورا را دستگیر کند. ابوسعید خدری می گوید، پیامبر به حضرت فاطمه (س) فرمودند: مهدی (عج) که عیسی در نماز به او اقتدا می کند از نسل ماست و از نسل این فرزندانم است، یعنی امام حسین علیه السلام. مهدی (عج) به گفته پیامبر از اولاد حسین علیه السلام است.

(محمد بن عبدالله بن حسن) گروهی می گفتند او مهدی (عج) است، امام سجاد می فرمود: با او بیعت نکنید، زیرا او مهدی (عج) نیست، امام رضا فرمودند که بعد از من فرزندانم امام محمد تقی بعد او فرزندانم امام علی النقی و بعد از او فرزندانم امام حسن عسگری، و بعد از او مهدی (عج) خواهد بود.

امام رضا علیه السلام فرمود: بعد از من پسر امام محمد تقی علیه السلام و بعد از او فرزندانم امام علی النقی علیه السلام و بعد از او امام حسن عسگری علیه السلام پسرش حجت و قائمی است که در ایام غیبت باید در انتظارش بود.

(فرقه جارودیه) محمد بن عبدالله بن حسن را حضرت مهدی (عج)

می دانستند.

(فرقه ناوسیه) امام صادق را مهدی (عج) میدانستند.

(فرقه واقفیه) موسی بن جعفر را مهدی (عج) می دانستند.

(فرقه اسماعیلیه) اسماعیل را مهدی (عج) می دانستند.  
(فرقه باقریه) امام باقر را مهدی (عج) می دانستند.  
(فرقه محمدیه) محمد بن علی را مهدی (عج) می دانستند.  
(فرقه جوازیه) می گفتند حجة ابن الحسن را فرزندی بوده که او مهدی (عج) است.  
(فرقه ای از امامیه) امام حسن عسگری را مهدی (عج) میدانند.  
(ابی مسلمیه) ابومسلم خراسانی را مهدی (عج) میدانستند.  
امام علی علیه السلام می فرمود: مهدی (عج) از ماست و در آخر الزمان قیام خواهد کرد، و در هیچ ملتی، مثل و مانندی برای او وجود ندارد، از حضرت علی علیه السلام پنجاه حدیث درباره مهدی (عج) نقل شده.  
حضرت فاطمه علیها السلام به امام حسین علیه السلام می فرمایند: وقتی که تو را بدنیآ آوردم، رسول خدا فرمودند، حسین را بگیر و بدانکه او پدر نه امام است و نهمی آنها مهدی (عج) است.  
امام حسن علیه السلام: بعد از پیامبر دوازده امام وجود دارد، که نه نفر آنها از نسل برادرم حسین علیه السلام می باشد.  
امام حسین علیه السلام: دوازده امام از ما هستند، علی علیه السلام اولین آنها و نهمین آنها فرزندی من است، که خداوند زمین را آباد و اسلام را بر تمام ادیان پیروز می کند، و مدتی از نظرها غائب می شود. که در این وقت عده ای از دین خارج شده و گروهی ثابت قدم باقی می مانند و در این راه ناراحتی ها خواهند دید، و از باب سرزنش به آنها خواهند گفت اگر عقیده شما بر حق است پس امام شما کی قیام می کند؟ و آگاه باشید که هر کسی این ناراحتیها را در زمان غیبت تحمل کند،

همانند کسی است که در کنار رسول خدا با شمشیر جنگ نموده.

امام سجاد علیه السلام: ولادت قائم ما بر مردم مخفی می ماند بطوری که خواهند گفت اصلاً متولد نشده است، علت غائب شدن آن حضرت اینست که وقتی نهضت خود را آغاز نمود بیعت کسی در گردنش نباشد.

امام باقر علیه السلام به (ابان بن تغلب) فرمود، بخدا سوگند! امامت مهدی (عج) است که از رسول خدا به ما رسیده.

امام هادی علیه السلام: بعد از پیامبر دوازده نفرند که نه نفرشان از نسل حسین می باشند. مهدی (عج) نیز از نسل ماست و در آخر الزمان دین را نگه داری می کند.

امام صادق علیه السلام: هر کس به تمام امامان اقرار کند، اما وجود مهدی (عج) را منکر شود، مانند کسی است که به همه پیغمبران عقیده داشته باشد ولی، نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند.

از آن حضرت سوال کردند: ای پسر پیامبر! مهدی (عج) از فرزندان کیست؟ فرمود: پنجمین فرزند امام هفتم یعنی امام کاظم علیه السلام می باشد، اما غائب می شود و نام بردنش برایتان جایز نیست. و باید بگویید (م ح م د) تا وقتی که حضرت مهدی (عج) خود ظهور کنند و تشکیل حکومت دهند و کسی حق ندارد در زمان غیبت حضرت را به این اسم یعنی (محمد) نام ببرد.

یونس بن عبدالرحمن از امام کاظم علیه السلام سوال کرد؟ آیا تو قائم به حق هستی؟ امام موسی بن جعفر امام کاظم علیه السلام فرمود: من قائم به حق هستم لیکن آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می کند و از عدل و داد پر می کند نیستم، پنجمین فرزند من است چون بر جان خویش ترسان است، مدت طولانی

غائب می‌گردد. در عصر غیبت گروهی از دین خدا خارج گشته و گروهی در عقیده خویش پایدار خواهند بود. خوشا بحال شیعیانی که در زمان غیبت به ولایت ما چنگ زنند و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ثابت قدم باشند، آنها از ما هستند و ما از آنهائیم. آنها به امامت ما راضی شده‌اند، ما نیز به تشیع آنها خوشنودیم. خوشا به حالشان به خدا سوگند! در درجات بهشت با ما خواهند بود.

از امام رضا (علیه السلام) پرسیده شد شما صاحب الامر هستی؟ فرمود: من صاحب الامر هستم، اما آن صاحب الامری که زمین را از عدل و داد پر می‌کند من نیستم. با وجود ناتوانی و ضعفی که در من مشاهده می‌کنی، چگونه امکان دارد، من همان صاحب الامر باشم! قائم کسی است که در سن پیران ولی در صورت جوانان ظاهر می‌شود، بقدری نیرومند و قوی است، که اگر به بزرگترین درخت روی زمین دست دراز کند، آنرا از ریشه برمی‌کند و اگر در میان کوهها فریاد زند، سنگهای سخت متلاشی می‌گردند. عصای موسی، انگشتر سلیمان در دست اوست. آنجناب چهارمین فرزند من است، تا هر وقت خدا بخواهد او را از دیدگان مردم غائب نگه می‌دارد. بعد از آن ظاهرش می‌نماید، و زمین را به توسط او از عدل و داد پر می‌کند، چنانکه از ظلم و ستم پر شده است.

امام محمد تقی (علیه السلام) در زمان غیبت باید در انتظار مهدی (عج) بود، و در زمان ظهور باید اطاعتش کرد، او سومین فرزند من است، به خداوندی که محمد (صلی الله علیه و آله) را پیامبرش برگزید، سوگند که اگر از عمر زمین یک روز هم باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مهدی (عج) ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند، همچنانکه از ظلم و ستم پر شده و در شبی خداوند کار او را اصلاح کند، چنانچه موسی را در شبی به منصب پیامبری تعیین نمود.

امام رضا علیه السلام فرمودند (أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ) <sup>(۱)</sup>

ترجمه: بهترین عملها انتظار در فرج ظهور امام زمان (عج) است.

امام علی النقی علیه السلام فرمودند بعد از من امام حسن عسگری امام است، و بعد از او مهدی (عج) امام است.

امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند گویا شما در جانشینی من اختلاف دارید، آگاه باشید که هر کسی به امامت، امام هادی علیه السلام ایمان داشته باشد ولی، امامت فرزند مرا قبول نکند، مانند کسی است که نبوت تمام پیامبران را قبول کند، ولی نبوت رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار کند، زیرا که اطاعت آخرین امام ما مثل اطاعت از اولین امام ما می باشد، هر کس آخرین ما را انکار کند همانا اولین ما را انکار کرده، و غیبت امام مهدی (عج) بقدری خواهد بود، که عده ای گمراه شده و آنرا تکذیب می کنند، ولی عده دیگر با ایمان باقی می مانند او غایب می شود از چشمان مردم ولی یاد و ذکرش از دل دوستانش غایب و خالی نمی شود.



### نقش مهدی (عج) در سایر ادیان چگونه است؟

همه ادیان اعتقاد دارند در یک زمانی که فساد جهان را فرا گرفته باشد یک نیروی غیبی اوضاع جهان را اصلاح می‌کند، در (انجیل، تورات) نیز ذکر شده که اصلاح‌کننده‌ای خواهد آمد، و هر ملتی او را با اسمی مخصوص خود می‌شناسند.

و نکته دیگر اینکه علامتهایی را که برای این شخص اصلاح‌کننده تمام جهان ذکر نموده اند، با مهدی (عج) آخر الزمان که پیامبر فرموده مطابقت دارد و مادر امام سجاد ایرانی بوده بنام شهربانو و همچنین از خاندان بنی اسرائیل نیز شمرده میشود، و بنی هاشم و بنی اسرائیل از نسل حضرت ابراهیم هستند، و مادر امام زمان نیز یک شاهزاده خانم رومی بودند بنام نرگس. پس همه ادیان ادعا دارند که مهدی (عج) خواهد آمد.

### اسامی مقدس امام زمان (عج) در مذاهب مختلف جهان چنین است<sup>(۱)</sup>

در کتاب انجیل یوحنا (تسلی دهنده، و روح راستی)

در کتاب انجیل مسیحی‌ها (مهمید آخر)

در صحف ابراهیم (صاحب)

در کتاب زبور داود (قائم)

در صحیفه آسمانی (کلمة الحق)

در تورات عبری (ماشع)

- در زمزم زرتشت (سروش ایزد)
- در کتاب شعیای نبی (فیروز)
- در کتاب قبروس رومیان (فردوس الاکبر)
- در کتاب صحیفۀ آسمانی (لسان الصدق)
- در مذهب دوهر (بقیة الله)
- در کتاب دانیال نبی (قائم)
- در مذهب دادنگ بودائیان (دست راستین)
- در کتُبِ دیگر بنام (مسیح الزمان) آمده است.

اکنون قسمتهایی از کتاب زیور حضرت داود نبی را دربارهٔ حکومت آخرالزمان بیان می‌کنیم:

۱- در میان امتهای گوئید که خداوند سلطنت ایجاد می‌کند و قومها را به انصاف دآوری خواهد نمود آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد و در دریا و صحرا و هر چه در آن است به وجد آید آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند کرد زیرا کسی می‌آید که برای دآوری جهان است و جهان ربع مسکون را به انصاف دآوری خواهد کرد / ص ۹۶.

۲- نسل افراد پلید منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد / ص ۳۷.

۳- ای خدا احکام خود را به ملک زاده عطا فرما تا آنکه قوم تو را به عدالت و انصاف حکم نماید تا اینکه بر کوهها سلامت و کویرها عدالت برساند فقیران قوم تو را حکم نماید و پسران مسکینان را نجات دهد و ظالم را بشکند... در

روزهایش صدیقان شکوفه خواهند نمود و او کسی است که بر دریا و نهرها تا به اقصای زمین سلطنت خواهد نمود... بلکه تمامی ممالک به او کرنش خواهند نمود و تمامی امتهای او را بندگی خواهند کرد زیرا که فقیر را فریاد رسی می‌کند و مسکینی که نصرت بخواند خلاصی خواهد داد... / ص ۲۷.

۴ - همانا که بعد از اندک زمانی شیر و بدخواه نخواهد بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از سلامتی بهره‌مند خواهند گردید صالحان را خداوند تأیید می‌کند صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا ابد سکونت خواهند نمود و عاقبت نسل ظالمان و شریران منقطع خواهد شد. نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش و منتظر خداوند باش و طریق او را نگهدار تا تو را به وراثت زمین برساند / ص ۳۷.

اکنون برای اثبات حقانیت عقیده مذهب شیعه و آگاهی بیشتر شیفتگان وجود مقدس ولی عصر (روحی فدا) عقاید هندوها و بودائیان را نیز درباره حکومت آخر الزمان بیان می‌کنیم.

### از کتاب شاکمونی (هندوها)

پادشاهی و حکومت بر دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان «کِشِن»<sup>(۱)</sup> تمام شود او کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند از کشور سودان که زیر خط استوا است تا ارض تسعین که زیر قطب شمالی است و

۱- کِشِن: در لغت هندی نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او «قائم» و خداشناس باشد.

از کتاب دید (هندوها)

پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود آورد همه کس از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید.

از کتاب اسک (هندوها)

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمینها و کوهها پنهان باشد بدست آورد و از آسمانها و زمین و آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگتر کسی به دنیا نباشد.

کتاب پاتیکل (هندوها)

چون مدت روز تمام شود دنیای کهنه نو شود و زنده گردد صاحب مُلک تازه از فرزندان و پیشوای جهان یکی ناموس آخر الزمان (پیامبر اکرم ﷺ) و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگتر وی که (پیشین) نام دارد (یعنی حضرت علی ﷺ) و نام آن صاحب مُلک تازه «راهنما» است فرزندش به حق پادشاه شود و خلیفه خدا شناس حکم براند و او را معجزه بسیار باشد هر که پناه به او برد و دین پدران او را اختیار کند سربلند باشد و در نزد (رام: یعنی خدا) و دولت او بسیار کشیده و طولانی شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر زیاد باشد و آخر دنیا به او تمام شود و از ساحل دریای محیط و جزایر سرانندیب و قبر آدم ﷺ و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند و

بت‌خانه سومنات را خراب کند و «جگرنات» به فرمان او به سخن آید و به خاک افتد پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد و هر بتی که هر جا باشد بشکند. (منظور از ناموس آخر الزمان پیامبر ﷺ و پیشین نام هندی علی بن ابی طالب ﷺ) می‌باشد جگرنات به لغت سانسکریتی نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می‌دانند).

کتاب دادنک (بودائیان)

از قول بودا: بعد از آنکه مسلمانی به هم رسید در آخر الزمان عالم از ظلم و فسق و گناه و ریای زاهدان و خیانت امینان و حسودی بخیلان و عمل نکردن دانایان به آموخته خود دنیا از ظلم و جفا و گناه پر شود از دین جز نام او نماند پادشاهان و رئیسان بی رحم و ظالم شوند و رعیت بی انصاف و نافرمان و متقلب شوند و همه در خرابی نظم دنیا بکوشند و همه جا را کفر و ناسپاسی فراگیرد آن وقت «دست راستین»<sup>(۱)</sup> جانشین «مماطا»<sup>(۲)</sup> ظهور کند و خاور و باختر عالم را بگیرد آدمیان را به راه خوبیها رهبری کند او تنها حق و راستی را قبول می‌کند و بس.

کتاب دانیال نبی ﷺ از کتاب مقدس

۱- در آن زمان امیر عظیمی برای قوم تو واقع خواهد شد و قائم (عج) قیام خواهد نمود و چنان زمانه پُر از ننگ خواهد شد که از وقتی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده و در آن زمان هر یک از قوم تو که اسمش در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد «... کتاب دانیال نبی/باب ۱۲».

۲- پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شده تا جمیع قومها و امتهای همگی او را خدمت نمایند. «کتاب دانیال نبی / باب ۷»  
 ۳- امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم (عج) است خواهد آمد و حکومت خواهد نمود، در آن زمان هر کس از قوم تو که اسمش در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانکه در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد. «کتاب دانیال نبی / باب ۱۲ بند ۱۲ - ۱-۴»

در کتاب تورات اشعیاء نبی ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ چنین آمده

۱- و در ایام آخر عمر زمین واقع خواهد شد... برای داوری نمودن میان امتهای همگی به سوی او روان خواهند شد او امتهای را داوری خواهد نمود قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت. «کتاب اشعیاء نبی / باب دوم بندهای ۲ - ۴»

۲- بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت و گرگ با گوسفند سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید «کتاب اشعیاء نبی / باب یازدهم بندهای ۴ - ۶»

۳- عصای موسی و قدرت و سلطنت یهود دور نخواهد شد و نه فرمانروائی از میان پاهای وی تا (شیلو) بیاید و او را اطاعت امتهای خواهد بود (شیلو: کسی که دارای حق است و صلح و سلامتی می‌آورد).

«تورات اشعیاء نبی / شماره ۱۰ و ۴۲»

طفل شیرخواره بر سوراخ ماری بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمام کوه مقدس به من

ضرر و فسادی نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می پوشانند. «اشعیاء نبی / باب یازدهم ۸ - ۹.»

آنگاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید و عمل به عدالت سلامتی و نتیجه عمل به عدالت آرامی و اطمینان خواهد بود تا قوم من در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزلهای آرام ساکن شوند. «اشعیاء نبی / باب سی و دوم ۱۶ - ۱۸.»

کتاب صفتیای نبی ﷺ از عهد عتیق

خداوند می گوید برای من منتظر باشید زیرا قصه من بر این است که امتها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم و در آن زمان ایمان پاک به امتها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم «یهوه» (خدا) را بخوانند و به یک دل او را عبادت نمایند. «باب ۳ شماره ۸ و ۹.»

کتاب حبقوق نبی ﷺ از کتاب مقدس

۱ - اگر چه تأخیر نماید برایش منتظر باش زیرا که البته می آید و درنگ نخواهد نمود بلکه جمیع امتها را نزد خود جمع می کند و تمامی قومها را برای خویشتن فراهم خواهد نمود. «کتاب مقدس»

کتاب زکریای نبی ﷺ

اینک روز خداوند می آید و غنیمت تو در میانست تقسیم خواهد شد و جمیع امتها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهد کرد و شهر را خواهند گرفت و خانهها را تاراج خواهند نمود و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود آنگاه «یهوه» (خدا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود.

## در کتاب انجیل عیسی مسیح ﷺ

عیسی ﷺ ایشان را گفت: هر آینه به شما می‌گویم: شما که مرا متابعت نموده‌اید وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند شما نیز به دوازده کرسی نشسته بر دوازده سبط داوری خواهید نمود و هر که به خاطر اسم من خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرد صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت. «انجیل متی باب ۱۹ بندهای ۲۸ و ۲۹»

نشانه‌های حکومت آخر الزمان از کتاب پولس نبی ﷺ به فرزندش تیموتائوس:

۱- پیش از وقت به چیزی حکم مکنید تا خداوند بیاید که ابعاد ظلمت را روشن نماید و نیت‌های دلها را به ظهور خواهد آورد آنگاه هر کس را مدح از خدا خواهد بود. «رساله اول پولس رسول به فرزندان باب چهارم بند ۵»

۲- به جنگ نیکو جنگ کرده‌ام و دوره خود را به کمال رسانیده‌ام و ایمان را محفوظ داشته‌ام بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد و نه به من بلکه به، همه کسانی که ظهور او را دوست دارند. «رساله دوم پولس به تیموتائوس باب ۴ بندهای ۷ و ۸»

۳- به زودی می‌آیم پس آنچه داری حفظ کن مبادا کسی تاج ترا بگیرد. «مکاشفه یوحنا رسول باب سوم بند ۱۱»

۴- اما این را بدان که در ایام آخر زمانهای سخت پدید خواهد آمد زیرا که مردمان خود پرست خواهند بود و طماع و لاف زن و متکبر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس و ناپاک و بی‌الفت و کینه توز و غیبت‌گر و ناپرهیز و بی‌مروت و متنفر از نیکوئی و خیانتکار و تند مزاج و مغرور که عشرت را بیشتر از خدا



دوست می‌دارند که صورت دینداری دارند لیکن قوت آن را انکار می‌کنند  
«رساله دوم پولس به تیموتائوس باب سوم بندهای ۵ - ۱.»

در کتاب انجیل یوحنا نبی ﷺ درباره نشانه‌های ظهور چنین آمده:

۱- و فوراً بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و افلاک متزلزل گردد و آنگاه عدالت بر انسان در آسمان پدید گردد و آن وقت جمیع طوایف سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید.

«انجیل متی باب ۲۴ بند ۲۹ و ۳۰.»

۲- لیکن چون تسلی دهنده که او از جانب پدر نزد شما آید یعنی «روح راستی» که از پدر صادر می‌گردد او بر من شهادت خواهد داد و شما نیز شهادت خواهید داد. «انجیل یوحنا باب ۱۵ صفحه ۲۷.»

۳- راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر نروم «تسلی دهنده» نزد شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم و چون او آید جهان را بر گناه و عدالت داوری ملزم خواهد نمود و... بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم لکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید ولیکن چون او یعنی «روح راستی» آید شما را به جمیع راستیها هدایت خواهد کرد زیرا که او از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد آنچه از آن من است می‌گیرد و به شما خبر خواهد داد. «انجیل یوحنا باب ۱۶ شماره ۷.»

۴- آنگاه پسر انسان را می‌بینم که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می‌آید در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا اقصای فلک جمع

خواهند شد... ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر (یعنی: خداوند) هیچ کس اطلاع ندارد و نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم پس در حذر باشید و بیدار شده و دعا کنید زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود «انجیل مرفس باب ۱۳ شماره ۱۹ و ۳۲».

۵- پس شما نیز مستعد خدمت به او باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید «انجیل لوقا باب ۱۲، صفحه ۴۰».

و دل‌های مردمان ضعیف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع سکون ظاهر می شود و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می آید «انجیل لوقا باب ۲۰ صفحه ۴۰».

اسامی و القاب مبارک امام زمان (عج) در کلام معصومین علیهم السلام

- ۱- مهدی (عج) ۲- محسن ۳- حامد ۴- احمد ۵- منعم ۶- خاتم الائمه
- ۷- ابوالقاسم ۸- ابوالصالح ۹- خاتم الاوصیاء ۱۰- احسان ۱۱- قطب ۱۲- خلف
- ۱۳- مضطر ۱۴- قائم الزمان ۱۵- خلیفه الله ۱۶- مضطر ۱۷- قیم الزمان ۱۸- خلیفه
- الاتقیاء ۱۹- ناطق ۲۰- قاطع ۲۱- فتح ۲۲- بقیة الله ۲۳- کاشف الغطاء
- ۲۴- داعی ۲۵- ثائر ۲۶- کمال ۲۷- رب الارض ۲۸- نورالاصفاء ۲۹- کلمة
- الحق ۳۰- سدره المنتهی ۳۱- نورالاتقیاء ۳۲- لسان الصدق ۳۳- صاحب
- ۳۴- ولی الله ۳۵- میزان الحق ۳۶- صاحب الزمان ۳۷- وارث
- ۳۸- منصور ۳۹- صاحب الرجعه ۴۰- هادی ۴۱- حجت ۴۲- صاحب العصر
- ۴۳- منتقم ۴۴- حق ۴۶- منتظر ۴۷- حجاب ۴۸- صاحب الامر ۴۹- موعود
- ۵۰- برهان الله ۵۱- طاب الترات ۵۲- عالم ۵۳- صاحب
- ۵۴- عدل ۵۵- قائم ۵۶- غوث ۵۷- جوارالکنس ۵۸- ضیاء ۵۹- غایب

۶۰- غایة القصوى - ۶۱- خلیل - ۶۲- فجر - ۶۳- باسط - ۶۴- منان - ۶۵- مدبر  
 ۶۶- مأمول - ۶۷- مؤمل - ۶۸- نور آل محمد (ﷺ) - ۶۹- نجم - ۷۰- بلد الامین  
 ۷۱- بقية الانبياء - ۷۲- تالی - ۷۳- حاشر - ۷۴- لواء اعظم - ۷۵- خازن  
 ۷۶- صمصام الاکبر - ۷۷- عین - ۷۸- يعسوب الدين - ۷۹- جابر.

برخی از نامها و القاب حضرت (ﷺ) که به خاطر شرایط سخت دوران  
 ظلم خلفاء آن زمان جهت ناشناخته ماندن توسط دوستان آن حضرت خطاب  
 می شد چنین است: فقیه - جعفر - ناحیه مقدسه - رجل - سید - صاحب الدار  
 غریم - صاحب الناحیه

### قرآن و مهدویت

در قرآن آمده که حزب خداوند و طرفداران آن حکومت زمین را گرفته و  
 دین اسلام بر تمام ادیان غالب می گردد.

در (سوره انبیاء) آمده که در تورات و زبور نوشتیم که بندگان شایسته ما  
 وارثان زمین هستند.

(سوره نور) خداوند به کسانی که ایمان آورده اند و عمل شایسته انجام  
 داده اند، وعده خلیفه بودن بر روی زمین را به آنان داده.

(سوره قصص) ما اراده کرده ایم که مستضعفان را خلیفه و وارثان زمین  
 قرار دهیم.

(سوره صف) خداوند رسولش را بر تمام ادیان پیروز گرداند، اگر چه  
 مشرکین ناراحت شوند.

از این آیات استفاده می شود که دنیا روزی بدست مؤمنین خواهد افتاد، و  
 دین اسلام بر تمام دنیا پیروز خواهد شد. که همانا بدست امام زمان (عج) است.

## نبوت و امامت در قاموس بشریت

نبوت و امامت در قاموس بشریت باید وجود داشته باشد زیرا:

۱- رسیدن به کمال از سوی انسان امری فطری است، و تمام تلاشها نیز برای رسیدن به این منظور است.

۲- یکی از ادله‌هایی که بسیار مهم است، اینکه چون خداوند جهان را بیهوده و عبث خلق نکرده به این جهت حد شقاوت و سعادت را با پیامبرش معلوم نمود.

۳- انسان از جسم و روح تشکیل شده، که جسم او مادی بوده، ولی روحش از مجردات است.

۴- بشر طبعاً خود خواه است و منفعت طلب، و کوشش می‌کند که دیگران را استثمار کند، و پیامبران و امامان برای هدایت آنان آمده‌اند.

۵- و بعلت اینکه انسان دائماً در حال حقیقت جویی است، اغلب در تشخیص راه دچار مشکل شده، و در انحراف دچار می‌شود حتماً نیاز به یک راهنما و امام دارد.

### **قوانینی که بشر را سعادت مند می کنند**

قوانینی هستند که جامع و کامل باشند، و در تمام شئون زندگی بشر دخالت داشته باشد، و احتیاجات واقعی افراد را بیان کنند، و انسان را بسوی سعادت و کمالات واقعی سوق دهند و باید این قوانین برای تمام افراد باشد، نه برای گروه خاصی، و قوانین آنقدر قوی باشد، که بتواند از هرج و مرج جلوگیری کند. و انسانها را بتواند از سقوط و هلاکت نجات دهد.

### **قوانین بشری در اداره دنیا ناقص است:**

چون اطلاعات بشر ناقص و محدود است، و از تمامی خواسته‌ها و نیازهای افراد اطلاع ندارد. اگر هم قوانین جامعی از نیازهای بشر تدوین کنند، باز هم ناقص است، زیرا از ارتباطی که مابین زندگی مادی و معنوی است، بی خبرند. و چون بشر استعمارگر است، پس می‌خواهد همواره قوانینی را وضع کند، که به نفع خود باشد.

و جامعه بشری نیازمند فردی معصوم است که از هر گونه خطا و اشتباه مصون باشد.

و این عملی نیست مگر با انسان کاملی بنام امام، که به تمام احکام دین عمل نموده و تمام آن احکام را بداند و اگر چنین فردی در اجتماع نباشد، امدادهای غیبی که از طرف خداوند به بشر می‌شود، قطع می‌گردد، و همیشه باید کسی باشد که مورد تأیید خداوند بوده و رابط بین مردم و خداوند باشد؛ زیرا امام حجّت حق و نمونه انسان کامل است، و تمام وجودش مخزن اسرار الهی است، و همانند آینه‌ای است که حقایق عالم هستی را انعکاس داده تا دیگران استفاده کنند.

### امامت از نظر روایات

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: اگر در روی زمین فقط دو نفر باشند، یکی از آنان حتماً حجت خواهد بود، باز فرمودند به خدا سوگند از وقتی که آدم را خداوند قبض روح نمود، تا بحال هرگز زمین خالی از حجتش نبوده و خداوند انسان لایقی را حجت قرار داده.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: امامان درهای الهی هستند و مردم بوسیله آنان وارد دین می شوند، و اگر آنان نباشند دین شناخته نمی شود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند همچنان که اگر ستارگان نباشند، آسمان نابود می شود، اهل بیت من هم اگر بر روی زمین نباشند، اهل زمین هلاک می گردند.

### عالم هورقلیا و امام زمان (عج)

عده‌ای اعتقاد دارند، امام زمان (عج) از این عالم به عالم دیگری رفته بنام (هورقلیا) و تا هنگامی که انسان بسن بلوغ معنوی نرسیده باشد، امام زمان (عج) غایب خواهد بود، مگر زمانی که بشر لیاقت ملاقات با حضرت را پیدا کند، و عده‌ای می گویند باید ما برویم تا حضرت مهدی (عج) را پیدا کنیم و نه اینکه مهدی (عج) به طرف ما بیاید، و اگر حضرت مهدی (عج) پیش ما بیاید، و ما خودسازی نکرده باشیم، حضرت را نخواهیم دید. ما باید به مکانی برسیم که بتوانیم حضرت را ببینیم و آن مکان (هورقلیا) است. و ظلم برطرف شده و حق ظاهر می شود (البته این عقیده خالی از اشکال نیست).

احادیث اهل بیت برای عموم مسلمانان حجت است.

ابوذر از پیامبر روایت می کند، مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح است که هر کس سوار شد، نجات یابد، و هر کس تخلف کند، هلاک شود.

پیامبر فرمود: هر کسی بخواند در قیامت نزد من و شجره طوبی باشد، بعد از من حضرت علی علیه السلام را امام خود قرار دهد. زیرا خاندان من از علم و فهم بهره کافی برده‌اند، و لایق امامت هستند و هر کس تخلف کند، شفاعت من نصیبش نشود.

همچنین پیامبر به حضرت علی علیه السلام فرمودند، مثل تو و فرزندان همانند کشتی نوح است، که افراد سوارش شدند، و نجات پیدا کردند و هر کس سرپیچی نمود، غرق شد. و مثل شما مثل ستاره‌هایی است که، هرگاه یک ستاره غروب کند، ستاره دیگر طلوع می‌نماید، و این اوضاع تا قیامت باقی خواهد ماند.

مطالب مهمی که از احادیث سنی و شیعی درباره اهل بیت استفاده شده عبارتند از: مراد از عترت اوصیای دوازده گانه پیغمبر هستند. همان طور که قرآن تا قیامت باقی خواهد ماند، عترت پیامبر هم تا قیامت باقی خواهد ماند و همین دلیل بر وجود امام غائب است. پیامبر بعد از خودش مردم را بلا تکلیف رها نکرده و عترت خودش را برای هدایت مسلمانان باقی گذاشت، و همه را سفارش به پیروی از آنان نمود و بعلمت این که از هرگونه خطایی محفوظ هستند، پس قابلیت هدایت مردم را دارند.

از راههایی می‌توان اثبات نمود که امام حسن عسگری علیه السلام دارای فرزند بوده‌اند.

از احادیث وارد بخوبی می‌توان به وجود فرزند در خانه امام حسن عسگری علیه السلام پی برد؛ زیرا که پیامبر فرمودند: از نسل حسین علیه السلام و نه فرزندش پسری خواهد بود، که مهدی (عج) است. و باز از امام حسن عسگری روایتی وارد شده که حضرت می‌فرمایند: (يَغِيبُ عَنِ ابْصَارِ النَّاسِ شَخْصَهُ وَلَا يَغِيبُ

عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذَكَرِهِ. (۱)

فرزندم از دیده مردم غایب می شود ولی نام و یادش هرگز از دل دوستانش غایب نمی شود.

احادیث دیگر که به صراحت بیان شده که حضرت مهدی (عج) اولاد امام حسن عسگری علیه السلام می باشد. و خود امام حسن عسگری علیه السلام که فرمودند: فرزند من مهدی (عج) است، که تولد او را جز برای نزدیکان بیان نخواهم نمود. و هنگامی که امام زمان متولد شدند، امام حسن عسگری علیه السلام امر فرمودند: که نان و گوشت خریداری و به بنی هاشم تقسیم شود.

و اوضاع بگونه ای بود که جان امام مهدی (عج) در خطر بود، و هر لحظه ممکن بود، از طرف حکومت مورد تهدید قرار گیرد، به این جهت تولدش را مخفی نگاه می داشتند، حتی مردم می گفتند: اصلاً مهدی (عج) متولد نشده و بگونه ای خفقان بود که حکومت عده ای از زنان را مأمور نموده بود که زنان امام حسن عسگری علیه السلام را معاینه نموده، تا بفهمد که آیا زنی حامله است یا خیر. و اگر به زنی بدگمان می شدند او را آنقدر نگه می داشتند، تا مطمئن شوند حامله نیست.

مادر امام مهدی (عج):

حضرت مهدی (عج) مادرشان نامهای مختلفی داشته اند نرجس، ریحانه، حکیمه، مریم، سوسن و امام حسن عسگری علیه السلام دارای کنیزهای متعددی بودند، و حضرت امام حسن عسگری می فرمودند: از سوسن فرزندی خواهد آمد، که جانشین من است.

و در نیمه شعبان امام مهدی (عج) ولادت یافت.

در نام مادر حضرت مهدی (عج) اختلاف وجود دارد زیرا نامشان متعدد است بعلت اوضاع وحشتناک آن دوره که معلوم نشود از کدام یک از کنیزها فرزندی متولد می شود.



### چگونگی اسارت نرجس خاتون و آمدنش به نزد امام حسن عسگری علیه السلام (۱)

بشر بن سلیمان برده فروش که از نواده‌های ابو ایوب انصاری است و از شیعیان خالص حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام در سامراه همسایه امام عسگری علیه السلام بوده است نقل کرده که یک روز کافور غلام امام هادی علیه السلام نزد من آمد و گفت حضرت امام هادی علیه السلام تو را احضار فرموده‌اند.

من فوراً خدمتشان شرفیاب شدم آن حضرت به من فرمودند ای بشر تو از دوستان ما و بلکه آباء و اجداد و حتی فرزندان همیشه از دوستان ما خاندان بوده و هستند و تو مورد وثوق من هستی، می‌خواهم سری را به تو بگویم که از این جهت بر سائر شیعیان برتری پیدا خواهی کرد.  
من خوشحال شدم و از آقا تشکر کردم.

۱- کتاب بحار الانوار جلد ۵۳ - مؤلف علامه مجلسی علیه السلام  
و کتاب مصلح آخر الزمان مؤلف آیه الله سید حسن ابطحی.

سپس آن حضرت نامه تمیزی به خط و زبان رومی نوشتند و سر آن را بستند و دو بیست و بیست اشرفی که در کیسه زردی بود بیرون آوردند و آن را بمن دادند و فرمودند به بغداد می روی صبح زود در فلان روز سر پل بغداد حاضر می شوی اولین کشتی که حامل اسیران است می رسد مشتریان زایدی از اشراف بنی العباس بطرف آنها هجوم می برند عده کمی هم از جوانان عرب برای خریدن کنیز آمده اند در این بین شخصی بنام عمر بن زید کنیزی را که دارای اوصاف زیر است به معرض فروش می گذارد.

دو لباس حریر پوشیده و خود را پوشانده و در معرض فروش و مشتریان قرار نمی گیرد، از وضع اسارت خود به زبان رومی ناله می کند و از پشت پرده رقیقی اظهار ناراحتی بر هتک حرمتش می نماید.

تو در این موقع نزد فروشنده برو و بگو من نامه ای برای او از طرف یکی از اشراف به خط رومی آورده ام و سپس نامه را به کنیز نشان بده و او را بخر و بیاور. بشر بن سلیمان می گوید آنچه حضرت امام هادی (علیه السلام) فرموده بودند انجام دادم وقتی چشم آن کنیز به نامه افتاد گریه زیادی کرد سپس رو به عمر بن زید نمود و گفت مرا به صاحب نامه بفروش و قسم خورد که اگر مرا به او نفروشی خودم را می کشم.

من در خصوص قیمتش با فروشنده گفتگو کردم او به همان مبلغی که امام هادی (علیه السلام) داده بودند، راضی شد و من آن کنیز را خریدم و آوردم اما آن کنیز از این جریان بسیار خوشحال بود و مکرر نامه امام را می بوسید و به روی چشمش می مالید و بصورت و بدنش می کشید.

من گفتم: تعجب است نامه ای را می بوسی که نویسنده اش را نمی شناسی.

گفت: اگر مایل باشی برایت نقل کنم.

گفتم: بفرمائید.

گفت: من دختر پسر قیصر روم هستم پدر بزرگم پادشاه روم است. مادرم از فرزندان شمعون وصی حضرت عیسی است.

روزی جد من قیصر روم می خواست مرا به ازدواج پسر برادرش در آورد من آن روز سیزده سال داشتم مجلس عقد با شکوهی ترتیب داده بودند. تنها سیصد نفر از راهبان و قدیسیان نصاری از فرزندان حواریین حضرت عیسی حضور داشتند هفتصد نفر از اعیان و اشراف و چهار هزار نفر از امراء و فرماندهان و سران لشکر و بزرگان مملکت بودند.

تختی برای جلوس ما ترتیب داده بودند که با انواع جواهرات مزین بود ولی به مجرد آنکه پسر عمویم روی تخت کنار من نشست و اسقفها می خواستند مراسم عقد را برگزار کنند ناگهان زلزله ای شد که صلیبها به روی زمین افتادند و پایه های تخت شکست و پسر عمویم بی هوش روی زمین افتاد.

رنگ صورت اسقفها پرید و بشدت می لرزیدند.

پاپ بزرگ اسقفها رو به قیصر کرد و گفت: پادشاهها ما را بار دیگر از مشاهده این اوضاع که نشانه زوال دین مسیح و مذهب و زوال پادشاهی شماست معاف بدار. جدم نیز این وضع را به فال بد گرفت ولی در عین حال به اسقفها دستور داد که دوباره مجلس عقد را برقرار کنند ولی باز هم مجلس به سرنوشت اول دچار گشت. من همان شب در خواب دیدم که حضرت عیسی و شمعون وصی او و جمعی از حواریین حضرت عیسی در قصر جدم (قیصر روم) اجتماع کرده اند و به جای تخت او منبری از نور گذاشته اند و مثل اینکه منتظر کسی هستند.

چیزی نگذشت که دیدم که حضرت محمد ﷺ و دامادش حضرت علی ﷺ و جمعی از فرزندان او وارد قصر شدند حضرت عیسی از آنها استقبال کرد و با حضرت محمد ﷺ دیدار نمودند پس از چند لحظه حضرت محمد ﷺ رو به حضرت عیسی فرمودند و گفتند: یا روح الله من به خواستگاری دختر وصی شما «اشاره به من» برای فرزندم «اشاره به حضرت امام حسن عسگری ﷺ» آمده‌ام.

حضرت عیسی رو به وصی و جانشین خود شمعون کرد و فرمود سعادت و شرافت به سوی تو رو آورده با این وصلت با شکوه موافقت کن. او هم گفت موافقم.

حضرت محمد ﷺ از همان منبر بالا رفت و خطبه عقد را خواند و مرا برای فرزندش تزویج کرد و حضرت عیسی و فرزندان خود را هم شاهد گرفت. من هم وقتی از خواب بیدار شدم از ترس جانم خوابم را برای پدر و جدم نقل نکردم ولی بعد از آن شب قلبم مملو از محبت حضرت عسگری ﷺ شده بود و از عشق او از غذا افتاده بودم و کم کم لاغر و رنجور و بیمار شدم. جدم قیصر تمام پزشکان پایتخت را جمع کرد ولی آنها هرچه کردند اثری در روحیه و بدن من نداشت.

روزی جدم به من گفت نور دیده‌ام هرچه می‌خواهی به من بگو تا انجام دهم چرا اینقدر ناراحتی؟

گفتم: پدر جان اگر زندانیان و اسیران مسلمین را آزاد کنی شاید حضرت عیسی و حضرت مریم مرا شفا دهند.

جدم تقاضای مرا پذیرفت من هم بطوری که او نفهمد مقداری اظهار اشتها

کردم و غذا خوردم جدم خوشحال شد و نسبت به مسلمانها بیشتر رعایت می کرد. از این جریان چهارده شب گذشت یک شب باز در خواب دیدم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و حضرت مریم و حوریه های بهشتی به عیادت من آمده اند. حضرت مریم رو به من کرد و فرمود این خانم بانوی زنهاي عالم فاطمه زهرا (علیها السلام) مادر شوهر تو است که به عیادتت آمده اند.

من به گریه افتادم و دامن او را گرفتم و از اینکه حضرت عسگری (علیه السلام) دیگر به خواب من نیامده به آن حضرت شکایت کردم. فرمود او از این جهت به دیدنت نیامده که تو هنوز مسیحی هستی اگر می خواهی خدا و حضرت عیسی و حضرت مریم از تو راضی باشند و پسر من حضرت امام حسن عسگری (علیه السلام) به دیدنت بیایند باید به اسلام گواهی بدهی و مسلمان شوی.

من فوراً شهادتین گفتم و مسلمان شدم حضرت زهرا (علیها السلام) مرا در آغوش گرفت و حال خوب شد و آن حضرت به من فرمودند از امشب منتظر باش که فرزندم امام حسن عسگری (علیه السلام) نزد تو خواهد آمد.

شب بعد حضرت عسگری (علیه السلام) به خوابم آمد من از گذشته ام شکایت می کردم و می گفتم ای محبوب من در فراق تو تلف شدم.

او فرمود نیامدن من فقط به خاطر مذهب بود و حالا که اسلام آوردی هر شب بدیدنت می آیم تا وقتی که این فراق به وصال مبدل گردد و بحمدالله از آن شب تا به حال شبی نبوده که حضرت امام حسن عسگری (علیه السلام) بخوابم نیامده باشد.

بشر بن سلیمان می گوید من از آن خانم پرسیدم چطور شد که به میان اسیران

افتادی؟

گفت: یک شب در عالم خواب حضرت امام حسن عسگری علیه السلام فرمود فلان روز پدر بزرگت قیصر لشگری به جنگ مسلمانان می فرستد تو هم بطور ناشناس در لباس خدمتکاران همراه با کنیزان از فلان راه به آنها ملحق شو. من اینکار را کردم پیش قراولان سپاه اسلام مطلع شدند و ما را اسیر گرفتند و آوردند تا به امروز که نامه حضرت هادی علیه السلام را به من دادی ولی تا به حال به احدی نگفته‌ام که من دختر قیصر روم هستم. حتی پیرمردی که در تقسیم غنائم جنگ نصیب او شده بودم از من پرسید اسمت چیست. گفتم: نرجس.

گفت: این نام کنیزان است.

بشر می گوید: گفتم تو از کجا عربی را آموخته‌ای؟

گفت: جدم در تربیتم بسیار کوشید و زنی را که چند زبان بلد بود مرئی من قرار داد او به من زبان عربی را یاد داده است.

بشر می گوید: وقتی او را به سامراء خدمت امام هادی علیه السلام بردم حضرت به نرجس فرمودند: آیا به تو ده هزار دینار بدهم یا مژده مسرت انگیزی را به تو بگویم. و نرجس خاتون عرض کرد: مژده بدهید فرمود به تو مژده می دهم که بزودی فرزندی خواهی داشت که شرق و غرب عالم را مالک خواهد شد. و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

نرجس خاتون عرض کرد: این فرزند از کدام شوهر خواهد بود.

حضرت امام هادی علیه السلام فرمودند از آن کسی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در فلان شب و در فلان ماه و در فلان سال رومی تو را برای او خواستگاری فرمود. در آنشب حضرت عیسی بن مریم و وصی او شمعون تو را برای چه کسی

## تزویدج کردند؟

نرجس خاتون گفت: برای فرزند شما حضرت امام حسن عسگری علیه السلام .

امام هادی فرمود: او را می شناسی؟

نرجس خاتون عرض کرد: چگونه او را نشناسم و حال آنکه از شبی که به دست حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مسلمان شده ام شبی نیست که او بدیدن من نیاید. امام دهم علیه السلام به کافور خادمش فرمود خواهرم حکیمه را بگو نزد من بیاید. وقتی آن بانوی محترمه آمد حضرت امام هادی علیه السلام فرمود این دختر همان است گفته بودم.

حکیمه خاتون او را در آغوش گرفت و از دیدارش شادمان گردید.

حضرت امام هادی علیه السلام به حضرت حکیمه فرمودند: خواهرم او را به خانه خود ببر و مسائل و احکام اسلام را به او تعلیم ده، او همسر فرزندانم امام حسن عسگری علیه السلام و مادر قائم آل محمد (عج) است.

## چگونگی ولادت حضرت مهدی (عج)

حضرت ولیعصر (روحی فداه) روز نیمه شعبان ۲۵۵ هجری قمری از پدرش امام حسن عسگری علیه السلام و از مادرش حضرت نرجس خاتون علیها السلام متولد شد و کیفیت تولد آن حضرت از زبان مبارک حضرت حکیمه خاتون دختر امام محمد تقی جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسگری علیه السلام بدین شرح است: او می گوید شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری امام حسن عسگری علیه السلام مرا خواست و فرمود امشب نیمه شعبان است لطفاً نزد ما باش

ضمناً حق تعالی امشب فرزندی را متولد می‌کند که حجت او در روی زمین است.

عرض کردم: مادرش کیست؟

فرمود: نرجس خاتون است.

گفتم: فدایت گردم! اثری از حاملگی در نرجس خاتون (علیها السلام) نیست.

فرمود: همین است که می‌گویم.

سپس به خدمت حضرت نرجس رفتم سلام کردم و نشستم او خواست

لباس مرا عوض کند و کفشهای مرا بیرون آورد

فرمود بانوی من شب بخیر

گفتم: بانوی من و بانوی خاندان ما توئی.

فرمود: نه، من کجا و این مقام بزرگ.

گفتم: دختر جان امشب خدایتعالی پسری بتو عنایت می‌کند که سرور دو

جهان خواهد بود.

وقتی این کلام را از من شنید با کمال حُجُب و حیا سر را به زیر انداخت

سحر برای اداء نماز شب بیدار شدم دیدم حضرت نرجس (علیها السلام) هنوز خواب

است و هیچ آثار وضع حمل در او نیست پس از نماز شب مقداری خوابیدم ولی

پس از چند دقیقه با اضطراب از خواب پریدم دیدم باز هم حضرت

نرجس (علیها السلام) خوابیده است با خودم فکر می‌کردم که چگونه حضرت امام

حسن عسگری (علیه السلام) فرمود که امشب فرزندش متولد می‌شود؟

ناگهان صدای امام حسن عسگری (علیه السلام) بلند شد و فرمود عمه جان تعجب

نکن که وقت تولد فرزندم نزدیک است. من وقتی صدای آن حضرت را شنیدم

مشغول سوره آلم سجده شدم و سپس سوره یس را خواندم که ناگهان دیدم



حضرت نرجس علیها السلام از خواب پریده و مضطرب است نزد او رفتم.

گفتم: آیا چیزی احساس می‌کنی؟

گفت: بلی.

گفتم: دل قوی دار این مولود همان مژده‌ای است که به تو داده‌ام دیدم طفل متولد شده و صورت روی زمین گذاشته و خدا را سجده می‌کند حضرت را در آغوش گرفتم دیدم پاک از جمیع آلودگی‌هایی که سایر کودکان دارند می‌باشد بعد از آن حضرت امام حسن عسگری علیه السلام از آن اطاق صدا زد که عمه جان فرزندم را نزد من بیاور. من او را نزد امام حسن عسگری علیه السلام بردم امام دست زیر رانها و پشت بچه گذاشتند و دست بر چشم و گوش و بندهای او کشیدند و فرمود: پسرم با من حرف بزن آن طفل زبان باز کرد و گفت:

اشهد أنَّ لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد أنَّ محمد رسول الله و سپس بر

امیرالمؤمنین و ائمه اطهار علیهم السلام صلوات و سلام فرستاد و وقتی به نام پدرش رسید چشمهایش را باز کرد و سلام را داد.

پس از آن حضرت عسگری علیه السلام به من فرمودند: عمه جان او را نزد مادرش ببر تا به او هم سلام کند و بعد او را نزد من بیاور من او را نزد مادرش بردم چشم باز کرد و به مادرش هم سلام کرد و مادرش جواب سلام را داد و او را به من باز گرداند و من دوباره او را نزد پدرش بردم و تحویل دادم. حضرت عسگری علیه السلام فرمود: روز هفتم ولادتش نیز بچه را نزد من بیاور صبح روز ۲۲ شعبان که به خدمت امام علیه السلام رسیدم روپوش از روی او برداشتم ولی بچه را ندیدم عرض کردم: فدایت کردم بچه چه شد؟

فرمود: او را به کسی سپردم که مادر موسی فرزند خود را به او سپرد.

و به نقلی دیگر چون روز هفتم به حضور امام شرفیاب شدم فرمود:

فرزندم را بیاور. او را در قنداقه پیچیده نزد حضرت بردم امام مانند بار اول

فرزند دلبندهش را نوازش فرمود و سپس فرمود: فرزندم با من سخن بگو.

گفت: اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَنْ گاه به پیغمبر خاتم ﴿ﷺ﴾ و یک یک ائمه و پدر

بزرگوارش درود فرستاد سپس این آیه شریف را تلاوت فرمود: (و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ

عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي

الْأَرْضِ وَ...) (۱)

ترجمه: همانا خداوند ار داده فرموده که مستضعفین را وارثین زمین قرار

دهد تا حکومت بر جهان نمایند.

**اکنون به روایت و نقلی دیگر چگونگی ولادت حضرت ولی عصر «عج» را بیان**

**می‌کنیم.**

۱- موسی بن محمد بن قاسم بن حمزه فرزند امام موسی کاظم ﴿ﷺ﴾

می‌گوید: «حکیمه دختر امام جواد ﴿ﷺ﴾ گفت: امام حسن عسگری ﴿ﷺ﴾ کسی

را به دنبال من فرستاد - وقتی خدمتش رسیدم - فرمود: عمه! امشب افطار نزد ما

بمان، امشب شب نیمه شعبان است و خداوند امشب حاجتش را ظاهر خواهد

فرمود، او حجت خدا در زمین است. حکیمه گفت: عرض کردم: «مادرش

کیست؟»، حضرت فرمود: «نرجس»، گفتم: «قربانت شوم»، اثری از حمل در او

نمی‌بینم.» فرمود: «همان است که گفتم.»

حکیمه گفت: «به منزل مولا وارد شدم، سلام کردم و نشستم، نرجس جلو

آمد تا کفش مرا از پا درآورد، به من گفت: «سرورم حالت چطور است؟» من گفتم: «تو سرور من و سرور خاندانم هستی»، نرجس حرف مرا رد کرد و گفت: «این چه حرفی است عمه؟!» به او گفتم: «دختر عزیزم! خداوند امشب به تو پسری عطا خواهد کرد که آقا و سرور دنیا و آخرت است.» نرجس با اظهار حیا و خجالت نشست. حکیمه گفت: «وقتی نماز عشا را خواندم افطار کردم و به رخت خواب رفتم، خوابم برد. نیمه شب برای نماز برخاستم، نماز تمام شد، دیدم نرجس خوابیده و هیچ تغییری در وضع او ایجاد نشده است، نشستم و به تعقیبات مشغول شدم، باز دراز کشیدم و دوباره با نگرانی بیدار شدم، نرجس خوابیده بود، بلند شد و نماز خواند.

حکیمه می گوید: «دچار تردید شدم، ناگاه صدای امام حسن عسگری علیه السلام از همان محلی که نشسته بود بلند شد که فرمود: «عمه! شتاب مکن، نزدیک است.» حکیمه می گوید آنگاه سوره سجده و یس را خواندم، در همین اثنا نرجس با نگرانی بیدار شد، به سوی او از جا پریدم و گفتم: «إِسْمُ اللَّهِ عَلَيْكِ»؛

اسم خداوند بر شما باد. و سپس گفتم: «آیا چیزی احساس می کنی؟» نرجس گفت: آری عمه»، گفتم: «خیالت راحت و دلت آرام باشد، همان است که گفتم.» حکیمه می گوید: «مرا رخوت و آرامشی فراگرفت و به نرجس حالت ولادت دست داد، با احساس وجود مولایم مهدی علیه السلام به خود آمدم، پارچه را از رویش کنار زدم، دیدم اعضاء هفتگانه را بر زمین گذاشته و سجده می کند، او را در بغل گرفته، به خود چسباندم، پاک و پاکیزه بود، بلافاصله امام عسگری علیه السلام صدایم زد: «عمه! پسر مرا بیاور.» او را به نزدش بردم. امام علیه السلام دو دست خود را زیر بدن و پشت نوزاد نهاد و دو پای نوزاد را روی سینه خویش گذاشت،

زبان‌ش را در دهان طفل فرو برد، دست خود را بر چشم و گوش و اعضای فرزند کشید، سپس فرمود: فرزندم! سخن بگو. نوزاد فرمود:

(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ،)

آن گاه بر امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر امامان درود فرستاد و بعد از سلام بر پدرش، سکوت کرد. امام حسن عسگری علیه السلام فرمود: «طفل را نزد مادرش ببر تا به او سلام کند، آن گاه نزد من برگردان.» حکیمه گفت: «طفل را پیش مادرش بردم، سلام کرد، او را برگرداندم و همان جا که پدرش نشسته بود گذاشتم.» سپس امام فرمود: «عمه! روز هفتم باز نزد ما بیا.»

حکیمه گفت: صبح شد، آمدم به امام حسن عسگری علیه السلام سلام عرض کنم، پارچه را برداشتم و دنبال مولایم مهدی عج گشتم، او را ندیدم، به امام حسن عسگری علیه السلام عرض کردم، فدایت شوم، مولایم چه شد؟ فرمود: «عمه! او را به همان کسی سپردیم که مادر موسی علیه السلام فرزندش را به او سپرد.»

حکیمه گفت: «روز هفتم که شد به منزل امام شرفیاب شدم، سلام کردم و نشستم حضرت فرمود: «پسرم را بیاور»، مولایم را که پارچه‌ای به دورش پیچیده شده بود نزد امام آوردم، مثل دفعه پیش او را گرفت، زبان‌ش را در دهان او فرو برد مثل اینکه شیر و عسل به او می‌خوراند، سپس فرمود: «پسرم! سخن بگو.» حضرت فرمود: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و بر پیامبر، امیرالمؤمنین و امامان - صلوات الله عليهم اجمعین - تا پدرش درود فرستاد و مدح نمود، سپس این آیه را تلاوت فرمود: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ

وَجُتُوهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ<sup>(۱)</sup>؛ اراده ما بر این است که بر ضعیف نگاهداشته شدگان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و در زمین توانایی و اقتدارشان بخشیم و به فرعون و هامان و اشکریانش آن چه را که از آن بیمناک بودند به دست اینان بنمایانیم و به ایشان بچشانیم. خبر دادن امام علیه السلام از نزدیک بودن تولد فرزندش و اینکه او حجت خدا در زمین است. این امر به علم امام بر می گردد و شکی نیست که امام از گذشته و حال و آینده و تمام وقایع آنها مطلع است.

خبر دادن امام از اینکه پسرش از نرجس خاتون متولد می شود در حالی که با وجود نزدیکی وضع حمل، هیچ آثار بارداری در آن بانو نبوده است. شاید علت مخفی بودن این امر نیز به همان علت مخفی بودن سایر امور و جنبه های زندگی آن حضرت علیه السلام که در روایات آمده است برگردد.

اطلاع داشتن امام حسن عسگری علیه السلام از دل حکیمه، وقتی درباره خبری که امام علیه السلام به او داد تردید کرد، که در نتیجه امام او را صدا زد و فرمود: «شتاب مکن» و باز اطلاع داد که ولادت حجت خدا نزدیک است. این مطلب نیز به علم امام علیه السلام بر می گردد.

تلاوت کردن سوره های سجده و یس توسط حکیمه. شاید این عمل مخصوص زمان تولد حضرت قائم (عج) بوده و امام عسگری علیه السلام به حکیمه چنین دستوری داده باشند یا شاید تلاوت این سوره ها در هنگام وضع حمل زنان به عنوان سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بین اهل بیت معمول بوده است.

اینکه حکیمه خطاب به نرجس ﴿عج﴾ عبارت (اِسْمُ اللّٰهِ عَلَیْكَ)؛ اسم خداوند بر شما باد را ادا کرد شاید نوعی تبریک و تهنیت به او بوده باشد. پیدایش سستی و آرامش در حکیمه، که ممکن است ناشی از عظمت موضوع و تولد آن بزرگوار باشد.

سجده کردن حضرت حجت (عج). شاید این سجده به خاطر شنیدن سوره سجده و آیه سجده در آن بوده است و شاید هم سپاسگذاری از خداوند است که به او هستی بخشیده و به وعده امامت و وراثت مستضعفین که در آیه (و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ) <sup>(۱)</sup> آمده، وفا فرموده است. تلاوت کردن همین آیه، چنانکه در احادیث به آن اشاره شده است، <sup>(۲)</sup> می تواند شاهدی برای صحت احتمال دوم باشد.

سخن گفتن حضرت حجت «عج» در هنگام ولادت و هفت روزگی و شهادت بر یگانگی خداوند و درود فرستادن بر پیامبر و امیرالمؤمنین و ائمه ﴿عج﴾ یا به تعبیر دیگر ادای شهادتین و سلام بر امیرالمؤمنین و ائمه ﴿عج﴾ تا پدر بزرگوارشان و سپس تلاوت آیه (و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...) .

نظیر اینگونه سخن گفتن در زمان ولادت از انبیاء و اولیاء ﴿عج﴾ نیز دیده شده است و هر کس به رتبه و مقام آنان در نزد پروردگار آشنایی داشته باشد کمترین تردیدی در صحت این قضیه نخواهد داشت و اساساً چه جای تعجب و تردید است در حالی که خداوند سبحان در قرآن کریم از سخن گفتن بعضی از پیامبران <sup>(۳)</sup> از جمله حضرت عیسی بن مریم - علی نبینا و آله و علیه السلام - خبر

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۷، روایت ۲۵.

۱- سوره قصص، آیه ۵.

۳- سوره مریم، آیه ۲۹-۳۲.

داده است.

### اکنون روایتهای مختلف را درباره ولادت حضرت مهدی «عج» بیان می‌کنیم.

- ۱- علی بن محمد<sup>(۱)</sup> می‌گوید: «حضرت صاحب الزمان (عج) در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج متولد شد.»<sup>(۲)</sup>
- ۲- حکیمه دختر امام جواد «علیه السلام» می‌گوید: «امام عسگری «علیه السلام» در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج کسی را به دنبال من فرستاد...»<sup>(۳)</sup>
- ۳- در ارشاد مفید آمده است: «تولد امام مهدی (عج) در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج واقع شد.»<sup>(۴)</sup>
- ۴- در روایت معلی بن محمد آمده است: «... برای امام عسگری «علیه السلام» در سال دویست و پنجاه و پنج فرزندی متولد شد و او را (م ح م د) نامید...»<sup>(۵)</sup>
- ۵- محمد بن حسن کرخی می‌گوید: «از یکی از دوستانم به نام ابی هارون شنیدم که می‌گفت: صاحب الزمان (عج) را دیدم، ولادت آن حضرت در روز جمعه سال دویست و پنجاه و شش واقع شد.»<sup>(۶)</sup>
- ۶- از حکیمه (از طریق دیگری غیر از سند روایات شماره دو) نقل شده که گفت: «امام عسگری «علیه السلام» در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج کسی را دنبال من فرستاد.»<sup>(۷)</sup>
- ۷- علان می‌گوید: «مولایمان مهدی (عج) در سال دویست و پنجاه و شش

۱- احتمالاً همان علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی کلینی صاحب کتاب «اخبار القائم» است.  
 ۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴، روایت ۵.  
 ۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۷، روایت ۲۵.  
 ۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴، روایت ۴.  
 ۵- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۹، روایت ۲۶.  
 ۶- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵، روایت ۱۶.

هجری، دو سال پس از رحلت امام هادی علیه السلام متولد شد. (۱)

۸- شیخ کمال الدین بن طلحه می گوید: «حجة بن الحسن (عج) در بیست و

سوم رمضان سال دویست و پنجاه و هشت در سامرا متولد شد.» (۲)

۹- عیسی بن محمد جوهری می گوید: «همراه گروهی برای تبریک به امام

عسگری علیه السلام به خاطر تولد حضرت مهدی (عج) از منازل خود خارج شدیم؛

برادرانمان گفتند که زمان ولادت، هنگام طلوع فجر شب جمعه در ماه شعبان

بوده است...» (۳)

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، روایت ۳۵.

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، روایت ۳۵.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۲، روایت ۶۹۶.



### کسانی که آن حضرت را در خردسالی دیده‌اند

۱- غیاث ابن اسد می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه (یکی از نواب اربعه و نمایندگان ولی عصر (عج) شنیدم که می‌گفت: هنگامی که حضرت مهدی (عج) به دنیا آمد، از سر مبارکش نوری به سمت آسمان اوج گرفت، آنگاه حضرت به سجده افتاد در برابر پروردگار جبین به خاک سائید سپس سر برداشت و چنین فرمود:

(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) <sup>(۱)</sup>؛ با این تفاوت که آیه این گونه شروع می‌شود: (شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...) ترجمه: خداوند و ملائکه و صاحبان علم گواهی می‌دهند که خدایی جز او نیست، او قائم به قسط است و جز او خدای مقتدر شکست ناپذیری که ساخته و پرداخته‌اش خالی از هر عیب و نقصی است هیچ خدایی نیست، دین پذیرفته شده در نزد خداوند، همانا اسلام است. محمد بن عثمان اضافه کرد: ولادت آن بزرگوار در شب جمعه بود. <sup>(۲)</sup>

۲- احمد بن اسحق سعد اشعری در یک حدیث طولانی از امام عسگری رضی الله عنه نقل می‌کند که از ایشان سؤال کردم: «یا ابن رسول الله! امام و خلیفه بعد از شما چه کسی است؟» امام رضی الله عنه به سرعت از جا برخاست و وارد خانه شد، پس در حالی که پسرش ماهر و سه ساله را به همراه داشت خارج شد و فرمود: «ای احمد بن اسحق! اگر تو در نزد خدا و ائمه احترام نداشتی این پسر را به تو نشان نمی‌دادم، او همانم و هم کنیه رسول الله است و زمین مالا مال از ستم

را از عدل و داد سرشار خواهد کرد.»<sup>(۱)</sup>

۳ - یعقوب بن منقوش می گوید: «بر امام عسگری علیه السلام وارد شدم، ایشان بر روی سکویی در خانه نشسته بودند، در سمت راست آن حضرت اتاقی بود که پرده‌ای جلوی در آن آویزان بود. عرض کردم: «مولای من، صاحب الامر کیست؟» فرمود: «این پرده را بالا بزن»، پرده را بالا زدم، پسری هشت ساله با قدی در حدود یک متر و اندی با پیشانی بلند، چهره‌ای نورانی، چشمانی درشت و درخشانده، دستانی قوی و زانوانی برجسته که خالی بر گونه راست و پارچه‌ای بر سر داشت خارج شد، روی پای امام عسگری علیه السلام نشست، امام فرمود: «این صاحب شماس است» سپس به سرعت از جا بلند شد و فرمود: «پسرم! به داخل خانه برو تا زمان مقرر.» در حالی که من به سیما و قد و قامتش نگاه می‌کردم داخل خانه شد. امام عسگری علیه السلام فرمود: «یعقوب! نگاه بکن بین در خانه کیست؟» من وارد اتاق شدم اما هیچ کس را ندیدم.»<sup>(۲)</sup>

۴ - محمد بن علی بن حمزه علوی می گوید: از امام عسگری علیه السلام شنیدم که می فرمود: ولی خدا و حجت او بر بندگانش و جانشین من، پاک و پاکیزه و مختون (ختنه شده) در هنگام طلوع فجر در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج متولد شد.»<sup>(۳)</sup>

۱ - حسین بن ابی العلاء می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «آیا می شود که زمین بدون امام بماند؟» فرمود: «نه...» عرض کردم آیا «قائم امام است؟» فرمود: «آری، او امام و پسر امام است. این مطلب پیشاپیش معین و اعلام

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۸۰.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱۸۳.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، روایت ۶۸۳.

شده است.»<sup>(۱)</sup>

۲- معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان عمری گفتند: «چهل نفر در منزل امام عسگری علیه السلام بودیم، حضرت، پسرش را به ما نشان داد و فرمود: «این بعد از من امام شما و جانشین من است، از او اطاعت کنید و در امر دین اختلاف نکنید که هلاک خواهید شد؛ بدانید که از امروز به بعد او را نمی بینید»، چند روزی از این قضیه نگذشته بود که امام عسگری علیه السلام از دنیا رفت.»<sup>(۲)</sup>

۳- حکیمه دختر امام جواد علیه السلام گفت: «هنگامی که قائم (عج) به دنیا آمد، پدرش امام عسگری علیه السلام به او فرمود: «ای حجت خدا و بازمانده انبیاء، حکیم اوصیاء سخن بگو! ای جانشین اتقیاء و ای نور اوصیاء سخن بگو!...»<sup>(۳)</sup>

۴- امام صادق علیه السلام در مورد آیه (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ)<sup>(۴)</sup>؛ چه کسی است که وقتی در مانده‌ای از روی ناچاری او را می خواند، پاسخ گوید و گرفتاریش را از میان بردارد و شما را جانشین در زمین قرار دهد؟! فرمود: این آیه در مورد قائم آل محمد نازل شده است که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می خواند و دست به درگاه خدا بر می دارد، خداوند دعایش را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می نماید و او را خلیفه روی زمین قرار می دهد.»<sup>(۵)</sup>

۵- امام صادق علیه السلام می فرماید: «قائم، امام و پسر امام است، قبل از قیامش، مردم، حلال و حرام - و باید و نباید خویش را از او می جویند...»<sup>(۶)</sup>

۱- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۴۶۰، روایت ۱۰۲.  
 ۲- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۳۰، روایت ۴۵۱.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۳، روایت ۵۷۶.  
 ۴- سوره نمل، آیه ۶۲.  
 ۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۰، روایت ۵۷۹.  
 ۶- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۵، روایت ۲۰۴.

### سن حضرت مهدی (عج) در آغاز امامت

۱- محمد بن جعفر اسدی<sup>(۱)</sup> می گویند: امام قائم محمد بن حسن (عج) در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج متولد شد و به هنگام رحلت پدرش پنج ساله بود.<sup>(۲)</sup>

۲- علی بن مهزیار می گویند: «امام هادی علیه السلام» به امامت حضرت عسگری علیه السلام در حالی که حضرت امام حسن عسگری علیه السلام هفت ساله بود تصریح فرمود، من عرض کردم مولای من آیا می شود که پسری هفت ساله امام باشد؟ آن حضرت فرمود: آری و می شود پسری پنج ساله امام باشد.<sup>(۳)</sup>

۳- ارشاد مفید می گویند: «ولادت آن حضرت در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج واقع شد و مادرش کنیزی بود به نام نرجس، و سن آن حضرت هنگام رحلت پدرش پنج سال بود که خداوند به او حکمت عنایت فرمود و حق را در دل و زبان او نهاد و وی را آیتی برای جهانیان قرار داد. همان طور که به یحیی در کودکی حکمت عطا کرد به او نیز حکمت بخشید و همان گونه که عیسی بن مریم را در گهواره به نبوت رساند، مهدی (عج) را نیز مقام امامت داد...»<sup>(۴)</sup>

۴- در کتاب ارشاد مفید آمده: «امام عسگری علیه السلام روز اول ماه ربیع الاول سال شصت بیمار شد و روز جمعه هشتم همان ماه، همان سال در بیست و هشت سالگی از دنیا رفت و در سامرا در همان خانه ای که پدرش مدفون بود

۱- وی از کسانی است که هیچ خدشه ای در موردش نشده است.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۸، روایت ۶۷۸. ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۹، روایت ۷۵۴.

۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲، روایت ۳۶.

دفن شد و پسرش، امام منتظر جانشین او شد.<sup>(۱)</sup>

از این حدیث و نمونه‌های مشابه آن، این طور فهمیده می‌شود که حضرت مهدی (عج) در هنگام شهادت پدر بزرگوارش پنج ساله بوده و در همین سن امامت امت را برعهده گرفته است. و بنابراین روایت سوم که گویای آن بود که روای در سن هفت هشت سالگی با قامتی حدود یک متر و اندی آن حضرت را دیده به قد و قامت ایشان مربوط می‌شود و با سن پنج سالگی در هنگام امامت منافاتی ندارد.

### عقیده علمای اهل سنت درباره وجود مقدس امام زمان (عج)

سویدی، یکی از علماء اهل تسنن می‌گوید:

آنچه علما بر آن اتفاق دارند آن است که حضرت مهدی (عج) در پایان روزگار قیام می‌فرماید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند و احادیث راجع به حضرت مهدی (عج) و ظهورش بسیار است.<sup>(۲)</sup>

ابن ابی الحدید می‌گوید:

در آخر الزمان مردی از اهل بیت ظاهر خواهد شد که دین را تأیید و عدل را آشکار فرماید و مسلمانان از او پیروی نمایند و بر ممالک اسلامی مستولی شود و نام او مهدی (عج) است.<sup>(۳)</sup>

محمد بن طلحه شافعی از اهل سنت می‌گوید:

۱- بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۴، روایت ۵  
 ۲- سیانک الذهب ص ۷۸  
 ۳- مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۲

هو ابنُ ابي مُحَمَّد العسکری عليه السلام و مؤلده بسامراء. یعنی او فرزند ابي محمد امام حسن عسگری عليه السلام می باشد و محل تولدش سامرا بوده است. (۱)

ابو عبد الله فقيه محمد بن يوسف گنجی شافعی از اهل سنت می گوید:

أَنَّ الْمَهْدِيَّ وَالِدِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ فَهُوَ حَيٌّ مَوْجُودٌ بَاقٍ مِنْهُ إِلَى الْآنَ وَلَا اِمْتِنَاعُ فِي بَقَائِهِ بِدَلِيلِ بَقَاءِ عَيْسَى وَالْخَضِرِ وَالْيَاسِ عليه السلام بدرستی که مهدی (عج) فرزند حسن عسگری عليه السلام است او از زمان غیبت تا کنون زنده و موجود و باقی است بقای او امتناع ندارد بدلیل بقای عیسی و خضر و الیاس عليه السلام. (۲)

شیخ الاسلام حموینی از اهل سنت می گوید:

شیخ الاسلام حموینی در فرائد السمطين از محدث و فقيه شافعی ابراهیم بن یعقوب کلابادی نجاری و خواجه کلان شیخ سلیمان بلخی حنفی در ینابیع الموده از جابر بن عبدالله انصاری نقل می نماید که رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمود:

(مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله)

یعنی: کسی که خروج حضرت مهدی (عج) را منکر شود محققا کافر است به آنچه بر محمد صلى الله عليه وآله نازل گردیده. (۳)

محب الدین طبری از اهل سنت می گوید:

محب الدین طبری از رسول اکرم صلى الله عليه وآله روایت می کند که فرمودند: «اگر از دنیا نماند مگر یک روز خداوند آن روز را طولانی می کند تا مردی را از اهل بیت من که نامش نام من است مبعوث نماید سلمان پرسید: یا رسول الله از کدام فرزندان؟ حضرت دست مبارکش را روی شانه حسین عليه السلام نهاد و فرمود: از

۲- البیان فی اخبار صاحب الزمان آخر باب ۲۰.

۱- مطالب الثوول فی مناقب آل الرسول.

۳- فرائد السمطين.

این فرزندم. (۱)

شیخ محیی الدین از اهل سنت می گوید:

بدانید که چاره‌ای نیست از خروج مهدی (عج) و لکن او خروج نمی‌کند تا اینکه زمین پر از ظلم و جور گردد و آنگاه آن را پر از عدل و داد می‌کند. مهدی (عج) از عترت رسول خدا ﷺ و از فرزندان فاطمه ﷺ و جدش حسین بن علی بن ابیطالب و پدرش امام حسن العسکری بن الامام علی النقی ﷺ... (۲)

محمد بن طلحه شافعی از اهل سنت می گوید:

محمد بن طلحه شافعی از تفسیر ثعلبی از قول انس بن مالک می نویسد که پیغمبر ﷺ فرمود: (نحن وَاَلِدُّ عَبْدِ الْمَطْلَبِ سَادَةَ اهل الجنة اَنَا و حمزه و جعفر و علی و الحسن و الحسین و المهدی) ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم من و حمزه و جعفر و علی و حسن و حسین و مهدی (عج). (۳)

ابن جوزی از اهل سنت می گوید:

ابن جوزی گوید رسول خدا ﷺ فرمود: «در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می‌کند که نامش مانند اسم من و کنیه‌اش مانند کنیه من است زمین را پر از عدل می‌کند چنانکه از ظلم پر شده است و این همان مهدی (عج) است» و این حدیث مشهور است. (۴)

ابن صباغ مالکی از اهل سنت می گوید:

ابن صباغ مالکی می نویسد: ابو محمد حسن عسگری ﷺ پسرش حجت

۲- فتوحات.

۴- تذکرة الخواص ص ۳۴۰.

۱- ذخائر العقبی ص ۱۲۶.

۳- مطالب الاصول ص ۸۹.

قائم منتظر را برای دولت حقه به جا گذاشت و به علت نامساعد بودن زمان و خوف سلطان ولادت او را مخفی نگهداشته و امرش را مستور نموده است. (۱)

ابن صباغ مالکی از اهل سنت می گوید:

همچنین ابن صباغ از عبدالله بن مسعود روایت می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر نمانده باشد از دنیا مگر یک روز خداوند آن روز را آنقدر طولانی کند تا این که مردی را از امت و خاندان من که هم نام و هم کنیه من باشد مبعوث نماید که زمین را پر از عدل و داد کند هم چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.» (۲)

ابن ابی الحدید از اهل سنت می گوید:

ابن ابی الحدید می نویسد: تمام فرقه های مسلمین همگی اتفاق کرده اند بر اینکه دنیا و تکلیف دینی پایان نیابد مگر پس از ظهور مهدی (عج). (۳)

شیخ سلیمان بلخی از اهل سنت می گوید:

شیخ سلیمان بلخی از کتاب فرائد السمطين نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «خلفاء و اوصیای من و حجت های خدا بر مردم پس از من دوزاده نفرند اول آنها علی ﷺ و آخرشان فرزندان مهدی (عج) است عیسی بن مریم نازل می شود و پشت سر مهدی (عج) نماز می خواند و زمین به نور پروردگار روشن می شود و سلطه و حکومت مهدی (عج) به مشرق و مغرب می رسد.»

صلاح الدین صفدی از اهل سنت می گوید:

صلاح الدین صفدی در شرح دایره می گوید: یقیناً مهدی موعود (عج) امام دوازدهمی از ائمه ﷺ است اولشان سید ما علی ﷺ و آخرشان



مهدی (عج) است خداوند از آنان راضی شود و ما را به وجود آنها بهره‌مند گرداند. (۱)

مردم چرا با نام بردن اسم (قائم آل محمد) بلند می‌شوند و احترام می‌گذارند؟ زیرا که حضرت در همان لحظه متوجه آن مجلس شده و طبق روایات وارده در آن مکان حضور می‌یابند و توجه خاصی مبذول می‌فرمایند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: هر وقت بلند شدید به احترام حضرت پس بگویید (اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه) خدایا تعجیل کن در فرجش و راحت کن قیامش را.

و امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کسی از روی علاقه به نام حضرت بلند شود، حضرت نیز به او نظر خواهد کرد. و باید مسلمانان همگی برای ظهورش دعا کنند.

### داستان غیبت حضرت مهدی (عج)

داستان غیبت حضرت مهدی (عج) از زمان پیامبر و ائمه وجود داشته که از غیبت امام زمان خبر داده اند، پیامبر فرمودند: حضرت مهدی (عج) غائب می شود بگونه ای که مردم خواهند گفت: خداوند احتیاجی به (آل محمد) ندارد و افراد در اصل تولدش شک میکنند. و باید همگی دین خود را نگه دارند و شیطان را به خود راه ندهند.

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: مهدی (عج) غائب می شود، و افراد نادان خواهند گفت: که خداوند احتیاجی به آل محمد نخواهد داشت.

قال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ):

لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي  
إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَةُ كُنْيَتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجوراً.<sup>(۱)</sup>  
اگر باقی بماند از عمر دنیا حتی یک روز، حق تعالی آن روز را آنقدر طولانی کند، تا خروج و قیام کند مردی از اهل بیت من که اسمش هم اسم من و کنیه اش هم کنیه من است.

۱- از کتاب فصول مهمه، ص ۳۱۲، همچنین این روایت به طُرُق دیگری نیز آمده از جمله در کُتُب: عقاید الجعفریه، ص ۲۵۰- عیون الاخبار رضا، ج ۱، ص ۲۶۶- کمال الدین، ص ۲۸۰.

زمین را مملو می‌کند از عدل و داد، کما اینکه مملو شده باشد از ظلم و ستم. و باز پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هر کس امام زمان خود را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است.

امام صادق ﷺ اگر خبر غیبت امام مهدی (عج) را شنیدید انکار نکنید. غیبت امام زمان (عج) را هم حضرت علی ﷺ و هم پیامبر اکرم ﷺ بیان نموده‌اند و از همان صدر اسلام ما بین مسلمین رواج داشته. و قبل و بعد ولادت مهدی (عج) علماء سنی و شیعه همگی در این باره کتابهایی را نوشته‌اند.

### غیبت صغری و کبری

امام صادق ﷺ فرمودند: امام مهدی (عج) دو غیبت دارد، یکی طولانی‌تر از دیگری خواهد بود، که در غیبت اول نواب اربعه جای امام مهدی (عج) را می‌دانند، و در غیبت دوم فقط عده بسیار اندکی از مؤمنین جای امام مهدی (عج) را می‌دانند، و باز امام صادق ﷺ فرمودند، مهدی (عج) دو غیبت دارد، که یکی از غیبت‌های ایشان بقدری طولانی می‌شود که مردم می‌گویند: امام زمان (عج) مرده است، و گروه دیگر می‌گویند: کشته شده، و رفته. و فقط عده بسیار اندکی باقی می‌مانند، که آنها ثابت قدم هستند.

### غیبت صغری و ارتباط شیعیان با حضرت مهدی (عج)

در این غیبت عده‌ای از مردم از دیدار حضرت محروم بودند، و ارتباط مردم بطور کامل با حضرت قطع نبود و بوسیله نواب اربعه مردم خواسته‌های خود را با امام مطرح می‌کردند، و سهم امام به توسط این نواب به حضرت داده می‌شد و

مردم از حضرت، سؤالات مختلفی می نمودند، که حالت (توقیع) داشت: یعنی افراد معینی ما بین حضرت و مردم واسطه بودند، و خواسته های مردم را که کتباً به حضرت می دادند کتباً نیز جواب می گرفتند.

(توقیع) نامه هایی بود که مردم به حضرت می نوشتند و نواب اربعه آنها را به حضرت داده و حضرت مهدی (عج) بادت خط خود به آنها جواب می دادند.

آیا توقیعات به خط خود امام بود؟ عده ای گفته اند تمامی جواب نامه ها به دست خط خود حضرت مهدی (عج) نوشته شده و شواهدی نیز دارند.  
(محمد بن عثمان عمری) میگوید از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطش را خوب می شناختم.

(اسحاق بن یعقوب) میگوید: توسط محمد بن عثمان عمری مشکلی را عنوان نمودم به حضرت که جوابش با خط حضرت دریافت شد.  
و عده ای دیگر گفته اند که در نزاعی که رخ داده بود، نامه ای به حضرت فرستادند، و جوابش با خط حضرت آمد، و همگی ادعا دارند که نامه ها با دست خط خود حضرت بوده، ولی چگونگی تشخیص اینکه دست خط خود امام است، یا نه معلوم نیست.

و توقیعات امام زمان توسط (محمد بن عثمان عمری) به مردم داده می شد.  
عده ای گفته اند حضرت یک نویسنده مخصوص داشته، همچنان که امام حسن عسگری (علیه السلام) یک نویسنده مخصوص داشته و می گویند: تمامی نامه ها در زمان حضرت مهدی (عج) از نظر خطشان مثل هم بوده.

### تعداد نواب حضرت مهدی (عج) در غیبت صغری چهار نفر بودند که به ترتیب:

۱- عثمان بن سعید عمری

۲- محمد بن عثمان عمری

۳- حسین بن روح نوبختی

۴- علی بن محمد سمري

۱- عثمان بن سعید عمری: او را عثمان بن سعید عسگری هم می‌گویند زیرا او از قریه عسکر سامره بوده است. او را سمان هم می‌گویند زیرا به خاطر پنهان داشتن منصب نیابتی که از جانب امام زمان (عج) داشت روغن فروشی می‌کرد روش وی چنین بود که شیعیان اموالی را که برای امام حسن عسگری (علیه السلام) می‌آوردند بوی می‌دادند و او از ترس آنها را میان خیک روغن پنهان می‌نمود و بدینگونه به خانه امام می‌رساند.

آن مرد بزرگوار مورد اطمینان امام هادی (علیه السلام) و امام حسن عسگری (علیه السلام) بوده است و از عرب بنی اسد بوده است. احمد بن اسحاق قمی می‌گوید: روزی خدمت امام هادی (علیه السلام) رسیدم عرض کردم: آقا من گاهی سعادت درک حضورتان را دارم و گاهی از این فیض بی نصیب می‌مانم در اینجا همه اوقات این فیض برایم میسر نمی‌گردد سخن چه کسی را بپذیرم و از چه کسی پیروی نمایم فرمود: این ابو عمرو و عثمان بن سعید مردی مورد اطمینان و امین است آنچه وی برای شما نقل کند از طرف من می‌گوید و آنچه به شما می‌رساند از جانب من می‌رساند. احمد بن اسحاق می‌گوید بعد از رحلت آن حضرت روزی به خدمت امام حسن عسگری (علیه السلام) شرفیاب شدم و همان سؤال را از آن

حضرت نیز کردم آن حضرت هم فرمودند: عثمان بن سعید عمری مردی مورد اطمینان و امین است هم مورد اطمینان امام گذشته (امام هادی علیه السلام) بود و هم نزد من در زمان حیات و ممات مورد اطمینان می باشد آنچه به شما برساند از جانب من می گوید و از طرف من می رساند.

عثمان بن سعید پیش از ولادت حضرت ولی عصر (عج) به مدت ۵ سال از طرف امام هادی علیه السلام و امام حسن عسگری علیه السلام وکیل و نماینده بود و در اینجا متذکر این نکته باید باشیم که موقعیت این دو امام بزرگوار طوری بود که با مردم نمی توانستند براحتی ارتباط داشته باشند به همین جهت از طریق شاگردان خاص و شیعیان با ایشان ارتباط برقرار می کردند و از فواید این وضعیت این بود که مردم برای غیبت امام عصر (عج) آماده می شدند تا امر غیبت حضرت مهدی (عج) به یکباره صورت نپذیرد و مردم بیش از حد حیران و سرگردان نشوند و تحت فشار قرار نگیرند و این امر تدریجاً انجام شود. و همواره امام هادی علیه السلام و امام حسن عسگری علیه السلام از عثمان بن سعید هنگامی که عثمان بن سعید الطاف و بزرگواری را از حضرت مهدی (عج) در حق خود شنید به سجده شکر افتاد و خدا را سپاس گفت و اشک شوق از دیدگانش جاری گشت عثمان بن سعید عمری از دوران کودکی حضرت مهدی (عج) به مقام سفارت و نیابت از طرف آن حضرت منصوب شد. او از جمله کسانی بود که در مراسم غسل و کفن و نماز و دفن امام حسن عسگری علیه السلام شرکت نمود.

و از جمله توقیعات که از ناحیه امام عصر (عج) که به وسیله عثمان بن سعید عمری برای شیعیان صادر شد. توقیعی می باشد که به جهت به شک افتادن جمعی از شیعیان درباره وجود مقدس آن حضرت بوده که آن حضرت مردم را

نصیحت می فرمایند.

هنگامی که نایب اول حضرت ولی عصر (عج) دیده از جهان فروبست شیعیان در غم و اندوه قرار گرفتند و خاطر شریف ولی عصر (عج) نیز در سوگ او محزون گردیدند و طبق نامه شریفی که به افتخار فرزند بزرگوارش محمد بن عثمان از ناحیه مقدسه صادر شد به فرزدش تسلیت فرمودند در این نامه چنین آمده است:

«ما برای خدائیم و بازگشتمان به سوی اوست تسلیم فرمان خدا به قضای الهی هستیم پدرت سعادت‌مندانه زیست و نیک از این جهان دیده بریست خدا رحمتش کند و او را به اولیاء و موالی خود ملحق سازد که همواره در راه آنها کوشا بود و در چیزهایی که او را به خدا نزدیک سازد تلاش فراوان داشت خدای تبارک و تعالی رویش را سفید و درخشنده گرداند و لغزشهایش را ببخشد».

در نامه دیگری که به عنوان تسلیت از آن ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر (عج) صادر شده است نشانگر حزن و اندوه زیاد حضرتش در فقدان نایب گرامیش و نیز موقعیت او نزد امامش می باشد که ضمن بشارت بر جانشینی پسرش محمد بن عثمان عمری به جای پدرش این چنین مرقوم می فرمایند:

«خداوند به تو اجر جزیل و صبر جمیل مرحمت فرماید ما و شما در این حادثه دچار غم و اندوه شدیم از جدائی و فراق او احساس وحشت نمودیم خدایش او را شاد و مسرور گرداند از کمال سعادت او این بود که خدای تبارک و تعالی فرزندى چون تو به او عنایت فرموده است که در جای او بنشینى و منصب او را به عهده بگیری و از خدا برایش رحمت و مغفرت بطلبی».

عثمان بن سعید عمری فردی بزرگوار بوده که نزد امام هادی و امام حسن

عسگری علیه السلام بسیار اعتبار داشت، و همواره آن دو امام می فرمودند: که عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان عمری مورد اطمینان هستند. و همگان به بزرگواری او پی برده بودند.

امام حسن عسگری علیه السلام هنگامی که از یمن برایشان اجناسی آورده شده بود (به عثمان بن سعید) فرمودند: او وکیل من و وکیل فرزندم مهدی (عج) است اموال را تحویل به او دهید.

حضرت امام حسن عسگری علیه السلام حضرت مهدی (عج) را به چهل نفر معرفی نموده و فرمودند، بعد از مدتی فرزندم غائب می شود، پس، از سخنان عثمان بن سعید عمری پیروی کنید.

۲ - محمد بن عثمان عمری:

محمد بن عثمان نایب دوم حضرت ولی عصر (عج) در غیبت صغری بود، نیابت ایشان مصادف با ایام خلافت معتمد عباسی، معتضد عباسی، مکتفی عباسی و ده سال از خلافت مقتدر عباسی مصادف شد و در حدود چهل سال مقام والای نیابت خاصه را به عهده داشت و در سال ۳۰۵ دیده از جهان بریست. امام حسن عسگری علیه السلام خطاب به یکی از یاران درباره او چنین می فرماید:

«عثمان بن سعید) و پسرش (محمد بن عثمان) هر دو مورد اعتماد هستند و هر چه بگویند از من گفته اند و هر چه روایت می کنند از من روایت کرده اند سخنان ایشان را بشنو و فرمانشان را اطاعت کن که هر دو امین و مورد وثوق هستند.»

و امام عصر (عج) نیز در توقیع شریفشان در حق محمد بن عثمان عمری می فرمایند: «او در هر حال مورد وثوق و اعتماد ماست و او در پیش ما مقام و



منزلتی دارد که او را دلشاد می‌سازد خداوند لطف و کرمش را در حق او افزون کند که او مولای تواناست و همه ستایشها مخصوص خداوند است که شریکی ندارد و صلوات و سلام و درودهای فراوان بر رسول گرامی حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و اهل بیت او باد.»

توقیعات (نامه‌های) مبارک حضرت با همان خطی که در زمان پدرش عثمان صادر می‌شد بدست او صادر می‌گشت و به شیعیان می‌رسید و شیعیان جواب سوالات خود را از طریق ایشان از امام عصر (عج) می‌گرفتند و واسطه بین آن حضرت و مردم بود. محمد بن عثمان پس از چهل سال افتخار خدمت و افتخار تصدی پست رفیع نیابت سرانجام در سال ۳۰۵ هجری به دار آخرت شتافت و جهان تشیع را در سوگ خود به ماتم نشاند خدای رحمتش کند و ما را از شفاعتش محروم نسازد. قبر آن بزرگوار در شهر بغداد می‌باشد، علائم و کرامات زیادی از وی ظاهر شد معجزات امام زمان (عج) بدست او آشکار می‌گردید و امور بسیاری را از جانب امام مهدی (عج) به شیعیان خبر می‌داد که همه باعث بصیرت شیعیان در خصوص وجود امام دوازدهم می‌گردید.

محمد بن عثمان قبری برای خود حفر نموده بود که هر روز داخل آن می‌شد و یک جزء قرآن را تلاوت می‌کرد سپس بیرون می‌آمد وقتی علت آن را سؤال می‌کنند می‌فرماید: برای مردن اسبابی هست بعدا که از او سؤال می‌کنند می‌فرماید: مأمور شدم که خود را جمع و جور کنم، سپس دو ماه بعد وفات می‌کنند که در کتاب غیبت شیخ طوسی نوشته شده که در آخر ماه جمادی الاولی سال ۳۰۵ وفات می‌کنند.

۳- ابو القاسم حسین بن روح نوبختی:

سومین نائب خاص امام عصر (عج) است که حدود بیست و یک سال متصدی مقام مقدس نیابت بود که دوران نیابتش با دو خلیفه عباسی (مقتدر و راضی) مصادف شد و درگذشت آن بزرگوار سال ۳۲۶ هجری قمری بوده است. محمد بن عثمان که در سال آخر عمر با برکتش بسیار پیر و ناتوان شده بود در دو سال آخر (۳۰۴-۳۰۵ هـ.ق) زندگی قبض (گرفتن) اموال شیعیان را به حسین بن روح واگذار کرده بود و در واپسین لحظات زندگی به شیعیان حاضر در مجلس فرمود: «به من امر شده که به ابو القاسم حسین بن روح وصیت نمایم».

یکبار حسین بن روح به پیشگاه ولی عصر (عج) نامه نوشت و اجازه تشریف به حج خواست از ناحیه مقدس چنین پاسخ صادر شد: (لا تَخْرُجْ هَذِهِ السَّنَةَ)، امسال نرو، حسین بن روح بسیار اندوهگین گردید و در فرصت دیگری اجازه خواست در پاسخ چنین فرمان رسید: (إِذَا كَانَ لَا بُدَّ فَلَنْ فِي الْقَافِلَةِ الْآخِرِ).

اگر ناگزیر از رفتن باشی با آخرین قافله حرکت کن. او نیز با آخرین قافله به راه افتاد بعد حکمت آن معلوم شد زیرا همه قافله‌های قبلی با راه زنان روبرو شدند و فقط قافله آخر جان به سلامت برد که آن سال به «تأثر کواکب» معروف شد زیرا صدها نفر از حجاج میان عراق و حجاز به دست غارتگران کشته شدند و فقط قافله آخر از قتل و غارت مصون ماند حسین بن روح بیست و سه سال نیابت را بر عهده گرفت و سرانجام در شعبان ۳۲۶ هجری قمری از جهان دیده بریست و شیعیان را در غم و اندوه فراوان برد.

نخستین توقیعی (نامه‌ای) که به دست حسین بن روح از ناحیه مقدسه صادر شده بود به این شرح بود: امام زمان (عج) خطاب به حسین بن روح چنین می‌فرماید:

(ما او (حسین بن روح) را می‌شناسیم خدا همه خوبیها و رضای خود را به او بشناساند و او را با توفیق خود سعادت‌مند گرداند از نامه او اطلاع یافتیم و به وثوق او اطمینان داریم در نزد ما مقام و جایگاهی دارد که او را مسرور می‌گرداند خداوند احسان خود را درباره او افزون گرداند). این توقیع در روز یکشنبه که شش شب از ماه شوال گذشته بود در سال ۳۰۵ ق به دست حسین بن روح رسید.

۴ - ابوالحسن علی بن محمد سمری:

چهارمین و آخرین نایب حضرت ولی عصر (عج) که بعد از رحلت حسین بن روح به مقام نیابت منصوب شد و مدت سه سال عهده دار این منصب بود در نیمه شیعیان ۳۲۹ هجری قمری دارفانی را وداع گفت و با رحلت او باب نیابت بسته شد و دیگر کسی ادعای نیابت خاصه نمی‌کند مگر اینکه دروغگو باشد. علی بن محمد سمری از اصحاب نزدیک امام حسن عسگری (علیه السلام) بوده در دوران نیابتش با دو خلیفه عباسی (راضی و متقی) مصادف شد از توقیعات شریفی که در اواخر نیابت او توسط حضرت مهدی (عج) خطاب به او صادر شد توقیع ذیل می‌باشد.

(و أمّا الحوادثُ الواقعةُ فأرجعوا بها إلی رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ...).

«اما در مورد حوادثی که روی می‌دهد به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنها هستم.»

و بدین سان پایه‌های مرجعیت و غیبت کبری استوار شد تا شیعیان در این مقطع حساس از نظر احکام اسلام بی سرپرست نمانند و با مراجعه به مراجع عالی قدر تقلید و ظائف شرعی خود را دریافته و عمل کنند.

در روزهای بیماری علی بن محمد سمري از وی پرسیدند که به چه کسی ما را توصیه می‌کنی؟ که بعد از تو در مسائل شرعی و حقوقی به او مراجعه کنیم؟ فرمود:

«خدا مشیّتی دارد که آنرا انجام خواهد داد»

آنگاه نامه‌ای را که از ناحیه مقدسه رسیده بود درآورد مهر آنرا شکافت و برای حاضران قرائت نمود متن توقیع شریف به خط حضرت بقیه الله ارواحنا فداء چنین بود:

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فَيْكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ، فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَ لَا تُرِصِ إِلَيَّ أَحَدٍ فَيَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ، فَلَا ظَهْوَرَ إِلَّا بَعْدَ يَأْذَنَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمْدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جُوراً وَ سَيِّئَاتِي مِنْ شِيعَتِي مَنْ يُدْعَى الْمُشَاهِدَةَ الْأَفْصَنُ إِدْعَى الْمُشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَ الصَّيْحَةَ فَهُوَ كَذَّابٌ مَفْتَرٌ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ).

«بنام خداوند بخشنده خدا پاداش برادرانت را در سوگ تو افزون سازد که شش روز دیگر رحلت خواهی کرد کارهایت را فراهم ساز و کسی را بر جانشینی خود بر نگزین و به کسی وصیت مکن که غیبت کامل - کبری فرار رسیده دیگر تا روزی که خدای تبارک تعالی بخواهد ظهوری نخواهد بود و آن مدتی بس دراز خواهد بود که دلها را قساوت خواهد گرفت و زمین پر از ظلم و ستم خواهد شد

در این دوران برخی از شیعیان ادعای مشاهده (نیابت خاصه) خواهند نمود آگاه باشید که هر کس ادعای مشاهده کند (نیابت خاصه) پیش از خروج سفیانی و وقوع صیحه آسمانی دروغ گفته است که هیچ کار و اراده‌ای صورت نگیرد مگر به خواست خداوند بزرگ و بزرگوار».

### اکنون ارادت خالصانه چندی از علماء شیعه را در مورد حضرت مهدی (عج) بیان می‌کنیم:

شیخ مفید: ابو عبدالله محمد نعمان حارثی اکبرائی مشهور به شیخ مفید در یازدهم سال ۳۳۶ هجری قمری تقریباً هفت سال بعد از غیبت کبری در سویقه ابن بصری از توابع اکبری شمال شهر بغداد چشم به جهان گشود و در دامان پدر و مادری عاشق و دلباخته مکتب اهل بیت عصمت و طهارت پرورش یافت شیخ مفید در کودکی به همراه پدر به بغداد آمد و فراگیری علوم اسلامی را نزد دانشمندان بزرگ آن زمان آغاز کرد تا اینکه خود از بزرگترین عالمان و متفکران تاریخ اسلام شد ایشان با پنج واسطه به سعید بن جبیر میرسد که از شاگردان و پیروان امام چهارم حضرت امام سجاد (علیه السلام) بوده او نخستین کسی است که در علم تفسیر کتاب نوشته است او به دست حجاج بن یوسف ثقفی شهید شد به علت عقیده به تشیع.

شیخ مفید نیز همانند جدّ خود در جهاد و کوشش برای حق و روشن کردن حقیقت به مقامی رسید که در رواج دین خدا از هیچ چیز پروا نداشت زندگی او آکنده بود از علم و عمل و کوشش و تلاش و بهره‌گرفتن و بهره‌رساندن تا آنجا که همه فضیلتها در او جمع شد. بیشتر زندگی‌اش در ترویج مذهب و دفاع از حق و مبارزه علمی با مخالفان گذشت او با فرقه‌هایی مانند معتزله، مرجئه، اشاعره،

شوارج، زیدیه و واقفیه و.... مبارزه علمی می نمود. شاگردان بزرگی از جمله سید مرتضی علم الهدی، سید رضی شیخ الطائفه طوسی و.... تربیت نمود.

لقب شیخ مفید را نیز حضرت بقیه الله (عج) به او عنایت فرمودند و حقاً او برای شیعیان و دیگران مفید بود از ویژگیهای شیخ مفید (رضی الله عنه) مقامات روحی و معنوی او بوده او با پاک کردن باطن خود از تیرگیها و ظلمتها و خلاصه از رذائل روحی قلب و روح خود را آماده برای کسب اسرار و معارف الهی نمود. در سال ۳۹۳ ق بدست بهاءالدوله دیلمی تبعید گردید شیخ مفید در اثر تبعیدها و گرفتاریها استقامت و صبر را از دست نداد تا جایی که نام او پر آوازه شد. تألیفات آن مرد بزرگ به دو دست جلد میرسد که نیمی از آنها در تبیین عقائد حقه و امامت و ولایت می باشد و چون عاشق و شیدای امام زمانش حضرت ولی عصر (عج) بود کتب و رسائل متعددی راجع به آن حضرت به رشته تحریر درآوردند مانند کتاب الغیبه - منحصر فی الغیبه جواب الفارقین فی الغیبه و.... حضرت ولی عصر (عج) به پاس این زحمات از ایشان تجلیل نموده و مفتخر به نامه ها و توقیعاتی کردند چنانچه که در فرازی از آن توقیعات می فرمایند: «نامه ای به برادر با ایمان و دوست رشید ما ابو عبدالله محمد بن نعمانی - شیخ مفید که خداوند عزت وی را مستدام بدارد. بعد در قسمتی دیگر نامه می فرمایند: «از آنجا که در راه یاری حق و بیان سخنان و نصایح ما صادقانه کوشیدی خداوند این افتخار را به شما ارزانی داشته و به ما اجازه فرموده است که با شما مکاتبه کنیم». خداوند او را با موالیانش محشور فرماید.

علاقمندان را جهت اطلاع بیشتر از زندگانی پر برکت وی به کتاب امام زمان (عج) و شیخ مفید ارجاع می دهیم.

اکنون حکایتی را از یکی از عاشقان وجود مقدس بقیه الله الاعظم حجة ابن الحسن العسگری (روحی فداه) نقل می‌نمائیم:

مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عباس طسوجی رحمته الله می‌فرمود: در یکی از شبها که تا پاسی از شب طبق معمول (کتاب شریف جامع الأثر فی حالات حجة ثانی عشر)<sup>(۱)</sup> را تدوین و جمع‌آوری می‌نمودم، از سقف اطاق صدایی بی‌نهایت زیبا و دلنشینی را شنیدم که فرمود: دو مقام از مقامات سید ابن طاووس رحمته الله به تو داده شد.

۱- استجابت دعا ۲- تأثیر نفس در مؤعظه.

\* و از آن به بعد هر چه از خداوند طلب نمودم مستجاب شد و هر کسی را نصیحت می‌کردم قبول می‌نمود.

و اما در مورد استجابت دعا، ایشان می‌فرمودند: در صبح جمعه‌ای یکی از سادات بزرگوار ما را به منزل خود به میهمانی دعوت نمود وقتی صبحانه تمام شد و خواستند سفره را جمع کنند، دوستان اصرار کردند شما دعا کنید من هم برای تعجیل در فرج حضرت و رفع گرفتاری از مؤمنین و برای صاحب منزل دعا نمودم. آن گاه در پایان دعا گفتم خداوندا برای اینکه به میهمانان نشان دهی که دعای ما مستجاب شده بارانی را نازل کن که این درختی که در منزل آیه الله مفتی الشیعه، قرار دارد برگ‌هایش شسته شود، و ما منظره زیبایی را ببینیم. همین که کلام تمام شد، باران شروع به باریدن گرفت به طوری که آب باران از باغچه

۱- این کتاب شریف در ده جلد و درباره وجود مقدس ولی عصر (عج) می‌باشد.

لبریز شد و حیاط را پر کرد.

به صاحب خانه گفتم منزل ما قدیمی است و با باریدن این باران ترس این را دارم که ناود آنها بگیرد و ضرری به منزل ما برسد.

از صاحب خانه خدا حافظی نموده، به قصد حرکت به طرف منزل به راه افتادم، با کمال تعجب دیدم تکه ابری فقط بر روی منزل آیه الله مفتی الشیعه قرار گرفته و باران بر بام چند همسایه و قسمتی از مدرسه حجتیه که در کوی حرم واقع است می بارد. شخصی که تازه از شهرستان به قم آمده بود و او هم میهمان صاحب خانه بود، با دیدن این اوضاع، درخواست نمود که دعایی برای او بنمایم تا در نزدیکی حرم حضرت معصومه (علیها السلام) صاحب مغازه و منزلی شود من هم دعا نمودم و او هم در مدت کوتاهی به حاجت خود رسید. و این واقعه ای بود که اینجانب شخصاً از پدر بزرگوارم شنیده بودم و در اینجا فرصت را مناسب دیدم تا دیگران را نیز از اثرات و برکات یاد نمودن و توجه خالصانه داشتن به وجود مقدس قطب عالم هستی بقیه الله الاعظم (روحی فداه) آگاه سازم.

سید بن طاووس: خاندان ابن طاووس (علیه السلام) از بزرگترین خاندان علماء شیعه می باشند که شخصیت های بزرگی که همگی آنان از فقهای محدثین متکلمین، ادبا و فرزندگان و دانشمندان بنام جهان اسلام بوده اند که بعضی از آنها در کتاب امام زمان (عج) و سید بن طاووس نوشته آقای سید جعفر رفیعی آمده است. یکی از بزرگان رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس حسنی حسینی معروف به سید ابن طاووس می باشد البته از این خاندان سه نفر دیگر هم مشهور به سید ابن طاووس بوده اند که یکی فرزند و دیگر برادر وی و سومی از برادر زادگان او می باشند همگی از جانب مادر نواده شیخ طوسی پیشوای مجتهد شیعه هستند.



زیرا جعفر جدّ رضی الدین و داماد شیخ طوسی علیه السلام بوده است. خود او در مورد ولادتش می فرماید: ولادتم قبل از ظهر روز پنجشنبه نیمه ماه محرم سال ۵۸۰ در حله سیفیّه بوده است از استعداد درخشان و نبوغ کم نظیر برخوردار بود لذا علوم آن زمان را در اندک زمانی فراگرفت و بی نیاز گشت تالیفات زیادی داشته است وی سعی می کرد تمام اعمالش مورد رضای حضرت ولیّ عصر (عج) بوده باشد از کتب سیدبن طاووس علیه السلام بجز قلیلی از آنها به ما نرسیده است. و بعضی در اثر گذشت زمان و طوفان حوادث از بین رفته اند و بعضی دیگر از آنها هنوز خطی اند و به چاپ نرسیده است فهرست حدود شصت جلد از تالیفات وی در کتاب امام زمان (عج) و سید بن طاووس ذکر شده است.

او چنان حقوق امام زمان (عج) را رعایت کرده تا این که به مقامات والائی رسید زیرا رعایت حق حضرت مهدی (عج) مایه بزرگ شدن و تقرب جستن نزد خداوند است هر چه معرفت و محبت نسبت به آن حضرت بیشتر شود و رعایت حقوق آن جناب نیز بیشتر و منزلت شخص نزد حضرتش می گردد و چنانکه سید بن طاووس علیه السلام عمل کرد و به مقامی رسید که آن حضرت در ملاقات اسماعیل هرقلی او را فرزند خود می خوانند و می فرمایند: «به فرزندم رضی (اسم دیگری از سید بن طاووس) بگو که نامه ای به علی بن عوض درباره تو بنویسد و من به او سفارش می کنم که هر چه بخواهی به تو بدهد». اصل قضیه اسماعیل هرقلی در کتاب امام زمان و سید بن طاووس موجود می باشد.

سید ابن طاووس علیه السلام مسئله انتظار را یک ویژگی بسیار مهم می دانست و آن را ضامن ساختار شخصیت بشرو جامعه می شمرد چنانکه امام هادی علیه السلام

می فرماید: «هر گاه امام زمانان زندگی غائبانه را شروع کرد چشم به راه منتظر ظهورش باشید» لذا او در نوشته های خویش دائم سخنی از انتظار و یا حضرت ولی عصر (عج) آمده و به عنوان وصیت و سفارش به فرزندان و تمام فرزندان مکتب تشیع پیام انتظار و یاد آن امام عزیز برای نسلهای آینده به یادگار می گذارد تا آنان نیز بخود آیند. از تشرفات آن جناب خدمت مقام مقدس حضرت ولی عصر (عج) که در کتاب نجم الثاقب آورده بدین شرح است:

سید ابن طاووس قدس الله سره می فرماید:

در یک سحرگاه در سرداب مطهر از حضرت صاحب الامر (عج) این مناجات را شنیدم که می فرمود: (اللهم انّ شیعتنا خلقت من شُعاعِ انوارنا و...) یعنی خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده ای آنها گناهان زیادی به اتکاء بر محبت به ما و ولایت ما کرده اند اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با تو است از آنها بگذر که ما را راضی کرده ای و آنچه از گناهان آنها در ارتباط با خودشان و مردم هست خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ما است به آنها بده تا راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در سخط خود جمع نفرما»

آن بزرگوار در هفتاد و پنج سالگی سال ۶۴۴ قمری دارفانی را بدرود گفت و قبر مطهرش در جوار جد بزرگوار حضرت علی (علیه السلام) می باشد. (۱)

### چرا از اول غیبت کبری واقع نشد؟

زیرا باور کردنش برای مردم ممکن نبود و باید کم کم این موضوع بر مردم

۱- علاقمندان به کسب اطلاع بیشتر از زندگانی آن بزرگوار را به کتاب امام زمان و سید بن طاووس نوشته آقای سید جعفر رفیعی ارجاع می دهیم.

نشان داده می‌شد، که مردم آگاهی داشته باشند. و غیبت صغری و نواب اربعه که مدتی واسطه میان مردم و حضرت بودند مردم را آماده به قبول غیبت کبری نمودند.

و حضرت هادی (علیه السلام) هم با مردم کمتر معاشرت می‌نمود که مردم عادت کنند. و امام حسن عسگری (علیه السلام) هم از پشت پرده با مردم صحبت میکردند، که مردم عادت کرده و ایمانشان از دست نرفته و منحرف نشوند، و هنگامی که مردم آماده شده و زمینه مساعد گشت، حضرت غیبت کبری را شروع نمودند.

غیبت کبری حد و اندازه‌ای ندارد ولی به قدری طولانی می‌شود که عده‌ای منحرف می‌شوند، مثلاً حضرت علی (علیه السلام) فرمود: بقدری غیبت حضرت مهدی (عج) طولانی می‌شود که مردم می‌گویند: خداوند نیازی به خاندان (آل محمد (علیهم السلام)) ندارد.

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: یکی از ویژگیهای امام زمان، طول عمر اوست که از ویژگی های حضرت نوح (علیه السلام) بوده است.

### فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج)

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: مهدی (عج) به ناچار غیبت خواهد نمود، بطوری که عده‌ای شک کنند. و حکمتی در این غیبتش وجود دارد، که حکمتش ظاهر نمی‌شود. مگر بعد از ظهورش، همچنان که سوراخ کردن کشتی و کشتن آن جوان بدست حضرت خضر برای موسی آشکار نشد، مگر در وقت جدا شدن از یکدیگر. و حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: غیبت امام زمان (عج) سری از اسرار خداوند است، بعلت اینکه خداوند حکیم است، هیچ کاری را بیهوده انجام نداده

و این غیبت از روی حکمت است. و سه حکمت برای غیبت امام زمان بیان شده که بوسیله احادیث بدست آمده:

۱- آزمایش مردم

۲- محفوظ ماندن از بیعت با ستمگران

۳- بوسیله غیبت حضرت از خطر قتل نجات می یافت.

و این کلام مطابقت دارد با کلام معصوم که فرمود:

غائب می شود زیرا از جان خود بیمناک است.

و همچنین امام حسن عسگری (علیه السلام) که فرمود: فرزندم مهدی (عج) را به

چهل نفر بیشتر نشان نخواهم داد (یعنی اگر همه بدانند جانش در خطر خواهد بود).

از روایات معلوم است که با بیان پیامبر که حضرت مهدی (عج) ظلم و ستم

را نابود می کند. دو گروه از مردم همواره حضرت مهدی (عج) را مورد توجه

خاص قرار می دادند:

۱- مظلومین که حق خود را طلب می کردند.

۲- ظالمین که همواره مراقب بودند که چنین شخصی را شهید کرده و مانع

محقق شدن عدل و داد شوند.

و حق مظلوم گرفته نخواهد شد، مگر با نابودی ظلم و ستم و آماده شدن

شرایط آن و ایجاد حکومتی عدالت گستر، که به امر خداوند، بدست حضرت

مهدی (عج) محقق خواهد شد.

### این آیات قرآن کریم همگی دلالت بر علم امام زمان (عج) دارند.

۱- (عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ) <sup>(۱)</sup>؛ خداوند داننده غیب است و جز آن کسی را از میان فرستادگانش که خود بدان راضی باشد، کسی دیگری را بر علوم غیب مطلع نخواهد کرد.

۲- (قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ) <sup>(۲)</sup>؛ بگو آیا آنان که می دانند با آنهایی که بی نصیب از دانش هستند برابرند؟ منحصرأ اندیشمندان متذکر می شوند و به حقیقت میل می کنند.

۳- (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ) <sup>(۳)</sup>؛ از حقیقت و باطن ناپیدای آن جز خداوند و آنان که جانشان در ژرفای دانش الهی آرام گرفته اند کسی با خبر نیست.

۴- (بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ أُتُوا بِالْعِلْمِ) <sup>(۴)</sup>؛ چنین نیست، بلکه قرآن همان آیات روشن الهی است که در قلوب صاحبان دانش و فرهیختگان واقعی جای گرفته است.

۱- حمران بن اعین از امام باقر (ع) در مورد آیه (عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا) توضیح خواست، امام (ع) ادامه آیه را که می فرماید: (إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ) تلاوت کرده و فرمود: به خدا قسم محمد از کسانی بود که پروردگار بر علم و اطلاع او به غیب، رضا داده بود، اما اینکه فرموده است: (عَالِمُ الْغَيْبِ) به این معنی است که خداوند قبل از اینکه چیزی را خلق کند و علم و تدبیر آن را به

۱- سوره جن، آیه ۲۶ و ۲۷.

۲- سوره زمر، آیه ۹.

۳- سوره آل عمران، آیه ۷.

۴- سوره عنکبوت، آیه ۴۹.

ملائکه بسیار خود به آنچه از قضا و قدر الهی که از آفریده‌ها پنهان است عالم است، حمران! این همان علمی است که فقط در نزد خداوند است، و مشیت خدا نیز در دائرة همین علم الهی قرار دارد که هر وقت بخواهد آن را به انجام می‌رساند و هرگاه مصلحتی باشد، بدا (توقف از انجام کار) حاصل می‌شود و مشیتش را جاری نمی‌نماید. اما علمی که از قلم تقدیر الهی بگذرد، دیگر برگشتنی در آن نیست و آن همان علمی است که از ناحیه پروردگار به رسول الله ﷺ و سپس به ما می‌رسد. (۱)

۲ - امام باقر ﷺ در مورد آیه: (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ) فرمود: «آنها که می‌دانند، ما هستیم، و بی نصیبان از دانش، دشمنان ما هستند و اندیشمندان متذکر شونده، شیعیان ما هستند.» (۲)

۳ - امام صادق ﷺ: راسخون و آرام گرفتگان در ژرفای دانش الهی ما هستیم و حقیقت باطن آن را می‌دانیم. (۳)

۴ - امام صادق ﷺ درباره آیه (بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ) فرمود: (الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ) (صاحبان دانش و فرهیختگان)، ما امامان هستیم. (۴)

۵ - امام صادق ﷺ: «همانطور که گیاه از بهترین بذر می‌روید و نهال در نهایت بالندگی می‌روید، علم به کتاب خدا و سنت پیامبر نیز همان گونه در دل مهدی (عج) می‌روید، پس هر کدام از شما که عمرش به جایی رسید که او را ببیند باید او را مخاطب قرار داده و عرض کند: (السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۶، روایت ۲.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۲، روایت ۱.

۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۴، روایت ۲.

۴- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۳، روایت ۱.

وَالنُّبُوَّةَ وَ مَعْدِنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ<sup>(۱)</sup>؛ سلام بر شما ای خاندان رحمت و واسطه نزول آیات الهی بر بشر و ای اصل و اساس دانش و فرودگاه رسالت الهی.

۶- امام باقر علیه السلام در باره آیه (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا، فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)<sup>(۲)</sup>؛ بگو اگر آبی که می آسامید به زمین فرو رود چه کسی آب گوارا به شما خواهد رساند؟ فرمود: این آیه درباره اما قائم (عج) نازل شده است یعنی اگر امام شما غائب شود که ندانید در کجاست چه کسی امامی ظاهر برای شما به پهنه هستی خواهد آورد تا اخبار زمین و آسمان و حلال و حرام خدا را برای شما بیان نماید؟... به خدا قسم تاویل و حقیقت این آیه نیامده است و قطعاً خواهد آمد.<sup>(۳)</sup>

۷- امام صادق علیه السلام می فرماید: «وقتی نوبت به حضرت مهدی (عج) برسد، خداوند هر بلندی دور از دسترس را برای او پست، و هر پستی را برایش بلند خواهد کرد تا اینکه دنیا برای او مثل کف دستش خواهد شد.<sup>(۴)</sup>

۸- کمیل بن زیاد از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «ای کمیل! هیچ علمی وجود ندارد مگر اینکه کلید آن در دست من است و هیچ رازی در عالم نیست مگر اینکه در اختیار قائم (عج) است. ای کمیل! (ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)<sup>(۵)</sup>؛ برگزیدگان، - از آل ابراهیم - برخی از نسل یکدیگرند و خداوند - به اقوال و احوال اطاعت کنندگان از خدا و رسول و روی گردانان از حق - شنوا و داناست. ای کمیل، گذشتگان شما بی تردید به این عالم باز می گردند و آیندگان شما بدون شک - در کنار مهدی (عج) بر دشمنان پیروز

۲- سوره ملک، آیه ۳۰.

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶، روایت ۵.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۵۲.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۷، روایت ۱۳۰.

۵- سوره آل عمران، آیه ۳۴.

خواهند شد. (۱)

صفر بن دلف می گوید: از امام جواد علیه السلام شنیدم که می فرمود: «امام بعد از من پسر امام هادی علیه السلام است، امر او امر من، سخن او سخن من و اطاعت او اطاعت از من است؛ امامت پس از او به پسرش امام حسن عسگری علیه السلام می رسد، امر او امر پدرش، سخن او سخن پدرش و پیروی از او پیروی از پدرش است. سپس ساکت شد. عرض کردم: یابن رسول الله، پس امام بعد از امام حسن عسگری علیه السلام کیست؟ امام جواد علیه السلام سخت گریه کرد. سپس فرمود: «بعد از امام حسن عسگری، فرزندش قائم به حق، امام منتظر است.» بعد عرض کردم: «چرا آن حضرت منتظر نامیده شده است؟» فرمود: زیرا دوران غیبت او بسیار طولانی می شود، دینداران و خداجویان ناب منتظر خروج او هستند و شکاکان بی ایمان، او را انکار می کنند، منکران حق و دیانت - یاد و نام او را مسخره می کنند، و عده زیادی برای ظهور او وقت و زمان تعیین می نمایند، برخی که شتابزده و عجولند - یا با متوسل شدن به مدعیان دروغگو یا با ناامید شدن از آمدن مهدی (عج) و انکار او - خود - و دینشان را به نابودی می کشانند و مسلمانان واقعی که تسلیم امر امامت هستند از خطرهای رسته و نجات می یابند.» (۲)

۱- ظاهراً منظور از گذشتگان شما و آیندگان شما که به کمیل خطاب شده است، همان افرادی نظیر کمیل هستند است نه تمام گذشتگان و آیندگان، چنانکه در جای خود بحث می شود که فقط محض الکفر و محض الایمان بر خواهند گشت و نه تمام گذشتگان.  
 ۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، روایت ۴.



جابر می گوید: در خدمت امام باقر علیه السلام بودم که مردی وارد شد - و امام شروع به صحبت فرمود - تا به اینجا رسید که فرمود: «از آن رو، امام غایب، مهدی نامیده شده است که به امر پنهان از تمام مردم، رهنما می شود؛ او تورات و سایر کتابهای آسمانی را از غاری در انطاکیه خارج می کند، آنگاه در بین اهل تورات به تورات، در بین اهل انجیل به انجیل، در میان اهل زبور به زبور و در میان اهل قرآن با قرآن حقانیت خود را ثابت می کند،<sup>(۱)</sup> آنچه از اموال دنیا که روی زمین ظاهر یا در دل زمین پنهان است برای او جمع شده و در خدمتش قرار می گیرد، سپس به مردم می فرماید: «آنچه که از پیوند خویشاوندی بریدید و قطع رحم نمودید، خونهایی که ریختید و حرامهایی که انجام دادید همه را اصلاح و جبران کنید.» به آن حضرت چیزی داده می شود که به پیشینیان او داده نشده است...»<sup>(۲)</sup>

ابو سعید خراسانی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «آیا مهدی و قائم یکی هستند؟» حضرت فرمود: «آری»، گفتم: «چرا آن حضرت مهدی نامیده شده است؟» فرمود: «زیرا به تمام امور پنهان رهنما می شود و قائم نامیده شده است زیرا بعد از آنکه بمیرد (یعنی هنگامی که مردم او را فراموش کردند)<sup>(۳)</sup> ب امر بسیار مهمی قیام می کند.»<sup>(۴)</sup>

از امام صادق علیه السلام به نقل از پسران بزرگوارش آمده است: «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «قائم از نسل من است، نام او نام من، کنیه اش کنیه من،

۱- ظاهراً مقصود این است که حکم الهی واحد را به استاد کتابهای مختلف آسمانی به مردم اعلام می کند، نه اینکه هر کتاب حکم جدا و متفاوتی نسبت به کتابهای دیگر داشته باشد و مردم به احکام مختلف عمل نمایند.  
 ۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹، روایت ۲.  
 ۳- مجلسی رحمه الله علیه فرموده است: مقصود این است که نام و یادش مرد یا مردم او را مرده پنداشتند، روایت دیگر نیز این مطلب را تأیید می کند.  
 ۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، روایت ۶.

سیما و قامتش سیما و قامت من و روش او روش من است، مردم را بر پیروی از من و دینم و آنان را به کتاب خدا دعوت می‌کند، هر که از او اطاعت کند از من اطاعت کرده است...»<sup>(۱)</sup>

محمد بن عجلان می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «وقتی قائم (عج) قیام کند از نو مردم را به اسلام دعوت می‌کند، مردم را به چیزی که کهنه و فراموش شده است و اکثریت مردم از آن جدا شده و به گمراهی افتاده‌اند هدایت می‌نماید، قائم (عج)، مهدی نامیده شده است زیرا به چیزی که دیگران نسبت به آن گمراه شده‌اند ره‌نما می‌شود و قائم نامیده شده است زیرا به حق قیام می‌نماید.»<sup>(۲)</sup>

محمد بن علی سلمی می‌گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: «همانا مهدی، مهدی نامیده شده است زیرا به امری پنهان و آنچه در دل مردم نهفته است ره‌نما می‌شود...»<sup>(۳)</sup>

هر چند تمام این روایات در صدد توضیح معنی کلمات «قائم»، «منتظر»، و «مهدی» هستند اما هر کدام معنایی جدا از معنای ذکر شده در روایات دیگر را بیان می‌کنند ولی در عین حال با اندکی دقت معلوم می‌شود که بین این معنیهای متعدد و مختلف منافاتی وجود ندارد.

شایسته است خواننده محترم در این حدیث دقت بیشتری به خرج دهند؛ عبارت (لِأَنَّهُ يَأْتِي بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ)، «او پس از اینکه یاد و نامش از خاطرها رفت و بیشتر معتقدان به او از دین و اعتقاد به آن حضرت بر می‌گردند مهدی (عج) قیام می‌کند» که در توضیح معنی قائم آمده است، و عبارت (فَيَنْتَظِرُ

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۶، روایت ۴۲۶. ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۵، روایت ۵۹۳.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۱۱.

خُرُوجُهُ الْمُخْلِصُونَ)، «دینداران و خدا جویان ناب منتظر خروج او می مانند» که در توضیح معنی منتظر آمده است، عبارات شایسته دقت و تفکر هستند. (۱)

### منکران امام زمان (عج) و جواب امام صادق (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) در این باره.

۱ - سدید صیرفی می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «صاحب الامر (عج) با حضرت یوسف (علیه السلام) شباهتی دارد»، گفتم: «زندگی آن حضرت را می فرمائید یا غیبتش را؟»، فرمود: «بد اندیشان این امت چه چیزی را درباره حضرت مهدی (عج) انکار می نمایند؟ برادران یوسف که نوادگان و فرزندان پیامبر بودند یوسف را فروختند، آن گاه - بعد از مدتی - با او هم صحبت شدند و با وجود اینکه برادرشان بود او را نشناختند تا اینکه حضرت یوسف، خود را به آنان معرفی کرد و فرمود: (أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي) (۲)

این امت دور از رحمت الهی چه چیزی را انکار می کنند؟ آیا اینکه خداوند مدتی با حجت خودش همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد - قابل انکار است. (۳)

۲ - ابو حمزه ثمالی می گوید: «روزی در خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم، وقتی مردم از حضورش مرخص و پراکنده شدند خطاب به من فرمود: «ای ابا حمزه، از

۱- طول کشیدن بیش از انتظار زمان غیبت حضرت مهدی (عج)، گسترش بی حد و حساب ظلم و فساد در عالم و بر لب آمدن جانها، کار را به جایی می رساند که حتی متدینین و معتقدان به امامت حضرت مهدی (عج)، ناامید می شوند و می گویند اگر مهدی (عج) وجود داشت باید ظاهر می شد پس معلوم می شود خبری نیست. در این جااست که از ایمانهای معمولی و اخلاص مخلصین (یا کسره لام) هم کار چندانی ساخته نیست. و فریاد متی نصرالله از همه بلند است و باید به اخلاص مخلصین (با فتح لام یعنی کسانی که خدا خالصشان کرده و جایی برای غیر خدا در دلشان نیست) پناهنده شد و از افتادن در گرداب هلاکت و ارتداد رهایی یافت.

۲- انبیاء الهداة، ج ۳، ص ۴۴۲، روایت ۱۷.

۳- سوره یوسف، آیه ۹۰.

مسائل مُسَلَّم و حتمی در نزد خداوند که به هیچ رو قابل تغییر نیست قیام قائم ماست، پس هر که در آنچه می‌گوییم شک کند در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که به او کفر ورزیده و او را انکار کرده باشد...»<sup>(۱)</sup>

۳- ابو بصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی امام قائم (عج) ظهور کند عده زیادی از مردم، او را انکار خواهند کرد، زیرا در سیمای جوانی رشید ظاهر خواهد شد، و جز مؤمنینی که خداوند در عالم زر از آنها پیمان گرفته است کسی بر اعتقاد به او باقی نخواهد ماند.»<sup>(۲)</sup>

۴- در حدیث هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش آمده است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «قائم از نسل من است... هر کس از او اطاعت کند از من اطاعت کرده و هر کس از او سرپیچی کند از من سرپیچی کرده است، هر کس غیبت او را انکار کند مرا انکار کرده است و هر که او را دروغ پندارد، مرا دروغ پنداشته است، هر که او را به راستی قبول کند و بپذیرد، مرا تصدیق کرده است، از آنان که سخن مرا درباره او دروغ می‌پندارند و سخنم را انکار می‌کنند و امتم را از اعتقاد به او و راهش گمراه می‌نمایند به خدا شکایت می‌برم، (وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)<sup>(۳)</sup>؛ ستمکاران به زودی خواهند فهمید که به کدام جایگاه برخواهند گشت.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۲، روایت ۴۶۰.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۳، روایت ۷۷۸.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۶، روایت ۴۲۶.

۳- سوره شعرا، آیه ۲۲۷.

### علت انکار کردن حضرت مهدی (عج) چیست؟

۱- امام صادق (علیه السلام) در مورد آیه (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ) فرمود: پیمانی که از آنان گرفته شد نسبت به خداوند، اقرار به ربوبیت، نسبت به پیامبر، اقرار به نبوت، و نسبت به امیرالمؤمنین و امامان، اقرار به امامت آنان بود، آن گاه فرمود: (الَّتِیْ بَرَّيْتُمْ) و امام (علیه السلام) بعد از تلاوت این قسمت از آیه اضافه فرمود: و آیا محمد پیامبر شما نیست؟ و آیا علی امام شما نیست؟ و آیا ائمه هدایتگر به سوی حق، امامان شما نیستند؟ آنگاه بنی آدم گفتند آری (قَالُوا بَلَىٰ)، پس خداوند فرمود (أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) یعنی تا اینکه در روز قیامت نگویید:

(إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ) <sup>(۱)</sup> <sup>(۲)</sup>؛ یاد آر آن هنگام را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را - احضار کرد - و بر ربوبیت خود گواشان گرفت و از ایشان پرسید که آیا من پروردگار شما نیستم گفتند بلی شهادت می دهیم که هستی تا اینکه روز قیامت نگویید - شما بنی آدم - ما از این موضوع کاملاً بی اطلاع بودیم.

۲- حسین بن نعیم صحاف می گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد آیه (فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ) <sup>(۳)</sup> سؤال کردم. امام (علیه السلام) فرمود: «خداوند در روز میثاق که بنی آدم ذراتی در صلب آدم بودند، کفر و ایمان مردم را با اعراض از ولایت ماو تمسک به آن، به ایشان شناساند. <sup>(۴)</sup>

۳- امام رضا (علیه السلام) در پاسخ نامه عبدالله بن جنذب می فرماید: «شیعیان ما و نیز پدرانشان با نام و نشان مشخص شده اند، خداوند از ما و آنها پیمان گرفته

۱- سوره اعراف، آیه ۱۷۲. ۲- بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۴۸، روایت ۲. ۳- سوره تغابن، آیه ۲. ۴- بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۱، روایت ۹.

است، در مسیر ما هستند و به جایگاه ما راه می‌یابند، جز ما و آنها کسی تا روز قیامت بر اسلام باقی نمی‌ماند...»<sup>(۱)</sup>

در حدیث «صقر بن دلف» در توضیح اینکه چرا امام منتظر، منتظر نامیده شده است، از قول امام جواد علیه السلام آمده بود که: (فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ... وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ)، «دینداران و خداجویان ناب منتظر خروج او هستند... و مسلمانان واقعی که تسلیم امر امامت هستند از خطرهارسته و نجات می‌یابند.» و در حدیث ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل شد که فرمود: (فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الزَّرِّ الْأَوَّلِ)، «جز مؤمنینی که خداوند در عالم زر از آنها پیمان گرفته است، کسی بر اعتقاد به او باقی نخواهد ماند.» از این دو عبارت و احادیثی که در این فصل ذکر شد فهمیده می‌شود که: انکار منکران و دشمنی و ززیدن دشمنان دارای سبب و علتی ازلی است و شاید به مسأله طینت و سرشت که در احادیث طینت به آن پرداخته شده است برگردد.<sup>(۲)</sup>

### کسانی که می‌گویند امام زمان (عج) سالهایش شهید شده صحیح نیست.

اولاً: این گونه عقائد تناقضی آشکار با تمامی روایات وارده و احادیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سایر امامان علیهم السلام دارد که همگی دلالت بر حیات و زنده بودن حضرت دارد و اگر قرار باشد این عقیده را قبول کنیم، آنگاه لازم می‌آید تا تمامی احادیث مذکوره و همچنین آیات متعددی از قرآن کریم را که دلالت بر حقانیت و زنده بودن حضرت دارد نادیده بگیریم همچون (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ

۱- بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۴۱، روایت ۵.

۲- احادیث طینت در اصول کافی، ج ۲، ص ۲ و ۳ آمده است.

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ<sup>(۱)</sup> ترجمه: بقیة الله برای شما بهتر است اگر مؤمن و مسلمانانید.  
و آیه شریفه دیگر که می فرماید: عاقبت زمین به ارث گذاشته خواهد شد  
برای مستضعفین.

و آیات متعدد دیگر که همگی باطل بودن این مدعا و عقیده را ثابت می کند  
و همان طور که در این کتاب هم توضیح داده ایم شهادت حضرت بدست ظالمی اصلاً  
صحیح نیست و حضرت به اجل طبیعی وفات خواهند نمود، و اگر قرار باشد حضرت  
مهدی (عج) در حکومت عدل و دادی که برپا نموده و تمام جهان را فرا گرفته، آنگاه  
خودش گرفتار ظلم و ستم شود، و به ظلم شهید شود محال و غیر ممکن خواهد بود.

ثانیاً: در تمام ادیان دیگر هم به نوعی منتظر ظهور شخصی هستند که اصلاح  
کننده زمین است.

ثالثاً: این نوع شهید شدن (که هنوز قیامی صورت نگرفته) به مصلحت  
جامعه و دین نیست، و اگر امام زمان شهید شود، دیگر جانشین ندارد، و آنگاه  
محقق خواهد شد معنی روایت (لو لا الحجة لساخت الارض باهلها) یعنی اگر  
حجت خدا بر روی زمین نباشد زمین اهل خود را هلاک خواهد کرد، و بلافاصله  
وعدۀ الهی که در قرآن راجع به متلاشی شدن زمین داده شده تحقق خواهد  
یافت. رابعاً: اگر حضرت مهدی (عج) شهید شده باشد، پس تکلیف تشکیل یک  
حکومت فراگیر چه خواهد شد؟

### **مگر خداوند قدرت حفظ امام زمان (عج) را نداشت که حضرت غایب شد؟**

خواست خداوند بگونه ای است که دوست دارد تمام کارها بصورت عادی

انجام گیرد و بنا نیست خداوند برخلاف عوامل طبیعی کاری صورت دهد، زیرا در غیر این صورت دیگر دنیا جای آزمایش و امتحان نبود.

در اینجا سؤال دیگری پیش می‌آید مگر غیبت حضرت مهدی (عج) خود نوعی از عوامل غیر طبیعی محسوب نمی‌شود که حضرت پیش از هزار سال داشته باشد و در حال حاضر هم ناظر بر اعمال ما باشند و فقط برای افرادی خاص ظاهر شوند؟ در جواب باید گفت خواست و مشیت الهی بر این امر قرار گرفته است یعنی همانطور که در مورد حضرت خضر (علیه السلام) خداوند استثناء قرار داده و ایشان را از زمان حضرت موسی تا بحال زنده نگه داشته و هم اکنون نیز ملازم و همراه حضرت مهدی (عج) می‌باشد و همانطور که حضرت عیسی مسیح را به آسمانها برده که قرآن نیز آنرا تأیید می‌کند و همان طور که اصحاب کهف هنوز هم در خواب هستند تا با ظهور حضرت مهدی (عج) به حضرت ملحق شوند عمر طولانی و احاطه کامل داشتن حضرت مهدی (عج) بر اعمال مردم خود نوعی قدرت نمایی و معجزه‌ای بزرگ از طرف خداوند است برای حقانیت و اثبات وجود مقدس آن بزرگوار که رسول اکرم و تمامی امامان شیعه در مورد حقانیت مهدی (عج) مطالب بی شماری عنوان کرده‌اند که در این کتاب هم اشاره شده است.

اگر امام زمان فقط برای علماء و مؤمنین ظاهر می‌شد و غیبت کبری نمی‌نمود مشکلاتی رخ می‌داد از جمله ناچار بود که معجزاتی را انجام دهد، که آنان یقین بر حقانیتش کنند (و ممکن بود افراد فریبکاری پیدا شوند که مردم را فریب دهند و ادعای امامت کنند، و این خود مشکلی ایجاد می‌کرد). عده‌ای از افراد فریب کار دیگری هم پیدا می‌شدند که دائماً ادعای می‌کردند که خدمت



حضرت رسیده‌اند، و خلاف شرع‌ها را به او نسبت می‌دادند، که به اهداف خود برسند. البته ممکن است در حال حاضر افرادی نیز به خدمت حضرت برسند ولی اجازه بیان آن را نداشته باشند و به احدی از این ملاقات چیزی نگویند.

بواسطه وجود امام است که خداوند شناخته شده و بلاها از شیعیان دور می‌شود و عبادات بطور شایسته انجام می‌گیرد، و اگر امام نباشد رابطه بین عالم مادی و عالم معنوی قطع می‌شود امید به ظهور حضرت، مایه آرامش و دل گرمی مؤمنین می‌شود، و تنها امیدی که باعث روشنی دلهای آنان می‌شود فقط انتظار فرج است.

و ایجاد امیدواری و دل گرمی برای مؤمنین که روزی حضرت مهدی (عج) خواهد آمد، و اهداف محقق خواهد شد.

همان طور که مردم از خورشید پشت ابر استفاده می‌کنند،

مؤمنین نیز از وجود امام زمان (عج) در غیبت کبری استفاده می‌کنند.

و همان طور که مردم بوی دلنشین عطر را می‌فهمند ولی نمی‌توانند آن رایحه دلنشین را ببینند و فقط می‌بویند، صلحا و نجبا و اوتاد با تمام وجود خود حضور با برکت ولی عصر (عج) را در تمام نقاط جهان احساس می‌کنند و رابطه معنوی خود را با حضرت حفظ کرده‌اند.

و احادیث از طویل العمر بودن امام زمان خبر داده‌اند:

امام حسن عسگری فرمودند، بعد از من فرزندی مهدی (عج) امام شماست

که دو سنت پیامبران در موردش اجرا می‌شود:

الف) طویل العمر بودن آن حضرت که اگر چه پیش از هزار سال از عمرش

می‌گذرد، ولی چهل ساله بنظر می‌رسد.

ب) غایب بودن از چشم مردم که از بس طولانی می شود دلها تاریک شده و فقط افراد نیکو سیرت منحرف نمی شوند. که در حال حاضر مدت زمان غیبت کبری حضرت مهدی (عج) (یکهزار و یکصد و شصت و دو سال) می باشد.

نشانه های متکبرین با توجه به آیات قرآنی چنین است. (برتری جویی، ایجاد تفرقه، اسراف کاری، تحقیر مردم، فساد، قبول نکردن حق، ترویج کفر) از مطالبی که درباره متکبرین وارد شده چنین برداشت می شود. متکبران اقلیتی پیش نیستند که به مردم زور می گویند و مستضعفین اکثریتی هستند که قدرت واقعی آنان می باشند. مهم ترین عامل بدبختی مستضعفین احساس ضعف آنان است که خود را کوچک احساس می کنند، راه علاج آن این است که به قدرت خود پی برده و زیر بار مستکبران نروند، راه دیگر نجات مستضعفین این است که شخصیت گمشده خود را پیدا کرده و قید و بندها را از میان بردارند. اگر چه دشوار باشد، خداوند فرموده و ارثان اصلی زمین مستضعفان هستند.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: حضرت مهدی (عج) دست بر سر مؤمنین گذاشته و عقل آنان کامل می شود.

### چرا حضرت مهدی (عج) ظهور نمی کند؟

هر کاری زمینه و امکانات خاص خودش را طلب می کند که در ظهور حضرت نیز باید زمینه آن فراهم گردد تا حضرت ظهور کنند.

باید مردم به کمال برسند و آمادگی قبول حکومت حق را داشته باشند، و از خداوند بخواهند که ظهور حضرت را تعجیل بخشد و زمینه را آماده کنند و حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند دولت ما آخرین دولت است و همه حکومت

می‌کنند، که نگویند ما هم اگر به حکومت می‌رسیدیم، می‌توانستیم مانند حضرت مهدی (عج) حکومت کنیم.

امام صادق علیه السلام با توجه به آیات قرآن فرمودند: یکی از امامان قیام خواهد کرد و پیروز می‌شود. حضرت مهدی (عج) علم غیب را می‌داند و صدای ملک و صیحه آسمانی را می‌شنود ولی ملک را نمی‌بیند مثل الهامی که خداوند به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمود: بعد از اذن حق تعالی قیام مهدی (عج) آغاز خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمودند: وجود امام زمان (عج) از مردم مخفی می‌شود که بیعت کسی برگردنش نباشد. و خداوند کارش را در شبی اصلاح می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در انتظار فرج باشد و بمیرد همانند کسی است که در خیمه مهدی (عج) باشد.

امام رضا علیه السلام فرمود: (أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ)

ترجمه: بهترین اعمال منتظر بودن ظهور مهدی (عج) است.

از احادیث فهمیده می‌شود که امام زمان با جنگ و جهاد پیروز می‌شود. و امام باقر علیه السلام فرمودند: حضرت مهدی (عج) همانند پیامبر با شمشیر قیام می‌کند. (منظور از شمشیر قیام با اسلحه است) کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد، گفته شده در قیام حضرت مهدی (عج) کسی کشته نمی‌شود، حضرت فرمود: بخدا قسم چنین نیست، اگر این کار ممکن بود خداوند در مورد پیامبر اجرا می‌کرد در حالی که پیامبر دندان‌اش شکست و پیشانی‌اش زخمی شد، و در قیام مهدی (عج) خون‌ها ریخته خواهد شد.

### وظیفه مسلمانان در زمان غیبت چیست؟

شرط تحقق یافتن یک فعل در هر کاری بستگی به عواملی دارد از جمله  
۱- رفع مانع نمودن در تحقق آن فعل ۲- ایجاد مقتضای آن (یعنی پذیرفتن و  
مورد قبول قرار گرفتن). مثلاً: اگر بخواهیم چوبی را آتش بزنیم الف) باید خشک  
باشد ب) آتشی وجود داشته باشد که بتواند آن چوب را آتش بزند.

و آن کسی که تا چهل صبح دعای عهد را می خواند، و توقع دارد که بعد از  
وفاتش در ظهور مهدی (عج) دوباره زنده شود همین شرایط را دارد:

۱- حقیقت بگوید که طالب امام زمان است.

۲- از طرف حضرت هم مورد تأیید قرار گیرد.

و همانطور که قبلاً هم ذکر شد، وظیفه اصلی مسلمانان رفع موانع در ظهور  
آن حضرت است و مسلمانان وظیفه دارند در نمازها و دعاهای خود سلامتی  
حضرت را بخواهند و برای تعجیل در ظهورش دعا کنند و در راه حق و راهی که  
مورد تأیید آن حضرت است قدم بردارند و هر عملی را که انجام می دهند باید  
توجه داشته باشند که اگر حضرت حضور داشتند آیا آن عمل را تأیید می کردند یا  
خیر؟ و اگر جواب آری بود آن را انجام دهند. و اگر مردم دعای بر ظهور حضرت  
کنند دعایشان موجب گشایش کارهای خود آنان می شود، اعمال خیرشان  
مضاعف می شود، گناهانشان پاک می شود و موجب برآورده شدن حوائجشان  
می گردد و هر کس دعا برای سلامتی آن حضرت نماید حق تعالی خود آن

شخص را سلامت می‌دارد.

از جمله وظیفه‌های منتظرین حضرت اظهار شوق و ذوق به دیدن چهره نورانی آن حضرت است - بیان کردن فضائل و کرامات حضرت برای دیگران، از فراق و دوری حضرت و مظلومیتش گفتن - صدقه دادن و قربانی کردن برای سلامتی ولی عصر (عج) و از مال خود به نام حضرت به مؤمنین هدیه دادن، اعمال خیری را که انجام می‌دهیم پیش کش حضرت کنیم، و همچنین زیارت‌های معصومین و نمازهای مستحبی خود را از طرف حضرت و برای ایشان انجام دهیم با شنیدن اسم حضرت (یا قائم آل محمد) بلند شویم و احترام بگذاریم از حق تعالی درخواست کنیم که ما را از یاران وفادارش قرار دهد - به نیابت آن حضرت حج و طواف نماییم و با صدای بلند برایش دعا کنیم - و در وقت دعا کردن خدا را به آبرویش قسم دهیم - در وقت دعا کردن اول برای حضرت و فرجش دعا کنیم - و از خدا بخواهیم که، خداوند! با طولانی شدن غیبتش قلوب ما را تاریک نگردان و ما را از مسیر حق منحرف نفرما - در کارهای دشوار و سخت کار را به حضرت واگذار و توسل به حضرت پیدا کنیم - از سرزنش و آزار دشمن نترسیم و صبر را پیشه کار خود نمائیم - و زمان و وقتی را برای ظهور حضرت تعیین نکنیم - خود را همواره برای خدمت به حضرت مهدی (عج) آماده نگه داریم - محل نشستن خود را ورودی درب منزل قرار دهیم که به خلق خدا و مردم خدمت بهتری شود - جواب مخالفین و منکرین حضرت مهدی (عج) را با دلایل محکم بدهیم - روزهای جمعه خود و فرزندانمان را مهمان حضرت مهدی (عج) بدانیم. و نماز امام زمان را فراموش نکنیم اگر چه در منزل باشد.

### فضیلت انتظار فرج در دوران غیبت امام مهدی (عج)

۱- مفضل بن عمر می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «بهترین سبب نزدیکی بندگان به خداوند و برترین چیزی که موجب خوشنودی او از ایشان می شود این است که در ایام غیبت حجت خدا که مردم، مکان او را نمی دانند، معتقد باشند که حجت خدا بر حق است و روی زمین وجود دارد، در آن هنگام، هر صبح و شب منتظر فرج آن حضرت باشید...»<sup>(۱)</sup>

۲- مفضل بن عمر می گوید: «از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «کسی که در حال انتظار فرج صاحب الامر از دنیا برود، نه تنها مثل کسی است که همراه با امام قائم، در کنار او و در اردوگاهش است، بلکه همچون جنگاور مجاهدی است که در رکاب رسول الله (صلی الله علیه و آله) شمشیر می زند.»<sup>(۲)</sup>

۳- علی بن ابی حمزه از قول ابوبصیر نقل می کند: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «... ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان امام قائم ما، که در ایام غیبت منتظر ظهور آن حضرت هستند و در دوران ظهور آن حضرت از او اطاعت می کنند، آنها همان اولیاء خدا هستند که ترس و اندوهی ندارند.»<sup>(۳)</sup>

۴- علی بن مهزیار می گوید: «به اما هادی (علیه السلام) نامه نوشتم و در مورد فرج از آن حضرت سؤال کردم حضرت در پاسخ من مرقوم فرمود: «هرگاه صاحب شما از دید ستمگران پنهان شد، منتظر فرج باشید.»<sup>(۴)</sup>

۵- علاء بن سیّابه می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر که از شما در حال

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۰، روایت ۱۴۲.  
 ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۱، روایت ۱۴۳.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۶، روایت ۱۶۳.  
 ۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۷۷.

انتظار امر فرج از دنیا برود مثل کسی است که در خیمه و اردوگاه امام قائم (عج) جای و مقام دارد.»<sup>(۱)</sup>

۶- عبدالحمید واسطی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس از شما که بگوید: «اگر من قائم آل محمد (عج) را درک می کردم او را یاری می نمودم» مثل کسی است که در کنار او شمشیر می زند، بلکه بالاتر، مثل کسی است که در رکاب او شهید شده است.»<sup>(۲)</sup>

۷- مفضل بن عمر می گوید: درباره امام قائم (عج) و آن عده از دوستانمان که در انتظار آن حضرت از دنیا رفته اند گفتگو می کردیم، امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی قائم قیام کند در قبر مؤمن ندا داده می شود: «فلانی! صاحب تو ظهور کرده است اگر می خواهی به او ملحق شوی، ملحق شو و اگر می خواهی در ضیافت و بزرگداشت پروردگارت باقی بمانی، باقی بمان.»<sup>(۳)</sup>

۸- ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام روزی فرمود: «آیا بگوییم که چه چیزی است که خداوند هیچ عملی را بدون آن قبول نمی کند؟ عرض کردم: «آری بفرمایید»، فرمود: «شهادت به یگانگی خدا.» تا اینکه فرمود: «و نیز انتظار قائم ما» ، سپس فرمود: «ما دولتی داریم که هر موقع خدا بخواهد آن را مستقر خواهد کرد» و سپس فرمود: «هر کس خشنود است به اینکه از اصحاب قائم (عج) باشد. باید منتظر آن حضرت باشد و اهل پرهیز از محرمات الهی و عمل به بهترین اخلاق باشد، در آن صورت او منتظر خواهد بود، و اگر قبل از قیام قائم (عج) بمیرد مثل کسی است که امام قائم (عج) را درک کرده پاداش خواهد دید...»<sup>(۴)</sup>

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۹، روایت ۲۲۵. ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰، روایت ۲۲۶.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۵، روایت ۲۵۸. ۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۶، روایت ۴۸۸.

۹ - اما رضا علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین اعمال امت من انتظار فرج از طرف خداوند عزوجل است.» (۱)  
 ۱۰ - ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «برای خروج امام قائم چه عجله ای دارید؟ به خدا قسم، او جز لباس خشن نپوشد و جز خوراک ناگوار میل نکند، او چیزی جز شمشیر نیست، و مرگ در سایه شمشیر گریبان مردم را می گیرد.» (۲)

۱۱ - عبدالله بن زراره می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «شما باید تسلیم ما باشید و امور - مربوط به دین و حکومت - را از ما بگیرید و امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج خودتان را انتظار بکشید...» (۳)

۱۲ - اسحاق بن سعد اشعری از امام عسگری علیه السلام نقل می کند که فرمود: «... ای احمد بن اسحاق مثل حجت خدا در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است، به خدا قسم آنچه آنچنان غیبی خواهد داشت که هیچ کس جز کسی که خدا او را در اعتقاد به امامتش استوار و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است از هلاکت و گمراهی رهایی نخواهد یافت...» (۴)

با دقت در روایات فهمیده می شود که فرج بر دو قسم است: ۱ - فرج شخصی ۲ - فرج عمومی؛ فرج شخصی، خود به دو نوع تقسیم می شود:

الف: پاک شدن انسان از اخلاق زشت و ویژگیها و صفات پست و فرومایه، و به دنبال آن، رسیدن به کمالات فطری و درجات والای انسانی و اخلاق و منش الهی.  
 ب: فرجی که به ولی عصر و امام قائم به حق - عجل الله تعالی فرجه -

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۳.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۸۰.

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، روایت ۲.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰، ص ۶۲۸.



منسوب است، که این نوع از فرج شخصی، به نوبه خود، بر دو نوع است:

- ۱- شناخت مقام نورانیت امام (عج) که چیزی جز مقام ولایت الهی نیست، و این معرفت را فقط به دنبال فرج شخصی که همان رسیدن به کمالات فطری درونی است می توان به دست آورد.
- ۲- رسیدن به خدمت امام (عج) و درک زمان ظهور آن حضرت؛ و معلوم است که اگر این فرج حاصل شود، فرج به معنی اول که همان رسیدن به کمالات عالی انسانی است نیز حاصل می شود زیرا چنانکه از بعضی روایات<sup>(۱)</sup> فهمیده می شود رسیدن به حضور امام (عج) در زمان ظهور آن حضرت، برای تمام افراد بشر یا لاقل برای خواص و وارستگان از غیر حق، در رسیدن به کمالات انسانی و درجات عالی اثر بسیار و نقش جدی دارد.

و اما فرج عمومی عبارت است از رها شدن جامعه از شرّ ستم و بیداد و رسیدن به عدل و داد و برپا شدن دولت الهی و عدل که در آن دولت، حق عزیز و محترم و باطل، ذلیل و پایمال گردد.

بعضی از دعاها و روایات و به ویژه دعاهایی که در ماه رمضان وارد شده است درخواست فرج شخصی را به انسان الهام می کند و برخی روایات به طلب فرج عمومی در زمان امامان (علیهم السلام) و در زمان غیبت مربوط است که برای آن پاداش بزرگی ذکر کرده اند.<sup>(۲)</sup>

روشن است که کسی که معتقد باشد فرجی عمومی از ناحیه خداوند خواهد

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۲.

۲- این نوع تقسیم بندی فرج، لاقل در کتابهایی که در اختیار عموم مردم است، بی سابقه می باشد. بین نوع تقسیم بندی، اعتقاد به آن و علم به لوازمش، از آن میزان سازندگی برخوردار است که در اعتقاد به فرج عمومی - آن طور که متداول بین مردم است - چنین حکمی در سازندگی وجود ندارد.

رسید و مسلمانان از ستم و بیداد ستمکاران رهایی می‌یابند، و بر این اعتقاد ثابت بماند و استقامت کند و آخرتش را به دنیا ن فروشد، به خاطر این انتظار، پاداش بزرگی خواهد گرفت.

احادیثی را که به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی فضیلت فرج را یادآور شده‌اند شاید بتوان این گونه تفسیر کرد که مقصود آنها مطلوب بودن فرج به همه معانی که ذکر شد می‌باشد به ویژه آنکه در حدیث فرموده‌اند: (فَرَجْنَا وَ فَرَجَكُمُ)، «فرج ما، فرج شما است».

حنان بن سدید به نقل از پدرش از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «قائم ما غیبتی دارد که طولانی می‌شود.» عرض کردم: «یابن رسول الله! علّت آن چیست؟» فرمود: «خداوند نمی‌خواهد این امر انجام شود مگر اینکه تمام سنتهایی را که پیامبران در غیبتهایشان داشته‌اند، در این غیبت قرار دهد و ای سدید! بنابراین باید تمام مدت مجموع غیبتهای پیامبران، در این غیبت وجود داشته باشد. خداوند می‌فرماید: (لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ) <sup>(۱)</sup>؛ مرحله‌ای پس از مرحله دیگری را سیر خواهید کرد. مقصود این است که سنتهای گذشتگان در مورد شما جاری خواهد شد.» <sup>(۲)</sup>

ابراهیم کرخی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم (یا اینکه شخصی به ایشان عرض کرد): «خداوند سلامت بدارد، آیا علی علیه السلام در دین خدا قوی نبود؟» فرمود: «آری، چنین بود»، گفتم (ابراهیم یا آن شخص دیگر): «پس چگونه مردم بر او چیره شدند و او جلوی ایشان مقاومت نکرد؟ و چه چیزی

باعث شد جلوی آنها را نگیرد؟» حضرت فرمود: «آیه‌ای از قرآن، او را از این کار بازداشت»، گفتم (یا آن مرد گفت): «آن آیه کدام است؟» فرمود: (لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً) <sup>(۱)</sup> خداوند عزوجل فرزندان مؤمن در پشت افرادی از کافران و منافقان قرار داده است و حضرت علی علیه السلام پدران - کافر یا منافق - را نمی‌کشت تا اینکه این امانت‌های الهی از پشت آنها خارج شوند و وقتی این فرزندان از صلب آنها خارج می‌شدند بر هر کدام دست می‌یافت با آنها می‌جنگید؛ قائم ما اهل بیت نیز چنین است، تا تمام امانت‌های الهی از پشت پدرانشان خارج نشوند ظهور نکرده و کسی را نمی‌کشد، اما وقتی امانت‌ها <sup>(۲)</sup> خارج شدند، بر کافران و منافقان مسلط شده و آنها را می‌کشد. <sup>(۳)</sup>

مروان انباری می‌گوید: از امام باقر علیه السلام (نوشته یا پیامی) صادر شد که در آن فرمود: «وقتی خداوند بودن ما را در میان قومی، ناخوش دارد ما را از میان آنها خواهد برد.» <sup>(۴)</sup>

فرات بن احنف از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «به خدا قسم من و این دو پسر من (حسن

۱- سوره فتح، آیه ۲۵.

۲- با توجه به این حدیث شاید بتوان گفت مقصود از روایات (اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۸، ۵۲۴، ۵۷۰) که پیدا شدن گنجهای زمین و بیرون ریختن زمین گنجهایش را مطرح کرده است عمیق و دلیله هاست امانتها باشد و شاهد آن هم سخن امام صادق علیه السلام است که فرمود: «سپس جوان خونسروی حسنی ظاهر می‌شود که با فریاد رسا به سوی دیلم فریاد می‌کند: ای آل احمد به فریاد مظلومی که از ناحیه حرم صدایتان می‌زند پاسخ دهید؛ و گنجهای الهی در طالقان به او پاسخ خواهند داد، آن هم چه گنجهایی که از طلا و نقره نیستند بلکه مردانی چون پاره‌های آهنند...» (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵)، و شاید بتوان گفت مقصود از اینکه تمام اموال دنیا برایش جمع می‌شود (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹، روایت ۲)، همان طلا و نقره و اموال دیگر باشد.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۹، روایت ۲۲۴.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۸، روایت ۲۷۱.

و حسین علیه السلام کشته خواهیم شد و در آخرالزمان مردی از نسل من به خونخواهی ما برخواهد خاست، او برای شناخته شدن گمراهان از رهیافتگان غیبتی طولانی خواهد کرد تا جایی که گویندگان نادان بگویند: خداوند را - برای فرستادن قائم آل محمد (عج) احتیاجی نیست»<sup>(۱)</sup>.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بدانید که زمین از حجت خدا خالی نیست، اما خداوند به واسطه نادانی و ستمکاری مردم دیده ایشان را از دیدن حجتش فرو می‌بندد...»<sup>(۲)</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: وقتی قائم ما خاندان ظهور کند می‌گوید: (فَقَرَرْتُ مَنكُم لَمَّا خَفَّتْكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا)<sup>(۳)</sup>؛ پس از میان شما گریختم، چون بر جان خود بیمناک بودم، سپس پروردگار حکم (حکومت و فرمانروایی) را به من ارزانی داشت. از میان شما رفتم چون از شما بر جان خود بیمناک بودم و اینک چون پروردگارم اذن داد و امر فرجم را به سامان رسانید به میانتان آمدم»<sup>(۴)</sup>.

### اثبات قدم شیعیان در اعتقاد به ولی عصر (عج)

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «حضرت مهدی (عج) بعد از اینکه یادش از خاطرها محو شد و بیشتر معتقدان به امامتش، از اعتقاد خود برگشتند قیام می‌کند»<sup>(۵)</sup>.

۲ - یمان تمّار می‌گوید: «نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که به ما فرمود:

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۲، روایت ۴۶۲.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۳، روایت ۷۷۷.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، روایت ۴.

«صاحب الامر (عج) غیبتی خواهد داشت که کسی که در آن دوره غیبت بخواند دیندار بماند سخت در مشقت و در معرض مشکلات است.» و سپس فرمود:  
 «صاحب الامر (عج) غیبتی دارد و بنده خدا - برای حفظ دینش - باید تقوای الهی را پیشه کند و دو دستی به دین خود بچسبند.»<sup>(۱)</sup>

۳ - امام صادق علیه السلام می فرماید: «... جداً مورد آزمایش قرار می گیرید تا جایی که مردم می گویند: «مهدی (عج) مرده یا کشته شده است، اگر زنده است پس کجاست و چه می کند؟» چشمان مؤمنین بر او می گریند و همچون کشتی طوفان زده به اضطراب می افتند، جز کسانی که خداوند از آنها پیمان گرفته و به دم الهی یاریشان کرده، کس دیگری رستگار نخواهد شد.»<sup>(۲)</sup>

۴ - از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که فرمود: «یا علی! شگفت انگیزترین مردم از نظر ایمان و بلند مرتبه ترین آنها در یقین، مردمی هستند که در آخر الزمان می آیند که پیامبران را ندیده اند، حجت خدا هم از دیده ایشان پنهان است اما فقط از طریق روایات و نوشته هایی که به دستشان رسیده است ایمان می آورند.»<sup>(۳)</sup>

۵ - علی بن فضال از پدرش از امام رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود: «گویا شیعه را می بینم در حالی که چهارمین فرزند از نسل من از دیده آنها مخفی است شیعیان در جستجوی مهدی (عج) هستند اما آن را نمی یابند» علی بن فضال می گوید: عرض کردم: «چرا چنین است یابن رسول الله؟» فرمود: «زیرا امامشان از دیده آنها غایب گشته است...»<sup>(۴)</sup>

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۲، روایت ۱۴.  
 ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، ص ۱۵۴.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۳، ص ۱۵۴.  
 ۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۶، روایت ۸۴.

۶- پیامبر ﷺ فرمود: «مهدی (عج) غیبت و گمگشتگی خواهد داشت که مردم در آن دوره گمراه خواهند شد.»<sup>(۱)</sup>

۷- پیامبر ﷺ فرمود: «... کسانی که در دوره غیبت حضرت مهدی (عج) بر اعتقاد به او استوار هستند از کبریت احمر نایاب ترند.» جابر بن عبد الله انصاری بلند شد و گفت: «یا رسول الله! آیا فرزندان قائم، غیبت خواهد کرد؟» فرمود: «آری به خدا قسم (وَلَيُمَحِّصَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ)<sup>(۲)</sup>؛ خداوند مؤمنین را جداً می آزمايد و کافران را از میان بر می دارد.»<sup>(۳)</sup>

۸- اصبع بن نباته می گوید: امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: «مهدی (عج) غیبتی طولانی خواهد داشت تا آن جا که نادانان گویند: «خداوند - برای فرستادن مصلح - از آل محمد بی نیاز است.»<sup>(۴)</sup>

۹- امام رضا ﷺ از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین ﷺ نقل می کند که فرمود: «... در دوران غیبت، جز دینداران ناب که یقین در جانشان رسوخ کرده و خداوند از آنان بر ولایت ما پیمان گرفته و ایمان را در جانشان ثابت کرده و به دم الهی یاریشان نموده است، کسی بر اعتقاد خود، استوار نخواهد ماند.»<sup>(۵)</sup>

۱۰- امام زین العابدین ﷺ می فرماید: «... مدت غیبت آن قدر طول می کشد که بیشتر معتقدان به حضرت، از اعتقاد خود دست بر میدارند، مگر آنان که دارای یقینی محکم و شناختی درست باشند و در درون خویش نسبت به حکم ما هیچ دلتنگی و اضطرابی احساس نکنند و کاملاً تحت اختیار و تسلیم امر

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۰، روایت ۱۰۳.

۲- سورة آل عمران، آیه ۱۴۱.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۳، روایت ۱۱۰.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۱، روایت ۱۰۷.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۴، روایت ۱۱۷.

ما باشند» (۱)

۱۱- ابی الجارود می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «وقتی حرکت چرخ گردون به آنجا رسید که مردم گفتند: «امام - قائم مرده یا کشته شده است، اگر نه پس کجاست و چرا نمی آید؟» و کسی که دنبال امام بود کارش به آنجا می رسد که بگوید: «چطور می شود امام قائم غایب باشد با اینکه الآن استخوانهایش هم پوسیده است.» آن موقع - به ظهور امام مهدی (عج) امیدوار باش و اگر شنیدی - ظهور کرده است - به سوی او بشتاب، اگر چه مجبور باشی خود را بر یخ و برف بکشانی.» (۲)

۱۲- امام باقر علیه السلام می فرماید: «ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد (عج) شباهتهایی به پنج پیامبر وجود دارد... و سنتی از موسی در اوست که عبارت است از ادامه و طول کشیدن ترس او، دراز شدن زمان غیبت، مخفی بودن تولد، مصیبت و رنج پیروانش و اذیت و آزاری که می بینند... و اما شباهت او به عیسی این است که مردم درباره او اختلاف کردند، بعضی گفتند: «اصلاً متولد نشده است»، برخی گفتند: «مرده است» و عده ای گفتند: «کشته شده و به دار آویخته شده است...» (۳)

۱۳- عبدالرحمن بن سیّابه می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «چه بر شما خواهد گذشت وقتی امام هدایتگر و نشانه حق را به چشم نبینید، گروهی از گروهی دیگر بیزاری می جوئید، آن گاه سخت مورد آزمایش واقع می شوید و ناخالصان شما از مخلصین جدا خواهند شد، اول روز در اخبار و روایات اختلاف و مشاجره خواهید داشت و آخر روز، کارتتان به کشت و کشتار خواهید کشید» (۴)

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۷، روایت ۱۲۸.  
 ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۸، روایت ۱۳۱.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۸، روایت ۱۳۲.  
 ۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، روایت ۱۵۵.

۱۴ - سدید صیرفی می گوید: «امام صادق علیه السلام فرمود: «... وای بر شما! در کتاب جعفر نظر انداختم... و در ولادت قائم ما و غیبت آن حضرت و طولانی شدنش و مدت عمر وی تأمل کردم و دیدم که - مردم با ایمان گرفتار بلاها و مصیبتها هستند و به خاطر طولانی شدن دوران غیبت، در دلهایشان شک و تردید راه می یابد و بیشتر آنها از دینشان بر می گردند...»<sup>(۱)</sup>

۱۵ - احمد بن زکریا می گوید: امام رضا علیه السلام فرمودند: «... بدون تردید دچار گرفتاری هولناک و فتنه ای شدید خواهید شد که در آن هنگام به نزدیکترین افراد انسان نیز نمی شود اعتماد کرد و آن هنگامی است که چهارمین فرزند از نسل من غایب شود.»<sup>(۲)</sup>

۱۶ - اسحاق بن سعد اشعری می گوید: امام عسگری علیه السلام فرمود: «به خدا قسم مهدی (عج) غیبتی خواهد داشت که جز آنها که خداوند در اعتقاد به امامت او استوارشان کرده و برای دعا در تعجیل فرجش موفقشان کرده، کسی دیگر، از نابودی رهایی نخواهد یافت.» به آن حضرت عرض کردم: «یابن رسول الله! آیا غیبتش به طول می انجامد؟» فرمود: «آری به خدا قسم، تا آن قدر به درازا می کشد که بیشتر معتقدان به او از اعتقادشان بر می گردند و جز آنها که خداوند درباره ولایت ما از آنها پیمان گرفته و ایمان را در قلبشان راسخ کرده و به دم الهی یاریشان کرده است کسی دیگر بر اعتقاد به او باقی نخواهد ماند.»<sup>(۳)</sup>

۱۷ - جعفر بن وهب بغدادی از امام عسگری علیه السلام نقل می کند که فرمود: «بدانید که فرزندانم غیبتی خواهد داشت که غیر از کسی که خداوند او را از لغزش

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۵، روایت ۱۶۲.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷، روایت ۱۷۱.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۸۰.



نگهداشته است، بقیه مردم درباره او دچار شک و تردید خواهند شد.»<sup>(۱)</sup>

۱۸- امام عسگری علیه السلام می فرماید: «بدانید که فرزندانم غیبتی خواهد داشت که نادانان، در آن دچار سرگردانی می شوند، طرفداران باطل نابود می شوند و آنها که برای ظهورش، از پیش خود، وقت تعیین می نمایند به دروغگویی می افتند.»<sup>(۲)</sup>

۱۹- امام عسگری علیه السلام می فرماید: «این پسر، امام قائم بعد از من است که آنچه از سستهای الهی در زمینه طول عمر و غیبت، درباره پیامبران جاری شده است، درباره او جریان می یابد تا جایی که به خاطر طولانی شدن غیبتش، دلها سخت و تیره می شود و جز آنها که خداوند ایمان به او را در قلوبشان نگاشته و به دم الهی یاریشان کرده است کسی دیگر بر اعتقاد به او باقی نمی ماند.»<sup>(۳)</sup>

۲۰- مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد کلمه (وَالْعَصْرِ) توضیح خواستم. آن حضرت فرمود: (الْعَصْرِ) همان عصر خروج امام قائم (عج)، (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) یعنی دشمنان ما در زیان هستند، (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا) مقصود، ایمان به نشانه های ماست، (وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) یعنی همراهی و همنوایی با برادران، (تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ) یعنی توصیه یکدیگر به مسأله امامت و (وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ)<sup>(۴)</sup> یعنی استقامت در دوران غیبت.»<sup>(۵)</sup>

۲۱- مفضل می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب الامر دو غیبت دارد که یکی از دیگری طولانی تر است تا جایی که می گویند - آن حضرت - مرده است و برخی می گویند کشته شده است و جز عده کمی از

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۸۸.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۸، روایت ۲۰.

۳- سورة عصر، آیه ۱-۳.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۲، روایت ۲۳۶.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۲، روایت ۲۳۶.

اصحابش کسی معتقد به او باقی نخواهد ماند...»<sup>(۱)</sup>

۲۲ - محمد بن منصور از پدرش نقل می‌کند که گروهی خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم و صحبت می‌کردیم که ایشان به ما فرمودند: «چه می‌گویید؟ - و به اصطلاح کجای کار هستید؟ - هیئات! هیئات! نه به خدا قسم، آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر اینکه غربال شوید، نه به خدا قسم، آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر اینکه شما - از هم جدا شوند، نه به خدا قسم آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر اینکه آزمایش شوید؛ نه به خدا قسم، آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر بعد از اینکه ناامید شوید، نه به خدا قسم، آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر بعد از آنکه شقی و بدبخت به شقاوتش برسد و سعید و نیک انجام به سعادتش دست یابد.»<sup>(۲)</sup>

۲۳ - محمد بن ابی نصر می‌گوید: «امام ابوالحسن علیه السلام»<sup>(۳)</sup> فرمود: «بدانید که به خدا قسم، آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر اینکه - مؤمن و متزلزل - از هم جدا شوند، و مورد آزمایش قرار گیرند تا اینکه جز افراد بسیار نادری از شما باقی نماند»، آنگاه آیاتی از قرآن تلاوت فرمود که: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ)<sup>(۴)</sup>؛ «آیا گمان کردید که بدون آزمایش الهی و

مشخص شدن مجاهدانتان، از شما دست برداشته می‌شود؟»<sup>(۵)</sup>، (وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ)<sup>(۶)</sup>

۲۴ - محمد بن مسلم و ابوبصیر روایت کرده‌اند که: از امام صادق علیه السلام

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۹، روایت ۲۷۸.  
 ۲- ظاهراً مقصود امام موسی بن جعفر علیه السلام باشد.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، روایت ۳۲۹.  
 ۴- سوره توبه، آیه ۱۶.  
 ۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، روایت ۳۳۰.  
 ۶- سوره آل عمران، آیه ۱۴۲.

شنیدیم که می فرمود: این کار به سامان نمی رسد - و ظهور محقق نخواهد شد - مگر اینکه دو سوم مردم<sup>(۱)</sup> از دین برگردند، ما گفتیم: اگر دو سوم مردم از دین برگردند دیگر چه کسی باقی خواهد ماند؟ امام علیه السلام فرمود: آیا دوست ندارید در بین یک سوم باقیمانده باشید؟<sup>(۲)</sup>

۲۵ - جابر جعفی می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «فرج شما کی خواهد بود؟» فرمود: «هیئات، هیئات، فرج ما شدنی نیست مگر اینکه غربال شوید، باز هم غربال شوید، باز هم غربال شوید» سه مرتبه این مطلب را فرمود، «تا اینکه آلودگیها از میانتان برود و صفا و خلوص باقی بماند.»<sup>(۳)</sup>

۲۶ - عبایه بن ربیع اسدی می گوید: «از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمود: «چه بر شما خواهد گذشت وقتی امام هدایتگر و نشانه حق را به چشم نبینید، گروهی از گروه دیگر بیزاری می جوئید.»<sup>(۴)</sup>

۲۷ - ابن ابی عمیر می گوید: به موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: «آیا در بین امامان کسی هست که غیبت داشته باشد؟» فرمود: «آری، جسمش از دیدگان مردم پنهان می شود اما یاد و خاطره اش از دلهای مؤمنان محو نمی شود، و او دوازدهمین امام است.»<sup>(۵)</sup>

۲۸ - ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود<sup>(۶)</sup>: «عده کمی از عرب همراه امام قائم (عج) خواهند بود.» به ایشان عرض شد: «افرادی از آنها که

۱- ظاهراً مقصود از کلمه «ناس، مردم» در روایت، شیعیان باشند نه تمام مردم.  
 ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، روایت ۳۳۱.      ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، روایت ۳۳۲.  
 ۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، روایت ۳۳۴.      ۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۲، روایت ۴۱۲.  
 ۶- در روایت دیگری شبیه این روایات، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۷، روایت ۴۹۰، جمله دیگری نیز اضافه شده است که عبارت است: وای بر سرکشان عرب از اتقاقی که به زودی دامن ایشان را می گیرد.

در این باره صحبت می‌کنند زیاد هستند.» فرمود: «مردم باید امتحان شوند، مؤمن و غیر مؤمن از هم باز شناخته شوند، غربال و جداسازی انجام شود و در آن صورت، عده زیادی از غربال خارج خواهند شد.»<sup>(۱)</sup>

۲۹ - مالک بن حمزه می‌گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که انگشتان دو دستش را درهم فرو می‌برد فرمود: «چه خواهید کرد وقتی که شیعه اینگونه اختلاف کنند؟ گفتم: یا امیرالمؤمنین علیه السلام در آن موقع دیگر هیچ خیر قابل تصور و انتظار نیست. فرمود: تمام خیر، در همان موقع جمع است، ای مالک! در آن موقع است که قائم ما قیام می‌کند...»<sup>(۲)</sup>

روشن است که آزمایش مؤمنان و غیر مؤمنان، در هر عصر و زمانی، از سنتهای الهی است و مخصوص دوره غیبت نیست و خداوند، هر شخص و گروهی را به چیزی امتحان می‌کند. این امت، پس از پیامبر و امامان علیهم السلام، به غیبت حضرت مهدی (عج) و بعضی چیزهایی دیگر مبتلا و آزمایش شده‌اند. و از آزمایش الهی نمی‌توان گریخت - چنانکه خدای تعالی می‌فرماید: (أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ)<sup>(۳)</sup>؛ آیا مردم گمان می‌کنند همین که به زبان بگویند ایمان آوردیم، دست از سر آنها بر می‌داریم و دیگر آزمایش نمی‌شوند؟ مردمی را که قبل از ایشان بودند نیز آزمودیم و خداوند می‌داند که چه کسانی راستگو و چه کسانی دروغگویند - و در امتحان، درست یا نادرست از آب در می‌آیند -

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۷، روایت ۴۸۹. ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۷، روایت ۴۹۱.

۳- سوره عنکبوت، آیه ۲ و ۳.

ما باید برای رستگاری و موفق شدن در این آزمایشها تلاش کنیم، رستگاری کامل جز برای دینداران ناب - مخلصین - و کسانی که جانشان با یقین درآمیخته و اعتقادشان محکم و شناختشان از نادانیها و نادرستیها کامل شده است، فقط با داشتن چنین شرایط و حالاتی است که بنده پروردگار، به قضاء الهی و حکم پروردگار در تمام امور، خشنود است و نسبت به غیبت و دیگر مسائل مربوط به آن، هیچ شک و تردیدی به دل راه نمی دهد و بر اعتقاد به امامت امام غایب ثابت و استوار می ماند و همیشه یاد او را در دل دارد، و این چیزها جز با تلاش پیگیر و حرکت در راه بندگی حقیقی و خالصانه، از راه دیگری به دست نمی آید. خداوند همه ما را، در این راه توفیق عنایت فرماید.

عمر بن عبدالعزیز می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه زمانی آمد که امامی نیافتی - که در مسیر هدایت - به دنبالش قرارگیری، با موالیانی که - به هدایت امام پیشین - آنها را دوست می داشتی دوستی بورز و با دشمنانی که - با اشاره امام پیشین - دشمنی داشتی، دشمن باش<sup>(۱)</sup> تا هنگامی که خداوند عزوجل، آن امام را ظاهر کند»<sup>(۲)</sup>.

یونس بن یعقوب از معتمدانش از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «در چه حالی به سر خواهید برد در روزگاری که امامتان را شناسید؟» به آن حضرت عرض شد: «اگر چنین شد چه باید کرد؟» فرمود: «از دستورات امام سابق پیروی کنید تا وقتی خداوند او را ظاهر کند»<sup>(۳)</sup>.

۱- ظاهراً عبارت دیگری برای اصطلاح معروف (تولی و تبری)؛ یعنی دوستی با دوستان امامان و دشمنی با دشمنان امامان است که در این جا به عنوان یک اصل جدی برای سالم ماندن و باقی ماندن بر دین ائمه علیهم السلام، به آن توصیه شده است.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۲۴، روایت ۱۵۶.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۴، روایت ۱۵۷.

عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «شبهه‌ای دامتان را نخواهد گرفت و به حیرتی دچار خواهید شد، نشانه هدایت و امام راهبرتان دیده نخواهد شد، و در آن هنگام جز کسی که مانند غریق ناامید از همه جا، دست دعا به درگاه پروردگار بردارد، کس دیگری نجات نخواهد یافت.» عرض کردم: «دعاء غریق چگونه است؟» فرمود: «غریق می گوید: «يَا اللَّهُ! يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ! يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ! ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ...»

ترجمه دعا: ای خدا، ای رحمت گستر، ای مهربان، ای گرداننده و زیر و رو کننده دلها، دل مرا بر دین خود استوار بدار. (۱)

### مقام و پاداش کسانی که در اعتقاد خود به امام زمان (عج) راسخ هستند.

- ۱- امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال - بهشت، گوارا باد بر - آنکه قائم اهل بیت مرا درک کنند و در دوره غیبت و قبل از قیامت از او تبعیت کنند، دوستانش را دوست بدارند و با دشمنانش دشمنی ورزند، او از یاران و دوستانان من و از گرامی ترین افراد امت من است. (۲)
- ۲- حضرت علی علیه السلام فرمود: «... بدانید! هر کس از شیعیان که، بر دینش محکم باقی بماند، و از به درازا کشیدن غیبت امام، دلش به زنگار شک، تیره و سخت نگردد، روز قیامت او با من و در رتبه من است.» (۳)
- ۳- امام سجّاد علیه السلام فرمود: «هر کس در دوره غیبت قائم ما، بر ولایت ما، استوار باقی بماند خداوند اجر هزار شهید از شهدای بدر و أخذ به او عطا

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۵، روایت ۱۶۱.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۰، روایت ۱۰۴.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۴، روایت ۱۱۵.

می فرماید.»<sup>(۱)</sup>

۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین سبب نزدیکی بندگان به خداوند و برترین چیزی که موجب خشنودی او از ایشان می شود، این است که در ایام غیبت حجت خدا که مردم، مکان او را نمی دانند، معتقد باشند که حجت خدا بر حق است و روی زمین وجود دارد...»<sup>(۲)</sup>

۵ - مفضل بن عمر می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام که می فرمود: «کسی که در حال انتظار فرج صاحب الامر (عج) از دنیا برود نه تنها مثل کسی است که با امام قائم، در کنار او و در اردوگاهش است، بلکه همچون مجاهد جنگاوری است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر می زند.»<sup>(۳)</sup>

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: «هر یک از شما که بر اعتقاد به صاحب الامر (عج) و در غیبتش بمیرد، مثل کسی است که در راه خدا شمشیر می زند.»<sup>(۴)</sup>

۷ - حکم بن عینه می گوید: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهروان، با خوارج می جنگید، مردی برخاست و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! خوشا به حال ما که در کنار تو در این میدان هستیم و در رکاب تو با این خوارج می جنگیم، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «به آن خدایی که دانه را شکافت و موجودات را خلق کرد سوگند، مردمی هستند که هنوز خداوند پدران و اجدادشان را هم خلق نکرده است اما در این میدان، با ما هستند. آن مرد گفت: چگونه ممکن است گروهی که هنوز به دنیا نیامده اند با ما باشند؟ حضرت فرمود: «آری، گروهی در آخرالزمان هستند که در آنچه ما انجام می دهیم با ما شریکند و دلشان تسلیم امر ماست، براستی و جدا که آنها در آنچه

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۶، روایت ۱۲۷.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۰، روایت ۱۴۲.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، روایت ۱۷.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۱، روایت ۱۴۳.

ما انجام می‌دهیم با ما شریک هستند»<sup>(۱)</sup>

۸- امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس امامش را بشناسد و قبل از قیام صاحب الامر (عج) از دنیا برود، مثل کسی است که در لشکر او مستقر است، و بلکه بالاتر، مثل کسی است که زیر پرچم او مستقر است»<sup>(۲)</sup>

شاید علت مترتب بودن چنین ثواب و آثاری، این باشد که مؤمنان در دوره غیبت با اینکه از دیدن امام خود و رسیدن به محضرش و از کلام نافذش محرومند، اما در عین حال او را دوست می‌دارند و به او ایمان دارند و دل و دین خود را به او سپرده‌اند، حال، انسان مؤمنی که در دوره غیبت چنین روحیه‌ای داشته باشد اگر یکی از امامان پیشین را درک می‌کرد چه وضعی داشت؟ قطعاً چنین است که اگر او را درک می‌کرد، از او پیروی می‌نمود و در کنار او می‌جنگید و پاداش مجاهدان در رکاب امام حاضر را از آن خود می‌نمود؛ و چنین است که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «مردمی هستند که هنوز خداوند، پدران و اجدادشان را هم خلق نکرده است اما در این میدان با ما هستند... گروهی در آخرالزمان هستند که در آنچه ما انجام می‌دهیم با ما شریکند، دلشان تسلیم امر ماست، به راستی و جداً که در آنچه ما انجام می‌دهیم، آنها با ما شریک هستند.» همچنین ممکن است علت این ثواب‌ها و آثار ارزشمند، این باشد که از آنجا که مؤمنان راستین دوره غیبت، به امامشان ایمان آورده، دل و دین و جان به او سپرده و خود را برای جهاد در زمان ظهور و قیامش آماده نموده‌اند، مثل این باشد که محضر آن بزرگوار را درک کرده و در کنار او جنگیده‌اند و بنابراین از



پاداش کسی که او را درک کرده و در کنارش جنگیده است برخوردارند.

### آگاهی مهدی (عج) از اعمال شیعیان

عسید بن زراره می گوید: «از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «مهدی (عج) از دیده مردم غایب می شود، او در موسم حج، بر اعمال مردم ناظر است، آنها را می بیند ولی آنها او را نمی بینند.»<sup>(۱)</sup>

از امام رضا (علیه السلام) درباره قائم (عج) سؤال شد، فرمود: جسمش دیده نمی شود، و نامش برده نمی شود.»<sup>(۲)</sup>

حسن بن علی بن فضال می گوید: از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که فرمود: «خضر (علیه السلام) از آب حیات نوشید و تا نفع صور زنده است، نزد ما می آید، به ما سلام می کند، صدایش را می شنویم اما خودش را نمی بینیم.» تا اینکه فرمود: «او خداوند، در دوره غیبت، به وسیله او غربت و تنهایی قائم ما را به انس و الفت بدل خواهد کرد.»<sup>(۳)</sup>

ابو هاشم جعفری می گوید: «شنیدم که امام هادی (علیه السلام) فرمود: «جانشین من فرزندی حسن است، با جانشین بعد از جانشین چه خواهید کرد؟» عرض کردم: «فدایت شوم چرا چنین چیزی می فرمایید؟» فرمود: «زیرا شما خودش را نمی بینید و جایز نیست با نامش از او یاد کنید.» عرض کردم، «پس چگونه از او یاد کنیم؟» فرمود: «بگوید حجت آل محمد»<sup>(۴)</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمود: امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «بدانید که زمین از

۱- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۴۴۳، روایت ۱۹

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷، روایت ۱۷۰

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱۸۱

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰، روایت ۲۲۹

حجت خدا خالی نیست اما خداوند به واسطه ستم و نادانی مردم، دیده ایشان را از دیدارش می پوشاند، و اگر زمین لحظه ای از حجت خدا خالی باشد اهلش را در خود فرو خواهد برد، اما حجت خدا، مردم را می شناسد ولی مردم او را نمی شناسند همان طور که یوسف، مردم (برادرانش) را می شناخت و آنها او را نمی شناختند.»<sup>(۱)</sup>

### نحوه بهره مند شدن مردم از وجود مقدس ولی عصر (عج) در زمان غیبت.

اعمش می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: از زمانی که خداوند، آدم را خلق کرده است، زمین از حجت خدا خالی نبوده است، حجتی که یا آشکار و شناخته شده است و یا پنهان و ناشناس، و تا روز قیامت هم زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود و اگر غیر از این بود عبادت خدا انجام نمی گرفت. «سلیمان اعمش می گوید عرض کردم: «مردم چگونه از امام پنهان از دیده ها بهره مند می شوند؟» فرمود: «همان طور که وقتی خورشید زیر ابرها پنهان است مردم از آن بهره مند می شوند.»<sup>(۲)</sup>

در توقیعی (نامه ای) که از ناحیه مقدسه حضرت مهدی (عج) به دست نایبش محمد بن عثمان عمری خارج شد آمده است: «... چگونگی بهره مند شدن امت از من، در دوره غیبت، مثل بهره مندی آنها از خورشید است وقتی که ابرها آن را از دیده ها پنهان می کنند، من برای اهل زمین مایه امنیت هستم همچنانکه ستارگان آسمان برای اهل آسمان چنین هستند. پس، از سؤال کردن درباره آنچه

برای شما فایده‌ای ندارد خودداری کنید و در بیش از آنچه مورد نیاز شماست خود را به زحمت نیندازید، برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما در آن است...»<sup>(۱)</sup>

جابر جعفی از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که او از پیامبر پرسید: «آیا شیعیان در دوره غیبت از امام قائم علیه السلام بهره‌مند می‌شوند؟» فرمود: «آری، سوگند به آن خدایی که مرا به پیامبری فرستاد، از او بهره‌مند می‌شوند و همان طور که از خورشید پنهان زیر ابرها بهره می‌برند، از نور ولایت او، در دوره غیبتش، استفاده کرده به زندگی خود روشنی می‌بخشند.»<sup>(۲)</sup>

امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه (وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً)<sup>(۳)</sup> و نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما تمام کرده است. فرمود: «نعمت ظاهری، امام آشکار و نعمت باطنی، امام غایب است که جسمش از دیدگان مردم پنهان است، گنجهای زمین برایش پدیدار می‌گردد و هر امر غیر ممکنی، ممکن و هر راه دوری برایش نزدیک می‌شود.»<sup>(۴)</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲، روایت ۷.  
۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲، روایت ۸.  
۳- سورة لقمان، آیه ۲۰.  
۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۱، روایت ۷۶۳.

### قیام زید:

زید از نسل امام حسین علیه السلام بود. زید مردی با تقوا و عالم بود و صلاحیت رهبری را داشت.

امام صادق علیه السلام در باره اش فرمود: عمویم زید برای دنیا و آخرت ما سودمند بود، و در راه خدا شهید شد.

حضرت علی علیه السلام فرموده بود، در کوفه مردی بزرگوار قیام می کند که نامش زید است که همانندی مثل او نیست.

و فرشتگان به استقبال آنان می شتابند و آنان بهترین افرادند و رسول خدا از آنها استقبال کرده و می فرماید: پسر من شما به وظیفه خود عمل کردید، داخل بهشت شوید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام فرموده بود: ای حسین از نسل تو شخصی بنام زید قیام خواهد کرد که در بهشت با صورتهای زیبا محشور خواهند شد. هدف زید، هدفی صحیح و درست بود و ادعای امامت نکرد. و فقط هدفش سرنگونی حکومت امویان بود، و بعد از پیروزی می خواست حکومت را به امام معصوم بسپارد، و اگر پیروز می شد به وعده خود عمل می کرد.

امام صادق علیه السلام می فرمود: عمویم اگر پیروز می شد به وعده خود عمل می کرد و مردم را بسوی امام معصوم راهنمایی می کرد.

پسر زید یحیی می گوید پدرم یکی از بزرگترین عبادت کنندگان بود، و شبها را عبادت می کرد، و روزها روزه بود، ولی پدرم امام نبود، او یکی از زهاد و سادات بزرگوار بود.

و یحیی می گوید پدرم ادعای امامت نکرد و همواره پسر عمویم

امام صادق (علیه السلام) را بعنوان امام معرفی می نمود.

قیام زید قیامی نسنجیده نبود، و انگیزه اش امر به معروف و نهی از منکر بود. و نابودی طاغوت و سپردن حکومت به امام معصوم بود پانزده هزار نفر از مردم کوفه با او بیعت کردند، و نکته مهم اینست که، زید موضوع قیام خود را به امام صادق (علیه السلام) مطرح نمود، و حضرت فرمود، عمو جان اگر راضی هستی کشته شوی و بدنت را به دار بیاویزند، هر طور که صلاح می دانی عمل کن.

نتیجه تمامی این احادیث وارده از سوی امامان چنین است که:

هر کسی که قیام کرد فوراً دعوتش را قبول نکنید، بلکه اهدافش را بررسی کرده و اگر غیر خدایی است، از او اطاعت نکنید، زیرا که هنوز وقت قیام امام زمان (عج) فرا نرسیده. بعلت اینکه اسباب قیام مهدی (عج) هنوز فراهم نشده پس هر کس قیام کند، شکست خواهد خورد. قیام حضرت مهدی (عج) نشانه و علامتهایی دارد، و قبل از این علائم هر کس بنام حضرت مهدی (عج) قیام کند و بگوید حضرت مهدی هستم، دروغ می گوید.

و باید اول اسباب و مقدمات قیام حضرت مهدی (عج) آماده شود.

### چگونگی ظهور امام زمان (عج)

هرگاه اوضاع عمومی جهان مساعد شود، و افکار جهانیان برای پذیرش حکومت حضرت مهدی (عج) آمادگی پیدا کند، آنگاه خداوند به حضرت مهدی (عج) اجازه ظهور می دهد. و تعداد (سیصد و سیزده) نفر به یاریش خواهند شتافت.

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که امام زمان ظهور نماید، جوانان شیعه در همان شب با او در مکه ملاقات می کنند و بعداً حضرت مهدی (عج) دعوت عمومی خود را به تمام جهان علنی خواهد کرد و مردم فداکار دورش را خواهند گرفت.

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فرمودند: یاران حضرت مهدی (عج) در هنگام ظهور شرق و غرب جهان را اشغال خواهند کرد، و هر یک نیروی چهل مرد را دارند و قلبشان همانند آهن سخت است، و اگر کوهها بخواهند آنان را از هدفشان منحرف کنند، کوهها را از سر راه خود برمی دارند و تا رضایت خداوند فراهم نشود، از جنگ دست برنخواهند داشت.

و با رعب و وحشتی که بر کفار وارد می شود، تسلیم حضرت می شوند، و اگر سرپیچی کنند قتل عام می گردند و دین اسلام فراگیر میشود.

### سرنوشت یهود و مسیحی ها در ظهور مهدی (عج):

دو دسته حدیث و روایت وجود دارد:

الف) در بعضی از آیات قرآن آمده که یهود و مسیحی ها تا روز قیامت باقی

خواهند بود. خداوند می فرماید:

ما از نصاری پیمان گرفتیم و آنان، پیمان شکنی کردند و ما هم دشمنی را تا قیامت در بینشان انداختیم و ما تا قیامت نصاری را بر کفار برتری دادیم که این آیات دلالت بر وجود (یهود و نصاری) تا قیامت هستند.

در احادیث امامان نیز آمده امام صادق (علیه السلام) فرمود: حضرت مهدی (عج) با یهود و نصاری مصالحه می کند و آنها جزیه می دهند و سپس طبق این آیات قرآن و احادیث دلالت بر وجود یهود و نصاری تا قیامت است.

احادیث و روایات مخالف دیگری نیز وجود دارند، که دلالت دارد که حضرت مهدی (عج) دین اسلام را به آنها عرضه می کند اگر قبول کنند، محفوظ مانده و اگر مخالفت کنند، کشته خواهند شد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آنقدر حضرت مهدی (عج) جنگ می کند که جز دین اسلام دینی باقی نمی ماند و احدی باقی نمی ماند، مگر که به رسول الله ایمان بیاورد. و با توجه به اینکه عیسی مسیح در نماز به حضرت مهدی (عج) اقتدا خواهد کرد منطقی اینست که پیروان عیسی مسیح نیز به پیامبر خود اقتدا کرده و همچون او مسلمان شوند و دین اسلام را قبول کنند.

بنابراین یهود و نصاری باقی خواهند ماند، ولی از شرک دست بر می دارند، و اسلام بر آنها غالب می شود.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود: حضرت مهدی (عج) بر شرق و غرب عالم حکومت خواهد کرد.

### چگونگی نشر اسلام از شهر قم به تمام جهان:

امام صادق علیه السلام فرمودند: وَ تَحُلُّوا كَوْفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ تَعْرِضُ عَنْهُ الْعِلْمَ كَمَا تَعْرِضُ الْحَيَّةُ فِي جَعْدِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ فِي بِلْدَةِ يُقَالُ لَهَا قَمٌ مِنْهَا يُفِيضُ الْعِلْمَ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ حَتَّى لَا يَبْقَى مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا مَهْدِيٍّ (عج) (۱)

کوفه از مؤمنین خالی می شود، همانند ماری که در سوراخ خود مخفی گردد، علم و دانش هم از کوفه خواهد رفت، و در شهری بنام قم ظاهر میشود، و آنجا معدن علم و دانش است، و از آنجا علم و دانش به تمام شهرها پخش می شود، و مستضعف در دین باقی نخواهد ماند.

که این در زمان نزدیک به ظهور واقع خواهد شد، و خداوند شهر قم و اهلس را حجت بر تمام زمین قرار داده. و بعد از آن مهدی (عج) ظهور می کند. عده ای که منکر حضرت مهدی (عج) هستند، می گویند: مهدی (عج) در سالها پیش قیام کرده! در جواب باید گفت: کدام مهدی میتواند قیام کند، حال آنکه حتماً باید تمام شرایط در او باشد.

۱- نامش (م ح م د) و کنیه اش ابوالقاسم باشد.

۲- مادرش نرجس و از بنی هاشم باشد، و از حضرت زهرا علیها السلام و از اولاد امام حسین علیه السلام باشد.

۳- تنها فرزند امام حسن عسگری علیه السلام و متولد شهر سامرا باشد.

۴- در مکه قیام کرده باشد.



۵- در تشکیل دولت فقط یک دولت را فرماندهی کند و آن دولت پیامبر اکرم ﷺ است، به اجتماع قاطع علماء و اهل فن هنوز کسی که این علائم و صفات در او باشد، هنوز در طول تاریخ قیام نکرده.

امام باقر ﷺ می فرماید: مهدی (عج) قیام خواهد نمود، با شمشیر و هرگز شکست نمی خورد، و از این جهت قیامش شبیه قیام رسول اکرم ﷺ است، که با سلاح و اسلحه قیام کردند.

(قیام و خروج با شمشیر منظور جنگ کردن است) و احتمال استفاده از سلاح روز قوی تر است. و قوی تر از آن اینست که حضرت با استفاده از ولایت تکوینی خود دخل و تصرف و معجزه‌ای نماید تا اسلحه‌های مدرن روز از کار بیفتد.

### علائم غیر حتمی ظهور مهدی (عج) و حوادثی که در نزدیکی ظهور رخ خواهد داد.

۱- بزنتی می گوید: امام رضا ﷺ فرمود: «قبل از این امر (فرج) قتل بیوح واقع خواهد شد.» عرض کردم: «بیوح چیست؟»

فرمود: «پیوسته و بدون فاصله.»<sup>(۱)</sup>

۲- امام باقر ﷺ فرمود: «قبل از این امر دو نشانه واقع خواهد شد: گرفتگی ماه در روز پنجم و گرفتگی خورشید در روز پانزدهم، و از زمان هبوط (خلقت) آدم تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است و در آن روز است که حساب منجمین بهم می ریزد.»<sup>(۲)</sup>

۳- سلیمان بن خالد می گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که فرمود: «قبل از

\* مقصود کشتارهای بی دریغی و بدون وقفه است.

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۳، روایت ۶.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، روایت ۴۱.

قیام قائم دو نوع مرگ واقع می‌شود: مرگ سرخ و مرگ سفید، به طوری که از هر هفت نفر پنج نفر می‌میرند، اما مرگ سرخ، مرگ با شمشیر است و مرگ سفید، امراض است.»<sup>(۱)</sup>

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: «قبل از قیام قائم (عج)، خورشید در پنجم ماه رمضان می‌گیرد.»<sup>(۲)</sup>

۵- جابر می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «این امر (فرج) چه موقع خواهد بود؟» فرمود: «چه موقع خواهد بود؟ ای جابر؟ آن هنگامی است که بین حیره و کوفه کشتار زیاد شود.»<sup>(۳)</sup>

۶- مفضل بن عمر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه (وَلَسْتُدْيَقْنَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ)<sup>(۴)</sup>، «قبل از عذاب بزرگتر، از عذاب کوچکتر به آنها خواهیم چشانید.» سؤال کردم. فرمود: «عذاب کوچکتر، گرانی است و عذاب بزرگتر، خروج مهدی (عج) با شمشیر است.»<sup>(۵)</sup>

۷- از امام صادق علیه السلام سؤال شد که هنگام خروج قائم (عج) چه موقع است؟ فرمود: «وقتی که حکومت در دست بیضه کشیده شدگان، و زنان بیفتند»<sup>(۶)</sup> و علامتهای دیگری را نام برد تا اینکه فرمود: «آن موقع وقت خروج قائم ما اهل بیت است.»<sup>(۷)</sup>

۸- امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، روایت ۴۲.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹، روایت ۵۰.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۴، روایت ۶۴۶.

۴- شاید کنایه از نامردها و افراد بی غیرت باشد چنانکه در کلام مولی علی علیه السلام آمده است: «یا أشباه الرجال ولا رجال».

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۸، روایت ۷۴۱.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «وقتی آتش در حجاز بیفتد و سیل در نجف جاری شود منتظر ظهور قائمتان باشید.»<sup>(۱)</sup>

۹- محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود: «قبل از قیام قائم برای مؤمنان نشانه هایی از طرف خدای تعالی آشکار خواهد شد.» گفتم: «فدایت شوم! آن نشانه ها چیستند؟» فرمود: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ)<sup>(۲)</sup>؛ و قطعاً شما را به نوعی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود محصول می آزمایم پس صابران را نوید بده. و فرمود: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ)، ترس از ناحیه بنی فلان در آخر سلطنتشان است، (وَالْجُوعِ) آزمایش با گرسنگی، به گرانی و بالا بودن قیمتهاست، و (نَقْصِ... الْأَنْفُسِ)، دلالت بر مرگ سریع و آشکار است، (و نَقْصِ مِنَ... الثَّمَرَاتِ) نیکو نشدن کشت و زرع و بی برکتی آن است، و (بَشِّرِ الصَّابِرِينَ) بشارت صابران به تعجیل در خروج قائم ماست، سپس فرمود: ای محمد این تأویل آیه است و خداوند می فرماید: (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاْسِخُونَ فِي الْعِلْمِ)<sup>(۳)</sup> «حقیقت نهانی آن را جز خدا و آنان که دانش در سینه هایشان آرام یافته است کسی نمی داند.»<sup>(۴)</sup>

۱۰- ابو بصیر درباره آیه (إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ)<sup>(۵)</sup>، «اگر بخواهیم از آسمان نشانه ای بر آنان فرو فرستیم که شرمگینانه بر آن گردن نهند.» از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «خداوند به زودی این کار را

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۸، روایت ۷۴۶. ۲- سوره بقره، آیه ۱۵۵.  
 ۳- سوره آل عمران، آیه ۷. ۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۱، روایت ۷۶.  
 ۵- سوره شعراء، آیه ۴.

درباره آنان انجام خواهد داد. ابو بصیر می گوید: عرض کردم «آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «بنی امیه و پیروان آنها»، گفتم: «آن نشانه چیست؟» فرمود: «توقف خورشید بین ظهر تا عصر و آشکار شدن چهره و نیم تنه مردی در قرص خورشید که به نام و نشان شناخته می شود، و این کار در زمان سفیانی انجام خواهد شد که در آن موقع، نابودی او و قومش فرا رسیده است.»<sup>(۱)</sup>

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «قبل از قیام قائم (عج) به واسطه آتشی که در آسمان پیدا می شود، سرخی هوا را فرا می گیرد، گرفتگی ماه در بغداد و بصره، خونهایی که ریخته می شود، ویرانی منازل و ساکنانش و ترسی که به دل مردم عراق می افتد که آرام و قرار ندارند، مردم از گناه باز داشته می شوند.»<sup>(۲)</sup>

۱۲- امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم ظهور نمی کند تا اینکه در شام، فتنه و آشوبی دامن مردم را بگیرد که راه نجاتی از آن نیابند و کشتار بین حیره و کوفه واقع شود، کشته های آنها مثل هم هستند<sup>(۳)</sup> و منادی از آسمان ندایی در دهد.»<sup>(۴)</sup>

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «این امر واقع نخواهد شد تا اینکه هر گروهی از مردم، به حکومت بر مردم دست یابند و طوری نباشد که گروهی بگویند: «اگر ما حکومت داشتیم به عدالت رفتار می کردیم.» آن وقت است که قائم به حق و عدل قیام می کند.»<sup>(۵)</sup>

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۲، روایت ۸۲. ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۳، روایت ۸۷.

۳- احتمالاً مقصود این است که هر دو دسته بر باطل و اهل آتش هستند.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۹، روایت ۱۱۸. ۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۸، روایت ۱۱۱.

نشانه‌هایی که برای ظهور حضرت قائم (عج) ذکر شده است بر دو نوع است: حتمی و غیر حتمی.

هر چند تعبیر «نشانه‌های غیر حتمی» در روایات نیامده است، اما از آنجا که بعضی از نشانه‌ها، در روایات، به نشانه‌های حتمی موسوم شده‌اند، نشانه‌های دیگر را نشانه‌های غیر حتمی نامیده‌اند. آنچه در اینجا ذکر کردیم و آنچه در حوادث مربوط به قرآن و سنت و مسلمانان و طرفداران باطل نقل شد بیانگر نشانه‌های غیر حتمی هستند.

در این زمینه، روایات دیگری نظیر، روایت عمار یاسر<sup>(۱)</sup>، روایت عامر بن وائله<sup>(۲)</sup>، روایت جابر جعفی<sup>(۳)</sup>، روایت بشیر<sup>(۴)</sup> و روایت معاویه بن سعید<sup>(۵)</sup>، و نیز بیانی از کتاب ارشاد مفید در مورد نشانه‌های قبل از قیام قائم (عج)، که شیخ حر عاملی در اثبات الهداة آن را نقل کرده،<sup>(۶)</sup> وجود دارد که به خاطر جلوگیری از به دراز کشیدن مطلب از نقل آنها خودداری نمودیم.

در این روایات نکته قابل توجهی وجود دارد و آن اینکه: گرفتگی ماه در پنجم، و گرفتگی خورشید در پانزدهم و طلوع خورشید از مغرب<sup>(۷)</sup> - که در امور حتمی آمده است - و توقف خورشید، در واقع از آیات الهی هستند و با محاسبات معمول سازگاری ندارند از همین رو فرموده‌اند: «از زمان هبوط (خلقت) آدم تا کنون چنین اتفاقی نیافتاده است.» و «در آن موقع، حساب

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، روایت ۴۵.  
 ۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹، روایت ۴۸.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۷، روایت ۵۱.  
 ۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۷، روایت ۵۲.  
 ۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۰، روایت ۶۹.  
 ۶- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۴۰، روایت ۱۱.  
 ۷- در کتاب دارالسلام مؤلف شیخ محمود عراقی ﴿تذکره﴾ آمده منظور از طلوع خورشید از مغرب چهره نورانی ولی عصر (عج) است که در مکه میان رکن و مقام قیام می‌کند.

منجمین به هم می ریزد.»

### علامت حتمی ظهور حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان:

زید العمی می گوید: امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: «در یکی از سالها، قائم ما برای گرفتن حق مردم قیام می کند.» و فرمود: «آیا قیام بدون ظهور سفیانی واقع می شود؟ ظهور قائم، از ناحیه خداوند، حتمی است، و ظهور سفیانی - نیز از ناحیه خداوند - حتمی است و ظهور قائم بدون ظهور سفیانی شدنی نیست.» عرض کردم: «فدایت شوم!» امسال چنین چیزی واقع می شود؟» فرمود: «هر چه خدا بخواهد» عرض کردم: «سال آینده چنین خواهد شد؟» فرمود: «خداوند، هر چه بخواهد انجام می دهد.»<sup>(۱)</sup>

عامر بن وائله از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می کند: که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: قبل از رستاخیز و قیامت، این وقایع قطعاً اتفاق می افتد: ظهور سفیانی، آمدن دجال، پیدا شدن دود در آسمان، خروج دابّه، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب، گرفتگی در مشرق، خسوف در جزیره العرب، ظاهر شدن آتشی از دور دست در عدن که مردم را به یک جا می راند و جمع می کند.»<sup>(۲)</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «در یک سال، یک ماه و یک روز سه نفر خروج خواهند کرد: خراسانی، سفیانی و یمانی، و در بین آنها بیرق یمانی، رهیافته تر و به حق نزدیکتر است.»<sup>(۳)</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ندای آسمانی، ظهور سفیانی، کشته شدن نفس زکیه و پیدا شدن دستی در آسمان، از امور حتمی است.»<sup>(۴)</sup>

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹، روایت ۴۸.

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳، روایت ۹۸.

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲، روایت ۵.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰، روایت ۵۲.

ابو هاشم جعفری می گوید: نزد حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) نشسته بودم صحبت از سفیانی و حتمی بودن ظهور مهدی (عج) - در روایات به میان آمد. به امام جواد (علیه السلام) عرض کردم: «آیا در امر حتمی بدای الهی (تغییری) جاری می شود؟» فرمود: «آری» عرض کردم: «آیا نمی ترسید که در قیام قائم بدا جاری شود» فرمود: «قیام قائم، میعاد است و خداوند از وعده تخلف نمی فرماید: (وَاللَّهُ لَأَبْخِلِفُ الْمِعَادِ).<sup>(۱)</sup> (و خداوند از وعده خود بر نمی گردد).

اینها بخشی از احادیثی بودند که بیانگر نشانه های حتمی ایام نزدیک ظهور حضرت مهدی (عج) هستند، اما تمام این نشانه ها، چه حتمی و چه غیر حتمی، بر حسب اینکه در قضاء الهی رقم خورده باشند یا در قدر الهی تعیین شده باشند، قطعی تخلف ناپذیر نیستند و قابل تغییرند و مشیت و بدای الهی ممکن است در آنها جاری شود و اساساً هیچکدام واقع نشوند، چنانکه در قرآن کریم فرموده است: (يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ)<sup>(۲)</sup>؛ خداوند آنچه را بخواهد از صفحه وجود پاک می کند و آنچه را بخواهد برقرار می نماید و ام الكتاب و لوح اصلی حاکی از هستی و عدم نیز نزد اوست. و حدیث ابو هاشم جعفری که در آخر همین روایات نقل شد شاهد دیگری بر این مطلب است.

آری، قیام قائم (عج) از چیزهایی است که بدا در آن جاری نمی شود، زیرا قیام قائم از مصادیق میعاد است و خداوند میعاد را قطعاً عملی می سازد.

در روایت عمر بن حنظله از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که قیام حضرت مهدی (عج) دارای پنج علامت می باشد. (۱)

۱ - قتل نفس زکیه

۲ - صدای آسمانی

۳ - خروج سفیانی

۴ - خروج یمانی

۵ - خسف (۲) بیداء

۱ - قتل نفس زکیه: حضرت مهدی (عج) یکی از یاران خود را به سوی مکه و خانه خدا می فرستد که، حجت را بر مردم تمام کند و بگوید: من فرستاده مهدی (عج) هستم که مهدی از اهل بیت رحمت است و معدن رسالت و برگزیده پیغمبران می باشد. و از شما مردم یاری می خواهد پس یاریش کنید. در این زمان مردم شورش کرده و او را میان رکن و مقام در کعبه شهید می کنند. آنگاه مهدی (عج) در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می خواند، سپس به حجر الاسود تکیه کرده و حمد و ثنای خداوند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را می نماید. به طوری که کسی تا به حال آن طور نیایش نکرده باشد آنگاه حضرت، حق خود را از خداوند مطالبه می نماید و اوست مضطری که خداوند فرموده (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ) (۳) (۴)

ترجمه: آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطر را اجابت کرده و رنج و غم

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، روایت ۲۴. ۲- خسف: فرو کشیدن قسمتی از زمین می باشد.

۳- از کتاب شریف دارالاسلام، نویسنده شیخ محمود عراقی، ص ۳۷۷ و ۳۸۷.

۴- سورة نمل آیه ۶۲.



آنها را بر طرف نماید و مسلمین را خلفای زمین قرار دهد.

سپس جبرئیل و میکائیل با مهدی (عج) بیعت می کنند.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم هر آینه طائفه قریش در وقت ظهور قائم، به شدت به وحشت افتاده و پناهگاهی جستجو می کنند آنگاه مهدی (عج) حادثه ای بزرگ در میان آنها ایجاد کند و بدکاران آنها را، مجازات نماید.

آنگاه حضرت مهدی (عج) با سیصد و سیزده نفر، رهسپار نجف اشرف می شوند در صورتیکه جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ حضرت مهدی (عج) می باشند. و شعارشان: (یا لثارات الحسین) است.

ترجمه: وای از خونهایی که از حسین (علیه السلام) و اصحابش ریخته شد و چنان رعب و وحشت در دل دشمنان کند که کسی یارای مقابله با مهدی را نداشته باشد.

۲ - صدای آسمانی: علامه مجلسی (علیه السلام) در کتاب بحار از تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) روایت فرموده که صدایی آسمانی ندا دهد از آسمان که ای اهل حق جدا شوید از باطل و ای اهل باطل جدا شوید از اهل حق.

و محقق می شود معنی آیه شریفه: (و ما کان لیذرا المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب)

چاره ای نیست بر مؤمنی که جدا شود از باطل و همچنین جدا شود، باطل از حق.

و جابر جعفی از امام باقر (علیه السلام) نقل فرموده و همچنین در کتاب بحار الانوار از محمد بن ابراهیم و در کتاب غیبت از کعب الاخبار به استناد او از عمر بن سعد از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که فرمودند:

سرخی در افق ظاهر شود که از اشک دیدگان عرشیان است که به حال اهل زمین می گریند و نشان دهنده مملو شدن ظلم و ستم و شروع خونریزی و قتل و

غارت در آخر الزمان است. این سرخی طبق فرمایش حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) سه تا هفت روز در افق دیده می‌شود. (۱)

ترس و بیم عراق و بغداد را فراگیرد، تلف اموال و قحطی ظاهر شود. خون ریزی واقع شود، شهر ری توسط زلزله‌ای خراب شود. بغداد تبدیل به ویرانه‌ای شود و آذربایجان با ارمنستان به جنگ برخیزد.

۳- خروج سفیانی: سفیانی (عثمان بن عَمْبَسِيَه) از کشور سوریه (شام) خروج کند، شخصی است بلند قد سیاه چهره، آبله رو، و از اهل سنت می‌باشد که با گروه‌های دیگر اهل سنت (حنبل‌ی، شافعی، مالکی، حنفی) به جنگ می‌پردازد. و طوری آنان را قلع و قمع کند که اثری از آنان باقی نگذارد و این است مراد آیه شریفه: **(فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ)**

ترجمه: پس وای بر کافران از حضور روز عظیم (که مراد، روز جنگ سفیانی است) چنان که در هر شهری که وارد شود هر کسی را که مخالف او باشد، سنی و شیعه همگی را از دم تیغ بگذرانند و حرکت کند، بسوی کوفه، عراق، و منظورش شیعیان آن منطقه است و هر کسی که اسمی از (علی، حسن و حسین، زهرا یا زینب و سایر ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)) را داشته باشد یا فرزندش این اسامی را داشته باشد. بدست سفیانی کشته شود سفیانی کودکی را در مسجد کوفه بردست گرفته و او را بکشد، بهمین جرم که پدر و مادرش شیعه و اسمی شیعه دارد. قتل و غارت او در مدت هشت ماه به حدی خواهد رسید که کسی تا آن زمان چنین جنایاتی ندیده باشد و آنگاه محقق می‌شود کلام معصوم که فرمود **(مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجُورًا)** زمین لبریز

شود از ظلم و جنایت و خونریزی.

عمر بن یزید می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین مردم با چهره‌ای قرمز مایل به کبودی، را دیده‌ای، پناه بر خدا، پناه بر خدا، پناه بر خدا، پناه بر خدا از آتش. سفیانی در پلیدی به آنجا رسیده است که همسرش را، از ترس اینکه او را معرفی کند، زنده به گور می‌نماید.»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «موضوع خروج سفیانی از امور حتمی و وقوع آن در ماه رجب است.»<sup>(۲)</sup>

عبدالله بن ابی منصور می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد نام سفیانی سؤال کردم فرمود: «به اسمش چه کاری داری؟» وقتی پنج شهر شام، دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را به تصرف درآورد، آن موقع، منتظر فرج باشید. گفتم: آیا نه ماه مالک آنهاست؟ فرمود: «نه، بلکه فقط هشت ماه، حتی یک روز هم بیشتر نمی‌شود.»<sup>(۳)</sup>

عمر بن ابان کلبی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: گویا سفیانی، و رفیق سفیانی، را می‌بینم که در محله رجبه در کوفه، بار انداخته و منادی، از طرف او، ندا می‌دهد که: هر کس سر شیعه‌ای را برای من بیاورد هزار درهم جایزه دارد، بعد از آن، همسایه به همسایه‌اش یورش می‌برد و می‌گوید این شیعه است، گردنش را می‌زند و هزار درهم می‌گیرد...»<sup>(۴)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود «...قطعاً قبل از خروج قائم (عج)، این دو صدا به گوش می‌رسد: صدایی از آسمان، که صدای جبرئیل است و صدایی از زمین که

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵، روایت ۳۷.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، روایت ۳۲.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶، روایت ۳۸.

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵، روایت ۷۲.

صدای ابلیس ملعون است، که نام خلیفه سوم را می برد و می گوید مظلوم کشته شد، و مقصودش از این حرف، ایجاد فتنه و آشوب است، از ندای اولی اطاعت کنید و از صدای دومی بپرهیزید که مبادا شما را بفریبند...»<sup>(۱)</sup>

مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل می کند: «... وقتی خورشید طلوع کند و آفتاب بدرخشد ندایی از جانب خورشید، به زبان عربی روشن و رسا، به طوری که هر که در آسمانها و زمین است بشنود، مردم را مخاطب قرار داده می گوید: «ای مردم! این مهدی آل محمد است، او را به نام و کنیه جدش پیامبر (ص) می نامد و نسبش را از امام حسن عسگری (ع) به امام حسین - صلوات الله عليهم اجمعین - می رساند، و می فرماید: با او بیعت کنید که به راه راست هدایت خواهید شد و از امر او سرپیچی نکنید که گمراه خواهید شد...»<sup>(۲)</sup>

امام صادق (ع) فرمود: «... اولین کسی که دست او (قائم) را می بوسد، فرشتگان، سپس جنیان و بعد برگزیدگان بشر هستند و می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» و هیچ صاحب گوشه در عالم نمی ماند مگر اینکه آن صدا را پذیرا می شود و بعضی از همدیگر در مورد صدایی که شنیده اند توضیح می خواهند.

وقتی غروب خورشید نزدیک می شود، فریادی از مغرب بلند می شود که: «ای مردم! پروردگار شما از دره یابس از سرزمین فلسطین ظهور کرده است، او عثمان بن عنبسه از نسل یزید بن معاویه است، با او بیعت کنید تا به حق راه یابید و مخالفت نکنید که گمراه می شوید.» فرشتگان، جنیان و برگزیدگان بشر در

پاسخ، او را تکذیب کرده، حرفش را دروغ می‌شمارند و می‌گویند: «کلامت را شنیدیم و زیر پا گذاشتیم» و در آن هنگام، هیچ شگاک، دو دل و منافق یا کافری باقی نمی‌ماند مگر اینکه با این صدای آخری گمراه می‌شود...»<sup>(۱)</sup>

عثمان بن سعید عمری نایب امام زمان (عج) از امام عسگری (علیه السلام) نقل می‌کند: «... سپس مهدی (عج) خروج می‌کند و گویا من بیرقهای سفید را می‌بینم که بر بالای سرش، در نجف به اهتزاز در آمده‌اند.»<sup>(۲)</sup>

علی بن ابی حمزه می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «وقتی قائم (عج) قیام کند، مردم او را انکار خواهند کرد، زیرا در سیمای جوانی مؤمن ظهور خواهد کرد، و هیچکس بر اعتقاد به او ثابت نمی‌ماند مگر کسی که خداوند، در عالم زر، از او پیمان گرفته است.»<sup>(۳)</sup>

سیف بن عمیره می‌گوید: امام باقر (علیه السلام) به من فرمود: وقتی قائم (عج) قیام کند، مؤمن در قبرش مطلع می‌شود و به او گفته می‌شود: صاحب تو قیام کرده است، اگر می‌خواهی به او ملحق شوی، ملحق شو و اگر می‌خواهی همچنان در نعمت و بزرگداشت پروردگارت بمانی، بمان.»<sup>(۴)</sup>

### شخصیت سید حسنی

مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «... سپس حسنی، جوان خوش چهره و نورانی از طرف خراسان خروج می‌کند و با صدایی رسا فریاد می‌زند: «ای آل احمد به ندای مظلوم که از جانب حرم، بلند است پاسخ دهید»،

۱- بحارالانوار ج ۵۳، ص ۸، از روایت ۱.  
 ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۸۹.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۶، روایت ۴۸۳.  
 ۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۴، روایت ۷۲۱.

آن گاه گنجهای طالقان، او را پاسخ می‌گویند، چه گنجهایی! از طلا و نقره نیستند، بلکه مردانی چون پاره‌های آهن بر اسبهای ابلق سوار و سلاحی در دست دارند، پیوسته ستمکاران را می‌کشند تا اینکه بیشتر زمین را پاک می‌کنند و وارد کوفه می‌شوند و آن مکان را خیمه گاه و محل استقرار خود قرار می‌دهند. بعد از آن، خبر آمدن حضرت مهدی (عج) به او و یارانش می‌رسد و یارانش به او می‌گویند: «ای پسر رسول خدا! این کیست که به محل ما آمده است؟، آن گاه حسنی می‌گوید: برویم او را ببینیم و خواسته‌اش را بدانیم، و البته او خود می‌داند که آن حضرت، مهدی (عج) است و ایشان را می‌شناسد ولی مقصودش این است که آن حضرت را به اصحابش معرفی نماید. سپس حسنی خارج می‌شود و خطاب به آن حضرت می‌گوید: «اگر تو مهدی آل محمد علیهم‌السلام هستی پس عصای جدت، انگشتر، ردا، زره، عمامه، اسب بلند قامت، شتر (ناقه‌عضباء)، استر آن حضرت و چارپای آن بزرگوار، براق، اسب حضرت و قرآن امیرالمؤمنین علیه‌السلام کجاست؟ حضرت مهدی (عج) آنها را نشان می‌دهد، حسنی عصا را می‌گیرد و در سنگ سخت فرو می‌برد و آن را می‌شکافد<sup>(۱)</sup> و مقصودش آن است که فضل حضرت مهدی (عج) را به یارانش نشان دهد بعد از آن که سنگ از هم شکافت حسنی می‌گوید: «اللَّهُ اکبر، یابن رسول الله، دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنیم.» آن حضرت دستش را دراز می‌کند، حسنی و بقیه لشگریانش با آن حضرت بیعت می‌کنند فقط چهل هزار نفر که به زیدیه معروفند بیعت نمی‌کنند و می‌گویند: «این

۱- شاید هم معنی این باشد که عصای خشک را در سنگ فرو می‌برد، چوب خشک در دل سنگ سخت، سبز می‌شود و برگ و بار می‌دهد. و این معنی برای توجه به قدرت و فضل آن حضرت، مناسبتر به نظر می‌رسد.

جز یک سحر بزرگ، چیز دیگری نیست»<sup>(۱)</sup>

از این حدیث چهار مطلب روشن می شود:

حسنی کیست؟ جوان نورانی و خوش رویی است که با صدای رسا مردم را برای یاری حضرت مهدی (عج) دعوت می کند.

از کجا خروج می کند؟ خراسان

مقصد و هدفش چیست؟ یاری حضرت ولی عصر (عج)

از رو برو شدن با حضرت حجت و سؤال و جواب با آن حضرت چه منظوری دارد؟ معلوم کردن حقیقت ولی عصر (عج) برای یارانش.

۴ - خروج یمانی: ابو بصیر از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی، در یک سال، یک ماه و یک روز، به طور منظم مثل رشته تسبیح و دنبال هم انجام می گیرد. از هر جهت قوی و شجاعند، وای بر کسی که به قصد دشمنی با آنها رو برو شود.»

در میان بیرقها، ره یافته تر از بیرق یمانی، بیرقی نیست، آن، بیرق هدایت است زیرا مردم را به صاحب شما فرامی خواند. وقتی یمانی خروج کند فروختن سلاح بر مردم و تمام مسلمانان حرام است؛ هر گاه یمانی خروج کرد به آنان بپیوند که بیرقشان، بیرق هدایت است و بر هیچ مسلمانانی جایز نیست که با آن مقابله و از آن ممانعت کند و اگر چنین کند اهل جهنم خواهد بود زیرا یمانی، به حق و راه راست دعوت می کند...»<sup>(۲)</sup>

حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ای سه بار فرمودند: عجباً، روزی را می بینم که

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴ - ۱۶ بخشی از روایت ۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲، روایت ۹۶.

شیعیان از محل های خود بلند شده (منظور از قبرهای خود است) و با لباسهای سفید به یاری مهدی (عج) بشتابند و در کوچه های کوفه به تعقیب کفار بروند و آنها را هلاک سازند این واقعه هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی (عج) قیام خود را از مکه شروع کرده و در حال حرکت بسوی نجف اشرف است که رجعت رخ می دهد.<sup>(۱)</sup> و ائمه معصومین همگی به این جهان برمی گردند و حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) اولین آنان است.

خروج مردی ضعیف از شیعیان که در کنار دجله قرارگاه بسازد، و حمله کند بر سفیانی و درگیری آغاز شده و کشته شود. سفیانی شیعه ای باقی نخواهد گذاشت، لذا کسی را باقی نمی گذارد مگر اینکه آنها را از بین ببرد یا زندانی کند. سفیانی عده ای را مأمور کند که حمله به مکه و مدینه کنند، تا آنجا را فتح و مهدی (عج) را شهید کنند.

۵ - خسف بیداء: لشکر سفیانی به منطقه ای می رسند که نامش (بیداء) است. زمین بیداء لشکر سفیانی را در خود فرو می برد، بطوری که اثری از لشکریان او باقی نماند. و اینست مراد آیه شریفه:

(أَفَا مَنَ الَّذِينَ مَكُرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ بِهِمُ الْأَرْضُ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ)

ترجمه: آیا نمی دانند کسانی که از روی مکر گناه می کنند، از اینکه زمین فرو برد ایشانرا، یا آنکه عذاب دریا بد آنها را بطوریکه آگاه نشوند یا آنکه عذاب بگیرد، ایشانرا در حال اشتغال بکارهای خودشان، پس اینان نمی توانند خداوند

۱- رجعت یعنی افراد مؤمنی که به عشق ولی عصر (عج) از دنیا وفات نموده اند به امر الهی دوباره زنده شده و ملحق به اصحاب مهدی (عج) می شوند.



را عاجز کنند.

نمایان شدن ستاره دنباله داری که نزدیک است برسد، دنباله اش به سر آن، همچون هلال، ندا دهد شیطان که ای مسلمانان قیام کنید به خون خواهی عثمان آنگاه مهدی (عج) میان رکن و مقام در خانه کعبه نماز بخواند و خود را معرفی کند (أنا بقية الله) و قیامش را بر جهان اعلام کند امام باقر (علیه السلام) می فرماید: در این زمان (سیصد و سیزده نفر مرد و پنجاه نفر زن)، همچون تکه های ابر یکی پس از دیگری بهم برسند و جمع شوند در غیر موسم حج. (۱)

و این است مراد آیه شریفه:

(اینما تکنونوا یأتی بکم الله جمیعاً ان الله علی کل شیء قدیر).

ترجمه: در هر جا که بوده باشید خداوند شما را جمع کند، زیرا که خدا بر هر کاری قادر است.

آنگاه یاران حضرت (سیصد و سیزده نفر) میان رکن و مقام با حضرت بیعت کنند یک نفر از آنان بگوید مکه معظمه جای افراد بدکار شده و همگی از مکه خارج شده و بسوی نجف اشرف حرکت می کنند.

و اسلحه هر یک با نامهایشان بر روی قبضه آن هک و نوشته شده. منادی در آسمان ندا دهد که همه زمینیان آنرا بشنوند که ای اهل زمین بدانید حجة خدا ظاهر شده از او اطاعت کنید و از خون ریزی دست بردارید، و بگویید (بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين) (۲) «بقية الله برای شما بهتر است اگر مؤمن هستید» و اشخاصی که از عشق حضرت از دنیا رفته اند، به اذن الله از قبر برخیزند

۱- از کتاب شریف دارالسلام نویسنده شیخ محمود عراقی (علیه السلام)، ص ۳۴۷.

۲- سوره هود، آیه ۸۵.

و زنده شده و ملحق به یاران حضرت شوند.

و همگی همراه با لشکر مهدی (عج) بسوی کوفه روند، برای نابودی سفیانی، حضرت با لشکری که آماده نموده بسوی وادی (رمله) می‌روند که قرارگاه سفیانی است.

دو لشکر با هم برخورد کرده، سفیانی شکست می‌خورد و کشته می‌شود و یک نفر از لشکر او باقی نماند. و حضرت بواسطه اسم اعظمی که به سیصد و سیزده نفر یاران خاص خود می‌آموزاند این افراد از روی آبها و از کوهها عبور کرده و هیچ مانعی در راه آنان وجود نخواهد داشت و شرق و غرب عالم را در تصرف خود خواهند آورد. و حضرت هر یک نفر از آنان را مأمور به تصرف یک کشور می‌نماید. البته هر کدام از این سیصد و سیزده نفر حکم فرماندهان ارشد لشکر حضرت مهدی (عج) را دارند که یاران مهدی را فرماندهی و هدایت می‌کنند.

عیسی مسیح از آسمان بر بام کعبه نزول کند و مسیحیان به دین مهدی (عج) در آیند و اصحاب کهف به یاران حضرت ملحق شوند. شیطان را دستگیر کرده و بر تخته سنگی قرار داده و سرش را قطع میکنند.

شیخ صدوق در کتاب خصال خود آورده:

از امام باقر و صادق (علیهما السلام) که حضرت مهدی (عج) در روز جمعه‌ای قیام خواهد کرد که روز شنبه‌اش عاشورا باشد.

و فرمود هیچ روز نوروزی نمی‌رسد، مگر اینکه ما اهل بیت منتظر ظهور

هستیم.

### احادیث اهل بیت علیهم السلام در باره نقش ملت ترک زبان در قیام حضرت مهدی (عج)

امام صادق علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: (وَظَهَرَتْ لَوْلَدِي رُعَايَاتُ التُّرْكِ مَتَفَرِّقَةً فِي الْأَقْطَارِ وَالْخَبَاطِ وَكَانُوا بَيْنَ هُنَا وَهُنَاكَ) (۱)

ترجمه: و ظاهر می شوند برای حمایت از فرزندانم حضرت مهدی (عج) ملت ترک زبان که متفرق در نقاط مختلف زمین و همه جا هستند.

و همچنین روایت دیگری نیز از امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که می فرمایند: (بُنِيَ إِذَا جَاشَتْ التُّرْكُ فَأَنْتَظِرُهُ وَوَلَايَتُ مَهْدِيٍّ (عج) يَقُومُ وَ يَعْدِلُ) (۲)

ترجمه: فرزندانم هر گاه دیدی که ملت ترک (برای حمایت از مهدی (عج)) در حال جمع آوری نیرو و سپاه است، پس منتظر ظهور مهدی (عج) باش که عدالت را برپا خواهد نمود.

### اکنون روایاتی دیگر در مورد خروج مهدی (عج) از مکه معظمه را بیان می کنیم

ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم (عج) از مکه خروج نخواهد کرد تا اینکه حلقه ای گرداگردش را فرا گیرد.» عرض کردم: «تعداد حلقه چند نفر است؟» فرمود: «ده هزار نفر؛ جبرئیل از سمت راست، و میکائیل از سمت چپ، آن گاه حضرت مهدی (عج) پرچم غلبه و پیروزی را به اهتزاز در آورده آن را به حرکت درآورد، در شرق و غرب عالم کسی نمی ماند مگر اینکه آن را ببیند در حالی که آن، همان پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله است که جبرئیل در روز جنگ بدر آن را فرود آورد.» سپس فرمود: «ای ابا محمد! به خدا قسم، آن پرچم از نخ،

۱- کتاب بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۲۳۵، حدیث ۱۰۴ (چاپ بیروت).

۲- کتاب صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۴ و کتاب بحار الانوار، جلد ۵۱، ص ۱۳۱.

کتان، ابریشم و یا حریر نیست.» عرض کردم: «پس، از چه چیزی است؟» فرمود: «از برگهای بهشتی است که پیامبر ﷺ، در روز جنگ بدر، آن را باز کرد، سپس پیچید و به حضرت علی ﷺ داد، پرچم نزد حضرت علی ﷺ بود تا اینکه در جنگ جمل، امیرالمؤمنین ﷺ آن را باز کرد و خداوند، فتح و پیروزی نصیب او فرمود، سپس آن حضرت، بیرق را درهم پیچید، هم اکنون آن پرچم نزد ماست و هیچکس آن را نمی‌گشاید. تا اینکه قائم (عج) قیام کند، وقتی امام قائم (عج) قیام کرد پرچم را باز می‌کند، و در شرق و غرب عالم کسی نمی‌ماند مگر اینکه آن را می‌بیند، در فاصله‌ای به اندازه حرکت یک ماه، از چهار طرف، ترس از آن بیرق، همه را فرا می‌گیرد.»<sup>(۱)</sup>

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: امام باقر ﷺ به من فرمودند: «ای ثابت گویا قائم اهل بیتم را می‌بینم که به نجف شامشرف شده و با دستش به طرف کوفه اشاره فرمود، وقتی به نجف وارد شود پرچم پیامبر ﷺ را باز می‌کند و با باز شدن آن بیرق، فرشتگانی که در جنگ بدر پیامبر را یاری کردند، فرود می‌آیند» عرض کردم: «آیا آن پرچم نزد شما پنهان است؟ آیا آن حضرت، پرچم را می‌یابد یا برایش می‌آورند؟ فرمود: «برایش می‌آورند» عرض کردم: «چه کسی برایش می‌آورد؟» فرمود: «جبرئیل ﷺ.»<sup>(۲)</sup>

عمر بن شمر می‌گوید: نزد امام باقر ﷺ از مهدی (عج) نام برده شد، امام ﷺ فرمود: در حالی وارد کوفه می‌شود که سه بیرق، اوضاع کوفه را درهم ریخته است، آن گاه همه چیز، خالص تحت ولایت او قرار می‌گیرد.»<sup>(۳)</sup>

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۵، روایت ۵۳۳.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۵، روایت ۵۳۴.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۵، روایت ۵۸۸.

در بعضی روایات، مقصود از بیرق، همان بیرق ظاهری است اما در بعضی روایات دیگر، مثل روایت ابوبصیر و ابوحمزه، مقصود پرچمهایی که معمولاً برای ترساندن دشمنان به اهتزاز در می آید و چرخانده می شود نیست، بلکه مقصود پرچم معنوی است که رعب و وحشت ویژه ای ایجاد می کند به طوری که اهل باطل در شرق و غرب عالم، آن را می بینند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «ایام الله سه روز است، روز قیام قائم (عج)، روز رجعت، و روز قیامت.»<sup>(۱)</sup>

ابوالجارود می گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: «فدایت شوم، از صاحب الامر چیزی برایم بگو.» فرمود: «شب هنگام پیش از همه مردم در خوف و هراس هستند و صبح پیش از هر کسی امنیت دارند و این خوف و امان هر روز و هر شب به او الهام - وحی - می شود.» عرض کردم: «ای ابا جعفر! آیا با او وحی می شود؟» فرمود: «ای ابا جارود، این وحی، وحی پیامبری نیست، اما همان طور که به مریم دختر عمران، مادر موسی وحی شد به او هم وحی می شود. ای ابا جارود! قائم، در نزد خداوند، از مادر عیسی و مادر موسی گرامی تر است!»<sup>(۲)</sup>

عبدالاعلی حلبی می گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: «صاحب الامر در یکی از این درّه ها غیبی خواهد داشت.» سپس با دستش به منطقه ذی طوی اشاره کرد، تا اینکه فرمود: «به خدا قسم، گویا او را می بینم که به سنگ تکیه زده است و خدا را به حق خودش سوگند می دهد که فرجش را تعجیل بخشد.»<sup>(۳)</sup>

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «وقتی خداوند بلند مرتبه

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰، روایت ۶۲۴.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۰، روایت ۵۵۹.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۵، روایت ۷۹۸.

به قائم (عج) اجازه خروج بدهد، او از منبر بالا می‌رود و مردم را به سوی خود فرا می‌خواند...»<sup>(۱)</sup>

عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند در مورد آیه (أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ)<sup>(۲)</sup>؛ که حضرت فرمود: امر خدا واقع شدنی است، و حضرت مهدی (عج) ظهور خواهد نمود سپس شتاب مکنید.

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی (عج) نیز مثل، رسول الله از شهر مکه خروج می‌کند که خدا می‌فرماید: (كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ)<sup>(۳)</sup> «(۴)؛ همان گونه که خداوند ترا به حق از خانه ات بیرون برد.

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه (أَمْرٌ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا)<sup>(۵)</sup>؛ کیست که آن هنگامی که مضطر و درمانده او را می‌خواند پاسخ گوید؟ نقل می‌کند که فرمود: «این آیه در مورد امام قائم (عج) است، آن گاه که خروج کند، عمامه به سر بندد، نزد مقام ابراهیم نماز گزارد و به پیشگاه پروردگارش زاری کند، آن گاه هیچ چیز و هیچ کس از تحت سلطه و غلبه او خارج نخواهد شد.»<sup>(۶)</sup> از امام زین العابدین نقل شده است که فرمود: «سپس در حالی که مردم اطرافش گرد آمده‌اند به سمت مکه خروج می‌کند، خود به تنهایی قیام می‌کند و می‌گوید: «ای مردم! من فلانی فرزندی فلانی هستم، من پسر پیغمبر خدا هستم، شما را به همان چیزی دعوت می‌کنم که پیامبر خدا، شما را به آن فرا خواند.»<sup>(۷)</sup> سماعه می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: گویا قائم (عج) را می‌بینم که در

۲-سوره نحل، آیه ۱۰.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۵، روایت ۵۹۲.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۲، روایت ۶۲۵.

۳-سوره انفال، آیه ۵.

۶- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۴، روایت ۶۴۴.

۵-سوره نمل، آیه ۶۲.

۷- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۸۵۲، روایت ۷۷۱.

ناحیه ذی طوی روی پاهایش ایستاده و هراسان و نگران است، همان طور که موسی چنین حالتی داشت، تا اینکه به نزد مقام ابراهیم می آید و مردم را - به حق - فرا می خواند. <sup>(۱)</sup>

ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم (عج) از مکه خروج نخواهد کرد تا اینکه حلقه ای گرداگردش را فرا گیرد.» عرض کردم: «تعداد حلقه چند نفر است؟» فرمود: «ده هزار نفر، جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ، آن گاه امام مهدی (عج)، پرچم غلبه و پیروزی را به اهتزاز در آورده، با آن به راه می افتد.» <sup>(۲)</sup>

ویژگی های جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله به طور عموم، و ویژگی های خاص حضرت حجت (عج)

امام رضا علیه السلام فرمود: «امام نشانه هایی دارد، دانشمندترین مردم، حکیمترین، با تقواترین، حلیمترین و پر تحملترین، شجاع ترین، عابدترین، و بخشنده ترین آنان است. مختون، پاکیزه و بدون عیب متولد می شود، همین طور که از روبرو می بیند از پشت سر هم تشخیص می دهد منظور اینست که حضرت علم و آگاهی تمام دارند و حضرت مهدی (عج) سایه ندارد، وقتی از مادر متولد می شود روی رانها به زمین می نشیند و صدایش را به شهادتین بلند می کند، شیطان در خواب به او راه ندارد، چشمش می خوابد ولی دلش نمی خوابد، با او - از سوی خدا و فرشتگان - سخن گفته می شود، زره پیامبر صلی الله علیه و آله بر اندام او اندازه است، از او ادرار و مدفوع دیده نشده است زیرا خداوند به زمین فرمان داده است

که هر چه از او خارج شود در خود فرو برد، بوی او از مشک خوشتر است، نسبت به مردم، از خودشان اولی و دارای حق بیشتری است، از پدر و مادر بر آنان مهربانتر است و بیش از همه مردم، بر خداوند فروتنی دارد و بیش از همه از دستورات او اطاعت می‌کند و از آنچه نهی فرموده دوری می‌جوید، دعا و درخواستش پذیرفته است به طوری که اگر صخره‌ای را نفرین کند از وسط به دو نیم خواهد شد، سلاح پیامبر نزد اوست، شمشیرش ذوالفقار است، کتابی که نامهای تمام شیعیان و نیز کتابی که نامهای تمام دشمنان، تاقیامت، در آن نوشته شده است نزد اوست؛ جامعه، که صحیفه‌ای است با هفتاد ذرع طول و تمام نیازهای بنی آدم در آن موجود است نزد اوست، جعفر اکبر، جعفر اصغر، حتی دینه خراشی که بر پوست افتد، تا حد یک تازیانه و نصف تازیانه و ثلث تازیانه، در آن موجود است، و نیز مصحف حضرت فاطمه (علیها السلام)، نزد او موجود است.<sup>(۱)</sup>

اباصلت هروی می‌گوید: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: «نشانه قائم شما چیست؟» فرمود: «نشانه‌اش این است که از نظر سنی، پیر و در قیافه و سیما، جوان است به طوری که هر کس او را نگاه می‌کند، او را مردی چهل ساله یا کمتر می‌داند و از نشانه‌هایش آن است که با گذشت زمان، پیر نمی‌شود تا اینکه اجلش برسد.»<sup>(۲)</sup>

ابوالجارود از امام باقر (علیه السلام) از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر بالای منبر فرمود: «در آخر الزمان از نسل من فرزندی متولد می‌شود که دارای چهره‌ای درخشنده، سینه‌ای ستبر، پاهایی قوی، شانه



هایی پهن و تناور است که در پشتش دو علامت دارد، یکی هم‌رنگ پوست خودش و دیگری هم‌رنگ علامتی که پیامبر ﷺ داشت، او دو اسم دارد یکی پنهان و دیگری آشکار، آن اسم پنهان احمد و اسم آشکارش محمد است، هرگاه بیرقش را تکان دهد هر چه بین شرق و غرب عالم است برایش روشن و آشکار می‌شود، وقتی دستش را بر سر بندگان خدا بکشد هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه دلش از پاره آهن محکمتر می‌شود و نیروی چهل مرد پیدا می‌کند، تمام مردگان، در آن هنگام، در دل خویش احساس شادی می‌نمایند و در قبرها به دیدار یکدیگر رفته، قیام قائم (عج) را به یکدیگر تبریک می‌گویند. <sup>(۱)</sup>

جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر ﷺ شنیدم که فرمود: عمر بن خطاب از امیرالمؤمنین ﷺ در مورد حضرت مهدی و نامش، سؤال کرد حضرت فرمود «حبیب رسول الله از من پیمان گرفته است که تا زمانی که خداوند او - حضرت مهدی - را مبعوث می‌نماید نامش را ذکر نکنم.» عمر گفت: «اوصافش را برایم بیان کن.» حضرت فرمود: «جوانی میان قامت، خوشرو و نیکو موی است که مویش بر شانه هایش ریخته و نور چهره‌اش بر سیاهی محاسن و موی سرش غلبه کرده است، پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.» <sup>(۲)</sup>

امام باقر ﷺ فرمود: پیامبر در روز غدیر فرمود: «ای مردم! من پیامبرم و علی ﷺ جانشین من است، بدانید که پایان امامت با مهدی قائم (عج) است، او در دین غالب است و از ستمکاران انتقام می‌گیرد، بدانید که او گشاینده دژها و ویران کننده آنهاست، او بر قبایل مشرکین پیروز می‌شود، خون خواه خون به

ناحق ریخته اولیاء خداست، او یاریگر دین است، و هر صاحب فضل و هنر را به فضلش و هر جاهلی را به جهلش می شناسد و می نامد، او برگزیده خداوند است، او وارث هر علمی و مسلط به هر دانشی است، اطلاعات او از ناحیه پروردگار است، او رشید و کامل است و تمام امور در اختیار اوست، او حجت باقی است و دیگر بعد از او حجتی نیست، حق جز با او و نور و روشنی جز در نزد او یافت نمی شود، او پیروز و مسلط است و کسی بر او غالب نمی شود، او ولی خدا در زمین و حاکم خدا در بین مردم و امین خداوند در آشکار و نهان است.»<sup>(۱)</sup>

### سنتهای پیامبران علیهم السلام به ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی (عج)

ابو بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «سنتهایی که برای پیامبران در دوره غیبتشان جاری شده است عیناً در مورد قائم ما اهل بیت جاری می شود.»<sup>(۲)</sup>

سعید بن جبیر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «در مورد قائم ما، سنتهایی از سنن پیامبران جاری می شود: سنتی از آدم، سنتی از نوح، سنتی از ابراهیم، سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از ایوب و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله، اما سنتی که از آدم و نوح درباره قائم (عج) انجام می شود طول عمر است، از ابراهیم، مخفی بودن ولادت و کناره گیری از مردم، از موسی، خوف و هراس و غیبت، از عیسی، اختلاف مردم درباره او، از ایوب، فرج و گشایش بعد از آزمایش و از محمد صلی الله علیه و آله، خروج با شمشیر.»<sup>(۳)</sup>

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۸، روایت ۶۱۳. ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، روایت ۱۵۲.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۶، روایت ۱۴۴.

محمد بن مسلم طحان می گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم، در حالی که قصد داشتم در مورد قائم آل محمد علیه السلام، از ایشان سؤال کنم. آن حضرت ابتدائاً - بدون اینکه من قصدم را در میان بگذارم - فرمودند: «ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد به پنج تن از پیامبران شباهتهایی وجود دارد: یونس بن متی، یوسف بن یعقوب، موسی، عیسی و محمد علیه السلام، اما شباهتش به یونس، بازگشتش به میان مردم است در حالی که با وجود سن زیاد، جوان به نظر می رسد، اما شباهتش به یوسف، غایب شدن از دید عام و خاص و مخفی شدن از برادرانش و مشکل شدن کار بر پدرش یعقوب علیه السلام است، با اینکه فاصله بین او و خانواده و شیعیانش نزدیک است، اما شباهتش به موسی، دوام ترس و هراس و به درازا کشیدن غیبت، مخفی بودن ولادت، رنج و سختی شیعیانش و ناراحتی و مصیبتی است که کشیدند تا اینکه خداوند به او اجازه ظهور داد و یاریش کرد و بر دشمنش غلبه داد، اما شباهتش به عیسی، اختلافی است که درباره او واقع شد و گروهی گفتند: «متولد نشده است»، عده ای گفتند: «مرده است.» بعضی گفتند: «کشته شده و به دار آویخته شده است.» اما شباهتش به جدش مصطفی صلی الله علیه و آله خروجش، با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان پیامبر و ستمکاران و گردنکشان است و اینکه با شمشیر و افتادن ترس به دل دشمنان، خداوند او را یاری می کند آن گاه هیچ چیز و هیچ کس از تحت سلطه و غلبه او خارج نخواهد ماند.»<sup>(۱)</sup>

در سؤالی که احمد بن اسحق بن سعد اشعری از امام عسگری علیه السلام

پرسیده آمده است: «... از خضر و ذوالقرنین چه سستی در مورد آن حضرت جاری می شود؟» امام (علیه السلام) در جواب فرموده است: «به درازا کشیدن غیبت، ای احمد!...»<sup>(۱)</sup>

حنان بن سدید به نقل از پدرش از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: «قائم ما غیبتی دارد که طولانی می شود.» عرض کردم: «یا بن رسول الله! علت آن چیست؟» فرمود: «خداوند نمی خواهد این امر انجام شود مگر اینکه تمام سنتهایی را که پیامبران در غیبتهایشان داشته اند، در این غیبت قرار دهد و ای سدید! بنابراین باید تمام مدت مجموع غیبتهای پیامبران، در این غیبت وجود داشته باشد. خداوند می فرماید: (لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ)<sup>(۲)</sup> «مرحله ای پس از مرحله دیگر را طی خواهید کرد» مقصود این است که سنتهای گذشتگان در مورد شما جاری خواهد شد.»<sup>(۳)</sup>

۱- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۴۷۹، روایت ۱۸۰.  
 ۲- سوره انشقاق، آیه ۱۹.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۶، روایت ۲۱۲.

### محل ظهور و دعوت امام زمان (عج)

امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم از راه گردنه ذی طوی فرود می آید، سیصد و سیزده نفر - به تعداد مجاهدان بدر- همراه او هستند، تا اینکه پشتش را به حجرالاسود تکیه می دهد و بیرق پیروزی را به اهتزاز در می آورد.»<sup>(۱)</sup>

صالح بن عقبه از قول امام صادق علیه السلام در مورد آیه (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ)<sup>(۲)</sup>؛ کیست آن هنگامی که مضطر و درمانده او را می خواند پاسخ گوید، و بلا و رنجوری را برطرف می کند و شما را جانشینان روی زمین قرار می دهد. نقل می کند که فرمود: «در باره قائم آل محمد نازل شده است که در مقام ابراهیم، دو رکعت نماز می گزارد، و خداوند را می خواند، خدا او را پاسخ می گوید و ناراحتی او را برطرف می نماید و او را خلیفه و جانشین خود در روی زمین قرار می دهد.»<sup>(۳)</sup>

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «مولای قائم ما به کعبه تکیه می زند و می گوید: «ای مردم! بدانید! که هر کس می خواهد به آدم و شیث بنگرد، همانا من، آدم و شیث هستم، هر که می خواهد نوح را ببیند، بداند که من نوح هستم، هر که می خواهد ابراهیم و اسماعیل را نظاره کند، من ابراهیم و اسماعیل هستم، هر که میل نگاه به چهره موسی و یوشع بن نون نبی علیه السلام را دارد، بداند که من موسی و یوشع بن نون نبی هستم، هر که جمال و کمال عیسی و شمعون را طالب است، من عیسی و شمعون هستم، هر که می خواهد به محمد و امیرالمؤمنین علیه السلام بنگرد - و معنی حسن و کمال را دریابد - من محمد و

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۷، روایت ۵۴۱.

۲- سوره نمل، آیه ۶۲.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۳، روایت ۵۷۶.

امیرالمؤمنین هستم، هر که می خواهد جلوه حسن و حسین علیه السلام را درک کند، من حسن و حسین هستم و هر که می خواهد امامان سلاله حسین علیه السلام را بنگرد، من آن امامان هستم، درخواست و دعوت مرا پاسخ مثبت گوئید، من به شما از همان چیزی خبر می دهم که به شما خبر داده شده است و شما به گوش نگرفته اید. هر کس اهل خواندن کتابها و صحف آسمانی و فهم آنهاست، پس به من گوش بسپارد.»

سپس شروع به خواندن صحفی که خداوند بر آدم و شیث علیه السلام نازل کرده، می نماید. امت آدم صفة الله و شیث هبة الله می گویند: «به خدا قسم که بی هیچ تردیدی، این همان صحف است، به ما چیزی نمایاند که از آن بی خبر بودیم و بر ما پوشیده بود، هیچ چیز از آن کم نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است.» سپس صحف نوح و ابراهیم و تورات و انجیل و زبور را می خواند، آن گاه اهل انجیل و تورات و زبور می گویند: «به خدا قسم که بی هیچ تردیدی، این همان صحف نوح و ابراهیم علیه السلام است و چیزی از آن کم نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است، و به خدا قسم این همان تورات و زبور و انجیل کامل و دست نخورده است و بیش از آن چیزی است که به دست ما رسیده بود.» سپس، آن حضرت قرآن را تلاوت می فرماید، آن گاه مسلمانان می گویند: «به خدا قسم، بدون هیچ تردیدی، این همان قرآنی است که خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است هیچ چیز از آن کاسته نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است.»<sup>(۱)</sup>

### بیعت کنندگان با امام مهدی (عج) و اصحاب و یاری کنندگان آن حضرت

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «... امام قائم (عج) به کعبه تکیه می زند، دستش را دراز می کند، «بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ»<sup>(۱)</sup>؛ خداوند به موسی فرمود: دست در گریبانست فرو بر و آن را نورانی، بدون عیب، بیرون آر. حضرت حجّت نیز عیناً همین عمل را انجام می دهد. بدون هیچ عیب و مرضی، نورانی دیده می شود و می گوید: «این دست خدا و از جانب خدا و به امر خداست.» سپس این آیه را تلاوت می کند: (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ...) <sup>(۲)</sup>؛ آنها که با تو بیعت کنند همانا با خدا بیعت کرده اند، قدرت پروردگار از تمام قدرتها برتر است و هر کس نقض بیعت کند به زبان خویش پیوند گسسته است.

اول کسی که دست او را ببوسد و با او بیعت می کند جبرئیل است، سپس فرشتگان و نجباء (برگزیدگان) جنیان بیعت می کنند و آنگاه نقباء (بزرگان) دست بیعت می دهند...»<sup>(۳)</sup>

۲- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام در مورد آیه (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ)<sup>(۴)</sup>؛ کیست که دعای درمانده را چون بخواندش، اجابت می کند؟ نقل می کند که فرمود: «دربارۀ قائم (عج) و جبرئیل که روی ناودان و به صورت پرنده ای سفید به عنوان اولین مخلوق پروردگار با او بیعت می کند و بعد از آن سیصد و سیزده نفر از مردم با او بیعت می کنند، نازل شده است.»<sup>(۵)</sup>

۱- سوره قصص، آیه ۲۲.

۲- سوره فتح، آیه ۱۰.

۳- سوره نمل، آیه ۶۲.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸، از روایت ۱.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۶، روایت ۵۳۸.

۳ - ابو خالد کابلی می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «در مکه، برای عمل به کتاب خدا و سنت پیامبرش با امام مهدی (عج) بیعت می‌شود، آن گاه امام مهدی (عج)، حاکمی در مکه می‌گمارد و به سمت مدینه حرکت می‌کند...»<sup>(۱)</sup>

۴ - ابو بصیر می‌گوید: مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: چند نفر با قائم (عج) خروج می‌کنند؟ مردم می‌گویند با او سیصد و سیزده نفر به تعداد مجاهدان بدر خروج می‌کنند» فرمود: جز در بین عده‌ای اولوالقوه (نیرومند) خروج نمی‌کند و اولوالقوه (نیرومند) کمتر از ده هزار نفر نیست.<sup>(۲)</sup>

۵ - ریّان بن شیب در حدیث فضل الحسین علیه السلام، از قول امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «هفت هزار فرشته برای یاری امام حسین علیه السلام به زمین فرود آمدند، اما به آنها اجازه یاری و جنگ داده نشده، آنها غبارآلود و پریشان در کنار قبر آن حضرت آماده‌اند تا اینکه قائم قیام کند و آنها او را یاری کنند.»<sup>(۳)</sup>

مفضل می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «همراه با قائم (عج) سیزده نفر زن هستند.» عرض کردم: «به آنها چه کاری واگذار می‌کنند؟» فرمود: «آنها مجروحان را مداوا و از بیماران نگهداری و پرستاری می‌کنند، همچنانکه در زمان پیامبر چنین بود.»<sup>(۴)</sup>

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «... به خدا قسم، سیصد و سیزده نفر که پنجاه نفر زن در میان آنها هستند، بدون قرار قبلی، مثل تکه‌های ابر که به سرعت باد در حرکتند، یکی پس از دیگری وارد مکه می‌شوند و گرد هم می‌آیند و آن مصداق همین آیه شریفه است که فرمود: (أَيُّمَّا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۳، روایت ۷۷۴. ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۱، روایت ۲۳۴.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۶، روایت ۸۵. ۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۵، روایت ۷۲۵.



اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>(۱)</sup>؛ هر جا باشید خداوند شما را گرد هم آورد که او بر هر کاری تواناست.<sup>(۲)</sup>

اما زنان به طور کلی و یا زنان مؤمن در چه حالی هستند؟ آیا با وجود تعداد زیادشان حضرت حجت را یاری می‌نمایند یا خیر؟

تاکنون غیر از دو روایتی که بر مداوای مجروحان و رسیدگی به بیماران، توسط زنان، دلالت می‌کند به دلیل دیگری که بر یاری کردن یا یاری نکردن آنها، حضرت حجت را، دلالت کند دست نیافته‌ایم.

این احتمال نیز هست که آن زنان، همان پیر زنانی باشند که خداوند تعالی درباره آنها فرموده است: (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)<sup>(۳)</sup>؛ و آن زنان بازنشسته و از تک و تا افتاده که امیدی به ازدواج - یا میل و توانی برای امور جنسی - ندارند، بر آنان ایرادی نیست که، بدون زینت و خودنمایی، لباس خود را کنار گذارند، و پوشش جدی لازم برای جوانترها را نداشته باشند. و البته اگر عفاف پیشه کنند، و همان حجاب را رعایت کنند. برای آنها بهتر است و خداوند به همه امور شنوا و داناست.

۲- تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۶۴، روایت ۱۰.

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۳- سوره نور، آیه ۶۰.

### ویژگی‌های یاران امام قائم (عج)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «یاران مهدی جوان هستند و پیر در میان آنها وجود ندارد مگر فقط به مقدار سُرْمه در چشم و نمک در غذا، و کمترین چیز در میان غذا نمک است.»<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «گویا قائم (عج) را بر منبر کوفه می‌بینم که سیصد و سیزده تن از یارانش، به عدد مجاهدان بدر، گرداگردش را گرفته‌اند، آنها یاران بیرقها و حکام خدا در روی زمین هستند...»<sup>(۲)</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: «گویا اصحاب و یاران امام قائم (عج) را می‌بینم که شرق و غرب را پر کرده‌اند، هیچ چیز در عالم پیدا نمی‌شود مگر اینکه از آنها اطاعت می‌کند، و حتی درندگان و پرندگان وحشی نیز مطیع آنها هستند، همه چیز در روی زمین خواهان به دست آوردن رضایت آنهاست تا جایی که قطعه‌ای از زمین بر قطعه‌ای دیگر افتخار می‌کند و می‌گوید: «امروز مردی از یاران قائم (عج) از روی من عبور کرد.»<sup>(۳)</sup>

ابو بصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «اینکه لوط علیه السلام به قومش گفت: (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ)<sup>(۴)</sup>؛ ای کاش در برابر شما نیرویی داشتم یا به شخص قابل اعتماد و قدرتمندی پناه می‌بردم. چیزی جز آرزوی داشتن نیروی حضرت قائم، و تکیه به قدرت یاران آن حضرت نبود، به هر مردی از یاران امام (عج) نیروی چهل مرد داده شده و دلشان از پاره‌های آهن محکمتر و قویتر است، اگر از کوهها عبور کنند، کوهها از هم می‌پاشند، تا خداوند

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۷. ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۷.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۸. ۴- سوره هود، آیه ۸۰.

عزوجل راضی نشود شمشیرهایشان را غلاف نخواهند کرد.»<sup>(۱)</sup>

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیه (أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً)<sup>(۲)</sup>؛ هر کجا که باشید همه شما را گرد هم می آورد. درباره آن عده از اصحاب امام قائم (عج) که غایب هستند نازل شده است که ناگاه شب هنگام از بسترهایشان غایب می شوند و صبح در مکه هستند، بعضی از آنها در میان ابر حرکت می کنند، اسم آنها، نام پدرشان و سیما و قیافه و نسبشان شناخته می شود.»  
مفضل می گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ایمان کدام یک از آنها قویتر است؟  
فرمود: «آنکه روز در میان ابر حرکت می کند.»<sup>(۳)</sup>

جابر جعفی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «در بین رکن و مقام، سیصد و سیزده نفر، به تعداد مجاهدان بدر، با امام بیعت می کنند، که برگزیدگان مصر، شایستگان اهل شام، و نیکان عراق در میان آنها وجود دارند، آن گاه آنچه خداوند اراده کند به دست امام قائم برپا می شود.»<sup>(۴)</sup>

ابان بن تغلب می گوید: با امام محمد باقر علیه السلام در مسجد مکه - مسجد الحرام - بودم، آن حضرت در حالی که دستم را گرفته بود فرمود: «ای ابان سیصد و سیزده نفر به این مسجد خواهند آمد، مردم مکه می دانند که هنوز پدران و اجداد آن افراد به دنیا نیامده اند، شمشیرهایی با خود دارند که روی هر کدام، نام صاحب شمشیر و نام پدرش و حسب و نسبش نوشته شده است، آن گاه منادی ندا می دهد که: «این مهدی (عج) است که چون داوود و سلیمان قضاوت می کند، و در قضاوت کردن احتیاجی به دلیل و شاهد ندارد.»<sup>(۵)</sup>

۲- سورة بقره، آیه ۱۴۸.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۸.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۹.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳، روایت ۲۴۶.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۶، روایت ۵۳۷.

امام باقر علیه السلام فرمود: «شمشیرهایی بر خود بسته‌اند که بر روی هر کدام هزار کلمه نوشته شده و هر کلمه کلید هزار کلمه است، باد از هر ناحیه‌ای وزیدن می‌گیرد ندا می‌دهد که: «این مهدی است که همچون داوود قضاوت می‌کند و به شاهد و مدرک احتیاج ندارد.»<sup>(۱)</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: «یاران قائم، سیصد و سیزده نفر از فرزندان عجم هستند، بعضی از آنها به هنگام روز در میان ابر حرکت می‌کنند، به اسم خودشان و نام پدرشان و حسب و نسب شناخته می‌شوند، بعضی از آنها بر بستر خوابیده‌اند ولی ناگهان بدون قرار قبلی در مکه گرد هم می‌آیند.»<sup>(۲)</sup>

حسین بن ثویر بن ابی فاخته از پدرش از امام زین العابدین نقل می‌کند که فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند خداوند مرض و ناراحتی را از شیعیان ما می‌برد و دلهاشان را چون پاره‌های آهن، محکم قرار می‌دهد و نیروی هر مردمی را با نیروی چهل نفر برابر می‌گرداند و آنها را حاکم و رئیس بر مردم قرار می‌دهد.»<sup>(۳)</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: اصحاب حضرت موسی طبق آیه (إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ)<sup>(۴)</sup>؛ خداوند شما را به نهر آبی می‌آزماید. با خوردن از آب نهری امتحان شدند، یاران قائم نیز تحت چنین امتحانی واقع خواهند شد.»<sup>(۵)</sup>

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۶، روایت ۵۳۹.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۷، روایت ۵۴۰.

۳- سورة بقره، آیه ۲۴۹.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶، روایت ۲۵۹.

۵- اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۶، روایت ۳۶۷.

### اجر یاوران امام قائم (عج)

جابر می گوید: گروهی بودیم که بعد از انجام مناسک حج، بر امام باقر (علیه السلام) وارد شدیم و با ایشان خدا حافظی کرده عرض کردیم: «یا بن رسول الله! توصیه ای بفرمائید.» پس امام (علیه السلام) فرمود: «امر ما و آنچه از جانب ما به شما رسیده است مراعات کنید، اگر آن را موافق قرآن یافتید به آن عمل کنید و اگر آن را موافق قرآن نیافتید رد کنید و اگر امر بر شما مشتبه شد و ندانستید چه کنید، تأویل کنید و آن را به ما برگردانید تا اینکه برایتان تفسیر کرده مطلب را روشن نمائیم. اگر آن طور که ما توصیه کردیم عمل نمودید و از آن تخطی نکردید، در این صورت هر یک از شما، قبل از خروج قائم ما از دنیا برود شهید به حساب می آید و اگر قائم ما را درک کند و در رکاب او کشته شود اجر دو شهید را دارد و هر کس در کنار او، دشمنی از دشمنانش را بکشد پاداش بیست شهید دارد.»<sup>(۱)</sup>

عبد الحمید واسطی می گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: «خداوند سلامت بدارد، ما در انتظار فرج مهدی (عج)، بازارها و کسبمان را ترک کردیم تا جایی که نزدیک است بعضی از ما، به احتیاج و درخواست بیفتند.» فرمود: «ای عبد الحمید! آیا فکر می کنی کسی که خود را برای خدا در گرفتاری و مشقت افکنده است، خداوند، راه خلاصی برایش قرار نمی دهد؟ آری به خدا قسم، خدا برایش گریزگاهی از گرفتاری قرار خواهد داد، رحمت خداوند بر کسی که به خاطر ما، خود را به گرفتاری بیندازد، رحمت خداوند بر کسی که امر ما را زنده بدارد.» عرض کردم: «اگر قبل از اینکه قائم را درک کنم از دنیا بروم چطور؟»

فرمود: «هر کس از شما که بگوید: «اگر من قائم آل محمد را درک کنم او را یاری می‌کنم»، او مثل کسی است که در کنار امام شمشیر زده است. و کسی که در کنار او شهید شود، دو شهادت نصیبش شده است - یا ثواب دو شهادت را دارد - (۱)

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «بدان که بنی امیه، سلطنتی دارند که مردم نمی‌توانند آن را از ایشان بگیرند و اهل حق، دولت و حکومتی دارند که وقتی زمان برقراری آن برسد، خداوند هر کس از ما اهل بیت را که بخواهد، ولایت می‌دهد، هر کس از شما که آن دولت و ولایت را درک کند، با ما در اوج اعلی است، و هر کس که قبل از رسیدن آن، خداوند جانش را بگیرد، خیر و نیکویی را برای او اراده فرموده است.» (۲)

ابو حمزه از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «از مسائل حتمی و تغییرناپذیر در نزد خداوند، قیام قائم ماست و هر که در آنچه می‌گویم، شک کند، در حال کفر خدا را ملاقات خواهد کرد.» تا اینکه فرمود: «ای ابا حمزه! هر کس او را درک کند و همان طور که تسلیم و در اختیار محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام بوده است، تسلیم و در اختیار او باشد، بهشت بر او واجب است و هر که تسلیم او نباشد از بهشت محروم است و جایگاهش جهنم است، و جایگاه ستمکاران، بدجایگاهی است.» (۳)

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، روایت ۱۶.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۶، روایت ۴۸۶.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۱، روایت ۶۹۲.

### نزول حضرت عیسیٰ علیه السلام برای یاری حضرت مهدی عج

معمر بن راشد از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که فرمود: «مهدی از نسل من است، وقتی خروج کند عیسی بن مریم برای یاریش فرود می‌آید، او را پیش رو قرار داده و پشت سرش اقتدا می‌کند.»<sup>(۱)</sup>

ابو بصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «آنچه از سنتهای الهی در مورد غیبتهای آنان جریان پیدا کرده است درباره قائم ما اهل بیت نیز جاری می‌شود... سپس خداوند عزوجل او را ظاهر می‌کند و شرق و غرب عالم را به دست او فتح می‌نماید، عیسی بن مریم روح الله نازل می‌شود و پشت سر او نماز می‌خواند...»<sup>(۲)</sup>

جابر بن عبد الله انصاری از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «... مهدی از نسل من است، بین رکن و مقام ظهور می‌کند، پیراهن ابراهیم و ردای اسماعیل را به تن و کفش شیث نبی علیه السلام را به پا دارد و دلیل این مطلب، فرمایش پیامبر است که فرمود: عیسی بن مریم، از آسمان فرود می‌آید و همراه مهدی عج است، وقتی ظهور کرد او را بشناسید.»<sup>(۳)</sup>

در روایت مرفوعه جعفر بن محمد از امام باقر علیه السلام آمده است: «ای حیثم! زمانی خواهد آمد که مردم از خدا و توحید، شناختی نداشته باشند، تا اینکه عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و خداوند به دست او دجال را بکشد، مردی از اهل بیت من پیشاپیش مردم نمازگزارد، آن موقع عیسی پشت سر ما نماز می‌خواند و اگر چه او پیامبر است اما ما از او برتر هستیم.»<sup>(۴)</sup>

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۵.  
 ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، روایت ۱۵۲.  
 ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۸، روایت ۸۰۴.  
 ۴- بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۸، روایت ۱۰.

شهر بن حوشب می گوید: حجاج بن یوسف (لعنة الله عليه) به من گفت: «آیه ای در قرآن هست که مرا عاجز کرده است.» گفتم: ای امیرا آن کدام آیه است؟ حجاج گفت: (وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ) <sup>(۱)</sup>؛ هیچیک از اهل کتاب باقی نمی ماند مگر اینکه قبل از مرگ به او ایمان می آورد. به خدا قسم من دستور می دهم که یهودی و نصرانی را بکشند، وقتی آنها گردن زده می شوند با دقت به آنها می نگریم نمی بینم لبهایشان تکان بخورد - و شهادتین بگویند - تا اینکه خاموش می شوند.» گفتم: «خدا امیر را سلامت بدارد، تأویل این آیه این طور نیست.» حجاج گفت: تأویل آیه چیست؟ گفتم: «عیسی عليه السلام قبل از روز قیامت به دنیا فرود می آید و هیچیک از یهودیان و مسیحیان باقی نمی ماند مگر اینکه قبل از مرگش به او ایمان می آورد، و پشت سر حضرت مهدی (عج) نماز می خواند.» حجاج گفت: «وای بر تو!! از کجا چنین تأویلی آوردی؟» گفتم: «محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب عليه السلام این را به من فرمود.» حجاج گفت: «به خدا قسم از سرچشمه ای زلال، آن را گرفته ای.» <sup>(۲)</sup>

عباراتی که گواه آن است که عیسی عليه السلام پشت سر مهدی (عج) نماز می خواند، در روایات زیاد است، و شاید - البته خدا می داند - علت اصرار و تأکید امامان معصوم عليهم السلام بر این مطلب، این باشد که چون پیروان عیسی عليه السلام که جمعیت زیادی از اهل زمین را هم تشکیل می دهند، گمان می کنند که عیسی عليه السلام، آخرین پیامبر است و نمرده است، ظهور خواهد کرد و زمین را از فساد پاک خواهد نمود و اوست که بشر را از فساد و تباهی و ظلم و آلودگیهای



دیگر نجات خواهد داد، و این بیانات به منظور نفی این خیال و باطل نمودن آن است، چنانکه در روایات به این مطلب اشاره شده است.

دقت در زوایای این روایات نشان می‌دهد که مقصود روایات، همان چیزی است که ما بیان نمودیم نه اینکه مقصود آنها، بیان اصل رجعت حضرت عیسی علیه السلام باشد.

اما نزول و فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام به یکی از دو معنی است:  
الف) اگر مقصود از آیه (بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ) <sup>(۱)</sup>؛ خداوند او را به سوی خود برکشید. این باشد که خداوند او را به آسمانها بالا برد، در نزول و فرودش اشکالی نیست و همان معنای اصلی نزول و فرود آمدن را خواهد داشت.  
ب) اگر مقصود از آیه، وفات آن حضرت و قبض روحش باشد، نزول یعنی بازگشت روح مبارکش به بدن و حضورش در کنار قائم (عج) <sup>(۲)</sup> خواهد بود.

۱- سوره نساء، آیه ۱۵۸.

۲- برای تحقیق پیرامون این آیه و احتمالات آن به المیزان، ج ۵، ص ۱۲۳ مراجعه شود.

### تخلف ناپذیر بودن رجعت بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به کمیل می فرماید: «...ای کمیل! گذشتگان شما بی تردید به این عالم باز می گردند و آیندگان شما بدون شک - در کنار مهدی (عج) - بر دشمنان پیروز خواهند شد.»<sup>(۱)</sup>

زراره می گوید: «از امام صادق (علیه السلام) درباره امور مهمی مثل رجعت و شبیه آن سؤال کردم.» حضرت فرمود: «آنچه سؤال می کنی هنوز وقتش نرسیده است و خداوند تعالی فرموده است: (بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ)<sup>(۲)</sup> بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ)<sup>(۳)</sup> بلکه آنچه را به آن دانشی ندارند دروغ شمردند و هنوز باطن آن برای آنها روشن نشده است.

ابو بصیر می گوید: امام باقر (علیه السلام) به من فرمود: «آیا مردم عراق رجعت را انکار می کنند؟» عرض کردم: آری، فرمود: آیا قرآن نمی خوانند که می فرماید: (وَيَوْمَ نَخْشِرُ مَنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا)<sup>(۴)</sup>؛ روزی که از هر امتی گروهی را محشور نمائیم.

ابو بصیر و محمد بن مسلم، در تفسیر آیه (وَ حَرَامٌ عَلَىٰ كُلِّ قَرْيَةٍ أَهْلُكُنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ)<sup>(۵)</sup>؛ و بر هر قریه ای که آنها را نابود ساختیم رجعت حرام است و آنها رجعت نمی کنند. از امام صادق و امام باقر (علیه السلام) نقل می کنند که فرمودند: «هر قریه ای که خداوند مردمش را با عذاب نابود سازد، مردم آن قریه در رجعت بر نمی گردند، و این آیه محکمترین دلیل بر رجعت است، زیرا هیچ مسلمانی

۲-سوره یونس، آیه ۳۹.

۴-سوره نمل، آیه ۸۳.

۶-سوره انبیاء، آیه ۹۵.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۹، روایت ۴۴۷.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، روایت ۴.

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، روایت ۶.

بازگشت و رجعت همه مردم را در قیامت انکار نمی‌کند، چه آنها که هلاک شده باشند و چه آنها که هلاک نشده باشند، بنابراین (لَا يَرْجِعُونَ) یعنی در رجعت بر نمی‌گردند اما در قیامت بر می‌گردند تا اینکه وارد جهنم شوند. (۱)

حسن بن جهم می‌گوید: مأمون به امام رضا علیه السلام گفت: «ای ابوالحسن درباره رجعت چه می‌فرمائید؟» امام علیه السلام فرمود: «رجعت حق است، در ادیان گذشته هم بوده و قرآن از آن یاد کرده است...» (۲)

احمد بن عقبه از پدرش نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا رجعت حق است؟ امام علیه السلام فرمود: «آری...» (۳)

احمد بن ابی عبدالله برقی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «هر کس به هفت چیز اعتراف کند مؤمن است» و از جمله آنها ایمان به رجعت را نام برد. (۴)

فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «هر کس... به رجعت اعتراف کند... او واقعاً مؤمن و از شیعیان ما اهل بیت است.» (۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: «ایام الله سه روز است، روز ظهور، روز رجعت و روز قیامت.» (۶)

و همین نکته، یعنی یکی بودن حقیقت این سه روز و اختلافشان در مراتب و درجات، باعث شده است که امامان معصوم علیهم السلام، بعضی از آیات را گاه به قیامت، گاهی به رجعت و گاهی به ظهور حضرت مهدی (عج) تفسیر نمایند.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۲، روایت ۲۹.  
 ۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۱، روایت ۱۶۱.  
 ۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۱، روایت ۱۶۱.  
 ۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۱، روایت ۱۶۱.  
 ۵- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۳، روایت ۵۳ مراجعه شود.  
 ۶- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۳، روایت ۴۵.

از آنچه ذکر شد - که ما به خاطر رعایت اختصار از نقل آنها خودداری کردیم معلوم شد که این روز - رجعت - امکان دارد و بلکه وقوع آن حتمی است و کسی که آن را انکار می کند، هیچ دلیلی برای انکارش ندارد.»<sup>(۱)</sup>

مطلب دیگر اینکه، آنچه از روایات رجعت بر می آید این است که محل وقوع آن همین جهان طبیعی و مادی است که ما در آن زندگی می کنیم و به عوالم دیگر مربوط نیست.

زنده شدن بندگان برگزیده و بازگشتشان به این دنیا و جنگ با ابزارهای مادی و کشتن دشمنان خدا، یا شهید شدن آن بندگان برگزیده و مسائلی از این قبیل، چیزهایی است که در همین جهان اتفاق می افتد و در واقع، خداوند سبحان، قبل از اینکه قیامت واقع شود و تمام مردگان اعم از نیکوکار و بدکردار را زنده نماید، گوشه ای از قدرت بی حد و حساب خود را در این عالم به نمایش می گذارد.

### رجعت در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)

- ۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: «... رجعت، عمومی نیست بلکه مربوط به عده خاصی است،<sup>(۲)</sup> جز آنها که کافر خالص هستند کسی رجعت نمی کند.»<sup>(۳)</sup>
- ۲ - فیض بن ابی شیبه می گوید: امام صادق علیه السلام در حالی که آیه (وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ)<sup>(۴)</sup>؛ وقتی خدا از پیامبران پیمان گرفت. را تلاوت می کرد فرمود: «تا به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورند و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را یاری کنند» فیض

۱- استاد علامه طباطبائی از تفسیر شریف المیزان.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۹.

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۹.

۴- سوره آل عمران، آیه ۸۱.

می گوید: عرض کردم: «تا اینکه امیرالمؤمنین را یاری کنند؟» امام علیه السلام فرمود: آری، به خدا قسم، از زمان آدم گرفته تا آخر، خداوند پیامبری را بر نیانگیخته مگر اینکه همه را به دنیا بر می گرداند تا تحت فرماندهی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام با دشمنان، جنگ کنند.»

۳- جمیل بن درّاج می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام، آیه (إِنَّا لَسَنُصْرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ)<sup>(۱)</sup>؛ ما پیامبرانمان و کسانی را که در دنیا ایمان آوردند یاری می کنیم، و روزی که شاهدان قیام کنند. را تلاوت کردم، امام علیه السلام فرمود: به خدا قسم، این به رجعت مربوط است، آیا نمی دانی که بیشتر پیامبران در دنیا یاری نشده و کشته شدند و امامان همه یاری نشده و کشته شدند؟ پس، این به رجعت مربوط است.» جمیل می گوید: آیه (وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ، ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ)<sup>(۲)</sup>؛ گوش فرادار روزی که فریادگر، از جایی نزدیک، صدامی کند، روزی که فریاد دعوت به حق را می شنوند، آن روز، روز خروج است. را قرائت کردم. باز امام علیه السلام فرمود: «آن مربوط به رجعت است.»<sup>(۳)</sup>

۴- بکیر بن اعین می گوید: «کسی که هیچ تردید در او و درستی سخنش ندارم؛ یعنی امام باقر علیه السلام به من فرمودند: «پیامبر و علی رجعت می کنند.»<sup>(۴)</sup>

۵- جابر بن یزید، درباره آیه (يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ)<sup>(۵)</sup>؛ ای در لباس پیچیده برخیز و بیم ده. از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود، مقصود آیه، محمد صلی الله علیه و آله

۲- سورة قاف، آیه ۴۱ و ۴۲.

۱- سورة مؤمن، آیه ۵۱.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، روایت ۲.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۵، روایت ۵۷.

۵- سورة مدثر، آیه ۱ و ۲.

و قیامش در هنگام رجعت است که مردم را می ترساند و مقصود از (إِنَّهَا لَأِخْدَى الْكَبِيرِ نَذِيرًا) یعنی محمد ﷺ و (نَذِيرًا لِلْبَشَرِ)<sup>(۱)</sup>؛ آن یکی از امور بزرگ است که ترساننده بشر است. به رجعت مربوط است و (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ كَافَّةً لِلنَّاسِ)<sup>(۲)</sup>؛ ما تو را برای هدایت تمام بشر فرستادیم. آیه به این صورت است: (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ). نیز به رجعت مربوط است.<sup>(۳)</sup>

۶- ابو خالد کابلی از امام زین العابدین ﷺ درباره آیه (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ)<sup>(۴)</sup>؛ آنکه قرآن را بر تو نازل و واجب گردانید و تو را به جایگاه برگشت (یعنی رجعت)، بر می گرداند. نقل می کند که فرمود: «پیامبر شما به سوی شما برمی گردد.»<sup>(۵)</sup>

۷- سلام بن مستنیر از امام صادق ﷺ نقل می کند که فرمود: «اسمی بر خود نهادند، که خداوند، جز علی بن ابیطالب ﷺ کسی را به این اسم ننماید<sup>(۶)</sup> و حقیقت آن هنوز روشن نشده است.» عرض کردم: «فدایت شوم! حقیقت آن چه موقع معلوم می شود؟» امام ﷺ فرمود: وقتی موقع آن برسد، خداوند، پیامبران و مؤمنان را در رکابش گرد می آورد تا او را یاری کنند، و خدا فرموده است: (وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ) تا آنجا که می فرماید: (أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ)<sup>(۷)</sup>؛ آن هنگام که خداوند درباره کتاب و حکمتی که به شما داده شده، از پیامبران پیمان بگیرد... و من با شما، از شاهدان خواهم بود. در آن

۱- سوره مدثر، آیه ۳۴ و ۳۵.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲، روایت ۱۰.

۳- سوره قصص، آیه ۸۵.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۶، روایت ۳۳.

۵- خلفای ناحق و ستمکار بنی امیه و بنی عباس، خود را امیرالمؤمنین نامیدند. امامان معصوم ما علی رغم داشتن ولایت الهی، هیچکدام خود را امیرالمؤمنین ننمایدند که این لقب مخصوص علی بن ابی طالب ﷺ است.

۶- سوره آل عمران، آیه ۸۱.

روز، پیامبر، پرچم را به علی بن ابیطالب علیه السلام می سپارد و او امیر تمام مخلوقات خواهد بود، همه مخلوقات زیر پرچم او هستند و او امیر آنهاست، پس این حقیقت آیه خواهد بود.»<sup>(۱)</sup>

۸- یونس بن طیبیان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «کسی که قبل از قیامت به حساب مردم می رسد حسین بن علی علیه السلام است، اما روز قیامت، هنگامه برانگیخته شدن به سوی بهشت و جهنم است.»<sup>(۲)</sup>

۹- محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش نقل می کند که گفت: «از امام صادق علیه السلام در مورد آیه (وَجَعَلَكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكًا)<sup>(۳)</sup>؛ شما را پیامبران و پادشاهان قرار داد. سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود: پیامبران، رسول الله، ابراهیم، اسماعیل و فرزندان ایشان هستند و ملوک و پادشاهان، ما هستیم، عرض کردم: «کدام ملک و پادشاهی به شما داده شده است؟» فرمود: «مُلُكِ بَهْشْتِ وَ مُلُكِ رَجَعْتِ.»<sup>(۴)</sup>

۱۰- صالح بن میثم از امام باقر علیه السلام درباره آیه: (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا)<sup>(۵)</sup>؛ آنکه در آسمانها و زمین است، خواه ناخواه تسلیم امر اوست. نقل می کند که فرمود: «آن مربوط به وقتی است که علی علیه السلام بفرماید: من از تمام مردم به آیه (وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَ عَذَابٌ عَلَيْهِ حَقًّا أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ... كَاذِبِينَ)<sup>(۶)</sup>؛ کسانی که به خداوند، سوگند شدید خوردند که خداوند، آن کسی را که می میرد بر نمی انگیزد، بلکه چنین نیست و

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۳، روایت ۱۲.

۴- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۵، روایت ۱۸.

۶- سوره نحل، آیه ۳۷ و ۳۸.

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۰، روایت ۶۷.

۳- سوره مائده، آیه ۲۰.

۵- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

این وعده حقی است که خداوند مقرر فرموده است ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند.»<sup>(۱)</sup>

۱۱ - در کتاب من لایحضره الفقیه آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس ۱ - به رجعت ما ایمان نداشته باشد و ۲ - عقد موقت و صیغه و متعه ما را حلال نشمارد از ما نیست.»<sup>(۲)</sup>

۱۲ - هروی از امام رضا از پدرانش از امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که خداوند سبحان در شب معراج، در تجلیل از جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله به پیامبرش فرمود: «... زمین را به وسیله آخرین آنها از دشمنانم پاک می کنم.» تا آنجا که فرمود: «حکومتش را دوام بخشم و تا روز قیامت در میان اولیائم دست به دست بگردانم.»<sup>(۳)</sup>

۱۳ - موسی بن عبدالله نخعی از قول امام هادی علیه السلام، در زیارت جامعه نقل می کند: «... و - خداوند - مرا از کسانی که از آثار و گامهای شما پیروی می کنند و راه شما را طی می نمایند و به هدایت شما، راه می یابند و در گروه شما محشور می شوند و در رجعت شما، به دنیا بر می گردند و در دولت شما به سلطنت می رسند و با سلامت شما بزرگی می یابند و در روزگار قدرت شما، قدرت می یابند و فردا چشمشان به دیدن شما روشن می شود قرار دهد.»<sup>(۴)</sup>

۱۴ - صفوان بن مهران جمال در زیارت اربعین از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند: «گواهی می دهم که به شما ایمان دارم و به رجعت و بازگشت شما

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۰، روایت ۲۱.  
 ۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲، روایت ۱۰۱.  
 ۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۷، از روایت ۱.  
 ۴- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲، روایت ۹۹.



یقین دارم و به احکام دین و عواقب امورم ملتزم هستم.»<sup>(۱)</sup>

۱۵ - در دعای عرفه امام سجاد علیه السلام می خوانیم: «پروردگارا بر اولیاء آنها که به مقامشان معترفند... و ایام (رجعت) آنها را انتظار می کشند و به سوی آنها چشم دوخته اند درود فرست.»<sup>(۲)</sup>

۱۶ - در زیارت امام حسین علیه السلام که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است: «تو خون به ناحق ریخته در زمین هستی، خونی که جز به دست اولیاء تو، خونخواهی نخواهد شد.»<sup>(۳)</sup>

۱۷ - از همان بزرگوار نقل شده است: «... به دست شما خونخواهی هر مؤمنی انجام می شود.»<sup>(۴)</sup>

۱۸ - از همان بزرگوار نقل شده است: «خداوند و شما را گواه می گیرم که به شما ایمان و به رجعت شما یقین دارم.»<sup>(۵)</sup>

۱۹ - از همان بزرگوار نقل شده است: «... دل من تسلیم شما، امر من تابع شما، و نصرت و یاریم برای شما حاضر و آماده است تا اینکه خداوند حکم کند و او بهترین حاکم در دین من است، شما را بر می انگیزد، پس من با شما هستم و با دشمنان شما نیستم، من به رجعت شما مؤمن هستم، قدرت خدا و مشیت او را انکار نمی کنم و هرگز گمان نمی کنم که آنچه او اراده می کند نشدنی باشد.»<sup>(۶)</sup>

۲۰ - از همان بزرگوار نقل شده است: «... ای خواننده به سوی خدا! گوش به فرمانم. گوش به فرمانم. آماده یاری شما هستم، تا خداوند به دینش حکم کند و

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲، روایت ۱۰۰.  
 ۲- صحیفه سجادیه، دعای ۴۵.  
 ۳- کامل الزیارات، ص ۱۹۵، از زیارت ۱.  
 ۴- کامل الزیارات، ص ۱۹۹، از زیارت ۲.  
 ۵- کامل الزیارات، ص ۲۰۲، از زیارت ۳.  
 ۶- کامل الزیارات، ص ۲۱۸، از زیارت ۱۳.

شما را برانگیزد.»<sup>(۱)</sup>

۲۱ - در زیارتی که حسین بن روح نایب امام زمان (عج) بیان نموده چنین آمده است «... و رحمت و برکات و درود خدا بر مهدی (عج) باد تا اینکه به حضور شما بازگردم و در رجعت شما رستگار شوم.»<sup>(۲)</sup>

۲۲ - در مصباح الزائر آمده است: از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هر کس می خواهد پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را از دور زیارت کند باید بگوید: «...من از معتقدان به فضل شما و معترف به رجعت شما هستم، هیچ قدرتی برای خدا را، انکار نمی کنم و واقع شدن چیزی جز آنچه خدا بخواهد به گمانم خطور نمی کند.»<sup>(۳)</sup>

۱- کامل الزیارات، ص ۲۳۰، از زیارت ۱۸.

۲- اقبال الاعمال، ص ۶۳۲، از زیارت مخصوص ماه رجب.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۷، روایت ۱۱۲.

### جهان در حکومت حضرت مهدی (عج)

حضرت حکومت خود را در تمام جهان گسترش می دهد. و هر پیرمردی به اذن خدا قدرت چهل مرد را پیدا می کند. حضرت دست خود را بر سر مردم گذاشته عقل و فکر آنها کامل می شود. حضرت به زمین اشاره کرده، زمین طلاهای خود را بیرون میریزد. حیوانات وحشی آزادانه به داخل شهرها رفت و آمد کنند پولهای رایج همگی از اعتبار افتاده ذکر صلوات اجرت و پول روز گردد. آسمان نعمت خود را بر مردم تمام کند و زمین محصولاتی پر بارتر و مرغوبتر را بعمل آورد. علومی که اکنون در نزد جهانیان است بسیار محدود است و بیست و پنج قسمت آن در وقت حکومت حضرت نمایان می شود. سفر به کرات آسمانی و دیگر سیاره ها محقق می شود. و از آسمانهای دیگر به سوی زمین مسافرت خواهند نمود. زمین آباد شود عدل و داد در آن برقرار گردد. مردم با هم مهربان شوند جهان سرتاسر امنیت گردد. باران رحمت ببارد، زمین سبز شود. دین اسلام تنها دین رسمی شود.

موفقیت حضرت مهدی (عج) موفقیت تمام پیامبران و معصومین است. و اوست که مجری تمام برنامه آنان است. و حق تعالی در قرآن می فرماید: (ما در زبور نوشتیم که بندگان ما وارث زمین هستند).

### آیین حضرت مهدی (عج)

مهدی (عج) بدعتها را نابود کرده، همانطور که رسول خدا نابود کرد حضرت مهدی اسلام را از نو بنا خواهد نمود. مهدی (عج) همان روش جدش را دنبال خواهد نمود. پیامبر ﷺ فرمود: مهدی (عج) به روش من عمل می کند و فرمود

من برای قرآن جنگ می‌کنم و مهدی (عج) برای سنت من جنگ خواهد کرد.  
 امام صادق علیه السلام فرمود: مهدی (عج) بدون شاهد و گواه حکم می‌کند  
 همچون داود و سلیمان. و حضرت امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:  
 حضرت مهدی (عج) با اجل طبیعی از دنیا وفات خواهد کرد.

### هنگامی که حضرت با اجل طبیعی به لقاء الله پیوست.

در این باره هم از دلایل عقلی و هم از دلایل نقلی (که از احادیث معصومین)  
 به ما رسیده می‌توان فهمید که حضرت مهدی (عج) با اجل طبیعی وفات خواهد  
 نمود و این حدیث در مورد حضرت استثناء دارد به دو دلیل فوق قال  
 معصوم علیه السلام: (ما مِنَّا إِمَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ) <sup>(۱)</sup>  
 ترجمه: از ما معصومین از دنیا نرود مگر اینکه توسط شمشیر شهید شود یا  
 اینکه توسط سم شهید گردد.

الف) دلیل عقلی بر استثناء بودن این حدیث در مورد حضرت:  
 حضرت مهدی ظهور می‌کند تا دنیا را پر از عدل و داد کند در حالی که پر از  
 ظلم و ستم شده باشد و اگر قرار باشد آن حضرت به قتل و شهادت برسد با  
 عدالت مطلقه حضرت تناقض و منافات خواهد داشت زیرا هیچ ظلم و ستمی  
 بالاتر از این نیست که امام معصومی به ظلم کشته شود و اگر چنین باشد عدالت  
 مطلقه برقرار نشده و در نتیجه اهداف حضرت مهدی (عج) نیز محقق نگردیده  
 زیرا آن حکومتی را که حضرت تشکیل می‌دهد باید خالی از هرگونه ظلم و ستم

و قتل و غارت باشد چه در مورد خودش و چه در مورد دیگران و اگر قرار باشد حضرت در حکومت عدل و دادی که برپا نموده خود گرفتار ظلم و ستم شود غیر ممکن و محال خواهد بود.

زیرا که حق تعالی به تمام آحاد بشر دو پیامبر را ارزانی داشته تا بوسیله آنها بتوانند راه حق را از باطل تشخیص دهند و آن دو عبارتند از: ۱- پیامبر ظاهری (که پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام هستند) ۲- پیامبر باطنی (که عقل و فهم بشر است). که با توسل به قدرت تفکر و اندیشه حقیقت، حق تعالی و هر چه را که مقرر و امر فرموده مورد تأیید قرار می دهد کما اینکه (كَلِّمًا حَكَمَ بِهٖ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهٖ الشَّرْعُ وَ كَلِّمًا حَكَمَ بِهٖ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهٖ الْعَقْلُ).

ترجمه: هر چه را عقل حکم کند شرع نیز به آن حکم می کند و هر چه را شرع حکم کند عقل نیز به درستی آن حکم می کند.

ب) دلیل نقلی بر استثنا بودن این حدیث در مورد حضرت:

حدیثی از امام رضا علیه السلام وارد شده که فرمود:

(عَنِ الْهَرَوِيِّ، قَالَ سَأَلْتُ عَنِ الرَّضَا مَا عَلَامَتُهُ الْمَهْدِيِّ عِنْدَ الظُّهُورِ، قَالَ علیه السلام مِنْ عَلَامَاتِهِ عَن يَكُونُ كَثِيرُ السِّنِّ - وَ شَابُّ الْمَنْظَرِ حَتَّى عَنِ النَّاطِرِ عَلَيْهِ يَحْسِبُهُ، ابْنِ اَرْبَعِينَ سَنَةً اَوْ دُونَهَا، لَا يَهْرُمُهُ بِمَرُورِ اَيَّامٍ وَ لِيَالِي حَتَّى يَعْطَى الْاَجَلَةَ)<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از هروی نقل است که گفت پرسیدم از امام رضا علیه السلام چیست علامات حضرت مهدی (عج) در زمان ظهور آن حضرت؟ امام رضا علیه السلام فرمود: از علامتهای آن حضرت آن است که سنش زیاد است ولی به نظر جوان

می‌رسد و کسی که نگاه می‌کند خیال می‌کند آن حضرت چهل سال بیشتر ندارد یا کمتر از چهل سال است که گذشت زمان و شبانه روز در چهره و جوانی آن حضرت تأثیر سوء نگذاشته است. تا اینکه حضرت به اجل طبیعی وفات کند. حال به کسانی که ادعا دارند، که حضرت مهدی (عج) را زنی یا شخصی به شهادت می‌رساند، می‌گوییم به چه دلیل و مدرکی چنین ادعایی می‌کنید و اگر بر گفته‌های خود تأکید می‌کنید، دلایل و اسنادی را که دلالت بر صحت گفته‌های شماست ارائه دهید، و الا چنین افکار نادرستی را به جامعه و مردم القاء نکنید.

مروست روزی که قیامت بپا شود و حجة الله از میان مردم به لقاء الله برسد. در آن روز محقق خواهد شد، معنی این حدیث

(لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا) (۱)

اگر حجت خدا بر روی زمین نباشد، زمین اهل خود را به کام خود می‌کشد، و آن گاه محقق شود، معنی این آیه شریفه (القارعه) (یوم یكونُ الناسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ) مردم وحشت زده به هر سو فرار کنند، همچون پروانه‌هایی سرگردان و پناهگاهی جستجو کنند. کوهها متلاشی شود همچون پشم زده شده، و اضطراب به نهایت برسد. به امر الهی کسانی که مرتبه‌ای والا از تقوا و ایمان دارند گلی را ببینند که با بوییدن عطر دلنشین آن روح آنان به راحتی قبض شود آنگاه حق تعالی امر کند به عزرائیل که جانها را قبض کن و همان شود و امر کند که جان ملائکه را هم قبض کن، پس محقق شود. تا اینکه نوبت خود عزرائیل شود و جان خودش را نیز قبض کند.

سپس محقق می‌شود، معنی آیه شریفه (یس)

(اِذَا ارَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُوْلَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ) ترجمه: خداوند زمانی که بخواهد اراده

کند چیزی را همانا می‌گوید باش پس می‌شود.

آنگاه یگانه مطلق حق تعالی، ندا دهد (سوره حم غافر)

(لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ) این مُلک و این کائنات امروز برای کیست. صدایی شنیده

نشود، تا بار سوم که سکوت مطلق حکم فرما شود. و جوابی داده نشود. در این

موقع خود باری تعالی و حضرت حق پاسخ دهد. سوره (حم غافر) (لِلّٰهِ الْوٰحِدِ

الْقَهَّارِ) برای خداوند یگانه و قهار است، تمامی کائنات و هر چه که در جهان

هستی و هفت آسمان<sup>(۱)</sup> وجود دارد، برای اینکه محکوم کند مشرکین و بت

پرستان و ملحدین را و اثبات کند وحدانیت و یگانگی مطلق و بی‌چون و چرای

خود را، زیرا که قرار است دوباره همین مشرکین و ملحدین و تمام اهل بشر را

زنده کند و بپرسد که کجا بودید که تکرار کنید و بگویید کلمه شرک خود را که

این ملک و کائنات برای الله نیست. پس خداوند کاری را بیهوده انجام ندهد و

آنچه که از اخبار رسیده زمین بصورت غبار درآید در یک زمان طولانی که فقط

حق تعالی مدت آنرا بداند بعد باران خواهد بارید و این ذرات را به طرف پایین

بر می‌گرداند و جاذبه‌ای آنرا متراکم کند و به امر حق تعالی کره خاک بصورت

محشری پدید آید با این تفاوت که دیگر پستی و بلندی نباشد الا در محل های

۱- طبق روایات وارده اگر آسمان اول را با تمام کرات و وسعتی که دارد در آسمان دوم قرار دهیم همچون حلقه‌ای کوچک در یک بیابان وسیع است.

و اگر آسمان دوم را در آسمان سوم قرار دهیم، باز همچون حلقه‌ای کوچک در بیابان بزرگ است تا به ترتیب آسمان چهارم و پنجم و ششم و هفتم. تا عرش الهی که محل استقرار حق تعالی می‌باشد. که البته علم و تفکر بشر درباره آن منقطع است و کسی توان تصور آنرا ندارد.

خاص مثل اعراف که در قرآن آمده که همچون سدی هستند که مانع عبور کفار از آن می‌شوند و کفار پشت آن قرار می‌گیرند، به اذن الله حتی سرانگشت افراد بازسازی شود.

و پیشرفت علم ثابت کرده که سرانگشت هیچ کس با دیگری یکی نیست و این یک نمونه از خلقت‌های شگفت‌انگیز حق تعالی می‌باشد. که قرآن فرموده حتی سرانگشتان آنها را دوباره بشکل اول خلق کنیم، آنگاه با صیحه و ندایی قوی همگی از محلها و قبرهای خود بلند شوند که محقق شود معنی آیه شریفه والعیاديات (افلا يعلم اذا بُعِثَ ما فی القبور)

ترجمه: آیا نمی‌دانید که زمانی از قبرها بلند شوید و دوباره مبعوث گردید. و محشر آماده گردد و محقق خواهد شد، معنی این آیه شریفه (سوره زلزله).

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)

ترجمه: هر که به اندازه ذره‌ای خیر انجام داده باشد می‌بیند. و هر که به اندازه ذره‌ای شر انجام داده باشد خواهد دید. و از هیچ چیزی کم و کسر نخواهد شد. و دوباره در قرآن سوره (قارعه) آمده. (فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ، فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ)

ترجمه: پس کسی که سنگین باشد اعمال نیکش زندگی همراه با لذت و راضی کننده‌ای خواهد داشت.



### ملاقات حضوری شیعیان با حضرت ولی عصر (عج)

(سعد بن عبدالله به همراه احمد بن اسحاق) جهت پاسخ سؤالاتی که برایشان پیش آمده بود خدمت امام حسن عسگری علیه السلام در سامرا آمده بودند. که آن حضرت می فرمایند از نورچشم حضرت مهدی (عج) پرسید. (در اینجا تعدادی از سؤالات شیعیان و پاسخ حضرت ولی عصر (عج) به آنها را می آوریم. <sup>(۱)</sup>)

تفسیر آیه «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ» توسط امام زمان (عج)

۱ - سعید بن عبدالله از تاویل آیه (فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ) سؤال می نماید.

حضرت ولی عصر در جواب می فرمایند: «موسی بن عمران که به وادی مقدس آمد عرض کرد: خداوند! من محبتم را نسبت به تو خالص نمودم و خانه دلم را از غیر تو پاک نموده ام، در حالی که خاندانش را بسیار دوست می داشت، لذا خداوند به او فرمود: (فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ) یعنی محبت و علاقه شدید خانواده ات را از دل بیرون کن، اگر محبت تو نسبت به من خالص، و از میل بجز من دلت پاک است.

تفسیر آیه «كَهَيْعَص» (سوره مریم آیه یکم) توسط امام زمان (عج)

۲ - سعد بن عبدالله می گوید: سپس عرض کردم: از تاویل «كَهَيْعَص» مرا مطلع فرمائید.

حضرت ولی عصر (عج) در جواب فرمودند: این حروف از اخبار غیبیه است که خداوند زکریا را از آن مطلع نمود؛ سپس داستان را برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله بیان فرمود و خلاصه ماجرا این است که زکریا از خداوند

درخواست نمود که اسامی پنج تن را به او یاد دهد و جبرئیل فرود آمده، اسامی پنجگانه را به ایشان تعلیم نمود. هر زمان که زکریا نامهای محمد ﷺ، علی ﷺ و فاطمه ﷺ و حسن ﷺ را میبرد، شاد می شد، ولی آنگاه که نام مقدس امام حسین ﷺ را می برد دلش شکسته و اشکش جاری می گشت. روزی گفت: خدایا مرا چه می شود که هر گاه نام چهار تن بالا را می برم دلم تسلی می یابد و هر گاه نام مبارک امام حسین ﷺ را می برم اشکم جاری می شود و نفسم در سینه گره می خورد؟ خداوند نیز از حادثه کربلا مربوط به امام حسین ﷺ بدین گونه خبر داد که «کَهِتَعَصَّ».

امام عصر روحی له الفداء فرمودند که:

کاف هاء یاء عین صاد

[کاف] اسم کربلا و [هاء] اشاره به شهادت و هلاکت عترت طاهرین (خاندان مکرم رسول اکرم) است؛ [یاء] اشاره به یزید است که بر حسین ﷺ ظلم نمود [عین] اشاره به عطش و تشنگی حسین ﷺ و یاران عزیز اوست و [صاد] اشاره به صبر آن حضرت است در مقابل مصائب و شدائد.

زکریا ﷺ چون این بشنید در مسجد خویش سه روز اعتکاف نمود و از معاشرت با مردم خودداری کرد و پیوسته مشغول گریه و زاری بود و مرثیه سرائی می کرد که:

بار خدایا آیا بهترین بندگان و مخلوق را به مرگ فرزندش با این کیفیت مبتلا می کنی؟

بار الها! آیا این بلیه را با شهادت حسین ﷺ بر حبیب خاتم الانبیاء نازل می فرمائی؟

خداوندا! آیا بر علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام لباس این مصیبت را می پوشانی؟  
 آنگاه زکریا عرض کرد: خداوندا! به من نیز فرزندی عنایت فرما و او را در  
 پیری مایه روشنای چشمم قرار ده و مرا به وسیله او امتحان فرما و در مرگ او دل  
 مرا بسوزان، چنانکه حبیب خاتم الأنبیاء را به مصیبت فرزندش مبتلا می کنی.  
 خداوند نیز به او یحیی را مرحمت فرمود که او را نیز همچون امام حسین علیه السلام  
 شهید کردند.

۳ - سپس سعد بن عبدالله می گوید: عرض کردم مولای من علت اینکه مردم  
 نمی توانند برای خودشان امام انتخاب کنند چیست؟  
 امام زمان (عج) فرمودند: علت اینکه مردم نمی توانند برای خود امام انتخاب  
 کنند این است و من برای تو دلایلی ذکر می کنم که عقلت بپذیرد.  
 عرض کردم: بفرمائید.

در مقام بیان استدلال و دلیل بر اثبات مدعی امام زمان (عج) فرمودند: به من  
 بگو آیا انبیاء و فرستادگان الهی که راهنمایان مردمند و با نزول کتابهای آسمانی،  
 فرستادن وحی به وسیله جبرئیل و مجهز بودن به نیروی عصمت، مؤید هستند و  
 بزرگانی مانند موسی و عیسی با آن عقل و کمالی که داشته اند ممکن است  
 انتخابشان غلط بوده باشد و در حالی که خیال می کردند برگزیدگان آنها مؤمن  
 هستند، از منافقین بوده باشند؟

عرض کردم: خیر، ای مولای من!

امام عصر (عج) فرمودند: با این وصف موسی کلیم الله با آن فراوانی عقل و  
 کمال علمی و برخوردار بودن از نیروی وحی از میان بزرگان قوم و لشکر یانش  
 هفتاد نفر را از همه طبقات اختیار کرد؛ آن هم کسانی را که در اخلاص و ایمان

آنها شک و تردید نبود و دیدیم که چه شد. و خداوند بزرگ فرموده است: «و موسی هفتاد مرد از قوم خود را برای وعده گاه برگزید»<sup>(۱)</sup>.

امام عصر (عج) فرمودند: پس هنگامی که مشاهده کردیم که انتخاب و اختیار برگزیدگان خداوند از سلسله جلیله انبیاء به این صورت درآمد و افراد فاسد به جای مردم صالح قرار گرفتند، نتیجه می گیریم افرادی که از درون اشخاص آگاهی ندارند حق اختیار و انتخاب از آنها گرفته شده است، و پس از اینکه انتخاب انبیاء بر افراد مفسد پیاده شد، دیگر اعتباری برای انتخاب مهاجرین و انصار پس از رسول اکرم ﷺ باقی نمی ماند تا برای پیامبر اسلام و وصی و جانشین انتخاب کنند.

۴ - سعد بن عبدالله سؤالی در جریان با یکی از نواصب برایش پیش آمده بود که خود وجود مقدس امام عصر (عج) بدون شنیدن از او در جواب می فرماید:

ای سعد! در مورد ادعای دشمن راجع به اینکه پیامبر ﷺ منتخب امت (ابوبکر) را با خود به غار بردند، زیرا ترسیدند اگر او کشته شود امر اسلام مختل گردد چون می دانستند که او پس از آن حضرت خلیفه می شود، و رعایت اختفاء ایجاب می نمود کس دیگری را به غار نبرند و علی ﷺ را در رختخواب خود بخوابانند، زیرا می دانستند که اگر علی ﷺ کشته شود اختلالی در اسلام پیدا نخواهد شد و اینکه کسانی که بتوانند جای علی ﷺ را بگیرند و امور اسلام و مردم را منظم نمایند وجود داشتند.

۱ - وعده گاه یعنی تقاضای بزرگان یهود از حضرت موسی ﷺ که می خواستند خدای موسی را ببینند، که حضرت حق باری تعالی در کوه طور تجلی فرمود و همگی هلاک شده و موسی بیهوش شد و بعد از آن از حق تعالی درخواست نمود که آنان را عفو فرموده و دوباره زنده کند که مورد قبول واقع شد.

درباره این سؤال و ادعای این شخص چرا جواب نقضی ندادی؟ چرا نگفتی که مگر نه این است که شما در روایتان از قول رسول اکرم (ﷺ) نقل کرده‌اید که آن حضرت فرمودند خلافت پس از من سی سال خواهد بود و بقای عمر آن به وجود این چهار نفر (ابوبکر و عمر و عثمان و علی (علیه السلام)) بستگی دارد؟ بنابراین، این چهار نفر براساس مذهب شما جانشینان رسول الله هستند. قطعاً دشمن تو چاره‌ای جز اینکه بگوید «درست است»، ندارد (یعنی گفته تو را قبول کند). پس از این امر به دشمن می‌گوئی با توجه به این موضوع همان گونه که ابوبکر خلیفه پیامبر است، این سه نفر هم خلیفه‌اند پس چرا پیامبر از این چهار نفر (ابوبکر) را با خود به غار برد و آن سه نفر دیگر را نبرد؟ در حالی که از نظر مقام و آثار وجودی، هر چهار نفر باید یکی باشند. در این صورت، پیامبر (ﷺ) نسبت به آن سه نفر استخفاف ورزیده و ترک محبت نموده و از شفقتی که نسبت به ابوبکر روا داشته آنان را محروم کرده است.

۵- سپس امام عصر درباره سؤال دیگری راجع به چگونگی ایمان آوردن اولی و دومی (ابوبکر و عمر) که سعد بن عبدالله داشت بدون شنیدن سوال جواب می‌فرماید:

امام عصر (عج) فرمودند: اما در مورد سؤال دیگر دشمن درباره اسلام اولی و دومی که آیا از روی اختیار یا از اکراه و اجبار بود که اسلام آورده‌اند چرا در جوابشان نگفتی که آن دو نفر به جهت «طمع» ایمان آورده بودند و علت طمع آنان نیز این بود که آنها با یهودیان معاشرت داشتند و در نتیجه این معاشرت از اینکه محمد (ﷺ) به پیامبری مبعوث خواهند شد و بر عرب استیلا پیدا می‌کنند، با خبر شده و از تورات و کتب مقدسه ماجرای آن حضرت را شنیده بودند و به این دو نفر گفته شده بود، همچنانکه بُخْتُ النُّصْرِ بِرِ بَنِي إِسْرَائِيلَ مُسْلَطٌ

شد حضرت محمد ﷺ نیز بر عرب استیلا می یابد، با این تفاوت که حضرتش دعوی پیامبری دارد. بنابراین، آنگاه که موضوع رسالت حضرتش ظاهر شد، این دو تن در مورد (شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله) با پیامبر اسلام مساعدت کردند تا شاید به مقامی دست یابند و پس از قدرت یافتن و استقرار حضرت رسول ﷺ در حکومت شریک باشند. ولی آنگاه که از دستیابی به مقامی مایوس شدند، با دوستان دیگرشان در شب عقبه سعی کردند مرکب سواری حضرت رسول ﷺ را منحرف نمایند تا در دره ای سقوط کند و پیامبر کشته شود، ولی خداوند پیامبرش را حفظ فرموده و او را از این توطئه نجات داد و نظیر و مانند این دو نفر طلحه و زبیرند که با امیرالمؤمنین ﷺ به طمع دستیابی به مقامی بیعت کردند و چون با توجه به عدالت امیرالمؤمنین ﷺ مایوس شدند، بیعت خود را با حضرتش شکستند و نتیجه امرشان مانند دیگر بیعت شکنان شد، یعنی به ارتداد آنان از دین منجر گشت.

سؤالات زیر از جمله سؤالاتی است که به محمد بن عثمان نائب خاص آن حضرت داده شده بود و حضرت ولی عصر (عج) به آن سؤالات پاسخ فرمودند.<sup>(۱)</sup>

۶- در مورد سؤال از بچه ای که یکبار ختنه شده ولی پس از آن در موضع ختنه پوست روئیده باشد آیا برای بار دوم ختنه لازم است یا خیر؟

جواب: بلی واجب است برای بار دیگر نیز ختنه کنند زیرا زمینی که شخصی ختنه نشده بر آن بول (ادرار) می کند تا چهل روز به درگاه خداوند ناله و شکایت می کند.

«نماز گزاردن در مقابل آتش و...»

۷- حضرت می فرمایند: در پاسخ اینکه نمازگزاری که آتش، عکس و چراغ در جلوی او باشد آیا نمازش صحیح است یا خیر؟  
 جواب: اگر اجداد و نیاکان نمازگزار از بت پرستان و آتش پرستان نباشند نماز آنها صحیح است ولی در صورتی که پدران و مادرانشان بت پرست و آتش پرست بوده‌اند نماز آنها در حالی که آتش، عکس و چراغ در پیش روی آنان باشد جایز نیست.

۸- حضرت مهدی (عج) می فرماید: سؤال گردید آیا جائز است از میوه درختهایی که از کنار آنها عبور می کنیم بخوریم؟  
 جواب: خوردن میوه این گونه درختها برای عبور کننده (نه به قصد خوردن از آنجا عبور کند) حلال ولی بردن آن حرام است.  
 جوابهای زیر جواب تعدادی از سؤالاتی است که (اسحق بن یعقوب) در مورد برخی از مسائل که برای او مشکل بوده توسط جناب (محمد بن عثمان رضی الله عنه) از حضرت ولی عصر (عج) پرسیده و آن حضرت جواب گفته‌اند: (۱)

۹- اسحق بن یعقوب درباره اینکه بعضی از افراد امامت حضرت مهدی (عج) را انکار می کنند سؤال می کند و حضرت چنین پاسخ می دهند:  
 جواب: «اما در خصوص انکار وجود من از طرف برخی از خویشاوندان بدان که بین خداوند متعال و بندگانش هیچ گونه قرابت و خویشاوندی وجود ندارد. و هر کس که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه پسر نوح است (از ما نیستند).

۱۰ - درباره اموالی که به آن حضرت پرداخت می نمایند (تحت عنوان خمس و...)

سؤال میکند؟

جواب: حضرت مهدی (عج) فرمودند: «اما وجه اینکه اموال شما را قبول می کنیم این است که اموال شما پاک شود. بنابراین هر کس که می خواهد اموالش پاک شود بدهد و هر کس که نمی خواهد، ندهد، آنچه خداوند به ما عطا فرموده از آنچه شما می دهید بهتر است.»

۱۱ - درباره وقت ظهور سؤال می کنند؟

جواب: حضرت مهدی (عج) می فرماید: «اما وقت ظهور ما موكول و منوط به اراده خداوند عزوجل است و هر کس برای ظهور ما وقت تعیین کند دروغ گفته است.»

۱۲ - (اسحق بن یعقوب) درباره مسائل و حوادث جدیدی که برای مردم پیش

می آید کسب تکلیف می کند!

جواب: حضرت می فرماید: «اما در مورد مسائل و حوادث جدیدی که برای شما پیدا می شود به کسانی که احادیث ما را روایت می کنند رجوع کنید که تحقیقا آنها حجت من بر شمايندو من حجت خدا بر همه شما هستم.»

۱۳ - درباره محمد بن عثمان سؤال می کنند؟

جواب: حضرت می فرماید: «واما محمد بن عثمان عمری - که خداوند از او و پدرش راضی باشد - مورد اعتماد من است و نوشته و نامه او نوشته و نامه من است.»  
میان جمعی از شیعیان در مورد نقش ائمه (علیهم السلام) درباره خلقت موجودات اختلافی پدید آمد که عریضه ای به توسط محمد بن عثمان خدمت حضرت تقدیم داشتند که حضرت در جواب فرمود:



«خداوند متعال آفریننده تمامی مخلوقات و روزی دهنده همه آنهاست. او جسم نیست و مثل و مانند ندارد و شنوا و داناست. اما ائمه علیهم السلام سؤال و درخواست می کنند از خدای تعالی، پس خداوند خلق می کند، و آنها از ذات مقدس او تقاضا می کنند و او به خاطر درخواست ایشان و احترام و بزرگداشت آنها روزی می دهد.»<sup>(۱)</sup>

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری عریضه ای به ناحیه مقدسه امام عصر ارواحنا فداه تقدیم داشت و در آن سؤالاتی از محضر مبارک آن حضرت نمودند که در ذیل تعدادی از آنها آورده می شود:<sup>(۲)</sup>

۱۴ - محمد بن عبدالله از اینکه نامی از علی بن محمد معروف به «مالک بادوکه» در توقیعی از حضرت که برای گروهی مرقوم فرموده بودند. سؤال می کنند که ایشان از این موضوع غمگین هستند، از من خواسته که جریان را به عرض شما برسانم تا اگر علت نبردن نام او گناهی بوده که مرتکب شده است طلب آمرزش کند و یا غیر از این باشد بیان فرمایید که، موجب آرامش خاطر او گردد انشاء الله:

جواب امام عصر (عج) فرمودند: هر کس به ما نامه نوشت ما هم با او مکاتبه می کنیم (مکاتبه نمی کنیم مگر با کسی که با ما مکاتبه کند).

۱۵ - محمد بن عبدالله سؤال می کند: آیا زنی که شوهرش فوت شده است می تواند در تشییع جنازه او شرکت کند یا خیر؟

امام عصر (عج) می فرماید: می تواند.

۱۶ - محمد بن عبدالله سوال می کند: آیا زنی که شوهرش فوت شده و در عده

۱- غیبت طوسی ص ۱۷۸.

۲- بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۵۱ (مجموعه فرمایشات ص ۱۰۰).

وفات است می تواند به زیارت قبر شوهرش برود؟

امام عصر (عج) می فرماید: به زیارت قبر شوهرش می تواند برود ولی از خانه اش دور نشود.

۱۷ - آیا زن می تواند برای انجام حاجتی از خانه شوهرش بیرون برود در حالی که در عده وفات است؟

امام عصر (عج) می فرماید: اگر نیازی داشته باشد و کسی که آن حاجت را تأمین کند نباشد، بیرون آمدن زن از منزل شوهر برای انجام حوائج مانعی ندارد.  
 ۱۸ - محمد بن عبدالله سؤال می کند: در خصوص وداع با ماه مبارک در میان اصحاب ما اختلاف است. برخی می گویند این عمل در شب آخر ماه باید انجام گیرد و بعضی دیگر می گویند باید در آخرین روز ماه رمضان، آنگاه که هلال ماه شوال رؤیت گردد خوانده شود.

امام عصر (عج) می فرماید: اعمال در ماه مبارک رمضان در شبها انجام می گیرد و وداع با آن نیز در شب آخر ماه رمضان عمل می شود ولی اگر کسی بترسد که نقصی حاصل شده، از ثواب آن کاسته گردد، می تواند برنامه وداع را در دو شب قرار دهد.

۱۹ - احمد بن روح سؤالی در رابطه لباس نمازگزار برایش پیش آمده بود که جوابی از ناحیه امام عصر (عج) داده شد.<sup>(۱)</sup>

جواب: امام عصر (عج) فرمود: اما در مورد چیزهایی که نمی شود با آنها نماز خواند، با پوست سمور و روباه نماز خواندن حرام است و با پوست حیوانات

حلال گوشت به وسیله یکی از برادران دینی تو یا فردی از مخالفان (ممکن است اشاره به اهل سنت باشد) که مورد اعتماد تو باشد ذبح شود، پوشیدن آن جائز است و طبعاً نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

۲۱ - در زمان غیبت صغری ابی صالح خجندی که به خاطر محبتی که به حضرت مهدی (عج) داشت جهت رسیدن به محضر آن حضرت و دیدار آن عزیز تلاش می کرد. بوسیله حسین بن روح عریضه‌ای در این رابطه تقدیم می دارد که حضرت در جواب می فرمایند: (۱)

جواب: هر کس درباره من جستجو کند، به دنبال من آمده است و هر کس برای پیدا کردن من کوشش کند، دشمن را به سوی من راهنمایی کرده است و هر کس که دشمن را به سوی من رهبری کند جان مرا در خطر انداخته است و هر کس که از نظر جانی خطری متوجه من کند مشرک است.

۲۲ - نزدیک ما خیاط مجوسی است که گوشت مسیته می خورند و از آلودگی جنابت پروائی ندارند آیا با لباسی که برای ما می دوزد قبل از اینکه تطهیر شود می توان نماز خواند؟ جواب: نماز در آن لباس مانعی ندارد.

۲۳ - نمازگزاری که هنگام نماز در تاریکی شب، سجاده را اشتباه می کند و پیشانی را بر غیر آنچه سجده بر آن صحیح است می گذارد و چون سر بر می دارد سجاده را پیدا می کند. آیا این سجده کافی است یا خیر؟

جواب: تا زمانی که دوزانو نشسته است می تواند سر خود را برای پیدا کردن سجاده از محل سجده بلند کند.

محمد بن عبدالله حمیری در نامه دیگری در سال ۳۰۷ قمری به امام عصر (عج) سوالاتی می‌نماید که یکی از آنها در زیر می‌آید: (۱)

۲۴ - در مورد سجده شکر پس از نماز واجب، برخی از اصحاب گفته‌اند که این کار بدعت است، آیا جائز است که پس از نماز واجب سجده شکر نمود یا خیر؟ در صورتی که جایز است در مورد نماز مغرب پس از نماز واجب باید سجده کرد یا پس از نوافل مغرب؟  
 جواب: سجده شکر از لازم‌ترین و واجب‌ترین مستحبات است و کسی که آن را بدعت خواند خود قصد ایجاد بدعت در دین داشته است. اما خبری که در مورد سجده شکر روایت شده و در آن اختلاف است که پس از نماز مغرب است یا پس از چهار رکعت نافله آن، بدان که: فضیلت دعا و تسبیح پس از فرائض در مقایسه با دعا و تسبیح پس از نوافل، مشابه و مانند فضیلت خود فرائض بر نوافل است و سجده، دعا و تسبیح می‌باشد پس بهتر است که بعد از فریضه و نماز واجب باشد، البته پس از نوافل هم جایز و صحیح است.

و باز در تویح نامه دیگری امام عصر (عج) جواب سؤالات محمد بن عبدالله حمیری را عنایت می‌فرماید که تعدادی از آنها در ذیل می‌آید: (۲)

۲۵ - آیا اهل بهشت زاد و ولد می‌کنند یا خیر؟

جواب: در بهشت، زنان باردار نمی‌شوند تا بچه بزایند و خون حیض و نفاس هم نمی‌بینند و رنج بچه داری نیز نیست همان گونه که خداوند فرموده است در بهشت آنچه چشمها و جانها از آن لذت می‌برند وجود دارد و هرگاه مؤمنی بخواهد بچه داشته باشد خداوند بدون باردار شدن و وضع حمل برای او

بچه و فرزندی خلق می‌کند، همانگونه که حضرت آدم را آفرید.

۲۶ - آیا شهادت کسانی که به جذام و پیسی و فلج مبتلا هستند قبول است؟ چون روایت شده که این گونه افراد نمی‌توانند امام جماعت باشند.

جواب: چنانچه این گونه افراد پس از تولدشان به امراض یاد شده مبتلا باشند شهادت دادن آنان جائز است و چنانچه این بیماری‌ها در آنها مادرزاد باشد جایز نیست.

۲۷ - آیا مرد می‌تواند با دختر زن خود ازدواج کند؟

جواب: اگر در دامان وی و نزد وی تربیت یافته باشد نمی‌تواند با آن دختر ازدواج کند.

۲۸ - آیا با دختر زنی می‌شود ازدواج کرد که بعداً با مادر بزرگ آن دختر ازدواج نمود یا جایز نیست؟

جواب: امام عصر (عج) می‌فرماید: این عمل نهی شده است.

فوائد و فضایل تربیت امام حسین علیه السلام

۲۹ - در مورد گِلِ قبر (منظور تربیت حضرت امام حسین علیه السلام بوده است) که همراه میت در قبر می‌گذارند، آیا این عمل درست است یا خیر؟

جواب: در قبر گذاشته می‌شود و به خواست خداوند با نخهای کفن وی مخلوط خواهد شد.

۳۰ - از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که بر کفن فرزندشان اسماعیل نوشتند: اسماعیل شهادت می‌دهد که خدائی جز خداوند یکتا نیست آیا جایز است که با تربیت قبر (امام حسین علیه السلام) یا با چیزی دیگری همین کلمات را بنویسیم؟

جواب: این عمل جائز است.

۳۱- آیا از گل قبر (تربت) می توان تسبیح درست کرد و تسبیح با تربت فضیلت دارد یا خیر؟  
 جواب: با آن (تسبیح تربت)، تسبیح بگویند که تسبیح گفتنی با فضیلت تر از تسبیح گفتن با آن نیست و از جمله فضیلت و برتری آن، اینکه گاهی که انسان تسبیح گفتن را فراموش می کند اما تسبیح می گرداند، برای او ثواب تسبیح گفتن را می نویسند.

۳۲- آیا بر مهر تربت امام حسین علیه السلام سجده جائز است و آیا فضیلتی دارد یا خیر؟  
 جواب: این عمل جایز و در آن ثواب و فضیلت است.  
 سجده بر قبور ائمه علیهم السلام

۳۳- شخصی به زیارت قبور ائمه می رود آیا سجده بر قبور ائمه علیهم السلام جایز است؟ آیا ایستادن پشت قبر و قبر را قبله خود قرار دادن جائز است؟ آیا می تواند بالا سر و پائین پا بایستد و آیا جائز است پشت به قبر و روبرو به قبله ایستاده نماز بخواند یا خیر؟  
 جواب: اما سجده بر قبر، نه در واجبات و نه در مستحبات و نه در نماز احتیاط جائز نیست و آنچه بدان عمل می شود آن است که طرف راست صورت یا گونه خود را روی قبر بگذارد و اما نماز خواندن به نحوی که قبر در جلو قرار گرفته باشد جائز است ولی در جلوی قبر یا طرف راست و چپ قبر نماز خواندن درست نیست و از امام که درود خدا بر او و خاندانش باد نباید جلو افتاد و در طرف مساوی امام نیز نباید ایستاد.

۳۴- در مورد وقت فضیلت نماز جعفر طیار سؤال پرسیدند و اینکه آیا این نماز قنوت دارد و چنانچه دارد در کدام رکعت نماز باید خوانده شود؟

جواب: بهترین وقت برای خواندن نماز جعفر طیار نزدیک ظهر جمعه است و در اوقات دیگر نیز می شود آن را خواند. دوبار قنوت دارد: یکی در رکعت دوم

پیش از رکوع و دیگری در رکعت چهارم پس از رکوع.

۳۵- آیا هر دو پا را با هم می‌توان مسح کرد یا باید یکی پس از دیگری مسح شود

یعنی اول پای راست و سپس پای چپ؟

جواب: هر دو را با هم می‌توان مسح کرد و اگر خواست اول یکی را مسح

کند باید از پای راست شروع کند و بعد پای چپ را مسح نماید.

۳۶- در حال خواندن نماز اعم از واجب یا مستحب آیا گرداندن تسبیح جایز است

یا خیر؟

جواب: اگر می‌ترسد که اشتباه و سهو در رکعات نماز کند اشکال ندارد.

۳۷- آیا گرداندن تسبیح با دست چپ در وقت ذکر جایز است یا خیر؟

جواب: این عمل جایز است و در حقیقت حمد و ستایش برای آفریننده دو

جهان است.

۳۸- در مورد تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) سوال نموده‌اند که اگر اضافه گفت

تکلیف چیست؟ اشکالی ندارد و بر او چیزی نیست.

۳۹- کسی نماز ظهر را خواند و وارد نماز عصر شد و پس از اینکه دو رکعت از نماز

عصر را خواند یقین کرد نماز ظهر را دو رکعتی خوانده است تکلیف چیست؟

جواب: اگر در بین نماز، چیزی که نماز را باطل می‌کند انجام داده هر دو نماز

را اعاده کند و اگر انجام نداده دو رکعت اخیر را به نیت نماز ظهر بخواند. سپس

نماز عصر را اعاده کند.

۴۰- آیا مُحَرَّمٌ در حال احرام می‌تواند برای جلوگیری از بوی عرق به زیر بغل خود

«مرتک» یا «توتیا» بمالد؟ (توتیا نوعی از بوی خوش).

جواب: مانعی ندارد و توفیق از جانب خداوند است.

### سخنان نورانی بقیة الله الأعظم (عج):

(اللَّهُمَّ ارْزِنِي الطَّلَعَةَ رَشِيدَةً وَقُرَةَ الْحَمِيدَةِ).

(خداوندا جمال رشید و نورانی امام زمان (عج) را برای ما نمایان کن).

۱- براستی که علم ما بر اوضاع و اخبار شما احاطه دارد و هیچ یک از احوال شما بر ما پوشیده نیست.

۲- براستی که حق با ما و در دست ماست، غیر از ما هر کس این ادعا را به زبان آورد دروغگو و افترا زننده و گمراه گشته است.

۳- اگر نظر لطف و دعای ما نباشد، هر آینه شیعیان به دست دشمنان و یا توسط مشکلات خورد و شکسته خواهند شد.

۴- همانا بین خداوند و هیچ کسی خویشاوندی نیست و هر کس مرا منکر باشد پس از من نیست و سرنوشت او همچون پسر نوح خواهد بود. اگر در بهشت مؤمنی هوس فرزند کند خداوند برایش می آفریند بدون حمل و زایمان به هر شکلی که بخواهد همان طور که آدم ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ را برای عبرت آفرید.

۵- از فضائل تربت حضرت سید الشهداء ﴿عَلَيْهِ السَّلَام﴾ آن است که اگر تسبیح گلی تربتش را در دست بگیری و ذکر نگویی ثواب ذکر خواهد داشت.

۶- سجده بر قبر معصومین ﴿عَلَيْهِمُ السَّلَام﴾ جایز نیست بلکه میتوان طرف راست صورت را بر قبر گذاشت.

۷- کسی با ما در مقام ولایت مشاجره و منازعه نمی کند مگر آنکه ستمگر و معصیت کار باشد.

۸- گرفتن پول یا هر چیزی برای آوازه خوانی حرام می باشد.

۹- برای تعجیل در ظهور و فرج من بسیار دعا نمائید که در آن فرج شما



خواهد بود.

- ۱۰ - هیچ چیزی مثل نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد و او را خوار نمی‌کند.
- ۱۱ - حلال نیست برای هیچ کس تصرف در مال دیگری مگر با اجازه‌اش.
- ۱۲ - افضل وقت نماز جعفر طیار، پیش از ظهر جمعه است.
- ۱۳ - نفرین شده است کسی که نماز صبح را تأخیر بیندازد تا ستارگان ناپدید شوند.
- ۱۴ - سجده شکر بعد از نماز، ثواب دعا و تسبیح را دارد.
- ۱۵ - خدا حق را در بین اهل حق حفظ می‌نماید و آن را در جای خود مستقر می‌گرداند.
- ۱۶ - زمان ظهور مربوط به خداوند است و هر کس زمان آن را معین کند دروغ گفته است.
- ۱۷ - آگاه باشید زمین از امام و حجت خداوند خالی نمی‌شود خواه ظاهر و آشکار باشد و یا مخفی و پنهان.
- ۱۸ - هر کس در حق ما ظلم کند در جمله ظالمین خواهد بود و لعنت خداوند شاملش می‌گردد.
- ۱۹ - هنگامی که خروج می‌کنم هیچ قدرتی بر گردن من بیعتی و متشی ندارد.
- ۲۰ - اگر هدایت و رشد بخواهی ارشاد می‌شوی و اگر جویا شوی مییابی.
- ۲۱ - درهای سوال را از آنچه که مطلوب شما نیست ببندید.
- ۲۲ - من آخرین نفر از اوصیاء هستم، خداوند به وسیله من بلا را از شیعیانم بر طرف می‌گرداند.
- ۲۳ - به راستی که مقدرات خداوند متعال مغلوب نخواهد شد و اراده الهی مردود نگردد و چیزی بر توفیق او پیشی نگیرد.

- ۲۴ - سجده شکر از لازمت‌ترین و واجب‌ترین مستحبات است.
- ۲۵ - خودت را برای خدمت در اختیار مردم بگذار و محل نشستن خویش را در درب ورودی خانه قرار بده و حوائج مردم را برآور.
- ۲۶ - نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.
- ۲۷ - ظهوری نیست مگر به اجازه خداوند متعال و آن هم پس از زمانی طولانی و قساوت دلها و فراگیر شدن زمین از جور و ستم.
- ۲۸ - من باقیمانده از آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و خلاصه محمد (درود خدا بر همگی آنان باد) هستم.
- ۲۹ - جستجوی معارف از غیر طریق ما خاندان پیامبر ﷺ برابر با انکار ما خواهد بود.
- ۳۰ - همانا من برای مردم گیتی امان از عذابم.
- ۳۱ - ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم.
- ۳۲ - من به شما نصیحت می‌کنم که خداوند متعال شاهد من و شاهد اعمال شماست.
- ۳۳ - حق با ماست و از کناره‌گیری مردم به وحشت نمی‌افتیم.

### فهرست مندرجات

- وجود حجت خدا بر روی زمین در طول تاریخ بشریت ..... ۸
- تاریخچه مسجد جمکران ..... ۱۸
- تاریخچه مسجد جمکران به روایت دیگر ..... ۲۵
- طریقه ملاقات با امام زمان (عج) ..... ۲۸
- مهدی (عج) قطب عالم هستی و مراتب و مقامهای بعد از حضرت ... ۲۹
- شبهات‌های انبیاء علیهم‌السلام به حضرت مهدی (عج) ..... ۳۲
- شبهات حضرت خضر و الیاس نبی علیهم‌السلام به حضرت مهدی (عج) ... ۳۷
- عقیده فرقه‌های مختلف درباره مهدویت ..... ۴۵
- اسامی مقدس حضرت مهدی (عج) در مذاهب مختلف ..... ۴۹
- قسمتهایی از کتاب زیور حضرت داود نبی درباره حکومت آخرالزمان . ۵۰
- از کتب هندوها درباره حکومت آخرالزمان ..... ۵۲
- از کتاب دانیال نبی علیهم‌السلام از کتاب مقدس درباره حکومت آخرالزمان . ۵۳
- از کتاب تورات اشعیاء نبی علیهم‌السلام درباره حکومت آخرالزمان ..... ۵۴
- در کتاب انجیل عیسی مسیح علیهم‌السلام درباره حکومت آخرالزمان ..... ۵۶
- در کتاب انجیل یوحنا نبی علیهم‌السلام درباره حکومت آخرالزمان ..... ۵۷
- اسامی و القاب حضرت ولی عصر (روحی فدا) در کلام معصومین ... ۵۸
- قرآن و مهدویت ..... ۵۹
- نبوت و امامت در قاموس بشریت ..... ۶۰
- امامت از نظر روایات و عالم هورقلیا و امام زمان (عج) ..... ۶۲
- چگونگی اسارت نرجس خاتون مادر حضرت مهدی (عج) ..... ۶۵
- چگونگی ولادت حضرت مهدی (عج) ..... ۷۲
- ولادت حضرت مهدی (عج) به روایتی دیگر ..... ۷۴

- ۷۹ ..... روایات مختلف درباره ولادت حضرت مهدی (عج)
- ۸۱ ..... کسانی که حضرت مهدی (عج) را در خردسالی دیده‌اند
- ۸۴ ..... سن حضرت مهدی (عج) در آغاز امامت
- ۸۵ ..... عقیده علمای اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج)
- ۹۰ ..... داستان غیبت حضرت مهدی (عج)
- ۹۱ ..... غیبت صغری و ارتباط شیعیان با آن حضرت
- ۹۳ ..... تعداد نواب اربعه حضرت مهدی (عج)
- ۹۵ ..... نامه تسلیت حضرت مهدی (عج) به فرزند عثمان بن سعید عمری
- ۹۹ ..... نامه حضرت مهدی (عج) به حسین بن روح نوبختی
- ۱۰۰ ..... نامه حضرت مهدی (عج) به آخرین نایبش علی بن محمد سمی
- ۱۰۱ ..... شیخ مفید ارادتمند حضرت مهدی (عج)
- ۱۰۳ ..... یکی از عاشقان حضرت مهدی آیت الله العظمی طسوجی (ره)
- ۱۰۴ ..... سید بن طاووس ارادتمند حضرت مهدی (عج)
- ۱۰۶ ..... چرا از اول، غیبت صغری واقع نشد؟
- ۱۰۷ ..... فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج)
- ۱۰۹ ..... آیاتی از قرآن که دلالت بر علم امام زمان (عج) دارد
- ۱۱۳ ..... اثبات حقاقت حضرت مهدی (عج) طبق کتب آسمانی
- ۱۱۵ ..... منکران حضرت مهدی (عج) و جواب امام صادق (ع)
- ۱۱۷ ..... علت انکار کردن حضرت مهدی (عج) چیست؟
- ۱۱۸ ..... کسانی که می‌گویند حضرت مهدی (عج) سالها پیش شهید شده
- ۱۲۰ ..... خداوند قدرت حفظ مهدی (عج) را نداشت که حضرت غایب شد؟
- ۱۲۲ ..... چرا حضرت مهدی (عج) ظهور نمی‌کند؟
- ۱۲۴ ..... وظیفه مسلمانان در زمان غیبت چیست؟
- ۱۲۶ ..... فضیلت انتظار فرج حضرت مهدی (عج)

- ۱۳۲ ..... ثبات قدم شیعیان در اعتقاد به حضرت مهدی (عج)
- ۱۴۲ ..... مقام و پاداش کسانی که در اعتقاد خود راسخ هستند
- ۱۴۵ ..... آگاهی مهدی (عج) از اعمال شیعیان
- ۱۴۶ ..... نحوه بهره‌مند شدن مردم از حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت
- ۱۴۸ ..... قیام زید
- ۱۵۰ ..... چگونگی ظهور امام زمان (عج)
- ۱۵۰ ..... سرنوشت یهود و مسیحیان
- ۱۵۲ ..... چگونگی نشر اسلام از شهر قم
- ۱۵۳ ..... علائم غیر حتمی ظهور حضرت مهدی (عج)
- ۱۵۸ ..... علائم حتمی ظهور حضرت مهدی (عج)
- ۱۶۰ ..... پنج علامت حتمی در ظهور حضرت مهدی (عج)
- ۱۶۰ ..... قتل نفس زکیه
- ۱۶۱ ..... صدای آسمانی
- ۱۶۲ ..... خروج سفیانی
- ۱۶۵ ..... شخصیت سید حسنی
- ۱۶۷ ..... خروج یمانی
- ۱۶۸ ..... خسف بیداء
- ۱۶۹ ..... نمایان شدن ستاره دنباله‌دار
- ۱۷۱ ..... قیام ملت ترک برای یاری حضرت مهدی (عج)
- ۱۷۱ ..... روایاتی دیگر درباره خروج حضرت مهدی (عج) از مکه
- ۱۷۵ ..... ویژگی‌های خاص حضرت مهدی (عج)
- ۱۷۸ ..... سنت‌های رسول خدا درباره حضرت مهدی (عج)
- ۱۸۱ ..... محل ظهور حضرت مهدی (عج)

- دلیل آوردن حضرت مهدی (عج) بر حقانیتش با کتابهای آسمانی  
 همچون قرآن، انجیل، تورات و زبور داوود نبی ﷺ ..... ۱۸۲
- ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج) ..... ۱۸۶
- اجر یاوران حضرت مهدی (عج) ..... ۱۸۹
- نزول حضرت عیسی مسیح برای یاری حضرت مهدی (عج) ..... ۱۹۱
- تخلف ناپذیر بودن رجعت بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) ..... ۱۹۴
- رجعت در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) ..... ۱۹۶
- جهان در حکومت حضرت مهدی (عج) ..... ۲۰۳
- آیین حضرت مهدی (عج) ..... ۲۰۳
- دلائلی که حضرت مهدی (عج) با اجل طبیعی وفات می کند ..... ۲۰۴
- ملاقات حضوری شیعیان با حضرت مهدی (عج) ..... ۲۰۹
- جواب به سؤالات شیعیان توسط حضرت مهدی (عج) ..... ۲۱۹
- سخنان نورانی حضرت مهدی (عج) ..... ۲۲۴

## منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- کتاب نهج البلاغه سخنان مولای متقیان امیر المومنین علی (علیه السلام)
- ۳- نسخه خطی کتاب جامع الاثر فی حالات حجة ثانی عشر، مؤلف آیه الله العظمی حاج شیخ عباس طسوجی (رحمته الله)
- ۴- کتاب نجم الثاقب، مؤلف شیخ ابراهیم کفعمی (رحمته الله)
- ۵- کتاب دارالسلام، مؤلف شیخ محمود عراقی (رحمته الله)
- ۶- کتاب دیدنیهای قم، مؤلف حسین آوردی
- ۷- کتاب یکصد و چهل سخن، مؤلف حق جو
- ۸- کتاب نصایح اهل بیت (علیهم السلام)، مؤلف ابراهیم عباسی
- ۹- محض یار مهربان، درباره حضرت ولی عصر، مؤلف مهدی رشیدی.
- ۱۰- کتاب دادگستر جهان مؤلف ابراهیم امینی
- ۱۱- کتاب خصال شیخ صدوق (رحمته الله)
- ۱۲- کتاب بحار الانوار مؤلف علامه مجلسی (رحمته الله)
- ۱۳- کتاب معجم الاحادیث امام مهدی (عج)
- ۱۴- کتاب عیون الاخبار رضا (علیه السلام)
- ۱۵- کتاب فتوحات مکیه
- ۱۶- کتاب مقدمه ابن خلدون
- ۱۷- کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان (عج)
- ۱۸- کتاب اقوال الائمة
- ۱۹- کتاب مصلح آخر زمان مؤلف آیه الله سید حسن ابطحی
- ۲۰- کتاب تورات یهود
- ۲۱- کتاب انجیل مسیح

- ۲۲- کتب مذاهب هندوها مانند (کتاب شاکمونی - اسک - دید - و پاتیکل)  
۲۳- کتاب دادنک بودائیان  
۲۴- کتاب دانیال نبی ﴿علیه السلام﴾ از کتاب مقدس  
۲۵- کتاب تورات یهود از اشعیا نبی ﴿علیه السلام﴾  
۲۶- کتاب اول و دوم، پولس نبی به فرزندش تیموتائوس  
۲۷- کتاب انجیل، یوحنا نبی ﴿علیه السلام﴾  
۲۸- کتاب مطالب الثوول فی مناقب آل الرسول  
۲۹- کتاب تذکرة الخواص  
۳۰- کتاب فصول المهمه  
۳۱- کتاب مکیال المکارم  
۳۲- کتاب زکریای نبی ﴿علیه السلام﴾  
۳۳- کتاب صفیای نبی ﴿علیه السلام﴾ از عهد عتیق  
۳۴- کتاب حبقوق نبی ﴿علیه السلام﴾ از کتاب مقدس  
۳۵- کتاب زبور حضرت داود نبی ﴿علیه السلام﴾  
۳۶- کتاب احتجاج طبرسی ﴿علیه السلام﴾ فرمایشات حضرت ولی عصر (عج)  
۳۷- کتاب غیبت طوسی ﴿علیه السلام﴾  
۳۸- کتاب ظهور نور از کتاب شمس المزیئه مولف علی سعادت پرور  
۳۹- کتاب ذخائر العقبی  
۴۰- کتاب ینابیع الموده  
۴۱- کتاب سیاتک الذهب  
۴۲- تفسیر المیزان جلد ۵ مولف علامه محمد حسین طباطبائی ﴿علیه السلام﴾  
۴۳- کتاب صراط المستقیم  
۴۴- کتاب شریف من لایحضر الفقیه  
۴۵- کتاب اثبات الهداة، مؤلف شیخ حرّ عاملی ﴿علیه السلام﴾